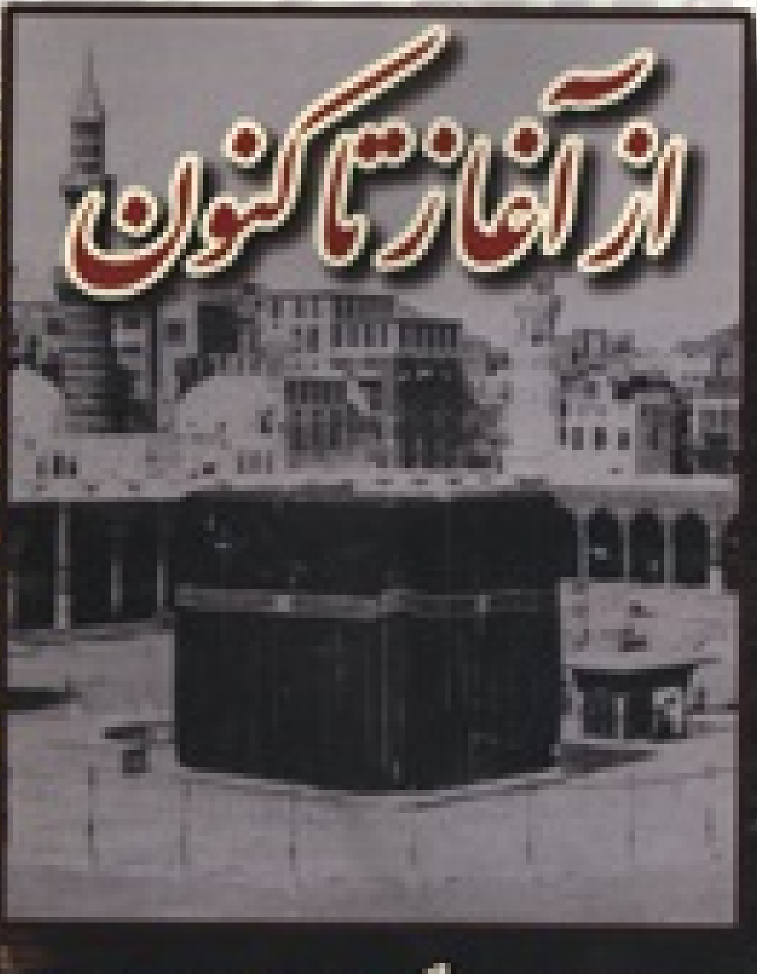
کعبه و جامهٔ آن

از آغاز تا کنون



مؤلف: دکتر محمد الدقن

ترجمه و تحقیق: دکتر هادی انصاری

بسم الله الرحمن الرحیم

کعبه و جامه آن از آغاز تاکنون

نویسنده:

محمد دقن

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

کعبه و جامه آن از آغاز تاکنون

مشخصات کتاب

سرشناسه : دقن، محمد

Diqin, Muhammad

عنوان و نام پدیدآور : کعبه و جامه آن از آغاز تا کنون/ مولف محمد الدقن؛ ترجمه و تحقیق هادی انصاری؛ [برای حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت].

مشخصات نشر : تهران: مشعر، ۱۳۸۳.

مشخصات ظاهری : ۳۰۳ ص.: مصور، جدول، نمونه.

شابک : ۱۵۰۰۰ریال ؛ ۱۵۰۰۰ریال: چاپ دوم ۹۶۴-۷۶۳-۵۴۳-۵ :

یادداشت : چاپ دوم: بهار ۱۳۸۴.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع : پرده کعبه

موضوع : کعبه -- تاریخ.

شناسه افزوده : انصاری، هادی، مترجم

شناسه افزوده : حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت

رده بندی کنگره : BP۲۶۲/۲/د۷ک۷ ۱۳۸۲

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۷۶۱

شماره کتابشناسی ملی : م۸۲-۳۱۷۲۵

ص:۱

اشاره

ص:۲

ص:۳

ص:۴۰

ص:۵

ص:۶

ص:۷

ص:۸

ص:۹

ص:۱۰

ص: ۱۱

پیشگفتار

سپاس خدای را که جهان و جهانیان، با همه شگفتی‌هایش، آفریده اوست.

خدایی که روح را در کالبد انسان دمید و آدمی را با دادنِ عقل، از دیگر موجودات برتر ساخت و اشرف مخلوقاتش قرار داد.

آنگاه انسان را علم و معرفت آموخت و قلم را وسیله نوشتن و انتقال اندیشه‌ها قرار داد و آن را چنان ارج نهاد که بدان سوگند یاد کرد!

درود بی‌پایان بر سرور کائنات، سید اولین و آخرین، حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله.

سلام بر جانشین بر حقش حضرت علی بن ابی‌طالب، امیر مؤمنان علیه السلام.

سلام بر سرور زنان عالم، صدیقه کبری حضرت زهرا علیها السلام.

سلام بر امامان معصوم علیهم السلام.

و سلام بر حضرت ولی عصر ارواحنا فداه.

مکه، مقدس‌ترین شهر مذهبی جهان است و کعبه گرچه از نظر جغرافیای طبیعی، در جزیرة العرب واقع شده، لیکن در قلب مسلمانان جای دارد. هر مسلمان در شبانه روز، سه یا پنج نوبت به سوی آن نماز می‌گزارد و پس از مرگ نیز در آرامگاه ابدی خویش، به سوی آن می‌آرمد.

خداجویان و یکتاپرستان، از آغاز پیدایش کعبه و به هنگام هبوط حضرت

ص: ۱۲

آدم علیه السلام به زمین، همواره درآن به پرستش پروردگار می‌پرداخته‌اند.

چه بسیار از پیامبران رو به سوی این سرزمین نهاده در کنار کعبه به عبادت خداوند پرداختند و سرانجام در جوار آن به خاک سپرده شدند.

کعبه از دیرباز به عنوان خانه امن الهی در میان امت‌ها شناخته می‌شد و هنگامی که بر اثر طوفان نوح علیه السلام از میان رفت، جایگاه آن، که به صورت تپه‌ای سرخ رنگ بود، پیوسته پناهگاه خداجویان و یکتاپرستان بود.

درباره چگونگی ساخت و بنای آن، درکتابهای تاریخی، مطالب فراوان و گوناگونی آمده است. اکنون در این نوشتار برآنیم روایات و احادیثی را که می‌توان بر آن تکیه کرد و یا فرموده‌های معصومین علیهم السلام در این باره را از نظر شما خوانندگان گرامی بگذرانیم و به دنبال آن، ترجمه نوشتاری ارزشمند از دکتر محمد الدقن را، که از تبار مصریان بوده، تقدیم شما کنیم.

گفتنی است وی نخستین کسی است که به تحقیق ارزنده درباره «جامه کعبه در طول تاریخ» پرداخته و چگونگی و تغییرات آن از زمان حضرت ابراهیم علیه السلام تاکنون را به رشته تحریر در آورده است.

او خود از کارگاه جامه بافی قدیم، که در خرنفش قاهره بوده، بازدید کرده و قسمت‌های جالب توجهی از آن را به قلم آورده است.

سپس در پایان، چگونگی بافت آن در کارگاه جامه بافی کنونی در مکه را که به نام «امّ الجود» است شرح می‌دهد. لازم به گفتن است که این ترجمه پیش از این با عنوان «جامه کعبه در طول تاریخ» در فصلنامه «میقات حج» به چاپ رسیده است.

وما توفیقی إلّا باللّه العلیّ العظیم.

هادی انصاری

اول محرم ۱۴۲۳ مطابق با ۱۴/ ۱۲/ ۸۱

ص: ۱۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ وَ إِذْ یَرْفَعُ إِبْراهِیمُ الْقَواعِدَ مِنَ الْبَیْتِ وَ إِسْماعِیلُ رَبَّنا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّکَ أَنْتَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ* رَبَّنا وَاجْعَلْنا مُسْلِمَیْنِ لَکَ وَمِنْ ذُرِّیَّتِنا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَکَ وَأَرِنامَناسِکَنا وَتُبْ عَلَیْنا إِنَّکَ أَنْتَالتَّوَّابُ الرَّحِیمُ* رَبَّنا وَابْعَثْ فِیهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ یَتْلُوا عَلَیْهِمْ آیاتِکَ وَ یُعَلِّمُهُمُ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَةَ وَ یُزَکِّیهِمْ إِنَّکَ أَنْتَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ (بقره: ۱۲۷- ۱۲۹)

وَ إِذْ قالَ إِبْراهِیمُ رَبِّ اجْعَلْ هذَا الْبَلَدَ آمِناً وَ اجْنُبْنِی وَ بَنِیَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنامَ* رَبِّ إِنَّهُنَّ أَضْلَلْنَ کَثِیراً مِنَ النَّاسِ فَمَنْ تَبِعَنِی فَإِنَّهُ مِنِّی وَ مَنْ عَصانِی فَإِنَّکَ غَفُورٌ رَحِیمٌ* رَبَّنا إِنِّی أَسْکَنْتُ مِنْ ذُرِّیَّتِی بِوادٍ غَیْرِ ذِی زَرْعٍ عِنْدَ بَیْتِکَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنا لِیُقِیمُوا الصَّلاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِی إِلَیْهِمْ وَ ارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَراتِ لَعَلَّهُمْ یَشْکُرُونَ (ابراهیم: ۳۵- ۳۷)

ص: ۱۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ وَ إِذْ بَوَّأْنا لِإِبْراهِيمَ مَكانَ الْبَيْتِ أَنْ لا تُشْرِكْ بِي شَيْئاً وَ طَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقائِمِينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ* وَ أَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجالًا وَ عَلى كُلِّ ضامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ* لِيَشْهَدُوا مَنافِعَ لَهُمْ وَ يَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَعْلُوماتٍ عَلى ما رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعامِ فَكُلُوا مِنْها وَ أَطْعِمُوا الْبائِسَ الْفَقِيرَ* ثُمَّ لْيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَ لْيُوفُوا نُذُورَهُمْ وَ لْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ* ذلِكَ وَ مَنْ يُعَظِّمْ حُرُماتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ ... (حج: ۲۶- ۳۰)

لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنا مَنْسَكاً هُمْ ناسِكُوهُ فَلا يُنازِعُنَّكَ فِي الْأَمْرِ وَ ادْعُ إِلى رَبِّكَ إِنَّكَ لَعَلى هُدىً مُسْتَقِيمٍ (حج: ۶۷)

إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبارَكاً وَ هُدىً لِلْعالَمِينَ* فِيهِ آياتٌ بَيِّناتٌ مَقامُ إِبْراهِيمَ وَ مَنْ دَخَلَهُ كانَ آمِناً وَ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَ مَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعالَمِينَ (آل عمران: ۹۶ و ۹۷)

ص: ۱۵

بنا و ساختمان کعبه

اشاره

ص: ۱۶

ص: ۱۷

کعبه در آغاز

خانه خدا را، از آن جهت که خانه‌ای مربع شکل است، «کعبه» نام نهاده‌اند. مفسران کعبه را بدین نام خوانده‌اند؛ زیرا که آن مربع است و در برابر بیت المعمور در آسمان که آن هم مربع است، قرار دارد و بیت المعمور نیز در مقابل عرش الهی است که آن نیز مربع شکل می‌باشد. (۱) ۱ پروردگار متعال می‌فرماید:

إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِی بِبَكَّةَ مُبارَكاً وَ هُدیً لِلْعالَمِینَ* فِیهِ آیاتٌ بَیِّناتٌ مَقامُ إِبْراهِیمَ وَ مَنْ دَخَلَهُ كانَ آمِناً وَ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَیْتِ مَنِ اسْتَطاعَ إِلَیْهِ سَبِیلًا وَ مَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِیٌّ عَنِ الْعالَمِینَ (۲) ۲

«نخستین خانه‌ای که برای انسانها (و نیایش خداوند) قرار داده شد، همان است که در سرزمین مکه است؛ که پربرکت و مایه هدایت جهانیان است.

در آن نشانه‌های روشن، (از جمله) مقام ابراهیم است؛ و هرکس بدان وارد شود، در امان خواهد بود و برای خدا بر مردم است که آهنگ خانه (او) کنند، آن‌ها که توانایی رفتن به سوی آن دارند. و هر کس کفر ورزد (و حج را ترک کند، به خویش زیان رسانیده)، خداوند از همه جهانیان، بی‌نیاز است.»

۱- منهج الصادقین، ملافتح اللّه کاشانی، ج ۱، ص ۳۶۶

۲- آل عمران: ۹۶ و ۹۷

ص: ۱۸

ابوالولید (۱) ۳ از علی بن هارون بن مسلم عجلی، از پدرش، از قول قاسم بن عبدالرحمان انصاری نقل می کند که وی گفت:

« (حضرت) محمد بن علی بن الحسین علیهم السلام برای من نقل کرد که همراه پدرم علی بن الحسین (زین العابدین علیه السلام) در مکه بودم درحالی که پدرم مشغول طواف بر گِردِ کعبه بود و من در پشت سر او حرکت می کردم، ناگاه مردی با قامتی کشیده، دست بر دوش پدرم نهاد، پدرم روی خود را به سوی او کرد و او خطاب به پدرم گفت:

ای پسر دختر پیامبر اسلام، سلام بر تو باد،! از تو پرسشی دارم. پدرم سکوت کرد. من به همراه آن مرد همچنان به دنبال پدرم حرکت می کردیم، تا اینکه هفت دور طواف او به پایان رسید و به حجر اسماعیل رفت و در زیر ناودان به نماز ایستاد. من و آن مرد همچنان پشت سر پدرم بودیم تا اینکه نماز طواف را به پایان رسانید سپس روی خویش را به سوی من گردانید و من به طرفش رفته در کنارش نشستم. فرمود: ای محمد! سؤال کننده کجا رفت؟ من به آن مرد اشاره کردم و او آمد و در برابر پدرم نشست. پدرم خطاب به وی فرمود: از چه می‌پرسی؟ گفت: می‌خواهم درباره آغاز این خانه و چگونگی طواف به دور آن بپرسم که چرا و از چه زمانی و چگونه و کجا بوده است؟ پدرم فرمود: بسیار خوب، تو اهل کجایی؟ گفت: از شام هستم. فرمود: در چه منطقه‌ای از شام سکونت داری؟ گفت: در بیت المقدس، فرمود: آیا تورات و انجیل را مطالعه کرده‌ای؟ گفت: آری. پدرم فرمود: ای برادر شامی، با دقت به سخنانم گوش کن و آن را به خاطر بسپار و سپس از من به حق و درستی روایت کن. آغاز طواف بر این خانه چنین بود که: چون خداوند- عزّوجلّ- به فرشتگان فرمود: می‌خواهم در زمین خلیفه‌ای قرار

۱- ابوالولید محمد بن عبداللّه بن احمد بن محمد (دح ۲۵۰ ه. ق./ ۸۶۴ م) از زندگی وی چندان آگاهی دردست نیست و شهرتش به سبب گرد آوری کتاب اخبار مکه می‌باشد.

وی علاوه بر جدش، از کسانی چون علی بن هارون بن مسلم عجلی، مهدی بن ابی مهدی، محمد بن ابی عمر عَدَنی که از بزرگان موثق مکه بودند، حدیث شنید. برای آگاهی بیشتر مراجعه کنید به دائرة المعارف بزرگ شیعه، ج ۸، ص ۳۷

ص: ۱۹

دهم، فرشتگان گفتند:

«خدایا! خلیفه‌ای غیر از ما؟ از کسانی که درزمین ظلم کرده و خون می‌ریزند و به یکدیگر حسد و خشم و ستم می‌ورزند؟ پروردگارا! آن خلیفه را از ما قرار ده که ما در زمین تباهی نکرده و رشک نمی‌ورزیم و خشم و ستم به یکدیگر نمی‌کنیم و تنها تو را می‌ستاییم و تسبیح می‌گوییم و تو را تقدیس می‌کنیم و فرمانبردار تو بوده و، از فرمانت سرکشی نمی‌کنیم.»

خداوند متعال فرمود: «من آنچه را که شما نمی‌دانید می‌دانم».

فرشتگان تصور کردند آنچه که درجواب خداوند گفته‌اند، ردّ فرمان او بوده و خداوند از گفته آنان به خشم آمده است. آنان به عرش خداوند پناه بردند و از بیم خشم او گریستند و سه ساعت گرد عرش خداوند طواف کردند. خداوند به ایشان نگریست و رحمت خویش را بر ایشان نازل گردانید و در زیر عرش خود، خانه‌ای بر چهار ستون از زَبَرجَد بنا کرد و آن را به وسیله یاقوت سرخ پوشانید. آن خانه به «ضراع» نامبردار گردید. آنگاه خداوند به فرشتگان فرمود:

«عرش را رها کرده، گِرد این خانه طواف کنید».

گوید: پس فرشتگان از آن به بعد گرد آن خانه طواف می‌کردند و برای آنان طواف به دور آن، آسان‌تر از طواف بر عرش بود و آن همان بیت المعمور می‌باشد که خداوند از آن نام برده است (۱) ۴. در هر شبانه روز هفتاد هزار فرشته بدان وارد گشته و طواف می‌کند و خارج می‌شوند و دیگر هرگز بدانجا باز نمی‌گردند.

آنگاه خداوند فرشتگان را به زمین گسیل داشت و فرمان داد که برای من خانه‌ای در زمین همچون این خانه بسازید و خداوند به خلق خود در زمین فرمان داد که بر گِرد این خانه طواف کنند همچنانکه فرشتگان و اهل آسمان بر بیت المعمور طواف می‌کنند.

آن مرد گفت: ای فرزند دختررسول خدا صلی الله علیه و آله درست فرمودی. آری، این چنین بوده است (۲) ۵.

۱- طور: ۴

۲- جامع احادیث الشیعه، کتاب حج، ج ۱۰، صص ۳ و ۴

ص: ۲۰

در جای دیگر نیز ازمحمد بن منکدر روایت کرده است که گفت:

«نخستین کاری که آدم علیه السلام به هنگام فرود آمدن از آسمان به زمین انجام داد، همانا طواف بر گرد خانه بود. پس فرشتگان در طواف با او برخورد نموده، گفتند: ای آدم، حج تو مقبول باد،! همانا ما دو هزار سال پیش از تو، بر این خانه طواف کرده‌ایم.»

و نیز از ابن عباس روایت کرده است که گفت:

«آدم علیه السلام حج گزارد و بر گرد خانه هفت بار طواف کرد. فرشتگان او را در طواف دیدند و گفتند: ای آدم، حج تو مقبول باد،! ما دو هزار سال پیش از تو، بر این خانه حج گزارده‌ایم. آدم علیه السلام پرسید: شما در طواف خود چه می‌گویید؟ گفتند: ما چنین می‌گوییم: «سبحان اللَّه و الحمد لله و لا إله إلّا اللَّه و اللَّه اکبر».

آدم علیه السلام گفت: «و لا حول و لاقوّة إلّا بالله» را بدان اضافه کنید. فرشتگان نیز چنین کردند. سپس ابراهیم علیه السلام پس از آنکه خانه را ساخت و به طواف بر گرد آن مشغول شد، فرشتگان در حال طواف به او برخورد نمودند و سلامش کردند.

ابراهیم علیه السلام پرسید: شما در طواف خود چه می‌گویید؟ گفتند: پیش از روزگار آدم علیه السلام «سبحان اللَّه و الحمد لله و لا إله إلّا اللَّه و اللَّه اکبر» می‌گفتیم و چون به آدم علیه السلام گفتیم، فرمود: کلمات «و لا حول و لا قوّة إلّا بالله» را هم به آن اضافه کنید. ابراهیم علیه السلام فرمود: بر آن «العلیّ العظیم» را هم بیفزایید، پس فرشتگان چنین کردند.

از کعب نقل شده است که:

«خداوند فرشته‌ای به سوی آدم علیه السلام فرستاد و محل خانه و حدود آن را به وی نشان داد و به او دستور بنیاد کعبه را داد. خانه کعبه نخستین ساختمانی است که بر روی زمین بنا گردیده است.» (۱) ۶

۱- ابن رسته، الاعلاق النفیسه، ص ۲۴

ص: ۲۱

ابن عباس گوید:

«آدم علیه السلام اولین کسی بود که خانه را بنا نهاد و در آن نماز گزارد (۱) ۷.

و از امام باقر علیه السلام هم منقول است که:

«خداوند فرشتگان را فرو فرستاد و امر نمود که برای او در روی زمین خانه‌ای همانند بیت المعمور بنا کند.» (۲) ۸ همچنین از حضرت جعفر بن محمد علیهما السلام نیز روایت شده است که:

«کعبه به جای بیت المعمور می‌باشد.» (۳) ۹ از ابن عباس نیز روایت شده است که گفت:

«کعبه درمقابل بیت المعمور و در زیر آن قرار دارد؛ به طوری که اگر از بیت المعمور چیزی فرو افتد، نمی‌افتد مگر بر روی کعبه.» (۴) ۱۰ همچنین از کعب نقل شده است که:

«بیت الحرام در زیر بیت المعمور واقع است؛ آن چنانکه اگر سنگی از بیت‌المعمور بیفتد، بر روی بام کعبه می‌افتد.» (۵) ۱۱ دومین بار که کعبه ساخته شد، به وسیله آدم علیه السلام بود. ازرقی در کتاب تاریخ خود آورده است:

«ابوالولید از قول پدر بزرگ خویش، از سعید بن سالم، از طلحهٔ بن عمرو حضرمی، از عطاء بن ابورباح از ابن عباس نقل می کند که گفت:

چون خداوند، آدم علیه السلام را از بهشت به زمین فرستاد، آدم گفت: پروردگارا! برای

۱- ازرقی، اخبار مکه، صص ۷- ۱۰

۲- منهج الصادقین، ملافتح اللَّه کاشانی، ج ۱، ص ۳۸۰؛ «تفسیر مفاتیح الغیب»، فخر رازی، ج ۳، ص ۶

۳- ابن رسته، الاعلام النفیسه، ص ۲۴

۴- ازرقی، اخبار مکه، ص ۱۸

۵- ابن رسته، الاعلاق النفیسه، ص ۲۴

ص: ۲۲

من چه حادثه رخ داده است که دیگر صـدای فرشـتگان را نمی‌شـنوم و وجود آنان را در اطراف خود احساس نمی‌کنم؟ ندا آمد که ای آدم، این نتیجه اشـتباه و خطـای تو است ولی برو و برای من خـانه‌ای بسـاز و بر گِرد آن به طواف بپرداز و مرا یاد کن؛ همانگونه که فرشتگان رفتار می‌کنند و بر گرد عرش من می‌گردند.

آدم علیه السـلام گام برداشتن آغاز کرد؛ به طوری که زمین برای او در نوردیده شد تا اینکه به مکه رسید. جبرئیل علیه السلام با بال خود بر زمین زد و پایه مسـتحکمی در پایین‌ترین نقطه زمین برای آدم آشـکار گردیـد و فرشـتگان سـنگ‌هایی در آن قرار دادند که سی مرد یارای برداشـتن قطعه‌ای از آن را نداشت! آدم علیه السلام بیت الحرام را از سنگ‌های پنج کوه «لبنان» و کوه «طور زیتا» (۱) ۱۲ و «طور سینا» و «جودی» و «حِرا» ساخت تااینکه همسطح زمین گردید. (۲) ۱۳ ابوالبختری ازمالك بن انس و او از زید بن اسلم روایت کرده است که:

«چون آدم از بهشت رانـده شـد و در سـرزمین هنـد فرود آمـد، برای بهشت دلتنـگ گردیـد و از خـدا خواست که جایگـاهی به وی عنایت فرمایـد تا او در آنجا به عبادت پروردگار بپردازد. خداونـد وحی کرد که به سوی مکه حرکت کنـد، در این سـفر به هر منزل که می‌رسـید، آن را آبـاد می‌دیـد تـا اینکه به مکه رسـید.» (۳) ۱۴ ابوالولیـد از مهـدی بن ابی المهـدی، از اسـماعیل بن عبـدالکریم صنعانی، از عبدالصمد بن معقل و او از وهب بن منبّه نقل می‌کند که:

«چون خداونـد توبه آدم علیه السـلام را پذیرفت، فرمان داد به مکه رود. پس زمین برای او طی شد و بیابان‌ها را با یک گام و آبها و دریاها را نیز همینگونه طی می‌کرد و به

۱- نـام کوهی است که بر فراز آن درخت زیتونی قرار دارد. این کوه در کنار پل خابور و نزدیك رأس العین‌است. این کوه یکی از جایگاه‌های مبارك بیت المقدس به شمار می‌آید. نک: یاقوت، معجم البلدان، ج ۶، ص ۶۸

۲- ازرقی، اخبار مکه، ص ۹

۳- ملافتح اللّه کاشانی، منهج الصادقین، ج ۱، ص ۳۸۱ و نیز نک: فخر رازی، مفاتیح الغیب، ج ۷- ۸، بخش هفتم، ص ۱۵۴

ص: ۲۳

هر نقطه‌ای که قدم می‌گذاشت آبادانی وعمران پدید می‌آمد تا اینکه به مکه رسید.

پیش از آن، انـدوه و گریه‌اش بسیار شـده بود و فرشـتگان از اندوه او اندوهگین و از گریه‌اش گریان می‌شدند. خداوند با فرسـتادن خیمه‌ای ازخیمه‌های بهشت، دلداری‌اش داد و آن را در مکه جایگاه کعبه، پیش از آن که کعبه‌ای ساخته شود، قرار داد. آن خیمه از یاقوت‌هـای سرخ بهشتی و در آن سه قنـدیل زرّین از زرهـای بهشـتی بـود؛ به طـوری که پرتـوی از پرتوهـای بهشت از آن خـارج می‌گردید. حجر الأسود را هم با همان خیمه فرو فرستاد، درحالی که یاقوتی سفید از بهشت بود.

رکن در آن حال، جایگاهی بود که آدم علیه السـلام بر آن می‌نشـست. چون آدم علیه السلام ساکن مکه شد، فرشتگان آن خیمه را پـاس داشـتند و دیگر ساکنـان زمین آن روز را که از جن و شـیاطین بودنـد، از نزدیـک شـدن به آن دور می‌کردنـد؛ زیرا برای آنان سزاوار نظر کردن به چیزی از بهشت نبـود. چون هر کس به چیزی از بهشت نظر افکنـد، بهشت بر او واجب می‌گردد و زمین در آن روزگـار پاک و منزه بود و آلودگی به خود ندیـده و خونی در آن ریخته نشـده بود، همچنانکه خطایی در آن صورت نگرفته بود و بدین سـبب خداوند زمین را جایگاه فرشتگان قرار داده بود و آنان همچنان که در آسمان بودند در زمین به ذکر و تسبیح پروردگار پرداختنـد و بـدان سـستی نمی‌ورزیدنـد. آنان به صورت صـفی واحد، درکنار نشانه‌های حرم به صورت دایره، حرم شـریف را در بر گرفته و ایستاده بودند؛ به طوری که منطقه حِلّ (۱) ۱۵ را در پشت سـر خود و منطقه حرم را در پیش روی خویش قرار داده بودند.» (۲) ۱۶ خداوند عزّوجلّ ورود حوا به حرم را، به سبب خطایی که کرده بود حرام نمود؛ همچنانکه نظر به خیمه آدم را نیز بر او حرام گردانید و این وضع همچنان ادامه داشت تا اینکه قبض روح گردید. هرگاه آدم قصد آن را داشت که حوا را ببیند و با او درآمیزد و فرزندی به وجود آورد، از تمامی منطقه حرم خارج شده و او را می‌دید.

خیمه آدم، تا به هنگام قبض روح آن حضرت همچنان در آن نقطه قرار داشت. پس

۱- منطقه حِلّ شامل مناطقی است که خارج از دایره حرم قرار گرفته است.

۲- جامع احادیث الشیعه، کتاب حج، ج ۱۰، صص ۹ و ۱۰

ص: ۲۴

از آنکه خداوند جان آدم را گرفت، آن خیمه را هم بالا برد. فرزندان آدم علیه السلام درجایگاه آن خیمه، خانه‌ای از سنگ و گِل به وجود آوردند و همواره این خانه بر قرار و پایدار بود و هرکس ازپس ایشان می‌آمد، خانه را تجدید می‌کرد (۱) ۱۷، تا اینکه در دوران حضرت نوح علیه السلام آب آن را پوشانید و غرق کرد؛ به طوری که جایگاه آن، ازنظرها محو و ناپدید گردید.

مجاهد می‌نویسد:

«به دنبال طوفان نوح علیه السلام خانه از میان رفت و جای آن ناپدید شد. وضع تا دوران حضرت ابراهیم علیه السلام همینگونه بود. جای یاد شده، به صورت تپه‌ای سرخ، با پوششی از خاک‌های غیرقابل نفوذ آب، بود. در آن هنگام مردم آن جا را می‌شناختند و مظلومان و پناهندگان، از اطراف بدان روی می‌آوردند و هر کس که گرفتار محنت و بلایی بود، به آنجا روی آورده، دعا می‌کرد. دعا در آنجا بیشتر مستجاب بود و پیوسته مردم جهت حج به مکه می‌آمدند و جای خانه را زیارت می‌کردند ولی کسی در آن توقف نمی‌کرد. خداوند آن هنگام که بنای تجدید خانه و اظهار دین و تعظیم شعایر را اراده کرد، آن را جایگاه ابراهیم علیه السلام قرار داد.» (۲) ۱۸ در این باره همچنین آمده است:

«در فاصله میان دوران حضرت نوح و حضرت ابراهیم علیهما السلام آن هنگام که خانه فرو ریخت، هر گاه بلا و سختی به مردم روی می‌آورد واز خدا طلب فرج و گشایش می‌کردند، تقاضای آنها- چه خداپرستان و چه مشرکان- در جایی از مسجد الحرام انجام می‌شد.

از این رو دره مکه همواره به وسیله اجتماع انبوهی از مردم، که از نظر دینی با یکدیگر اختلاف داشتند ولی همه در بزرگداشت خانه خدا هم سخن بودند، پوشیده می‌شد. گفته‌اند که از جمله این مراسم، دعای فرستادگان قوم عاد بود؛

۱- جامع احادیث الشیعه، کتاب حج، ج ۱۰، ص ۱۳

۲- ابن رسته، الاعلاق النفیسه، ص ۲۶

ص: ۲۵

آن هنگـام که آنـان گروهی را در سالی که قحطی بـدانان روی آورده بود، برای طلب باران به مکه اعزام نموده بودنـد. قوم عاد در شهری که دارای سـتونهایی بود (ذات العماد) می‌زیسـتند. این شـهر در میان شن‌های روان بنا شـده بود و به نام فرمانروای آنان «إرم» خوانـده می‌شـد. ایـن شـهر بنـابر به گفته برخی، در شـرق عـدن قرار داشـته است. سـاکنین این شـهر در دژهـا زنـدگی می‌کردنـد و پرستشـگاه‌های ایشـان بر قلّه کوه‌ها بنا گردیـده بود. آنان در نتیجه گناهانی که مرتکب شـده بودنـد، به خشم الهی گرفتار آمدنـد و چنـدین سال باران برایشان نباریـد. از این رو نماینـدگانی را به مکه فرسـتادند تا در جایگاه مخصوص آن دعا کننـد و باران رحمت الهی برایشان نازل شود.

ایـن فرسـتادگان در خانه‌هـای مکـه، کـه بـا آنـان همپیمـان بودنـد، به عیش و عشـرت پرداختنـد و به بـاده گسـاری و لـذّت بردن از رامشـگری کنیزکان غزل خوان مشـغول شدنـد. پس ازگـذشت یک ماه، میزبانان خسـته شده، رامشـگران را واداشـتند تا سـرودهایی بخواننـد و بنوازنـد که دیدار کنندگان را به یاد هدف خود از مکه بیندازد و چون چنین شد، بزرگِ نمایندگان به درّه مکه فرودآمد و در حرم کعبه برای درخواست باران به تضـرّع پرداخت. در آن هنگام که مشـغول نیایش بود، پاره‌های ابری بر بالای سر او پدیدار گردیـد. وی یکی از پـاره ابرهـا را، کـه بـه نظر می‌رسـید پربـارتر است، درخـاطر گرفت و از خداونـد درخـواست نمـودکه آن را به سرزمیـن وی روانـه سـازد. سـرنوشت آن بـود کـه قـوم عـاد از عـذاب خداونـد نجـات نیابنـد و به همین جهت پـاره ابری که بزرگ نماینـدگان برگزیـده بـود، آکنـده از گِردبـاد بـود. مـدت هفـت شـبانه روز این گردبـاد، شـنها را بر شـهر ارم و مردم آن فروریخت. نمایندگان هنوز در مکه بودند و از آنچه که بر سر قومشان آمده بود، آگاهی نداشتند تا اینکه در شبی مهتابی، سواری به نزد ایشان آمد و از آنچه که بر سر قوم عاد رفته بود، آگاهشان ساخت». (۱) ۱۹ عروهٔ بن زبیر نیز نقل کرده است:

«... زمین توفانی شد و سپس فرو نشست، خانه در جایگاهی بلند و رفیع

۱- امل اسین، مکه مکرمه، مدینه منوره، ص ۲۷

ص: ۲۶

و قرمزرنگی، که مکان آن را همه می‌شناختند، قرار داشت. در این هنگام خداوند هود را به سوی قوم عاد فرستاد و او تا پایان عمر مشغول ارشاد و هدایت ایشان بود و حج خانه نکرد، تا اینکه خداوند آن را جایگاه ابراهیم علیه السلام قرار داد. او خانه را زیارت کرد و اعمال آن را می‌دانست و مردم را دعوت به حج نمود. از این پس تمام پیامبران، خانه را زیارت می‌کردند». (۱) ۲۰ ابوالولید از قول مهدی بن ابی المهدی از عبدالرزاق (صنعانی) از عمر بن بکار از وهب بن منبه از ابن عباس نقل می‌کند که:

«جبرئیل علیه السلام به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و ایستاد. جامه‌ای سرخ بر تن داشت که بر آن گرد و خاک نشسته بود. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای روح الأمین، این گرد و خاک چیست که بر جامه تو می‌بینم؟ گفت: خانه کعبه را زیارت کردم، فرشتگان کنار رکن ازدحام کرده بودند، این گرد و خاک که می‌بینی از برخورد بال‌های ایشان با زمین است». (۲) ۲۱ و نیز در «تاریخ الخمیس» (۳) ۲۲ اینگونه آمده است:

«ابن عباس روایت کرده که خداوند- تبارک و تعالی- به آدم علیه السلام وحی نمود که:

من دارای حرمی در امتداد عرش خود هستم، پس به آنجا برو و برایم خانه‌ای بساز، آنگاه اعمالی را که فرشتگان در اطراف عرش من به جا می‌آورند، تو نیز گِرد آن انجام ده. آنجا مکانی است که تو و آن دسته از فرزندانت را که در اطاعت و سرسپردگی به من باشند، مورد رحمت و مغفرتم قرار می‌دهم. آدم گفت: ای پروردگار من! چگونه این کار را انجام دهم در حالی که نه در توان من است و نه راهنمایی بر آن مکان دارم.

پس خداوند فرشته‌ای فرستاد تا آدم علیه السلام را به مکه راهنمایی کند. آن دو، راهیِ

۱- ازرقی، اخبارمکه، ص ۲۸

۲- ازرقی، اخبار مکه، ص ۲۸

۳- تاریخ الخمیس فی احوال انفس نفیس، حسین بن محمدالحسن دیار بکری کردی، ج ۲، ص ۱۲۱

ص: ۲۷

مکه شدند. در میان راه، هرگاه به مناطق سرسبز و یا زیبایی برخورد می‌کردند که نگاهها را جلب می‌کرد، به فرشته می‌گفت: در همین جا فرود آییم؛ زیرا آن مکان همین جا است! فرشته بدو می‌گفت: آن مکان در پیش روی تو است. تا اینکه وارد مکه شدند، پس خانه کعبه را از پنج کوه «سینا»، «حِرا»، «زیتا»، «لبنان» و «جودی» بنا کرد.

در روایت وهب بن منبه، به جای کوه «لبنان» و «جودی»، دو کوه «ثبیر» و «احد» آمده است؛ کوههایی که آدم صلی الله علیه و آله از سنگ آنها برای ساختن کعبه استفاده کرد.

هنگامی که حضرت آدم علیه السلام تصمیم گرفت کعبه را بنا کند، جبرئیل علیه السلام نازل شد و دو بال خود را بر اساس ثابتی از زمین زد که در نتیجه، سنگها از آن جدا شد و سپس توسط فرشتگان به سوی محل کنونی کعبه حمل گردید. این سنگها چنان عظیم و سنگین بودندکه هر یک از آنها را سی نفر هم نمی‌توانستند حمل کنند.

تاریخ ازرقی، در این زمینه می‌نویسد:

«این سنگها، از پنج کوه جدا شدند: «لبنان»، «طور زیتا»، «طور سینا»، «جودی» و «حِرا».

ثعالبی گفته است:

«طور زیتا» و «طور تیناء» دو کوه هستند که در بیت المقدس قرار گرفته‌اند و «لبنان» کوهی درنزدیکی شام است که بدان کوه «اولیاء» گفته می‌شود». (۱) ۲۳ همچنین در «مختار الصحاح» نوشته ثعالبی آمده است:

«جودی، کوهی است درجزیره «موصل» (۲) ۲۴ که کشتی حضرت نوح پس از طوفان

۱- برگرفته از کتاب خطی «عامود النسب» نوشته ثعالبی.

۲- برخی از صاحبنظران، کوه جودی را همان کوه آرارات دانسته‌اند که درشرق کشور ترکیه کنونی واقع‌است و قلّه آن از نقاط مرزی شمال غربی ایران در فاصله میان دو کشور ایران و ترکیه قابل رؤیت است.

ص: ۲۸

بر روی آن لنگر انداخت. اما «طور سینا» در مصر و «حِرا» در مکه است».

در کتاب «نهایهٔ الأرب فی فنون الأدب»، نوشته نویدی، در این باره آمده است:

«عبداللَّه عمر گفت: چهار کوه نزد خداوند مقدس است:

«طور تینا»، «طور زیتا»، «طور سینا» و «طور تیمانا». اما طور تینا در مشق است و طور زیتا در بیت المقدس و طور سینا همان کوهی است که حضرت موسی علیه السلام بر آن قرار گرفت و اما طور تیمانا در مکه است».

ص: ۲۹

ساختمان کعبه به وسیله شیث علیه السلام

پس از درگذشت آدم علیه السلام کعبه به وسیله فرزندش شیث بنا گردید. لیکن ازرقی در تاریخ خود نام شیث را تصریح نکرده بلکه به عنوان «فرزندان آدم که پس از آدم کعبه را بنا نمودند» آورده است. این ساختمان تا هنگام طوفان حضرت نوح علیه السلام برقرار بوده است.

و اکنون متن آنچه که «ازرقی» در اخبار مکه خود در این باره آورده است:

او از قول پدربزرگ خود، از سعید بن سالم، از عثمان بن ساج و او از وهب بن منبه نقل می‌کند که:

«چون آدم علیه السلام درگذشت، خداوند خیمه‌ای را، که از زیورهای بهشتی بوده و برای آرامش آدم علیه السلام بر او نازل گردانیده بود، به آسمان برد. آنگاه فرزندان آدم در جایگاه آن‌خیمه، خانه‌ای ازسنگ و گِل ساختند که این خانه همواره آباد بود و یکی پس از دیگری آن را تعمیر می‌کردند تا اینکه دوران حضرت نوح علیه السلام رسید و طوفان آن را غرق کرد و جایگاهش ناپدید گردید. پس از آن بار دیگر جایگاه آن به حضرت ابراهیم علیه السلام راهنمایی گردید».

نویسنده «تاریخ الکعبة المعظّمه» (۱) ۲۵ آورده است:

«نخستین کسی که خانه کعبه را بنا کرد، «شیث» بود و این بدان معناست که

۱- حسین باسلامه.

ص: ۳۰

اولین ساختمان کعبه پس از آدم علیه السلام از فرزندانش، به وسیله شیث بوده است».

«تاریخ الخمیس» (۱) ۲۶ می‌نویسد:

«شیث فرزند آدم، نخستین کسی است که کعبه را بنا کرد؛ زیرا قبل از ساختمان او، کعبه به صورت خیمه‌ای از یاقوت سرخ بود که آدم علیه السلام بر گِرد آن طواف می‌کرد و بدان انس می‌گرفت؛ زیرا این خیمه برای او از بهشت فرود آمده بود که پس از آن دوباره به آسمان برده شد و آدم برای حج از هند بدان جایگاه آمد».

۱- نوشته حسین بن محمد حسین دیار بکری.

ص: ۳۱

کعبه از زمان حضرت نوح تا دوران ابراهیم علیهما السلام

ابوالولید از پدربزرگش، از سعید بن سالم، از ابن جریح و او از مجاهد نقل می کند که گفت:

«به هنگام طوفان نوح، محل کعبه ناپدید شد و در دوران میان حضرت نوح و ابراهیم علیهما السلام از دیده‌ها پنهان گردید».

و نیز گفته است که:

«جایگاه آن تپه‌ای سرخ رنگ بوده که سیل‌ها بر آن قرار نمی گرفت. مردم نیز به همین مقدار می‌دانستندکه جایگاه خانه در همان محدوده می‌باشد لیکن از محل قطعی آن اطلاعی در دست نداشتند. ستمدیدگان و پناه جویان از گوشه و کنار زمین به آنجا می‌آمدند و بدان متوسل می گشتند و دعای آنان در این جایگاه همواره مورد استجابت قرار می گرفت. مردم نیز بدان نقطه می‌آمدند و حج می گزاردند تا اینکه خداوند اراده کرد، جایگاه خانه‌اش به وسیله حضرت ابراهیم علیه السلام ساخته شود و آیین او در آن نقطه آشکار گردد».

بنابراین، از زمانی که خداوند آدم علیه السلام را بر زمین فرود آورد، خانه کعبه همواره موردپرستش همه امت‌ها و ملت‌ها بوده است که هر یک پس از دیگری آمده و در آن جایگاه‌خداوند رامی‌پرستیدند و گوید که‌فرشتگان پیش‌ازآدم علیه السلام برکعبه حج می گزاردند.

ص: ۳۲

ابن هشام گوید:

«میان حضرت نوح و ابراهیم علیهما السلام پیامبری جز هود و صالح علیهما السلام نبوده است و میان ابراهیم و هود ۶۳۰ سال و بین نوح و ابراهیم ۱۱۴۳ سال فاصله بوده است» (۱) ۲۷.

«ثعالبی» نیز گفته است: فاصله میان ولادت ابراهیم و طوفان نوح ۱۲۶۳ سال بوده که این، ۳۳۳۷ سال پس از خلقت آدم بوده است.

۱- زاد المسلم فیما اتفق علیه البخاری و المسلم، ج ۲، ص ۱۵۸.

بنای کعبه از سوی ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام

اشاره

ابن جریح در حدیثی که از حضرت علی بن ابی‌طالب علیه السلام روایت شده، آورده است:

«خداوند بلند مرتبه، به ابراهیم علیه السلام فرمود: به همراه پسرت به پاخیز و برای من خانه‌ای بنا کن. ابراهیم پرسید: خدایا! در کجا؟ پروردگـار فرمود: به زودی محـل آن را به تو نشـان خواهم داد. پس ابری فرسـتاد که در آن سـری قرار داده شـده بود، که با ابراهیم علیه السلام سخن می‌گفت. آن سر گفت: ای ابراهیم خدایت فرمان داده که نقشه خانه را به اندازه این ابر بکش. ابراهیم علیه السلام به ابر نگاه کرد و اندازه آن را در نظر داشت و نقشه می‌کشید. سپس پرسید: آیا انجام وظیفه شد؟ سر جواب داد: آری (۱) ۲۸.»

از ابن عباس نیز نقل گردیده است که:

«چون آن فرشـته جای خانه را به ابراهیم علیه السـلام نشان داد، ابراهیم و اسـماعیل علیهما السلام حرکت کرده و، بدانجا رفتند. آنان محل ستون‌ها را گود می‌کردند و می‌گفتند:

... رَبَّنا تَقَبَّلْ مِنّا إِنَّکَ أَنْتَ السَّمیعُ الْعَلیمُ؛ (۲) ۲۹ «پروردگارا! از ما بپذیر که تو

۱- ازرقی، اخبـار مکه، ص ۲۷، و نیز نک: تفسـیر قرآن العظیم، حافظ عماد الـدین ابوالفداء، قاهره ۱۳۷۳ ه. ق./ ۱۹۵۴ م، ج ۱، ص ۱۷۶

۲- بقره: ۱۲۹

ص: ۳۴

شنوا و دانایی!

اسماعیل بر شانه خود سنگ می‌آورد و ابراهیم کهنسال بنّایی می‌کرد. چون دیوارها بالا رفت و پیرمرد قدرت و تسلط کافی نداشت، اسماعیل برای وی سنگی آورد که اکنون به «مقام ابراهیم» معروف است.

ابراهیم علیه السلام بر آن می‌ایستاد و بنّایی می‌کرد و اسماعیل هنگام ضرورت، سنگ‌را از این سو، به سوی دیگر خانه جابجا می‌کرد تا اینکه به قسمت پیش روی خانه کعبه آورده شد». (۱) ۳۰ ابن اسحاق دراین باره می‌نویسد:

«چون ابراهیم علیه السلام محل پایه‌ها را فرو برد، بدانجا که در آغاز آدم ابوالبشر بنیاد نهاده بود رسید. او خواست بیش از آن جایگاه را حفر کند، لیکن به سنگ‌هایی برخورد کرد که هریک از آنها را سی نفر نمی‌توانست از جای حرکت دهد.

بنابراین، مجبور شد که خانه را از همان جایگاه بنا نهد.»

از وهب بن منبه نیز روایت شده است که:

«چون خداوند دوست خود ابراهیم را برای بنای بیت برگزید. این پیامبر الهی در تجدید بنا، همان طرحی را ریخت که فرزندان آدم علیه السلام در جای خیمه‌ای که خداوند آدم را بر آن فرود آورد اجرا کرده بودند.

ابراهیم آن محل را حفر کرد تا به ستون‌هایی که فرزندان آدم در زمان خودشان در جای خیمه بنا نهاده بودند، رسید. در این هنگام خداوند مکان کعبه را با ابری سایه کرد و همان جای کعبه نخستین بود. این ابر باقی ماند و در برابر ابراهیم سایه افکنده و او را به جای رکن‌ها هدایت می‌کرد تا اینکه به ستون‌ها بالا رفت و آن هنگام ابر محو گردید. این است معنای قول خداوند وَ إِذْ بَوَّأْنا لِإِبْراهِيمَ مَكانَ الْبَيْتِ (۲) ۳۱ یعنی آن هنگام که ما جایگاه خانه را به ابراهیم نشان دادیم».

۱- ابن رسته، الاعلاق النفیسه، ص ۲۸ و ۲۹ و نیز نک: تفسیر ابوالفتوح رازی، ج ۱، صص ۳۲۱ و ۳۲۲

۲- حج: ۲۷

ص: ۳۵

گویند ابری که مأموریت راهنمایی داشت، تا ابراهیم به وسیله آن، به محلّ رکن‌ها رهنمون گردد، زایل نشد تا هنگامی که او رکنها را یافت و سپاسِ پروردگار را به جای آورد و پیوسته خداوند از آن روز، آن جایگاه را آباد برپا داشت» (۱) ۳۲.

سفیان بن عینیه و هیثم از شعبی روایت کرده‌اند که:

«چون خداوند ابراهیم را فرمان بنای کعبه داد و اوآن کار را آغاز کرد و به پایان رسانید، آنگاه که به نصب حجر الأسود رسید، به اسماعیل گفت: برایم سنگی بیاور که نشانه و راهنما برای مردم باشد و در طواف حج و زیارت، آن را نقطه آغازین خویش قرار دهند. اسماعیل علیه السلام سنگی آورد لیکن ابراهیم علیه السلام راضی نشد و این سنگ (حجر الأسود) از جانب خداوند به ابراهیم داده شد. چون اسماعیل برگشت، گفت: ای پدر، چه کسی این سنگ را آورد؟ گفت: آن کسی که نگذاشت سنگ تو را بپذیرم (۲) ۳۳».

ابوالولید از قول پدربزرگش از سعید بن سالم، از عثمان بن ساج، از محمد بن اسحاق نقل کرده است که می‌گفت:

«چون ابراهیم علیه السلام هاجر، مادر اسماعیل را در مکه فرود آورد، پیش از آنکه ابراهیم و اسماعیل پایه‌های خانه را بالا آورند، فرشته‌ای نزد هاجر آمد و محل خانه کعبه را، که جایگاه بلند و سرخ رنگ و از سنگ و کلوخ بود، به او نشان داد و گفت: این نخستین خانه عبادت است که در زمین برای مردم قرار داده شده و بیت العتیق است و بدان که ابراهیم و اسماعیل پایه‌های آن را برای مردم برافراشته خواهند کرد (۳) ۳۴».

۱- ابن رسته، الاعلاق النفیسه، ص ۲۸ و نیز نک: ابن قتیبه دینوری، معارف لبنان، بیروت، احیاء التراث العربی، ص ۳۴۴

۲- ابن رسته، الاعلاق النفیسه، ص ۲۹؛ ازرقی، اخبارمکه، صص ۲۹ و ۳۱ و ۳۲ و نیز نک: ابوالفداء، تفسیر قرآن العظیم، ج ۱، صص ۱۷۸ و ۱۷۹

۳- ازرقی، اخبار مکه، ص ۴۵، ترجمه دکتر محمود دامغانی.

ص: ۳۶

ابن جریج می گوید:

«به من خبر رسیده است که چون جبرئیل علیه السلام در محل چاه زمزم پاشنه به زمین کوبید، به هاجر گفت: این مکان نخستین پرستشگاه است که برای مردم وضع شده است و اشاره به محل کعبه می کرد و این خانه عتیق و کهن الهی است و بدان که ابراهیم و اسماعیل آن را برای مردم بر پا و آباد خواهند کرد و همواره آباد و مورد حرمت و کرامت خواهد بود تا روز رستاخیز (۱) ۳۵».

ابن جریج می‌افزاید:

«مادر اسماعیل (هاجر) پیش از آنکه ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام خانه کعبه را بسازند و پایه‌های آن را برآورند، درگذشت و در محل حجر اسماعیل (۲) ۳۶ به خاک سپرده شد».

ابوالولید از سعید بن سالم، از عثمان بن ساج، از علی بن عبداللّه بن معاذ از ایوب سختیانی، از سعید بن جبیر، از ابن عباس نقل می کند که گفت:

«فرشته‌ای که آب زمزم را برای هاجر بیرون آورد، به او گفت: به زودی پدر این پسر بازگشته، خانه‌ای خواهد ساخت که آن جا محل آن است و به آن اشاره کرد و سپس ناپدید گردید (۳) ۳۷».

ابوالولید می گوید:

«پدر بزرگم از سعید بن سالم، از عثمان بن ساج، از محمد بن ابان، از ابن اسحاق سبیعی از حارثهٔ بن مضرب از حضرت علی بن ابی‌طالب علیه السلام ضمن حدیثی درباره چاه زمزم نقل می کرد که او گفت: سکینه به صورت ابر یا مِه آشکار شد که در میانه آن چیزی همچون سر آدمی بود که سخن می گفت و گفت: ای

۱- ازرقی، اخبار مکه، ص ۴۵، ترجمه دکتر محمود دامغانی.

۲- یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۳، ص ۲۲۱

۳- ازرقی، اخبار مکه، ترجمه دکتر محمود دامغانی، ص ۴۶

ص: ۳۷

ابراهیم، زمینی به اندازه من انتخاب کن، نه کمتر و نه بیشتر، و اساس بنا را بر آن قرار ده، آن مقدار همان است که بکّه است و حوالی آن مکه است (۱) ۳۸».

مهدی بن ابی المهدی، از عبدالرحمن بن عبداللَّه، مولای بنی هاشم، از حماد، از سماک‌بن حرب، از خالد بن عرعره، از حضرت علی بن ابی‌طالب علیه السلام در تفسیر این آیه نقل کرده که فرمود:

منظور در إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِی بِبَكَّةَ مُبارَكاً وَ هُدىً لِلْعالَمِينَ* فِيهِ آياتٌ بَيِّناتٌ مَقامُ إِبْراهِيمَ وَ مَنْ دَخَلَهُ كانَ آمِناً ...

آن نیست که نخستین خانه معمولی باشد یا نخستین پرستشگاه؛ زیرا نوح علیه السلام پیش از ابراهیم در خانه‌هایی می‌زیسته و خدا را عبادت می‌کرده است و ابراهیم علیه السلام هم همانگونه بوده است ولی خانه کعبه نخست خانه‌ای است که در آن برای مردم نشانه‌های روشن چون مقام ابراهیم وضع شده است، و هر کس درآن خانه درآید، در امان خواهد بود (۲) ۳۹».

ابوالولید ازرقی در کتاب خود (اخبار مکه) آورده است: مهدی بن ابی المهدی از عبدالرحمن بن عبداللَّه، مولای بنی هاشم، از ابو عوانه از ابی بشر، از سعید بن جبیر، از ابن عباس نقل می‌کند که گفته است:

«به خدا سوگند آنان (حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام) آن خانه را با گچ و کلوخ نساختند و کسی آن دو را یاری نمی‌داد و مالی نداشتند که سقف آن را بپوشانند، بلکه آن دو، نشانه گذاری و مشخص نمودند و بر آن طواف کردند (۳) ۴۰».

فاکهی ازحضرت علی بن ابی‌طالب علیه السلام روایت کرده است:

«ابراهیم علیه السلام نخستین شخصی است که کعبه را ساخت»

۱- اخبار مکه، ازرقی، ص ۴۹

۲- ابوالولید ازرقی، اخبار مکه، ج ۱، ص ۵۰

۳- اخبار مکه، ازرقی، ج ۱، ص ۵۱

ص: ۳۸

و شیخ عماد الدین ابن کثیر نیز آن را تأیید کرده و گفته است:

«از هیچ معصومی در مورد ساخته شدن کعبه پیش از ابراهیم خلیل علیه السلام خبری به دست ما نرسیده است (۱) ۴۱».

از وهب بن منبه روایت شده است که:

«چون حضرت ابراهیم علیه السلام دیوار را بالا برد، خداوند به سوی او پیغام فرستاد که به مردم اعلام کن به حج آیند (۲) ۴۲».

قرآن در این باره چنین اشاره کرده است:

وَ إِذْ بَوَّأْنا لِإِبْراهِيمَ مَكانَ الْبَيْتِ أَنْ لا تُشْرِكْ بِي شَيْئاً وَ طَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَ الْقائِمِينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ* وَ أَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجالًا وَ عَلى كُلِّ ضامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ* لِيَشْهَدُوا مَنافِعَ لَهُمْ وَ يَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَعْلُوماتٍ عَلى ما رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعامِ فَكُلُوا مِنْها وَ أَطْعِمُوا الْبائِسَ الْفَقِيرَ (۳) ۴۳

« (به خاطر بیاور) زمانی را که جای خانه (کعبه) را برای ابراهیم آماده ساختیم (تا خانه را بنا کند و به او گفتیم) چیزی را همتای من قرار مده! و خانه‌ام را برای طواف کنندگان و قیام کنندگان و رکوع کنندگان و سجود کنندگان (از آلودگی بت‌ها و از هرگونه آلودگی) پاک ساز و مردم را دعوت عمومی به حج کن؛ تا پیاده و سواره بر مرکب‌های لاغر از هر راه دوری سوی تو بیایند ...

تا شاهد منافع گوناگون خویش (در این برنامه حیات بخش) باشند؛ و در ایام معیّنی نام خدا را؛ بر چهارپایانی که به آنان داده است، (به هنگام ذبح قربانی) ببرند، پس از گوشت آنها بخورید و بینوای فقیر را نیز اطعام نمایید!».

پس از آن، ابراهیم علیه السلام رو به سوی یمن و شام و مشرق و مغرب کرد و فریاد برآورد

۱- ابراهیم رفعت پاشا، مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۲۷۶

۲- ابن رسته، الاعلاق النفیسه، ص ۲۹

۳- حج: ۲۶- ۲۸

ص: ۳۹

که: ای مردم! خداوند فرمان داده است خانه را زیارت کنید و دعوت خدای خود را بپذیرید.

گویند این ندا در دل مؤمنان و خداجویان اثر کرد و پاسخ دادند: «خداوندا! پذیرا شدیم، پذیرا شدیم».

از معصوم در این باره روایت شـده است که نـدا در صُـلب مؤمنان و خداجویان تا روز قیامت قرار داده شد و تا هنگامی که جهان بر پاست، مؤمنان و خداپرستان به ندای حضرت ابراهیم علیه السلام پاسخ داده و در خانه حج می‌گزارند.

هنگامی که حضرت ابراهیم علیه السـلام حجاز را برای همیشه ترک می‌کرد، دست‌های خویش را به دعا برداشت و مکه را تقدیس کرد:

رَبَّنا إِنِّی أَسْکَنْتُ مِنْ ذُرِّیَّتِی بِوادٍ غَیْرِ ذِی زَرْعٍ عِنْدَ بَیْتِکَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنا لِیُقِیمُوا الصَّلاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِی إِلَیْهِمْ وَ ارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَراتِ لَعَلَّهُمْ یَشْکُرُونَ (۱) ۴۴

«پروردگارا! من‌بعضـی ازفرزندانم را در سرزمین بی‌آب و علف، در کنار خانه‌ای که حرم توست، ساکن ساختم تا نماز را بپا دارند؛ تو دل‌های گروهی از مردم را متوجه‌آنهاساز؛ و از ثمرات به آنها روزی ده؛ شاید آنان شکر تو را به جای آورند!».

رَبَّنا وَ ابْعَثْ فِیهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ یَتْلُوا عَلَیْهِمْ آیاتِکَ وَ یُعَلِّمُهُمُ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَةَ وَ یُزَکِّیهِمْ (۲) ۴۵

«پروردگـارا! در میان آنها پیامبری از خودشان برانگیز، تا آیات تو را بر آنان بخوانـد و آنها را کتاب و حکمت بیاموزد و پاکیزه‌شان سازد».

ویژگی‌های ساختمان کعبه به دست ابراهیم علیه السلام (۳) ۴۶

۱- ابراهیم علیه السلام کعبه را بر پایه‌هایی که حضرت آدم علیه السلام بنا کرده بود، استوار کرد.

۱- ابراهیم: ۳۷

۲- بقره: ۱۲۹

۳- محمد طاهر کردی، التاریخ القویم لمکهٔ و بیت اللَّه الکریم، ج؟، ص؟

ص: ۴۰

۲- در ساختمان کعبه هیچگونه گچ، گِل و آهکی به کار نرفت، بلکه سنگ‌ها یکی بر دیگری قرار داده شد.

۳- کعبه مستطیل شکل بود.

۴- کعبه دارای دور کن حجر الأسود و یمانی بود ودور کن دیگر آن سمت حِجر اسماعیل (که هم اکنون ناودان بر فراز آن قرار دارد) به صورت گِرد و نیم‌دایره ساخته شده بود.

۵- در سمت راست، درون خانه کعبه گودالی حفر شده بود. این گودال سه ذرع عمق داشت که بدان «خزانه کعبه» می گفتند. در آن هنگام هدایای ارسالی برای کعبه را در این گودال قرار می‌دادند.

۶- در آن زمان، مانند امروز، کعبه دری از سمت شرق داشت که به درون آن راه می‌یافت. این در به شکل مربع مستطیل بود که باز و بسته نمی‌شد.

۷- این در بر روی زمین قرار داشت.

۸- حجر اسماعیل به صورت نیم‌دایره، از چوب درخت اراک ساخته شده بود.

۹- کعبه دارای سقف نبود، بنابراین ناودان نیز نداشت.

۱۰- جامه‌ای بر کعبه پوشانده نمی‌شد.

۱۱- ارتفاع کعبه از زمین نُه ذراع بود.

۱۲- عرض دیواری که درِ کعبه بر آن قرار داشت (سمت شرق کعبه) سی و دو ذراع بود.

۱۳- دیوار مقابل آن، سی و یک ذراع بود.

۱۴- عرض دیوار سمت حِجْر به بیست و دو ذراع می‌رسید.

۱۵- دیوار مقابل آن؛ یعنی فاصله میان رکن یمانی تا رکن حجرالأسود، بیست ذراع بود.

۱۶- بنای کعبه از سوی حضرت ابراهیم علیه السلام به چهار هزار سال پیش می‌رسد.

ص: ۴۱

فرود آمدن جرهمیان در سرزمین حرم

اشاره

ازرقی در اخبار مکه آورده است: پدربزرگم از مسلم بن خالد زنجی، از ابن جریح، از کثیر بن کثیر، از سعید بن جبیر، از ابن عباس نقل می‌کند که گفت:

«چون خداوند آب زمزم را برای مادر اسماعیل بیرون آورد و درحالی که هاجر کنار زمزم بود، کاروانی از جُرهمیان، که از شام برمی‌گشت، گذارش از راهِ پایین مکه بود. آنان پرندگانی را دیدند که در کنار آب در حال پروازند، به یکدیگر گفتند در این منطقه آب و ساکنی نبود. دو تن از افراد خود را برای جست و جو فرستادند و آن دو نزد مادر اسماعیل آمدند و با او سخن گفتند و سپس به کاروان خود بازگشتند و موضوع هاجر را به کاروانیان خبر دادند.

همه کاروانیان برگشتند و به هاجر سلام دادند و او پاسخ سلام ایشان را داد.

آنان پرسیدند: این آب از کیست؟ هاجر گفت: از من است. گفتند: آیا اجازه می‌دهی که ما هم با تو کنار این آب فرود آییم و زندگی کنیم؟ گفت: آری».

ابن عباس می‌گوید پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

«چون هاجر دوست می‌داشت با مردم انس داشته باشد، چنان پاسخی به او القا شد که به ایشان بگوید. کاروانیان آنجا فرود آمدند و کسی نزد زن و فرزند خود فرستادند که آنان هم آمدند و همگی زیر خاربنان و درختان فرود آمدند و همانجا سایبان‌ها فراهم آوردند.

ص: ۴۲

هاجر و پسرش هم با ایشان بودند. چون اسماعیل بزرگتر شد، همگان شیفته‌اش شدند و درباره او با یکدیگر هم چشمی می‌کردند. در این هنگام مادر اسماعیل درگذشت. بیشتر خوراك آن گروه گوشت شکار بود و چون برای شکار می‌رفتند، اسماعیل هم با ایشان می‌رفت و شکار می‌کرد. چون اسماعیل به سن بلوغ رسید، دوشیزه‌ای را به همسری او در آوردند».

ازرقی به نقل از کتاب المبتداء، از قول عباد بن سلمه، از محمد بن اسحاق گفته است: نام همسر اسماعیل عُماره و دختر سعید بن اسامه بوده است. (۱) ۴۷ ابوالولید ازرقی از قول پدربزرگش، از سعید بن سالم، از عثمان بن ساج، از محمد بن اسحاق نقل می‌کند که می‌گفته است:

«چون ابراهیم خلیل علیه السلام فرمان یافت خانه کعبه را تجدید بنا کند، در حالی که بر براق سوار بود، از ارمینیه (۲) ۴۸ آمد. آرامش و سکینه در چهره آن حضرت نمایان بود که سخن می‌گفت و سکینه نسیمی خوش و ملایم بود. فرشته‌ای هم همراه ابراهیم علیه السلام بود که آن حضرت را به جایگاه کعبه راهبری می‌کرد. چون ابراهیم به مکه آمد اسماعیل هم در مکه بود. در آن هنگام به اسماعیل گفت: خداوند به من فرمان داده است تا برای او خانه‌ای بسازم، اسماعیل پرسید:

در کجا؟ فرشته جای کعبه را به ابراهیم نشان داد و ابراهیم و اسماعیل برخاستند و بی آنکه کس دیگری با آن دو همراه شود، آغاز به کندن پایه‌ها کردند و ابراهیم علیه السلام به اساس و پایه‌ای که آدم نخستین علیه السلام نهاده بود رسید و پی‌برداری کرد و به سنگ‌های بزرگی رسید که سی مرد هم نمی‌توانستند یکی را حرکت دهند و ابراهیم خانه را بر همان پایه و اساس نخستین که آدم علیه السلام نهاده بود بنا کرد و آن نسیم همچون ماری بر گِرد آن پایه چنبر زد و گفت: ای ابراهیم، این بنا را بر من قرار ده و ابراهیم بنای کعبه را بر آن (سکینه) نهاد و بدین سبب است که هر عرب سرکش و هر ستمگری که بر کعبه طواف می‌کند، در او آرامشی می‌بینی.

۱- ازرقی، اخبارمکه، ترجمه دکتر محمود دامغانی، ص ۵۳

۲- منطقه‌ای درناحیه ترکیه کنونی و آذربایجان به شمار می‌آید. نک: دائرة المعارف اسلام.

ص: ۴۳

ابراهيم عليه السلام خانه كعبه را ساخت. ارتفاع آن را در آسمان نُه ذراع قرار داد و پهناى آن در زمين سى و دو ذراع بود و اين، عرض كعبه از ركن حجرالأسود تا ركن شامى است و فاصله ميان ركن شامى تا ركن غربى، كه حجر در آن قرار دارد، بيست و دو ذراع است و طول آن از ناحيه ركن غربى تا ركن يمانى سى و يك ذراع مى‌باشد و پهناى كعبه از ركن حجرالأسود تا ركن يمانى بيست ذراع است و بدين سبب آن را كعبه ناميده‌اند كه شبيه مكعب است.

ارزقى مى‌افزايد: اساس ساختمانى كه آدم عليه السلام به وجود آورد نيز، همين گونه بود. ابراهيم عليه السلام ورودى كعبه را از زمين قرار داده بود، بى آنكه درى داشته باشد، تا روزگار تبّع، كه همان اسعد حميرى است، وضع همينگونه بود و تبّع بر آن در و بستهاى ايرانى قرار داد و بر كعبه جامه كامل پوشانيد و در كنار آن قربانى كرد ...

ابراهيم عليه السلام حجر اسماعيل را كنار كعبه قرار داد كه سايبانى از چوب‌هاى درخت اراك داشت و خوابگاه گوسفندان و بزهاى اسماعيل بود.

ابراهيم عليه السلام درون خانه و طرف راست ورودى آن، چاهى حفر نمود كه خزانه كعبه به شمار مى‌آمد و آنچه به كعبه هديه مى‌گرديد، در آن چاه مى‌نهادند و اين همان چاه و گودالى است كه بعدها عمرو بن لحى بت هبل را در كنار آن نصب كرد؛ بتى كه قريش مى‌پرستيدند و كنار آن با چوبه‌ها و تيرها قرعه كشى مى‌كردند. آن را از هيت، كه از شهرهاى منطقه جزيره است آورد.

ابراهيم عليه السلام كعبه را مى‌ساخت و اسماعيل عليه السلام براى او سنگ مى‌آورد و سنگ‌ها را بر دوش و گردن خود حمل مى‌كرد و چون ساختمان بالا آمد، اسماعيل همين سنگى را كه مقام ابراهيم است براى او آورد و ابراهيم روى آن مى‌ايستاد و مى‌ساخت و اسماعيل آن را به نواحى مختلف مى‌برد و چون به جايگاه حَجَرالأسود رسيد، ابراهيم به اسماعيل فرمود: براى من سنگى پيدا كن تا در اينجا نصب كنم و نشانه‌اى براى مردم باشد، كه طواف خود را از آن آغاز نمايند.

اسماعيل به جستجوى سنگ رفت و چون برگشت، جبرييل حجرالأسود را براى ابراهيم آورده بود و خداوند- عزّوجلّ- حجر را به هنگام طوفان حضرت نوح در

ص: ۴۴

کوه ابوقُبیس به ودیعت نهاده بود و فرموده بود هرگاه دیدی خلیل من خانه‌ام را می‌سازد، آن را برای او بیرون آور.

چون اسماعیل آمد، پرسید: پدر جان! این سنك از کجا آمد؟ فرمود: آن را کسی برای من آورد که مرا به سنگ تو واگذار نفرمود. جبرئیل این سنگ را آورد.

چون جبرئیل حجرالأسود را آورد و آن را در جایگاه قرار داد، ابراهیم علیه السلام به ساختمان ادامه داد. این سنگ در آن هنگام چنان پرتو سپیدی داشت که از پرتو آن خاور و باختر و چپ و راست روشن شد. پرتو و نور حَجَر تمام منطقه حرم را، تا آنجا که نشانه‌های حرم نصب شده است، از هر سو، روشن می‌کرد (۱) ۴۹».

گویند حضرت اسماعیل علیه السلام یکصد و سی سال عمر کرده است. خداوند مردم عرب را از نسل نابت و قیدار، که پسران بزرگ اسماعیل علیه السلام هستند، قرار داد.

ازرقی از قول پدربزرگش، از سعید بن سالم، از عثمان از ابن اسحاق نقل می‌کند که:

«برای اسماعیل فرزند ابراهیم علیه السلام دوازده پسر متولد شد و مادرشان سیده دختر مضاض بن عمرو جرهمی بود.

نُه تن از این فرزندان که از سیده زاده شده‌اند، عبارت اند از: نابت، قیدار، واصل،

میاس، آزر، طیما، یطور، نبش و قیدما.

تاریخ نگاران نام فرزندان حضرت اسماعیل را گوناگون نقل کرده‌اند.

طبری در تاریخ خود به صورت گسترده از آنها سخن به میان آورده است.

پس از رحلت اسماعیل علیه السلام مدتی پسرش نابت سرپرستی کارهای کعبه را عهده دار بود و چون او درگذشت، مضاض بن عمرو جرهمی که پدربزرگ مادری نابت بود، سرپرستی امور کعبه را بر عهده گرفت و فرزندان نابت و دیگر پسران اسماعیل علیه السلام را هم همراه خود کرد.

در آن روزگار فقط قبیله جُرهم و قطورا در مکه ساکن بودند. سالار قبیله جُرهم، مضاض بن عمرو و بزرگِ قطورا مردی از ایشان به نام سمیدع بود. این دو گروه به صورت کاروان از یمن خارج شده و در مکه ساکن شدند.

۱- ازرقی، اخبار مکه، ترجمه دکتر محمود دامغانی، ج ۱، صص ۶۵- ۶۷

ص: ۴۵

مضاض بن عمرو همراهان جرهمی آنان در منطقه بالای مکه و کنار کوه قعیقعان فرود آمدند و آنجا را تصرف کردند و سمیدع هم در منطقه پایین مکه و اجیادین فرود آمدند و آنجا را تصرف کردند.

مضاض از هر کسی که از دروازه بالای مکه وارد شهر می‌شد، یک دهم مالیات می‌گرفت و سمیدع از کسانی که از دروازه پایین مکه و دروازه کُدی وارد می‌شدند، یک درهم می‌گرفت.

هر قوم به حال خود و در منطقه خویش بودند و هیچیک از این دو سالار، در امور یکدیگر دخالت نمی‌کردند.

پس از این بود که جُرهمیان و مردم قبیله قطورا به یکدیگر ستم کردند و درباره بزرگی و سالاری خود به ستیز و جنگ پرداختند.

این ستیز مدتها ادامه داشت تا اینکه در یکی از جنگها سمیدع کشته شد و بزرگی و سالاری مکه و خانه در اختیار مضاض بن عمرو جُرهمی قرار گرفت. (۱) ۵۰

ساختمان کعبه به دست جرهمیان و عمالقه

عبداللَّه مکی در تاریخ الغازی (۲) ۵۱ در این باره آورده است:

«ازرقی در «الاعلام» به سند خود از امیر المؤمنین علی بن ابی‌طالب علیه السلام درباره ساختمان کعبه از سوی جرهمیان و عمالقه آورده است که آن حضرت فرمود:

«ساختمان کعبه پس از ابراهیم علیه السلام ویران شد، پس از آن بار دیگر به وسیله عمالقه بنا گردید، سپس فرسوده و ویران شد که باز به وسیله قبیله‌ای از جرهم ساخته شد».

۱- ازرقی، اخبار مکه، ج ۱، ترجمه دکتر محمود دامغانی.

۲- نامبرده در سال ۱۲۹۱ ه. ق. متولد شد و در سال ۱۳۶۵ ه. ق. در مکه از دنیا رفت. او از تبار هندیان بود که سالها مجاورت مکه را برگزید. نامبرده تألیفات بسیاری، از آن جمله «افادهٔ الأنام بذکر اخبار البلد اللَّه الحرام» در چهار جلد و نیز کتابی با عنوان «تُراجم العلماء من المکیین» و جز اینها، که از قرن دهم تا چهاردهم درمکه وفات کرده‌اند، را نوشته است.

ص: ۴۶

فاکهی نیز در این باره از امیر مؤمنان علی بن ابی‌طالب علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

«نخستین کسی که کعبه را بنا کرد، ابراهیم علیه السلام بود. سپس منهدم گردید و پس از او جرهمیان بار دیگر آن را بنا کردند. سپس با از میان رفتن آنان، عمالقه کعبه را از نو بنا نهادند».

تاریخ نگاران در این باره با یکدیگر هم‌نظر نیستند. برخی از آنان گفته‌اند، جرهمیان پیش از عمالقه کعبه را ساخته‌اند لیکن محب طبری در «قُری» و مسعودی در «مروج الذهب»، عمالقه را پیش از جرهمیان دانسته و گفته‌اند:

«شخصی که از جرهمیان اقدام به ساختمان کعبه کرد، «حارثه» بود که ساختمان کعبه را توسعه داد و ارتفاع آن را همانند ارتفاع کعبه ساخته شده از سوی حضرت ابراهیم علیه السلام قرار داد».

پیش از این گفتیم که ساختمان کعبه از سوی حضرت ابراهیم به صورت سنگ چین بوده و وسایل ساختمانی؛ از قبیل گچ و آهک در آن به کار برده نشده بود. از این رو، با گذشت زمان، ساختمان آن رو به خرابی و ویرانی می گذاشت.

به نظر می‌رسد که پیش از عمالقه، قبیله جرهمیان بودند که نسبت به ساختمان کعبه پس از حضرت ابراهیم علیه السلام اقدام کردند؛ زیرا جرهمیان سابقه طولانی‌تر و کهن‌تری نسبت به اقامت عمالقه در مکه داشته‌اند.

بنابه نقل بیشتر تاریخ نگاران و روایاتی که در این باره از ابن عباس و جز اینها آمده است، جرهمیان بودند که پس از رسیدن هاجر و فرزندش حضرت اسماعیل علیه السلام به مکه، به این سرزمین روی آورده و با اجازه هاجر در کنار چاه زمزم رحل اقامت افکندند. سپس هنگامی که حضرت اسماعیل علیه السلام به سن بلوغ رسید، با دختری از قبیله جرهم ازدواج کرد.

ص: ۴۷

کعبه در دوران خزاعه

ابوالولید از پدربزرگش، از سعید، از عثمان، از کلبی، از ابوصالح نقل می کند که:

«چون دوران سرپرستی جرهمیان طولانی شد، مرتکب گناهان بزرگی نسبت به حرم شدند و به کارهایی دست زدند که پیش از آن بدانها اقدام نشده بود و حرمت حرم را نادیده گرفتند و اموالی را که به کعبه اهدا می‌شد آشکارا و پنهانی مورد دستبرد خویش قرار می‌دادند و هرگاه هرزگان از آنان دست به اعمال ناشایستی در حرم می‌زدند، اشراف و بزرگان ایشان از آنان دفاع می کردند و به کسانی که اهل مکه نبودند و وارد آن شهر می‌شدند، ستم می کردند و کار ایشان به آنجا کشید که مردی از ایشان زن خود را (یا زنی دیگر را) به درون کعبه برد و گفته شده است که همان جا با او درآمیخت که در این هنگام هر دو به سنگ تبدیل شدند.

آنگاه کار ایشان سست و پراکنده شد و با یکدیگر به ستیز و اختلاف پرداختند و حال آنکه پیش از آن، از قبایل نیرومند و پرجمعیت عرب به شمار می‌آمدند و از نظر مال و سلاح هم در کمال قدرت بودند.

دراین هنگام ثعلبه همراه قوم و لشکریان خود، که به مکه آمده بود، کم‌کم قدرت گرفتند و گروهی از اینان که خزاعه نام داشتند در مکه ماندند. آنان سپس بر جرهمیان دست یافته و از این پس ربیعهٔ بن حارثهٔ بن عمرو بن عامر که همان لُحیّ است، سرپرستی امور مکه و پرده داری کعبه را عهده دار شد.

ص: ۴۸

چون قبیله خزاعه به امارت مکه رسید و ساکن آن شد، فرزندزادگان اسماعیل علیه السلام که از جنگ میان خزاعه و جرهمیان کنار بودند و در آن وارد نشدند، از خزاعه درخواست کردند که اجازه دهند با ایشان یا پیرامون آنها سکونت اختیار کنند که به آنان اجازه دادند.

لیکن مضاض بن عمرو بن حارث جرهمی کوشش نمود که آنها هم در این باره اجازه گرفته و در مکه ساکن شوند لیکن به آنان اجازه داده نشد (۱) ۵۲».

قبیله خزاعه همچنان به کعبه و پرده داری آن و سالاری در مکه مشغول بودند و فرزند زادگان اسماعیل علیه السلام درمکه و پیرامون آن با ایشان بودند و کسی برای آنان مزاحمتی ایجاد ننموده و چیزی از آنان مطالبه نمی‌کرد.

لُحیّ، که همان ربیعهٔ بن حارثهٔ بن عمرو بن عامر است، با فهیره دختر عامر بن عمرو بن حارث بن مضاض بن عمرو جرهمی که سالار جرهمیان بود، ازدواج کرد. فهیره برای او عمرو را به دنیا آورد که این عمرو همان عمرو بن لُحیّ است. او در مکه و میان مردم عرب به مقام و شرفی رسید که در تمام دوره جاهلی کسی، پیش و پس از او، به چنان مقام و عزّت نرسید.

عمرو بن لحیّ و پسرانش پس از او پانصد سال سرپرست امور خانه بودند و آخرین ایشان شخصی به نام حلیل بن حبشیهٔ بن سلول بن کعب بن عمرو بود که قصیّ بن کلاب دختر او، حُبی را به همسری برگزید. این خاندان پرده داران و گنجوران کعبه بودند و به کارهای آن قیام می‌کردند و سالاری مکه را به همراه داشتند.

در طول این مدت خانه آباد بود و هیچگونه سستی به آن راه نیافته بود. قبیله خزاعه پس از جرهمیان هیچگونه گناهی در آن آشکار نکردند و چیزی از کعبه سرقت ننمودند و آنان همگان در بزرگداشت کعبه و دفاع از آن کوشا بودند.

ازرقی در تاریخ خود، به نقل از محمد بن عبدالعزیز آورده است (۲) ۵۳:

۱- ازرقی، اخبار مکه، ج اول، صص ۷۸ و ۷۹، ترجمه دکتر محمود دامغانی.

۲- محمد طاهر کردی مکی، تاریخ القویم لمکّهٔ و بیت اللّه الکریم، ج ۳

ص: ۴۹

«به روزگار فرمانروایی قبیله خزاعه، سیل عظیمی در مکه به سوی کعبه به راه افتاد؛ به طوری که مردم مکه را غافلگیر کرد. این سیل پیرامون کعبه را فرا گرفت و سپس به پایین مکه سرازیر گردید.

در این سیل جنازه یک زن و مرد به دست آمد. مرد شناسایی نشد امّا زن را که نامش «فاره» و از ساکنان منطقه بالای مکه بود، شناختند. از این رو، آن سیل به «فاره» مشهور گردید.

از این پس قبیله خزاعه بر گِرد خانه دیواری کشید و حجر اسماعیل را نیز ضمیمه آن ساخت تا بدین وسیله کعبه رااز ورود سیل مصون بدارد. این دیوار تا هنگام بازسازی کعبه از سوی قریش به همان حال باقی بود».

لازم به یادآوری است که بلندی دیوار مزبور، به اندازه قامت یک انسان بوده است؛ زیرا در دوران خزاعیان، کعبه نسبت به اطراف خود، در نقطه مرتفعی قرار داشت.

ارتفاع کعبه در دوران خزاعه، نُه ذراع بوده که همان ارتفاع خانه خدای ساخته شده توسط حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام بوده است.

دیواری که خزاعیان بر گرد خانه کعبه کشیده بودند، دارای دری از روی زمین، همانند در کعبه بود که درست در مقابل در خانه خدا قرار داشت (۱) ۵۴.

میان دیوار ساخته شده بر پیرامون کعبه و خانه کعبه، فضایی به اندازه نیمی از مطاف کنونی مسجد الحرام (منظور کعبه و مقام ابراهیم است) وجود داشت و خزاعیان و دیگر طواف کنندگان در داخل آن، میان دیوار و خانه کعبه طواف می‌کرده‌اند.

۱- مسعودی، مروج الذهب، ج ۱، ص ۴۱۸

ص: ۵۰

ساختمان کعبه از سوی قصّی بن کلاب

اشاره

قصیّ، جد چهارم پیامبر صلی الله علیه و آله بود و حدود یکصد و سی سال پیش از هجرت می‌زیست. در آن هنگام ولایت مکه در دست او قرار گرفته و جماعت او از وی پیروی می‌کردند.

قصیّ خود به تنهایی مناصب ششگانه مکه را در دست داشت که آن منصبها عبارت بودند از:

حجابت (پرده داری)، رفادت (میهمانداری)، سقایت (آب دادن)، ندوه (مؤسسه مشورتی)، لواء (پرچمداری) و قیادت (سرداری).

قصیّ بن کلاب همان شخصی است که برای نخستین بار قوم خویش، قریش را جمع کرد و دستور داد خانه‌های خود را دراطراف کعبه بنا کنند (۱) ۵۵ و بدین منظور پیرامون چهارگانه کعبه را میان آنان تقسیم کرد.

محمد طاهر کردی در کتاب تاریخی گرانسنگ خود (۲) ۵۶ به نقل از تاریخ الغازی آورده است: «درباره ساختمان کعبه به وسیله قصی در «الاعلام» آمده است که زبیر بن بکار، قاضی مکه در کتاب «النسب» خود روایت کرده است:

۱- مسعودی، مروج الذهب، ج ۱، ص ۴۱۸

۲- تاریخ القویم لمکة و بیت اللّٰه الکریم، ج ۳، ص ۶۹

ص: ۵۱

«هنگامی که قصیّ بن کلاب سالاری مکه و ولایت خانه را به دست گرفت، هزینه آن را نزد خود جمع کرد و سپس کعبه را ویران ساخت و از نو آن را آنچنان بنا کرد که پیش از او هیچ کس آنچنان ساختمانی از کعبه بنا نکرده بود».

ابوعبداللَّه محمدبن عاید دمشقی در کتاب «فی مغازیه» گفته است:

«قصی بن کلاب کعبه را بنا کرد و ما وردی در احکام السلطانیه آن را تأیید نموده، گفته است: نخستین شخص از قریش، پس از ابراهیم علیه السلام که ساختمان کعبه را بنا کرد، قصیّ بن کلاب بود. او سقفی از چوب دَوْم و شاخه درخت نخل بر آن قرار دارد (۱) ۵۷».

در کتاب «تاریخ الکعبهٔ المعظمه» (۲) ۵۸ به هنگام سخن درباره ساختمان کعبه از سوی قصی آمده است:

«او ساختمان کعبه را بیست و پنج ذراع قرار داد و سقف آن را از چوب نیکوی دَوْم (۳) ۵۹ و شاخه درختان نخل پوشانید».

فاسی گوید:

«در اینکه ساختمان قصی از کعبه دارای بیست و پنج ذراع بوده است، تردیدی وجود ندارد، شاید بتوانیم آن را اینگونه تفسیر کنیم که این مقدار ذراع، در ارتفاع کعبه بوده است؛ زیرا افزایش در طول و عرض کعبه هیچگاه اتفاق نیفتاده و هیچیک از بانیان کعبه، از محدوده ساختمان حضرت ابراهیم علیه السلام تجاوز نکرده و توسعه‌ای بیش از آن نداده‌اند».

ویژگی‌های کعبه در ساختمان قریش

(۴) ۶۰

۱- قریش ساختمان کعبه را پنج سال پیش از بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله بنا کرد.

۱- کاظم مدیر شانه چی، مسجد الحرام و کعبه، ص ۳۵۱

۲- نوشته حسین باسلامه.

۳- نوعی درخت نخل.

۴- محمد طاهر کردی مکی، التاریخ القویم لمکهٔ و بیت اللَّه الکریم، ج ۳، ص ۱۴۳

ص: ۵۲

۲- پیامبر صلی الله علیه و آله به همراه قریش، با حمل سنگ بر شانه‌های خود در بنای کعبه شرکت داشتند.

۳- قریش شالوده ساختمان کعبه را بر پایه‌ها و اساس حضرت ابراهیم بنا کرد.

۴- در بنای قریش، همانگونه که در حال حاضر وجود دارد، از عرض کعبه در سوی حِجر اسماعیل، شش ذراع و یک وجب کاسته شد.

۵- ارتفاع کعبه به هیجده ذراع افزایش یافت.

۶- مانند دوران حضرت ابراهیم علیه السلام، کعبه را از سوی حجر اسماعیل به صورت نیم دایره ساختند (در آن هنگام رکن شامی و رکن عراقی وجود نداشت).

۷- خزانه کعبه را به همان صورت زمان حضرت ابراهیم علیه السلام قرار دادند.

۸- بر گرد حِجر اسماعیل دیوار کوتاهی بنا کردند. در حالی که در ساختمان ابراهیم علیه السلام به جای آن، از چوب درخت اراک استفاده شده بود.

۹- درِ کعبه را از سطح زمین بالا بردند و آن را به وسیله سنگ ثابت کردند تا مانعی برای ورود سیل به درون کعبه شده و نیز هر کسی نتواند بدان وارد شود.

۱۰- درِ کعبه را به صورت یک لنگه ساختند؛ به طوری که به وسیله قفلی باز و بسته می‌شد.

۱۱- برای خانه کعبه سقف قرار دادند و سپس ناودانی برای سرازیر شدن آب باران از سطح آن به درون حجر تعبیه کردند.

۱۲- در درون کعبه شش ستون چوبی قرار دادند؛ این ستون‌ها در دو ردیف سه ستونی از قسمت رکن شامی، که حجر اسماعیل در آن قرار داشت، تا رکن یمانی تعبیه شد.

۱۳- در درون خانه کعبه (در سمت رکن شامی) پلّکانی چوبی قرار داده شد که به وسیله آن به بام کعبه راه پیدا می‌کردند.

۱۴- ساختمان کعبه را با گِل ساختند. در صورتی که پیشتر سنگ چین بود. در این ساختمان بنّایی به وسیله شخصی به نام باقوم یا باخوم رومی انجام گرفت. سپس آن را با جامه زیبایی پوشانیدند.

ص: ۵۳

۱۵- برای نخستین بار سقف و دیوارهای درونی و ستون‌های ششگانه داخل خانه کعبه را با روغنی گیاهی، رنگ زده و جلا دادند سپس بر روی ستون‌ها، چهره‌هایی از پیامبران و فرشتگان و گُل و گیاه رسم کردند. که البته در روز فتح مکه، به دستور رسول خدا صلی الله علیه و آله تمامی نقش و نگارهای آن محو و نابود گردید.

گفته می‌شود قریش به علت کمبود هزینه ساختمان کعبه، از عرض آن کاسته و به حجر اسماعیل افزودند.

در حالی که در این باره روایات متعددی از آن جمله از حضرت صادق علیه السلام نقل گردیده است که حتی به اندازه یک قطعه ناخن از کعبه کاسته نشد. (۱) ۶۱

۱- جامع احادیث الشیعه، کتاب حج، ج ۱۰، باب چهارم در حدود مسجد و خانه کعبه.

ص: ۵۴

کعبه پس از دوران قصّی

ابوالولید ازرقی از مهدی بن ابوالمهدی، از عبداللّه بن معاذ صنعانی از معمر، از زهری نقل می‌کند که گفت:

«هنگـامی که پیـامبر صـلی الله علیه و آله به سن بلوغ رسـید، زنی از قریش بـا عود سوزی کنار کعبه آمـد. شـراره‌ای از عود در جامه کعبه گرفت و آن رابه آتش کشانید».

قولی دیگر در این باره گفته است که:

«چون سیلی در مکه آمد، کعبه را ویران نمود (۱) ۶۲».

دراین هنگام قریش به فکر ویران کردن کعبه افتادنـد ولی از خراب کردن آن بیم داشـتند. ولیـد بن مغیره به آنان گفت: آیا با ویران کردن خانه کعبه قصد اصلاح دارید یا قصد تباهی؟ گفتند: حتماً قصد اصلاح داریم.

ولیـد گفت: خداونـد کسانی را که قصـد اصـلاح دارند نابود نمی‌کند. پرسـیدند: چه کسـی بالای خانه می‌رود تا آن را ویران کند؟ ولیدبن مغیره گفت: من بالا روم و آن را ویران کنم.

ولیـد روی دیوار رفت و با خود تبر برد و عرضه داشت پروردگارا! ما قصدی جز اصـلاح نداریم و تخریب را آغاز کرد. قریش وقتی خرابی را دیدند و عذابی

۱- تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۳۷۳

ص: ۵۵

که از آن می‌ترسیدند فرا نرسید، با او همراهی کردند و چون خانه را ساختند و به جایگاه حجر الأسود رسیدند، درباره اینکه افراد کدام قبیله سنگ را از زمین بردارند، به جدال پرداختند. سرانجام تصمیم بر این شد نخستین کسی که به کنار کعبه درآید، او را حَکَم قرار دهند و همگی بدین کار راضی شدند (۱) ۶۳.

در این هنگام دیدند که محمد امین وارد شد. ایشان در آن هنگام نوجوانی بود و جامه‌ای راه راه بر تن داشت. پس ایشان راحَکَم قرار دادند و او دستور داد حجرالأسود را در میان پارچه‌ای قرار دهند و آنگاه به سالار هر قبیله فرمودند که گوشه‌ای از پارچه را بگیرد و آنان پارچه را همراه سنگ برداشتند و محمد امین خود سنگ را بر جایگاه آن نصب کردند».

یعقوبی درتاریخ خود آورده است که هر قبیله، گوشه‌ای از ردا را گرفته، بلند کردند، سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را گرفت و در جای خود نهاد. آنگاه برای کعبه سقفی ساختند. (۲) ۶۴

۱- ازرقی، اخبار مکه، ج ۱، ص ۱۲۸، ترجمه دکتر محمود دامغانی.

۲- تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۳۷۴

ص: ۵۶

کعبه در دوره امویان

اشاره

پس از شـهادت امام حسـین علیه السـلام به نظر می‌رسـید مانعی در برابر حاکمیت بنی امیه و یزیـد بن معاویه وجود ندارد، گرچه در ظاهر چنین به نظر می‌رسـید لیکن در حقیقت انقلاب کربلا به بیـداری مردم انجامید. در این میان عبداللّه بن زبیر از موقعیت خود در حجـاز اسـتفاده کرد و بـا به شـهادت رسـیدن امام حسـین صـلی الله علیه و آله در کربلا، شخصـیتی بی‌رقیب شـد اما به صورت علنی نمی‌توانست بـا یزیـد به مبارزه برخیزد. پیشـنهاد او تعیین خلیفه بر اساس شورا بود (۱) ۶۵ و در این میـان کـار بیعت با مردم حجاز را آغاز کرد. یزید وقتی چنین دید، با ارسال هدایایی قصد آن داشت که ابن زبیر را بفریبد اما ابن زبیر زیر بار نرفت و مخالفت خود را جدی‌تر آغاز نمود و گروهی از مردم مدینه و مکه به او پیوستند (۲) ۶۶.

یزید برای بار دوم گروهی‌از بزرگان شام را نزد وی فرستـاد لیکن این بار هم نتیجه‌ای به دست نیاورد. پس تصـمیم به سرکوبی وی گرفت. در این هنگام مردم مـدینه بر ضـدّ وی قیام کردنـد. یزیـد مسـلم بن عقبه مُرّی را همراه سپاهی از مردم شام به جنگ با مردم مدینه گسیل داشت و دستور داد که پس از آسوده شدن از مدینه روانه مکه شده و به جنگ با ابن زبیر بپردازد.

او در میان راه به هلاکت رسید و حصین بن نمیر کندی جایگزین شد. نامبرده پس از

۱- انساب الاشراف، ج ۴، صص ۱۶ و ۱۷

۲- انساب الاشراف، ج ۴، ص ۱۷

ص: ۵۷

کشتار و به خاک و خون کشیدن اهل مدینه رو به سوی مکه نهاد و چند روزی در مکه با ابن زبیر به جنگ پرداخت. ابن زبیر به همراه یاران خود در مسجد الحرام و پیرامون کعبه متحصن و پناهنده شد. ابن‌نمیر به کوه ابوقبیس و کوه احمر که به آنها اخشبان هم می‌گویند منجنیق نصب کرد و از آنجا به ایشان سنگ پرتاب می‌کرد. سنگ‌ها به کعبه خورده و جامه‌های آن همچون گریبان جامه زنان شکافته شد و ضربات سنگ‌های منجنیق بنیان کعبه را سست کرد. گویند مردی از یاران ابن زبیر در یکی از خیمه‌ها، که در مسجد الحرام میان رکن یمانی و رکن اسود برپا کرده بودند آتشی افروخت. شراره‌ای از آتش به خیمه رسید و آتش گرفت. در آن روز باد توفان سختی بود و باد شراره آتش را به جامه کعبه رسانید و جامه و ردیف‌های چوب ساج ساخت قریش در کعبه آتش گرفت.

این آتش سوزی روز شنبه، سوّم ربیع الأول سال ۶۳ هجری و بیست و هفت روز پیش از رسیدن خبر مرگ یزید بن معاویه بود. وقتی کعبه آتش گرفت، حجرالأسود در اثر حرارت شکافته شد و دیوارهای کعبه چنان سست شد که اگر کبوتری روی سنگ‌ها می‌نشست فرو می‌ریخت! در آن هنگام کعبه برهنه و عاری از جامه بود (۱) ۶۷.

ابن زبیر در جمادی الاخر سال ۶۴ هجری، کعبه را خراب کرد تا آن را به زمین رسانید و از حصین بن نمیر در این کار یاری طلبید. لیکن او از کمک در این باره خودداری نمود.

ویژگی‌های ساخت کعبه از سوی عبداللّٰه بن زبیر

(۲) ۶۸

۱- آغازگر خرابی کعبه شخص ابن زبیر بود. او ابزار به دست گرفت و از بالای بام کعبه به تخریب پرداخت و سنگ‌های آن را از جا برآورد و سپس سایر مردم از او پیروی کردند.

۲- وی پوششی از چوب در پیرامون کعبه قرار داد تا در داخل، کارگران مشغول به

۱- ازرقی، اخبار مکه، ج ۱، ص ۱۶۱، ترجمه دکتر محمود دامغانی.

۲- محمد طاهر کردی، التاریخ القویم لمکّهٔ و بیت اللّٰه الکریم، ج ۳

ص: ۵۸

ساختمان کعبه شوند و مردم در خارج آن به دور کعبه طواف کنند.

۳- ابن زبیر، کعبه را بر پایه‌های بنای ابراهیمی استوار کرد.

۴- بخشی از حجر اسماعیل که در بنای قریش از کعبه جدا شده بود، بار دیگر به درون خانه کعبه افزوده شد. بنابراین، کعبه را به همان اندازه‌ای بنا کرد که حضرت ابراهیم علیه السلام ساخته بود.

۵- بر ارتفاع کعبه به مقدار افزوده قریش اضافه کرد. بدین ترتیب ارتفاع کعبه به بیست و هفت ذراع رسید.

۶- دو در برای کعبه ساخت؛ دری ورودی از سمت شرق و دری برای خروج از آن از سمت غرب.

۷- آن دو در، بر خلاف بنای قریش، که با فاصله کمی از زمین ساخته شده بود، بر روی زمین قرار گرفت.

۸- درها دو لنگه‌ای و با ارتفاع یازده ذراع ساخته شدند.

۹- ابن زبیر برای کعبه چهار رکن قرار داد. بدین صورت که از سوی حجر اسماعیل- به جای نیم‌دایره که قریش ساخته بودند- دو رکن افزود.

۱۰- هر چهار رکن، تا زمان قتل او استلام می‌شد.

۱۱- در رکن شامی، در درون کعبه، پلّکان گردی از چوب و مزین به طلا- ساخته شد که از آن به بام کعبه می‌رفتند. همچنین ناودانی بر بام خانه قرار داد که آب آن را به داخل حجر می‌ریخت.

۱۲- در درون کعبه به جای شش ستونی که قریش ساخته بود، سه ستون چوبی قرار داده شد.

۱۳- کعبه را با گچ، و به قولی از مخلوط سرب و رس ساختند.

۱۴- هنگامی که ابن زبیر از ساختن کعبه فراغت یافت، درون و برون کعبه را، از بالا تا پایین با مشک و عنبر خوشبو کرد و سپس آن را با پارچه «دیباج» (۱) ۶۹ و به روایتی با

۱- نوعی ابریشم گران قیمت و ضخیم.

ص: ۵۹

«قباطی» (۱) ۷۰ پوشانید.

۱۵- تاریخ بنای این ساختمان، سال ۶۴ هجری و به روایتی سال ۶۵ هجری بوده است.

ساختمان کعبه به همین وضع بود تا اینکه حَجّاج بن یوسف ثقفی مکه را فتح کرد.

عبدالملک بن مروان به او نامه‌ای نوشت و دستور داد آنچه را که ابن زبیر به خانه افزوده، خراب کند. حَجّاج نیز چنین کرد و آن را به همان صورت زمان قریش بازگردانید. او از آنچه که ابن زبیر بدان اضافه کرده بود، کاست و دری را که در پشت خانه گشوده بود، بست.

ویژگیهای ساختمان کعبه از سوی حَجّاج

۷۱ (۲)

۱- او کعبه را مانند ساختمان زمان قریش بنا کرد.

۲- حَجاج افزوده شش ذراع و یک وجبی ابن زبیر به کعبه را از قسمت حجر خراب کرد و مجدداً آن را به حجر افزود. اما سه دیوار دیگر را به حال خود واگذاشت.

۳- مانند ابن زبیر برای کعبه چهار رکن ساخت.

۴- درِ شرقی خانه را بالا برد و مانند بنای قریش آن را با سنگ‌های کعبه استوار ساخت.

۵- وی از ارتفاع درِ کعبه چهار ذراع و یک وجب کم کرد.

۶- درِ غربی کعبه را، که به وسیله ابن زبیر گشوده شده بود، بست.

۷- ساختمان حجاج بر اساس ساختمان قریش بود، به جز آنکه مانند ابن زبیر در دیوار کعبه از سوی حِجر دو رکن قرار داد و مانند بنای قریش آن را دایره‌ای ساخت.

۸- پله‌های درونی کعبه، ساخته حجاج است؛ زیرا این پله در دیواری قرار داشت که حجاج آن را منهدم کرد. همچنین درگاه درِ شرقی کعبه تا زمین، از ساخته‌های حجاج

۱- قباطی بر گرفته از نام قبطیان، ساکنان مصر کهن بوده و این نوع بافته از دیرباز در این سرزمین شهرت فراوان داشته است. به نظر می‌رسد که در آن هنگام از بافته‌های مقاوم و ارزشمند به شمار می‌آمده است.

۲- محمد طاهر کردی، التاریخ القویم لمکهٔ و بیت اللّه الکریم، ج ۳

ص: ۶۰

بود، زیرا که وی این در را مجدداً از سطح زمین بالا برد.

۹- این ساختمان در سال ۷۴ هجری بنا شد.

از این پس کعبه همچنان بر این شکل پایدار باقی ماند تااینکه در آغاز قرن دهم هجری، پس از یکی از سیل‌های متعدد که مکه همواره در معرض آن قرار داشت، دو قطعه از سنگهای زیر بنای خانه کعبه را فرو ریخت.

سه نفر از پیشوایان مذاهب سنت مکه و شیخ الاسلام استانبول، بر آن بودند که کار تعمیر کعبه بی‌درنگ آغاز شود، ولی امام شافعی مکه معتقد بود که خراب کردن خانه خدا جایز نیست. سرانجام پس از بحث‌ها و شورهایی که صورت گرفت، امام شافعی اجازه داد که خانه کعبه نوسازی شود. مردم شهر مکه نیز مورد مشورت قرار گرفتند و آنان هم این کار را ضروری دانستند. نوسازی خانه کعبه زیر نظر یکی از عمّال سلطان عثمانی، که مردی چرکسی بود، صورت گرفت.

آنان هنگام نوسازی، به سنگ‌های سبز، که تصور می‌شد سنگ‌های نصب شده به دست حضرت ابراهیم علیه السلام است، رسیدند و دیوار کعبه جدید را بر این سنگ‌های سبز، به شکل سابق بنا کردند و بیشتر مصالح به کار برده شده در ساختمان کعبه پیشین را در آن بکار بردند. در درون کعبه ستون‌های قدیمی را با اندودی محافظ که عبارت از محلولی از زعفران و ضمغ‌عربی بود، پوشاندند.

درِ خانه کعبه را که آراسته به صفحاتی از سیم و زر اهدایی از سوی سلطان سلیمان عثمانی بود، بر جای خود نهادند.

محمد طاهر کردی در کتاب «التاریخ القویم لمکهٔ و بیت اللّه الکریم» در این باره چنین آورده است:

«در ساعت دو بامداد روز چهارشنبه، نوزدهم شعبان سال ۱۰۳۹ هجری باران شدید و سیل‌آسایی درمکه و نواحی آن باریدن گرفت که در نتیجه، سیل وارد مسجد الحرام شد و آب تا نزدیکی قفل در کعبه بالا آمد. به عبارت دیگر، ارتفاع آب به حدود دو متر از سطح زمین مسجد الحرام رسید. بعد از ظهر روز بعد؛ یعنی پنجشنبه، دیوار سمت شامی کعبه فرو ریخت. بدین ترتیب در این ستون‌ها

ص: ۶۱

دو سوم از دیوار و بخش‌هایی از سقف باقی ماند. به دستور سلطان مراد عثمانی، بازسازی کعبه آغاز شد و این کار در ماه رمضان سال ۱۰۴۰ هجری به پایان رسید».

سید زین العابدین بن نورالدین بن مراد بن علی بن مرتضی الحسینی الکاشانی (۱) ۷۲ یکی از مجتهدان کاشانی آن عصر، شرح بنای کعبه را در دو رساله، یکی به فارسی و دیگری به عربی هر دو بنام «مفرحهٔ الأنام فی تأسیس بیت اللّٰه الحرام» بیان کرده است. دو رساله یادشده را مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی صاحب «الذریعه الی تصانیف الشیعه» در کتابخانه ملّا محمد علی خوانساری در نجف اشرف مطالعه کرده و نسخه فارسی آن را در کربلا نزد شیخ محمد علی قمی دیده است (۲) ۷۳.

سید زین العابدین از شاگردان موسی محمد امین استرآبادی بوده و او را در مکه به جرم تشیع به شهادت رسانده‌اند. شرح احوال او در «ریاض العلما» و «مستدرک الوسائل» و «نجوم السماء» و «دار الاسلام» آمده است و همگان او را بانی یازدهمین بازسازی کعبه معرفی کرده‌اند. سید محسن امین عاملی (۳) ۷۴، توفیقی را که در بنای کعبه نصیب سیدزین العابدین شده است، از نوشته خود او چنین شرح می‌دهد:

«سپیده دم روز چهارشنبه، نوزدهم شعبان ۱۰۳۹ ه. ق. بارانی چنان شدید- که گویی دهان مشک‌ها را گشوده باشند، مدت دو ساعت و دو درجه- بر مکه فرو بارید. سیل وارد مسجد الحرام شد و به اندازه دو ذراع و ربع ذراع از سر کعبه گذشت و چهار هزار و دو نفر مرد و زن و کودک در آن حادثه جان سپردند ...

۱- میرزا زین العابدین کاشانی از علمای قرن یازدهم هجری و از شاگردان ملا محمد امین استرآبادی‌بنیان گذار تفکر نوین اخباری و صاحب فوائد المدینه است. وی از عالمان مقیم مکه بوده و در همین شهر به دست سنیان متعصب به شهادت رسیده است. در آن هنگام به علت اختلاف شیعه و سنی درباره روز عرفه و عدم تبعیت شیعیان از سنیان، افراطیون سنی دست به شهادت زائران شیعی می‌زدند. میرزا زین العابدین نیز به تصریح عبدالحی رضوی، به همین دلیل به شهادت رسیده است.

(نک: حدیقهٔ الشیعه، عبدالحی رضوی، نسخه ۱۱۲۴، کتابخانه آیهٔ اللّٰه مرعشی نجفی، برگ ۴۹).

۲- الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۱، صص ۳۶۲ و ۳۶۳

۳- اعیان الشیعه، ج ۷، صص ۱۶۸ و ۱۶۹

ص: ۶۲

روز پنجشنبه بیستم شعبان، دیوارهای شرقی و شامی؛ یعنی تقریباً نصف کعبه فرو ریخت. این واقعه در عهد سلطنت سلطان مراد چهارم، پادشاه عثمانی اتفاق افتاد ... من با شریف مکه مذاکره کردم که خانه خدا را باید به نفقه اهل خیر و به دست خود ایشان نوسازی کرد و در ظاهر آن را به سلطان نسبت داد. شریف ابتدا موافقت کرد اما کسانی او را از این اقدام منصرف کردند. من نزد خدا تضرع کردم که از این سعادت چیزی هم نصیب من فرماید. خبر ویرانی کعبه به سلطان عثمانی رسید و دستور داد کعبه را از کف زمین ویران و سپس نوسازی کنند.

دو نفر را هم از سوی خود برای سرکارگری به مکه فرستاد. روز سه شنبه، سوم جمادی الآخر سال ۱۰۴۰ ه. ق. شروع به کندن دیوارهای کعبه نمودند و من هم با سایر کارگران مشغول بنّایی شدم. از الطاف الهی این بود که وکیل سلطان و مباشر او، هر دو مؤید من شدند و به طوری که درباره بنای کعبه هر چه به ایشان می‌گفتم به کار می‌بستند ... همه دیوارهای کعبه را جز رکن حِجریه، تا جایی که حجر الأسود را بر آن کار گذاشته بودند برچیدند. برای اینکه کسی به حجر دست نزند، سنگی روی آن گذاشتند. من به دو فرستاده، دربار اسلامبول گفتم باید رکن و حجر را با احتیاط بیشتری محافظت کرد و آنان پوششی از تخته روی آن گذاشتند. شب یکشنبه بیست و دوم ماه جمادی الآخر تصمیم گرفته شد که از فردا صبح، کار بنای خانه را آغاز کنند و در آن شب من با زاری و ابتهال از خدای تعالی التماس کردم که مرا سازنده خانه خود قرار دهد. با خود اندیشیدم وقتی شریف مکه و شیخ الحرم و قاضی و وکیل سلطان و علما و خادمان حرم هستند از من با این ناتوانی چه کاری ساخته است؟

پس غسل کردم و هنگام سحر وارد مسجد الحرام شدم. ازتوفیقات الهی این بود که بعد از نماز صبح غیر از مباشر و چند کارگر، کسی در مسجد نماند. وقتی مباشر مرا دید، گفت: سید زین العابدین! فاتحه بخوان. من فاتحه و دعای سریع الاجابه را- که در کافی روایت شده است و با «أَللّهُمَّ انّی أَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ الْعَظِیمِ الْأَعْظَم ...» شروع می‌شود- خواندم. آنگاه سنگ مبارک رکن غربی را به دست گرفتم و محمد حسینی ابرقویی، که از صلحا بود، طاسی پر از ساروج پیش من آورد. آن ساروج را در زاویه رکن غربی زمین ریختم و پهن کردم.

ص: ۶۳

بسم اللّه گفته سنگ را بر اساس ابراهیم علیه السلام کار گذاشتم. روز نهم رجب به حجرالأسود رسیدند. من به نفس خود، سه ذراع از ارتفاع و تمامی عرض روی رکن حجر الاسود را ساختم. بسیار کوشیدند حجرالأسود را از جای خود بردارند اما نتوانستند. آن روز من دعایی را که معروف به سیفی است می‌خواندم و بیست و هفت بار مکرر نمودم. در بیست و دومین بار بود که باب کعبه را کار گذاشتند.

روز سیزدهم شعبان ستونهای خانه خدا را به درون کعبه بردیم.

روز پانزدهم همین ماه، از باب کعبه وارد شدم و چهار سنگ به دست خود بر دیوارهای داخلی کار گذاشتم. یک سنگ در زاویه حجرالأسود و سنگی درحطیم و سنگی در زادگاه امیرالمؤمنین علیه السلام که تخمیناً سه ذراع از زاویه حجرالأسود فاصله دارد و سنگی هم در زاویه رکن یمانی. روز هیجدهم شعبان، الواحی را بین ستونهای خانه، که به سقف متصل بود، قرار دادیم و من آنها را به ستون متصل نمودم. در سلخ شعبان، میزاب الرحمه- ناودان کعبه- را کار گذاشتند. در دوم رمضان به نصب سنگهای مرمر بر دیوارهای داخلی خانه پرداختند و همه آن دیوارها و کف خانه را با مرمر پوشاندند و فرش کردند. روز چهارشنبه بیست و هفتم رمضان، کار نوسازی کعبه به پایان رسید و مردم روز جمعه آخر رمضان داخل کعبه شدند.

بنای کعبه کنونی، همان ساختمان سلطان مراد چهارم از پادشاهان عثمانی است که در سال ۱۰۴۰ هجری بر اثر ورود سیل به مسجد الحرام و تخریب آن از نو بنا گردید. این ساختمان استحکام و قدرتمندی کامل دارد؛ به طوری که تاکنون پابرجا و استوار مانده است.

ساختمان کعبه از سنگ‌های بزرگی به رنگ سیاه متمایل به کبودی ساخته شده است. این سنگها از دل کوه‌های مکه استخراج شده و بسیار سخت و قوی می‌باشند.

سنگ‌های کعبه از دو نوع بزرگ و کوچک تشکیل شده است که بزرگترین آنها به طول صد و نود سانتی متر و عرض پنجاه سانتیمتر و ارتفاع بیست و هشت سانتیمتر است و کوچکترین سنگهای کعبه حدود پنجاه سانتیمتر طول و چهل سانتیمتر عرض دارد».

ص: ۶۴

محمد طاهر کردی در کتاب خود می‌نویسد: در روز دوشنبه، بیست و هشتم ماه رجب سال ۱۳۷۷ هجری به هنگام آغاز طرح توسعه حرمین شریفین، جامه کعبه به جهت تعمیر و مرمت سقف خانه کعبه، از روی آن برداشته شد.

اینجانب از این فرصت طلایی استفاده کردم و سنگهای آشکار بر روی دیوار کعبه را از بالا ـ تا شاذروان بر روی زمین شمارش نمودم.

جدول زیر بر اساس همین شمارش تهیه شده است:

چهار سمت کعبه/ تعداد سنگها

دیوار شرقی کعبه که درِ کعبه در آن قرار دارد/ ۴۱۹

دیوار غربی کعبه/ ۴۴۹

دیوار جنوبی (میان رکن حجرالأسود و رکن یمانی)/ ۴۲۸

دیوار شمالی که در آن ناودان و حجر اسماعیل قرار دارد/ ۳۱۸

بنابراین، مجموع سنگ‌های آشکار خارجی کعبه، از بالا تا پایین، به جز سنگهای شاذروان، ۱۶۱۴ عدد می‌باشد.

گفتنی است که این تعداد مربوط به سنگ‌های آشکار دیوار خارجی کعبه است و شمارش تعداد سنگهای به کار رفته در دیوارهای کعبه، غیرممکن است و به نظر می‌رسد سنگهای آن چندین برابر این تعداد باشد؛ زیرا عرض دیواهای کعبه میان نود تا یکصد سانتیمتر است و برای ساختن دیواری بدین عرض به تعداد بسیار زیادی سنگ نیازمند است.

ص: ۶۵

اندازه‌های کعبه در ساختمان‌های چهارگانه

اشاره

ابوالولید ازرقی در کتاب تاریخی اخبار مکه، درباره اندازه‌های کعبه معظمه در ساختمان‌های چهارگانه چنین آورده است:

اندازه کعبه در ساختمان حضرت ابراهیم علیه السلام ذراع

ارتفاع کعبه ۹

طول دیوار شرقی که در کعبه در آن قرار دارد ۳۲

طول دیوار غربی ۳۱

طول دیوار شمالی که حِجر اسماعیل در آن قرار گرفته است ۲۲

طول دیوار جنوبی (میان رکن حجرالأسود و رکن یمانی) ۲۲

اندازه کعبه در ساختمان قریش‌ذراع

بلندی و ارتفاع کعبه ۱۸

طول دیوار شرقی که درِ کعبه در آن قرار دارد ۲۶

طول دیوار غربی کعبه ۲۶

طول دیوار شمالی کعبه که حجر اسماعیل در آن قرار گرفته است ۲۲

طول دیوار جنوبی کعبه که میان رکن حجرالأسود و رکن یمانی است ۲۰

ص: ۶۶

اندازه کعبه در ساختمان عبداللَّه بن زبیرذراع

ارتفاع کعبه ۲۷

طول دیوار شرقی کعبه ۳۲

طول دیوار غربی کعبه ۳۱

طول دیوار شمالی کعبه ۲۲

طول دیوار جنوبی کعبه ۲۰

اندازه کعبه در ساختمان حَجّاجذراع

ارتفاع کعبه ۲۷

طول دیوار شرقی کعبه ۲۶

طول دیوار غربی کعبه ۲۶

طول دیوار شمالی کعبه ۲۲

طول دیوار جنوبی کعبه ۲۰

محمد طاهر کردی در «التاریخ القویم لمکّهٔ و بیت اللَّه الکریم» آورده است:

اندازه‌های کعبه مشرفه و ابعاد آن را، بر اساس واحد اندازه‌گیری متر، که در زمان کنونی معمول است، به نقل از مهندسان مصری در سال ۱۳۷۷ ه. ق. چنین آورده است:

اندازه‌ها و ابعاد کعبه مشرفه بر اساس واحد اندازه‌گیری مترسانتی‌مترمتر

ارتفاع در کعبه از سطح زمین مطاف ۱۹۲

طول قفل در کعبه ۰۳۴

فاصله میان حفره کنار درِ کعبه تا پنجره مقام ابراهیم علیه السلام ۹۸۶

فاصله میان حفره یاد شده تا ابتدای فضای حجر (انتهای ضلع کعبه) ۵۶۰

فاصله ابتدای حفره یاد شده تا رکن حجرالأسود ۴۸۰

ص: ۶۷

اندازه‌ها و ابعاد کعبه مشرفه بر اساس واحد اندازه‌گیری مترسانتی‌مترمتر

فاصله میان حفره فوق تا ابتدای درگاه درِ کعبه ۰۶۰

فاصله میان شاذروان درکنار حجرالأسود تا ملتزم ۱۰۰

ارتفاع کامل دیوار کعبه در سمت شرقی ۱۲۹۵

ارتفاع کامل دیوار غربی کعبه ۱۲۹۵

ارتفاع کامل دیوار شمالی کعبه ۱۲۹۵

ارتفاع کامل دیوار جنوبی کعبه ۱۲۹۵

معجنه

لازم به یادآوری است که تا پیش از طرح توسعه حرمین به سال ۱۳۷۷ هجری، حفره‌ای در کنار سمت راست درِ کعبه به نام معجنه وجود داشت. در باره این گودال فرو رفته، روایت‌ها متفاوت است.

برخی می‌گویند محلّ نماز جبرئیل بوده که کیفیت و چگونگی خواندن نماز توسط این فرشته الهی به رسول خدا صلی الله علیه و آله آموزش داده شده است.

بنا به روایتی دیگر، این گودال جایی بوده که حضرت ابراهیم علیه السلام هنگام بنای کعبه، ملاط بنایی خود را در آن ساخته و مخلوط کرده است.

لیکن طبق روایات و اخبار رسیده، ابراهیم علیه السلام در ساخت کعبه سنگها را یکی بر دیگری نهاده و از گچ و ملاط استفاده‌ای نکرده است و مواد ساختمانی برای اولین بار در بنای قریش استفاده شده است.

از سوی دیگر، اگر این روایت صحیح بدانیم، باشد لازم است که چهار سمت کعبه چنین حفره‌ای وجود داشته باشد.

از این رو، به نظر می‌رسد که روایت نخستین صحیح‌تر باشد. البته اکنون دیگر این گودال دیگر وجود ندارد و در محلّ آن بر روی شاذروان نبشته کهنی به طول هفتاد سانتیمتر و عرض سی و چهار سانتیمتر قرار داده شده که بر روی آن این نوشته دیده می‌شود:

ص: ۶۸

«بسم اللَّه الرحمن الرحیم- أمر بعمارهٔ المطاف الشریف، سیّدنا و مولانا الإمام الأعظم، المفترض للطاعهٔ علی سائر الأمم، ابوجعفر المنصور المستنصر باللّه، أمیر المؤمنین، بلغه اللَّه اماله و زین بالصالحات أعماله، و ذلک فی شهور سنهٔ احدی و ثلاثین و ستمائهٔ و صلّی اللَّه علی سیدنا محمد».

این سنگ نبشته نشان دهنده تعمیر و تجدید مطاف شریف به وسیله ابوجعفر منصور المستنصر بالله در سال ۶۲۱ هجری است. گفتنی است که ابوجعفر منصور یاد شده در این لوح، غیر از ابوجعفر منصور پدر «محمد المهدی» است که در سال ۱۳۷ هجری مسجد الحرام را توسعه داد».

اندازه‌های رکن‌ها

نویسنده کتاب التاریخ القویم درباره اندازه‌های میان رکنها، این گونه آورده است:

اندازه‌های میان رکن‌ها سانتی‌متر متر

فاصله میان رکنهای عراقی و حجرالأسود از بیرون کعبه بدون شاذروان ۱۱۷۱

فاصله میان رکن شامی تا رکن یمانی، از خارج کعبه، بدون شاذروان ۱۲۰۹

فاصله میان رکن عراقی تا رکن شامی، ازخارج کعبه، بدون شاذروان ۱۰۰۰

فاصله میان رکن یمانی، تا رکن حجرالأسود، از خارج کعبه، بدون شاذروان ۱۰۱۷

فاصله میان رکن عراقی و رکن شامی به همراه شاذروان ۱۱۲۰

فاصله میان رکن حجرالأسود و رکن عراقی به همراه شاذروان ۱۱۳۵

فاصله میان رکن حجرالأسود و رکن عراقی به همراه شاذروان ۱۲۸۰

فاصله میان رکن یمانی و رکن شامی به همراه شاذروان ۱۳۳۰

فاصله میان رکن عراقی و رکن حجرالأسود از درون کعبه (دیوار شرقی) ۹۷۹

فاصله میان رکن شامی تا رکن یمانی از درون کعبه (دیوار غربی) ۱۰۱۱

فاصله میان رکن عراقی تا رکن شامی از درون کعبه به همراه پله آن ۷۹۸

فاصله میان رکن یمانی و رکن حجرالأسود از درون کعبه ۷۱۷

فاصله میان دو طرف دیوار نیم دایره‌ای حِجر اسماعیل ۷۷۳

ص: ۶۹

اندازه‌های میان رکن‌ها سانتی‌متر متر

فاصله میان دیوار حجر اسماعیل و دیوار کعبه ۸۴۷

ارتفاع دیوار حِجر اسماعیل ۱۱۲

قطر دیوار حجر اسماعیل ۱۵۶ (۱) ۷۵

درون کعبه در دوران کنونی

درروزهای پایانی رجب سال ۱۴۱۶ هجری قمری، مطابق با دی ماه ۱۳۷۴ شمسی جهت انجام عمره رجبیه و شعبانیه توفیق نصیبم شد و راهی آن دیـار پربرکت شـدم و پس از یـک هفته توقف در مـدینه پیـامبر و زیـارت تربت پـاکش و زیارت قبور ائمه اطهار علیهم السـلام و صدیقه کبری حضـرت زهرا علیها السلام و دیگر بزرگان مدفون در تربت بقیع و درک مواقع متبرکه در این شهر، به سوی مکه رهسپار گشتم.

در صبح روز دوشـنبه، هفتم شـعبان، در حوالی سـاعت هشت بامـداد به صورت معجزه آسـا موفق شـدم که پا به دورن کعبه مکرّمه بگذارم. با اینکه دمای هوای بیرون بسـیار لطیف و خنک بود لیکن درون بیت از گرمایی حدود چهل درجه گواهی می‌داد. ابتدا در کنار رکن حجرالأسود به نماز ایسـتاده و دو رکعت نماز خوانـدم سپس به همین ترتیب در چهاررکن و به طرف چهار دیوار درونی کعبه نماز گزاردم.

در محلّی که پیـامبر گرامی اسـلام در فتـح مکه (بنـا به قولی) در نزدیکی رکن یمانی نماز گزاردنـد، نیز دو رکعت نماز بجا آوردم. سپس این ویژگیها را از درون کعبه به خاطر سپردم:

درِ کعبـه دارای دو جـدار بیرونی و درونی است که همه باطلاـی بسـیار زیبـایی پوشـیده شـده است. گفته می‌شـود و زن درِ کعبه به دویست و هشتاد کیلوگرم می‌رسد که با پوششی از طلا تزیین شده است.

روی درِ کعبه به طرز بسـیار زیبایی آیات قرآن به خط ثلث مزین گردیده و قفل مطلای بسـیار زیبایی که مزین به آیات قرآن است، در را قفل می‌کند.

۱- دکتر محمد الدقن - هادی انصاری، کعبه و جامه آن از آغاز تاکنون، ۱جلد، نشر مشعر - تهران، چاپ: ۱، ۱۳۸۴.

ص: ۷۰

کلید کعبه هم از طلا ساخته شده است. درگاه درِ خانه کعبه که از سنگ تیره‌ای ساخته شده است وسعتی حدود یک و نیم در یک متر داشته و به اندازه بیست سانتیمتر گودتر از کف درون بیت است.

در درون کعبه سه ستون چوبی منبّت کاری شده از چوب سختی وجود داشت که قطر هر یک حدود بیست و پنج سانتیمتر به نظر می‌رسید. این سه ستون به صورت شکل ترسیم شده در زیر قرار داشت:

محلّ سه ستون چوبی منبّت کاری شده در درون کعبه

در داخل کعبه دور تا دور دیوارها تا حدود ارتفاع دو متر، از سنگ مرمر سفید متمایل به زرد کهربایی پوشیده شده و کف خانه هم از همین سنگها فرش گردیده بود.

کعبه دارای دو سقف است که سقف اصلی از درون بیت دیده نمی‌شود و روی سقف داخلی کعبه تا لبه سنگها، در اطراف، با پرده ابریشم قرمزِ رنگ پریده‌ای که نشان از سال‌ها قدمت آن داشت، پوشانیده شده بود.

بر روی جامه اسامی پروردگار و عباراتی چون «لا إله إلّا اللَّه»، «محمد رسول اللَّه»، «یامنّان»، «یا حنّان» و یا «یا کریم» نقش بسته بود.

ستون‌ها تا مرز سنگ‌های دیوار، از چوب و بالاتر از آن را جامه پوشانیده بود.

پلکان بام خانه خدا در ناحیه رکن عراقی، پس از ورود به درون بیت در دست راست قرار دارد و با جامه‌ای که از بالا بر روی آن افتاده بود، چیزی از در و محل آن به نظر نمی‌رسید.

درناحیه رکن عراقی، از درون کعبه، برآمدگی یک متری وجود داشت که نشان دهنده درِ بام کعبه بود. در درون بیت، در جانب رکن یمانی، هیچگونه اثری از شکاف ورودی حضرت فاطمه بنت اسد، به هنگام زایمان حضرت علی بن ابی‌طالب علیه السلام وجود نداشت.

بر روی دیوارهای شرقی و شمالی و غربی، سنگ نوشته‌هایی دیده می‌شد که

ص: ۷۱

تاریخ تغییرات و ترمیم های کعبه و مسجد الحرام در آن حک گردیده بود.

در سال ۱۴۱۶ ه. ق. بر اثر رطوبتی که در طول سالها از بام کعبه به درون دیوارها نفوذ کرده بود، سقف کعبه مکرمه دچار فرسودگی و ترک‌هایی گشته و برخی از دیوارها دچار برآمدگی شده بود. در این باره از سوی پادشاه عربستان فرمانی صادر گردید و به دنبال آن انجمنی از علما و مهندسان و صاحبنظران تشکیل گردید. موارد مورد بررسی قرار گرفت و درباره اصلاح آن، به چاره اندیشی و تبادل نظر پرداختند. پس از آن، از تاریخ دهم محرم ۱۴۱۷ کار ساختمان و ترسیم کعبه آغاز گردید. بدین منظور در پیرامون کعبه همچون سنتهای پیشین پوششی چوبی مکعب شکلی را به وجود آوردند؛ به طوری که تنها از کعبه، حجرالأسود قابل دسترسی بود. این عملیات به مدت سه ماه به طول انجامید و در تاریخ بیست رجب ۱۴۱۷ هجری به پایان رسید.

در همین ایام؛ یعنی در تاریخ بیست و شش رجب که همزمان با شب مبعث پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله بود، بار دیگر توفیق عمره نصیب اینجانب گردید و رهسپار آن دیار مقدس شدم.

در روز چهارشنبه هفت شعبان در ساعت حدود هشت صبح مجدداً درِ کعبه گشوده شد و باز توفیق تشرّف به درون آن نصیبم گردید.

درون کعبه حال و هوای دیگری داشت. تغییرات فراوانی را در آن داده بودند که به ذکر این تغییرات می‌پردازم:

سقف دومی را که درون کعبه در زیر سقف اصلی قرار داشت برداشته بودند.

حدود ۲۳ دیوار درون کعبه، از ارتفاع کف تا سقف، همه به وسیله سنگ مرمر خاکستری روشن بسیار زیبا پوشیده شده بود و ۱۳ باقیمانده بالای سنگها، به همراه سقف خانه را، با جامه حریر سبز رنگی، که به نامهای مبارک خداوند آذین گردیده بود، پوشانیده بودند. این جامه مانند جامه‌ای است که بر روی قبر مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله افتاده است و جملات «لا اله الّا اللّه»، «محمد رسول اللّه» در جای جای آن می‌توان دید. سه ستون بسیار زیبایی در میان کعبه قرار داده شده بود که پایه‌های این ستونها، از روی زمین به ارتفاع بیست و پنج سانتیمتر از همان سنگ مرمر خاکستری موجود در کف و اطراف،

ص: ۷۲

ساخته شده و باقی ستون تا سقف از چوب قهوه‌ای زیبایی روکش گردیده است. این روکش چوبی که به نظر می‌رسد از نوع چوب «تیک» باشد به قطر پنج سانتی متر به صورت نوارهایی از بالا تا پایین ستون را در بر گرفته است.

بنابراین، از کف کعبه ارتفاعی حدود نه متر را می‌توان دید که دیوارها ۲۳ از سنگ و ۱۳ باقی از بالا، به وسیله جامه یاد شده پوشانیده شده است که جامه، سقف را هم در بر می گیرد.

دو مفتول سیمی از دو طرف کعبه، به طوری که سه ستون در میان کعبه را در بر گرفته است، کشیده‌اند و بیش از هفتاد آویزه از وسایل نقره‌ای، که برخی از آنها مطلا ـ بود، بدان آویز گردیده است. این آویزها اشیایی از قبیل آفتابه، لگن، قهوه خوری و کاسه‌های مختلف و جز اینها بود که در سر تا سر کعبه آویزان گردیده است.

گفته می‌شود این اشیاء از عتیقه‌های خانه کعبه در طول تاریخ بوده که در آن نگهداری می‌شود.

مفتول سیمی

درِ بام کعبه

رکن یمانی

ستون

رکن حجر الاسود

جایگاه نماز پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله

درِ کعبه

در گوشه دست راست خانه کعبه پس از ورود؛ یعنی در رکن عراقی یک متر به داخل کعبه برآمدگی وجود دارد و درِ یک لنگه‌ای مطلا که به طرز بسیار زیبایی با آیات قرآن آراسته گردیده، قرار داشت که درِ بام کعبه می‌باشد. همچنین قفل مستطیلی که باز از طلا و به آیات قرآن تزیین گردیده است، بر آن زده‌اند. این در به سمت راست باز می‌شود. در دیوار میان رکن حجرالأسود و رکن عراقی؛ یعنی دیواری که پس از ورود به کعبه، در سمت راست قرار می گیرد، لوح‌های یادبود سنگی قرار دارد؛ اولی یادبودی از تعمیرات و ترمیم‌های دوران ملک خالد در سال ۱۳۹۷ هجری است و کلیه تغییرات و

ص: ۷۳

ترمیم‌هایی که در خانه به وقوع پیوسته بر آن تابلو حک گردیده است.

این سنگ نبشته از مرمر زرد رنگی تشکیل شده است. لوح دوم باز از سنگ مرمر زرد رنگ است که شفاف‌تر و زیباتر از آن می‌نمود. تمامی تغییرات و ترمیمهایی که اخیراً از سوی ملک فهد در سال ۱۴۱۷ هجری صورت پذیرفته، بر آن نوشته شده است.

این تغییرات شامل تغییر سنگهای شاذروان است که از سنگ مرمر زیبایی پوشانیده شده و بر روی هر قطعه سنگ مرمر، حلقه‌ای فلزی به رنگ طلایی چسبانیده‌اند که محل اتصال جامه کعبه می‌باشد.

تغییر ناودان و ترمیم آن، ترمیم پله بام کعبه و تذهیب در آن، سنگفرش کردن کف کعبه و دیوارها و برداشتن سقف درونی کعبه و ترمیم سنگهای بام کعبه و تعویض آن‌ها، تغییر ستونهای داخلی، از تغییراتی است که در این سنگ نبشته آمده است. تاریخ آن رجب ۱۴۱۷ هجری می‌باشد.

لوح سنگی سوم بسیار کهن بود و آنچه که دقت کردم متأسفانه نتوانستم کلمات آن را بخوانم. در دیوار مقابل؛ یعنی میان رکن شامی و رکن یمانی شش لوح یادبود سنگی بر روی دیوار قرار دارد که لوح اول دست راست به مساحت تقریبی ۸۰* ۴۰ سانتیمر بود.

این لوح از سنگ مرمر زرد رنگی تشکیل شده است. در متن تابلو این عبارت نوشته شده است:

«بسم اللَّه الرحمن الرحيم، أمر بعمارة البيت المعظّم الإمام الأعظم أبوجعفر المنصور المستنصر باللّه أمير المؤمنين بلغه اللَّه أقصى آماله و تقبّل منه صالح اعماله فى شهور سنۀ تسع و عشرين و ستمائۀ و صلّى اللَّه على سيّدنا محمد و على آله و صحبه و سلّم».

لازم به ذکر است که در سال ۵۵۹ هجری، رکن یمانی بر اثر زلزله فرو ریخت و منهدم گردید که در سال ۶۲۹ هجری المستنصر عباسی آن را تعمیر کرد.

لوح دوم از سمت دست راست (میان رکن شامی و رکن یمانی) سنگی زرد رنگ و بسیار قدیمی بود که ابعاد ۷۰* ۳۵ سانتی متر داشت. اشعاری را در دو طرف آن ظاهر

ص: ۷۴

احساس نمودم لیکن به قـدری خطوط ساییده شده بود که نتوانسـتم حروف را تشـخیص دهم و سال تحریر آن را نیز موفق نشدم که بخوانم.

لوح سوم از سـنگ مرمر زرد رنگ بسـیار زیبایی بود. ابعاد آن حـدود ۸۰* ۸۰ سـانتیمتر بود. در پیرامون چهارگوشه آن دایره هایی برجسته بر روی سنگ وجود داشت.

متأسفانه هیچ یک از کلماتش را نتوانستم بخوانم.

لوح چهـارم، تابلو مربع شـکل از سـنگ تیره به ابعاد حـدود ۴۵* ۴۵ سـانتیمتر بود که بـا خـط کوفی جملات «لا اله الّا اللَّه» «محمّد رسول اللَّه» در چهار طرف این سنگ به طرز زیبایی ترسیم شده بود. خطوط سفید رنگ در زمینه‌ای تیره قرار داشت.

لوح پنجم باز برای اینجانب غیرقابل تشخیص و ناخوانا بود.

لوح شـشم که در چنـد سانتیمتری رکن یمانی قرار داشت، باز از سـنگ مرمر زردِ رنگ پریـده‌ای تشـکیل شـده بود: ابعاد آن حدود ۷۰* ۴۰ سانتیمتر بود که بر آن این نوشته دیده می‌شد:

«أمر بتجدید داخل البیت المعظّم السلطان الملک ابوالنصر قایتبای خلّد اللَّه ملکه یا رب العالمین. عام أربع و ثمانمائة من الهجرة».

سال نگارش آن به ۸۰۴ هجری باز می‌گردید.

کلیه سنگ نبشته‌ها در ارتفاعی حدود ۱۸۰ سانتیمتری زمین بر روی دیوار نصب شـده است؛ به طوری که لبه آنها هیچ فرورفتگی یا برآمدگی درسطح دیوار به وجود نیاورده است.

دیگر آنکه در میان سـتون اول سمت چپ و ستون وسط؛ یعنی تقریباً پس از ورود، مقابل در کعبه، صندوق بزرگی به ابعاد یک متر در هفتاد سانتیمتر از جنس همان سنگ مرمر که در دیوارها و کف کعبه استفاده شده، ساخته‌اند و در این جایگاه قرار داده‌اند.

جـای نمـاز پیـامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله در زیر تـابلوی چهـارم؛ همان تابلو لا اله الّا اللَّه و محمـد رسول اللَّه قرار دارد. کمی به طرف چپ و به سـمت رکن یمـانی که فاصـله‌ای حـدود یک متر و نیم از رکن یمانی دارد و آن سـنگی قهوه‌ای است. عرض آن به اندازه دو پای زانو

ص: ۷۵

زده؛ یعنی حدود سی و پنج سانتی متر و طول آن حدود هفتاد سانتیمتر بود. بالای سنگ به شکل محراب گرد بود؛ همانطور که در شکل ترسیم شده است:

گزارشی که اکنون در پیش روی شماست، ترجمه نوشتاری است که خبرنگار «مجله المسلمون» دیده‌ها و شنیده‌های خود را از آخرین ترمیم و بازسازی درون کعبه درسال ۱۴۱۷ به قلم آورده است.

او می‌نویسد:

یکی از مسؤولان ناظر بر آخرین ترمیم ساختمان کعبه، طی گفتگویی با من، سیر عملیات بازسازی را این گونه توصیف کرد:

«آغاز عملیات بازسازی، با بیرون آوردن تمامی قطعات سنگی ساختمان بیت عتیق همراه بود. از این رو کلیه سنگ‌های چهار دیوار درون کعبه، به جز سنگهای اصلی ساختمان (که از جنس سنگهای سیاه به کار رفته در دیوار بیرونی کعبه است)، طی نقشه دقیقی از جای خود کنده و پس از شماره گذاری دقیق و تعیین جایگاه آن بر روی نقشه، پاکسازی و شستشو و ترمیم و سپس به جایگاه اصلی خود بر دیوار کعبه بازگردانده شد و با ماده مخصوصی، که سبب از میان رفتن کلیه منافذ هوادار میان سنگ‌ها می‌شود، آغشته گردید تا بدین وسیله از نفوذ هوا و فرسوده شدن سنگها و آسیب پذیری آنها جلوگیری شود.

این عملیات در چهار دیوار کعبه تا پایه‌های اصلی خانه کعبه در اعماق زمین که به وسیله ابراهیم خلیل علیه السلام ساخته شده بود، ادامه یافت. آنگاه دیواره درونی کعبه از کف خانه تا ارتفاع چهار متری با پوششی از سنگ مرمر پوشانیده شد و پس از آن دیوارها تا سقف کعبه با جامه‌ای از ابریشم گران قیمت، به رنگ آبی آسمانی با میان دوزیهایی به رنگ نزدیک به سفیدی پوشانیده شد.

بر روی این جامه خطهای عمودی و افقی مکرری به شکل «۸» با نوشته «لا ـ اله الّا اللّه» «محمد رسول اللّه» «اللّه جلّ جلاله» مشابه نوشته‌های روی جامه سیاه کعبه از بیرون قرار دارد که تلألؤ ویژه‌ای به این قسمت از درون خانه داده است.

نام ملک فهد و تاریخ هدیه این جامه به کعبه، با نخ‌هایی از طلا بر روی قطعه‌ای

ص: ۷۶

از ابریشم در میانه قسمت غربی جامه قابل دیدن است. در زاویه شمال شرقی دیوار کعبه درِ طلایی دیگری قرار دارد که چشمان بیننده را خیره می‌کند. این در که کوچکتر از دروازه اصلی کعبه است و با صفحه‌هایی از طلای خالص که میان آن را با نقره کنده‌کاری کرده‌اند به «باب التوبه» مشهور است و بر میانه آن قفلی طلایی و کهن قرار دارد. این در مقابل پلّکانی است که به بام کعبه ختم می‌شود (یکی از مهندسان ناظر بر عملیات در ترمیم اخیر به من گفت: بلندی کعبه از کف تا بام برابر با ۱۳/۰۶۵ متر می‌باشد) پلّکان از شیشه ضخیم و شفاف به رنگ آبی آسمانی است که در نگاه نخست کریستال به نظر می‌آید. عرض هر پله بیست و پنج سانتیمتر و بلندی آن نیم متر است و بر هر کدام برجستگی ملایمی قرار دارد که مانع لغزندگی می‌گردد و در دو سوی پلکان، نرده دستگیره به ارتفاع یک متر از جنس همان شیشه قرار داده شده است. ساختمان پلکان مارپیچی و همانندپلکان گلدسته‌های مساجد است. در پایان پلکان دریچه‌ای قرار دارد که با مرمر سفید پوشیده شده و با گرداندن دستگیره آن، به سوی بیرون، بام کعبه باز می‌شود. در این دریچه در بازکن الکتریکی نیز نصب شده است که با فشار دگمه، به طور خودکار به سوی بیرون فضای کعبه باز می‌شود.

بام کعبه فضای چهار دیواری است که کف آن با سنگهای سفید، شفاف و گرانقیمت سنگفرش شده است. این سنگ‌ها از جنس همان سنگ‌هایی است که سرتاسر فضای باز درون و بیرون مسجد الحرام را با آن فرش کرده‌اند.

ویژگیهای این سنگ، قدرت آن بر منعکس کردن اشعه شدید آفتاب و نفوذناپذیری نسبت به گرما و سرما است. از این رو در گرما خنک و در سرمای زمستان آزار دهنده نیست.

گرداگرد بام کعبه دیواری است به ارتفاع نیم متر که بر روی آن قطعات معدنی استوانه‌ای شکل قرار گرفته و به وسیله گیره‌های بزرگ و ضخیمی در هم قفل شده است که وظیفه آنها در بر گرفتن طناب‌های حامل جامه کعبه می‌باشد.

درمیان بخش زیرین دیوار شمالی، ناودان کعبه قرار دارد که تحفه‌ای است گرانقیمت و از طلای ناب با نقش و نگارهای زیبا ساخته شده و آب ریز آن بر روی حجر اسماعیل قرار دارد. منتهی الیه این ناودان به گونه‌ای مربع و

ص: ۷۷

چهارگوش طراحی شده است که بتواند سنگینی ناودان درهنگام ریزش باران را تحمل کند». (۱) ۷۶

دِر کعبه مشرفه و تاریخچه آن

آگاهی دقیقی از پیشینه نصب دِر کعبه نداریم. فاسی گفته است که کعبه پس از حضرت ابراهیم علیه السلام منهدم گردید و به وسیله جرهمیان مجدداً بنا شد و بر آن دری دو لنگه قرار دادند و قفلی نیز بر آن زدند.

به نظر می‌رسد ساختمان جرهم و عمالقه، مانند ساختمان ابراهیم علیه السلام بوده و آن را به صورت سنگچین و بدون سقف و در ساخته‌اند؛ زیرا زندگی در دورانهای اولیه و ابتدایی بیشتر ساده و طبیعی بوده است.

فاسی همچنین گفته است: نخستین کسی که در را بر کعبه نصب کرد، «تبع‌حمیری» بود زیرا نامبرده در اشعاری که بدین مناسبت در مکه سروده، از در کعبه و قفل آن یاد کرده است.

هنگامی که قریش ساختمان کعبه را آغاز کرد، دری بر آن قرار داد که این در از سطح زمین بلندتر بود. از آن هنگام به بعد، هیچگاه کعبه بدون در نبود و همواره در آن تغییراتی صورت می‌گرفت. عبداللّه بن زبیر به هنگام بنای کعبه، دو در بر آن نصب کرد.

این درها بر روی زمین قرار داشته و برای اولین بار، درها دو لنگه‌ای بود که تاکنون نیز چنین است.

پس ازکشته شدن عبداللّه بن زبیر، حَجّاج هنگام بنای کعبه، دِر غربی را که از سوی ابن زبیر قرار داده شده بود، برداشت و تنها دِر شرقی را بر کعبه نهاد. همچنین مانند ساختمان قریش، سطح آن را از زمین بالاتر برد. این تغییر در سال هفتاد و پنج هجری صورت گرفت.

پس از او خلیفه عباسی، مقضی لأمر اللّه به وسیله وزیر خود، جمال الدین در سال ۵۵۱ هجری اقدام به ساختن دری برای کعبه نمود. این در به وسیله پوششی از صفحه‌های

۱- المسلمون، شماره ۶۲۲، سال دوازدهم، مورخ ۲۴ شعبان ۱۴۱۷ هجری.

ص: ۷۸

طلا و نقره آذین گردیده بود.

به دستور خلیفه، این در جایگزین درِ قبلی کعبه شد و از چوب در قدیمی، تابوتی برای خویش ساخت.

ملک مظفّر، پادشاه یمن در سال ۶۵۹ هجری حج گزارد. او در آن هنگام فرمان به ساختن دری برای کعبه داد که این در به وسیله شصت رطل و نقره مزین گردیده بود.

ناصر محمد بن قلاوون، پادشاه مصر دری برای کعبه ساخت که بر روی آن معادل سی و پنج هزار درهم تزیین گردیده بود. این در، در دوازدهم ذی حجه سال ۷۳۳ هجری بر بنای کعبه قرار داده شد.

سپس ناصر حسن بن محمد قلاوون نیز در سال ۷۶۱ هجری دری ساخته شده از چوب ساج بر کعبه نهاد. گفتنی است که این در، بارها زینت‌های آن اصلاح و ترمیم گردید.

سلطان سلیمان قانونی نیز در سال ۹۶۴ هجری دری که در آن تزیین فراوان به کار رفته بود بر کعبه نهاد. در سال ۱۰۴۵ هجری سلطان مراد عثمانی پس از ترمیم کعبه، طی مراسم باشکوهی در روز پنجشنبه بیستم ماه رمضان سال یاد شده در گرانبها بر کعبه نهاد.

عبدالعزیز آل سعود (پادشاه عربستان) در دوران جدید (سال ۱۳۷۰ هجری)، دری مزیّن به طلا و نقره جایگزین در پیشین- که ساخته سلطان مراد چهارم بود- کرد.

دری که اکنون بر کعبه قرار دارد، دارای دو جدار بیرونی و درونی است که همه با طلای بسیار زیبایی پوشیده شده است. گفته می‌شود وزن درِ کعبه حدود دویست و هشتاد کیلوگرم است.

روی درِ کعبه به طرز بسیار زیبایی از آیات قرآن به خط ثلث مزیّن گردیده و قفل مطلّای بسیار زیبایی، که بر روی آن آیات قرآنی نوشته شده است، در را قفل می‌کند. این در از سوی ملک خالد پادشاه پیشین عربستان به کعبه اهدا گردیده است.

ص: ۷۹

جامه کعبه

اشاره

ص: ۸۰

ص: ۸۱

جامه کعبه معظمه پیش از اسلام

۱- جامه تبّع حمیری برای کعبه مکرمه

ابراهیم خلیل به همراه فرزند خود اسماعیل علیهما السلام با نهادن سنگ‌ها بر روی یکدیگر و بدون بکارگیری گل و یا گچ در آن، خانه کعبه را بنیان نهادند. این خانه بدون در و سقف بود و تنها در سمت شرقی آن، قسمتی از دیوار را باز گذاشتند تا برای ورود به درون کعبه از آن استفاده شود. در آن زمان، کعبه پوششی نداشت؛ زیرا آن حضرت نه فرمانی از خداوند در این زمینه دریافت کرده بود و نه به پارچه و یا پوست و حصیری (۱) ۷۷ دسترسی داشت تا از آنها پوششی برای کعبه فراهم آورد.

درباره نخستین کسی که کعبه را پیش از اسلام به وسیله جامه پوشانید، روایات متعددی وجود دارد. بطوری که روایتی می‌گوید: اسماعیل فرزند ابراهیم علیهما السلام نخستین شخصی بود که در این باره اقدام کرد. روایت دیگر، آن را به عدنان جدّ والای رسول‌خدا صلی الله علیه و آله نسبت داده است و سوّمین روایت این عمل را به «تبع ابو کرب أسعد» پادشاه حمیر (۲) ۷۸ منسوب می‌کند.

۱- خصف (حصیر) پوشش ضخیمی است که به وسیله برگ درختان نخل بافته می‌شد و مردمان حجاز از آن‌همواره در موارد مختلفی؛ مانند فرش کردن زمین خانه‌های خود یا مساجد بهره می‌جستند.

۲- نک: شفاء العزام بأخبار البلد الحرام»، دارالکتب العلمیه، بیروت، لبنان (بدون تاریخ) جلد اول ص ۱۱۹ و ۱۲۰؛ ابن ظهیره قرشی مخزومی، «جامع اللطیف فی‌فضل مکهٔ و اهلها و بناء البیت الشریف»، چاپ اول، چاپخانه عیسی البابی الحلبی، قاهره ۱۳۴۰ ه. در سال ۱۹۲۱ م. ص ۱۰۵

ص: ۸۲

تاریخ نگاران بسیاری، نه تنها این مطلب را ترجیح داده‌اند، بلکه در مواردی تأکید کرده‌اند که «تبّع»، پادشاه حمیر (۱) ۷۹، نخستین کسی است که در دوران جاهلیت، کعبه مکرّمه را به وسیله جامه پوشانید. در این باره حدیثی به وسیله ابو هریره از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده‌اند که آن حضرت مردم را از سبّ «اسعد حمیری»، که همان تبّع بوده، برحذر داشت؛ زیرا ایشان فرموده‌اند: او اوّلین شخصی است که بر کعبه جامه پوشانید. (۲) ۸۰ ازرقی و محب‌الدین طبری و تقی‌الدین فاسی پس از ذکر این حدیث، گفته‌اند محمد بن اسحاق گوید: «از تنی چند از اهل علم شنیدم که نخستین کسی که بر کعبه جامه تمام پوشانید تبّع است که همان اسعد می‌باشد.» و آنها دو روایت دیگر را نفی نکرده‌اند.

بنابراین، از قید «جامه کامل» استفاده می‌شود که کعبه پیش از «تبّع» به وسیله جامه غیر کاملی پوشانیده شده است.

در نتیجه روایات سه گانه را می‌توان بدین صورت جمع کرد که: در آغاز، حضرت اسماعیل علیه السلام اولین شخصی بوده که بر کعبه جامه پوشانده است، و سپس عدنان اولین فردی بوده که بعد از حضرت اسماعیل جامه را بر کعبه پوشانیده لیکن این جامه‌ها به صورت کامل نبوده است. آنگاه «تبّع» نخستین شخصی بوده است که جامه کامل را بر کعبه مکرمه قرار داده است.

ابن هشام در سیره‌اش، در باره جامه «تبّع» بر کعبه مشرفه، چنین می‌نویسد: «تبّع و قوم او از بت‌پرستان به شمار می‌آمدند. آنان به سوی مکه حرکت کردند تا اینکه به

۱- «اسعد ابو کرب تبّعی» یکی از پادشاهان «یمن» است که نام سلسله پادشاهان آنان «تبابعه» و مرکزفرماندهی آنان در یمن بوده که به معنای داشتن پیروان فراوان است.

بنا به گفته روایات، اسعد با آگاهی از ظهور پیامبر اسلام، پیشتر به آن حضرت ایمان آورده بود. از این رو در برخی روایات آمده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است «لا تسبّوا تبّعاً فإنّه کان قد أسلم»؛ «تبع را ناسزا نگویید زیرا او اسلام را پذیرفته بود.» گفته می‌شود تبع یکی از پنج پادشاهی است که تمامی جهان قدیم را از یمن تا حیره و از حیره تا سمرقند فتح کرده و تحت تسلّط خویش درآورد. (سفینة البحار، ج ۱، ص ۳۰۲) «مترجم»

۲- نوشته محب‌الدین طبری، القری لقاصد امالقری چاپ اول، قاهره ۱۳۶۷ ه ۱۹۴۸ م، ص ۴۷۲؛ ازرقی، اخبار مکه و ماجاء فیها من الآثار چاپ سوم بیروت، لبنان ۱۳۸۹ ه ۱۹۶۹ م. ج ۱، ص ۲۴۹ و اوالعباس احمد بن علی القلقشندی، صبح الأعشی فی‌صناعة الانشا، نوشته چاپ‌قاهره، سلسله‌تراثنا، ج ۴، ص ۲۷۷

ص: ۸۳

سرزمین میان «عسفان» و «أمج» رسیدند. در این هنگام گروهی از قبیله «هذیل» به او برخورد نموده، و گفتند:

ای پادشاه، آیا می‌خواهی تو را به خانه‌ای که اموال و ثروتهای زیادی دارد و از دید پادشاهان پیشین مخفی مانده است راهنمایی کنیم؛ خانه‌ای که در آن مقدار فراوانی لؤلؤ و زبرجد و یاقوت و طلا و نقره وجود دارد؟ پادشاه گفت: آری. آنان در پاسخ گفتند: خانه‌ای است در مکه که مردمانش آن را عبادت کرده و در کنارش نماز بپای می‌دارند.

گفتنی است هذیلیان با آگاهی از این موضوع که هرگاه پادشاهی قصد آن خانه را کند و در آن ظلم نماید نابود می‌گردد، بدینوسیله قصد هلاک و نابودی تبّع را به دل داشتند. «تبّع» پس از شنیدن سخنان هذیلی‌ها، به دنبال دوکاهن، که در میان همراهان خود بودند، فرستاد و در این باره از آنان نظرخواهی کرد.

آنان به تبّع گفتند: این پیشنهاد، تنها برای از میان بردن تو و سپاهیانت می‌باشد؛ زیرا ما خانه‌ای که از آنِ خدا باشد، جز در این سرزمین نمی‌شناسیم.

تبّع از کاهنان پرسید: در صورتی که بدان سرزمین قدم گذارم، به نظر شما چه کاری را انجام دهم صواب است؟

آن دو در پاسخ گفتند: هرکاری را که ساکنان آن سرزمین در باره آن انجام می‌دهند، انجام دهی، یعنی بر گِرد آن طواف کنی و آن را تعظیم و تکریم نمایی، سر خود را در کنارش بتراشی و همچنان خود را در کنار بیت، خوار و کوچک شماری تا زمانی که از آن سرزمین خارج شوی!

تبع گفت: پس چه چیزی شما را مانع شده است که چنین نکنید؟

آن دو گفتند: به خدا سوگند که آن، خانه پدرمان ابراهیم است و پیش از این نیز به شما گفته بودیم، لیکن ساکنان آن به وسیله بتهای خویش که در اطراف آن خانه قرار دادند، میان ما و آن جدایی انداختند. به خدا سوگند آنان با خونریزی که در کنار خانه به وجود آوردند، نجس و مشرکند و ما جز نیکی برای شما چیزی آرزو نداریم.

در این هنگام «تبّع» به گفته و پند آنان ایمان آورد و دستور داد گروه هذیلیان را نزد او آورده، دستها و پاهایشان را قطع کردند. سپس رو به سوی مکه نهاده، بر گِرد خانه

ص: ۸۴

طواف به جای آورد و از آن پس در کنار بیت قربانی کرد و سر خویش را تراشید. تبع شش روز در مکه اقامت گزید و در این ایام با قربانی‌های فراوان، مردم آن را اطعام کرد و شربت عسل بدانان داد.

تبّع شبی در خواب دید که جامه‌ای بر کعبه می‌پوشاند، او این مرتبه دید که کعبه را با پارچه ضخیمی (۱) ۸۱ پوشانید.

بار دیگر در خواب دیـد که کعبه را جامه‌ای زیباتر می‌پوشانـد، پس آن را با پارچه‌ای بنام «معافر» (۲) ۸۲ پوشش داد. دگر بار او در رؤیـا این چنین دیـد که کعبه را با جامه‌ای زیباتر از پیشـین می‌پوشانـد پس آن را با پارچه لطیف و نرمی که معروف به «ریط» است پوشانید.

این پارچه قرمز راه راه یمنی بود.

ابن هشام در پایان سـخن خویش این چنین می گویـد: «تبّع- آنچنانکه می‌پنداشـتند- اولین شخصـی است که خانه را جامه پوشانیـده است» (۳) ۸۳ همچنین در روایات دیگری نیز آمـده است که تبع کعبه را با جامه‌ای از چرم (۴) ۸۴ و برد یمانی (۵) ۸۵ و پلاس (۶) ۸۶ و برد راه راه (۷) ۸۷ و جزاینها (۸) ۸۸ نیز پوشانیده است. به نظر می‌رسد تبّع

۱- الخصف: بافته‌ای که از برگ درختان نخل به وجود آمـده و همواره مردمان حجاز به عنوان زیرانداز در خانه‌های خود و مساجد به کار می‌بردند، (مترجم).

۲- در اصل نام مکانی است که پارچه‌ای به همین نام می‌بافد.

۳- سیره ابن هشام، با بازنگری و مقدمه طه عبدالروف سعد، دارالجیل، بیروت (بدون تاریخ) ج اول، ص ۲۰ و ۲۱.

۴- «الانطاع»، جمع نطع بوده که پوششی از چرم به شمار می‌آمده است.

۵- «عَصْب» به فتح عین و سـکون صاد به بردهای یمانی گفته می‌شده است که قسـمتی از رشـته‌های آن‌رنگ‌آمیزی شده و سـپس با تارهای بدون رنگ به هم بافته می‌شد که در پایان حالتی راه راه را به خود می گرفت.

۶- «مسوح» جمع مسح است که پارچه‌ای ضخیم از پشم بوده است.

۷- «الحبرات» جمع حبره است کـه بـه پارچه‌هـای برد یمـانی راه راه گفته می‌شـده و مردمـان یمن از آن برای خـویش لبـاس تهیه می کرده‌اند.

۸- ازرقی، اخبـار مکه، ج ۱ ص ۲۵۰؛ محب‌الـدین طبری القری لقاصـد ام‌القری ص ۴۸۲؛ قطب‌الـدین حنفی، الاعلام بأعلام بیت‌الله الحرام چاپ مکتبه العلمیه در مکه مکرمه (بدون تاریخ) ص ۶۹ و ابن ظهیره الجامع اللطیف ص ۱۰۴ و ۱۰۵.

ص: ۸۵

جامه‌های یاد شده را در سالهای بعد، بر کعبه قرار داده است. لازم به یادآوری است که «تبّع» نخستین شخصی است که بر کعبه در قرار داد و نیز بر آن کلیدی نهاد.

بدین منظور تبع در شعری پوشاندن کعبه را افتخار خود دانسته و چنین سروده است:

ورد الملك تبع و بنوه‌ورّثوهم جدودهم والجدودا

اذ جبینا جیادنا من ظفار (۱) ۸۹

ثم سرنا بها مسیرا بعیدا

فاستبحنا بالخیل ملك قباذ (۲) ۹۰

و ابن اقلود (۳) ۹۱ جاءنا مصفودا

فکسونا البیت الذی حرّم اللّه‌ملاء معضداً و برودا

و اقمنا به من الشهر عشراو جعلنا لبابه اقلیدا (۴) ۹۲

ثم طفنا بالبیت سبعا و سبعاو سجدنا عندالمقام سجودا

ونحرنا بالشعب ستّهٔ ألف‌فتری النّاس نحوهن وروداً

و خرجنا منه الی حیث کناو رفعنا لواءنا معقودا (۵) ۹۳

«شاه تبّع با فرزندان خود وارد گردید وانتقام خود و پدرانشان را گرفت.»

«هنگامی که بر اسبان اصیل ظفاری سوار شدند و آنگاه با آنها به راههای دوری تاختند.»

«و در زیر سم اسبان سرزمین شاه قباد را درنوردیدیم و ابن اقلود را در زنجیر پیش ما آوردند.»

۱- «ظفار»، یکی از شهرهای قدیمی سرزمین یمن بوده که هم اکنون تپه‌های باقیمانده آن نیز وجود دارد. لازم به تذکر است که امروزه سرزمینی بدین نام در کنار آن قرار دارد.

۲- «قباذ»، یکی از پادشاهان ایرانی بوده که در زبان فارسی به «قباد» نام داشته اشت.

۳- «ابن اقلود» یکی از فرمانروایان شام و یا عراق بوده است.

۴- «اقلید» همان کلید است.

۵- ابیات چهارم، و پنجم و ششم را ازرقی در کتاب خود؛ «اخبار مکه» جلد اول، صفحه ۲۵۰، و نیز ابن ظهیره در «جامع اللطیف»، ص ۱۰۴ و ۱۰۵ آورده است. اما ابیات دیگر را ابراهیم رفعت پاشا در کتاب «مرآهٔ الحرمین، چاپ اول، دارالکتب مصری در قاهره به سال ۱۳۴۴ ه/ ۱۹۲۵ م. جلد اول، ص ۲۸۱ و نیز یوسف احمد در کتاب «المحمل والجح» که به وسیله چاپخانه حجازی در قاهره به سال ۱۳۵۶ ه/ ۱۹۳۷ م. جلد اول، ص ۲۳۲ و ۲۳۳ آورده‌اند.

ص: ۸۶

«آنگاه به شکرانه خدا خانه حرام خدا را پوشاندیم با قطعه‌های پارچه‌های فراوان و بُردهای یمانی.»

«و ده ماه در حرم ماندگار شدیم که بر درِ آن کلونی قرار دادیم.»

«آنگاه به طواف هفتگانه بر گِرد حرم پرداختیم و در مقام ابراهیم به سجده افتادیم.»

«و در شعب شش هزار قربانی کردیم و هجوم مردم را برای گرفتن گوشتهای قربانی نظاره کردیم.»

«آنگاه به سوی سرزمین خود کوچ کردیم و بیرق پیروزی خویش را همچنان برافراشتیم.»

از این سروده چنین بر می‌آید که «تبّع» مدّت ده ماه در مکه اقامت داشته، و این غیر از آن است که ابن هشام در سیره‌اش آورده و آن را شش روز دانسته است.

تبّع در مدّت اقامت خویش، تعداد شش هزار رأس قربانی را برای مردم ذبح کرد.

این جریان در حوالی سال ۲۲۰ پیش از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله اتفاق افتاده است. از آن پس مدتها جانشینان تبّع یکی پس از دیگری جامه کعبه مکرمه را با چرم و قباطی (۱) ۹۴ می‌پوشاندند. (۲) ۹۵

۲- «جامه کعبه پس از تبّعیان»

تاریخ‌نگارانِ پس از تبع حمیری و جانشینان وی، در باره اینکه چه کسی جامه پوشاندن کعبه را بر عهده داشته و آن را به انجام می‌رسانیده، مطلبی ذکر نکرده‌اند. لیکن در اینجا می‌توان گفت مردم وقتی جامه‌های کعبه را که به وسیله تبّع و جانشینان او بر آن پوشانیده می‌شد، می‌دیدند هیچگاه اجازه نمی‌دادند که خانه مجرد از جامه باشد. و به نظر می‌رسد که- در دوران جاهلیت- به عنوان تقرّب به پروردگار، جامه‌هایی را بر کعبه قرار می‌دادند. بدینصورت که هرکس قصد قراردادن جامه بر کعبه را داشت، جامه نوین

۱- قباطی، پارچه‌های سپید و ظریفی بوده که به وسیله مصریان بافته می‌شده است. (مترجم)

۲- محمد لبیب البتنونی، الرحلهٔ الحجازیه، چاپخانه جمالیه مصر، چاپ دوم به سال ۱۳۲۹ ه ص ۱۳۴ و ۱۳۵

ص: ۸۷

خود را بر جامه پیشین قرار می‌داد، بطوری که گاه بر روی کعبه چندین جامه از ابریشم و کتان و جامه‌های پشمین و جز اینها که از پارچه‌های معمول آن دوران بود قرار داده می‌شد. این مطلب را تاریخ‌نگاران در گفته‌ها و روایات خود فراوان آورده‌اند.

به همین مناسبت از ابن ابی‌ملیکه نقل کرده‌اند که گفته است:

«به من خبر رسیده است که در روزگار جاهلیت پوشش‌های گوناگونی بر کعبه قرار می‌دادند. در آن هنگام معمولاً شترانی را که برای قربانی می‌آوردند، بر آنها جُل‌های مختلف از پارچه‌های حبری (۱) ۹۶ و بردهای یمنی و دیگر پارچه‌های بافت یمن را می‌انداختند آنگاه تمامی این هدیه‌ها را به کعبه اهدا می‌کردند.

این مطلب غیر از قطعات خز و حبره و گلیم‌ها و جامه‌های پشمین است که معمولاً با مقداری از آنها کعبه را می‌پوشاندند و باقی مانده آن را در گنجینه کعبه قرار می‌دادند تا هرگاه یکی از آن جامه‌ها فرسوده می‌شد، پوشش تازه دیگری را بر روی آن می‌انداختند. معمولاً هیچیک از جامه‌های فرسوده از کعبه برگرفته نمی‌شد. همچنین مقداری خلوق (۲) ۹۷ و عودسوز هم به کعبه اهدا می‌گردید که دیواره‌های درونی و بیرونی آن را به وسیله خلوق اندود می‌کردند».

همچنین از «نوار» دختر «مالک بن صرمه» مادر «زید بن ثابت»، روایت کرده‌اند که گفت:

«پیش از آنکه زید بن ثابت را به دنیا آورم و هنگامی که از حمل او بی‌اطلاع بودم، جامه‌های گوناگونی از چادرهای خز به رنگ سبز و زرد و پارچه‌های موبین ظریف و پوشش‌های معمول اعراب و پارچه‌های ریزبافت را بر کعبه دیدم.»

و نیز «عطاء بن یسار»، از عمر بن حکم سُلمی روایت می‌کند که می‌گفت:

«مادرم نذر کرده بود شتری را کنار کعبه قربانی کند. بدین منظور نامبرده دو جُل، که یکی از موی و دیگری از کرک بود، بر شتر انداخت. پس از آن شتر را قربانی کرد و با آن

۱- حبری، روپوش یا پارچه‌های سیاه رنگ را گویند. هم‌اکنون کشیشان مسیحیت از این نوع روپوش به‌عنوان عبا بر روی شانه‌های خویش می‌اندازند، (مترجم).

۲- عطرهای گیاهی خوشبوکننده مانند عود و عنبر را گویند. (مترجم)

ص: ۸۸

دو جل، بخشی از کعبه را پوشانید. در آن هنگام پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه به سر می‌برد و هنوز از آن هجرت نکرده بود. پس من در آن زمان وقتی نظر به کعبه می‌انداختم، پوشش‌های کوچک گوناگونی را می‌دیدم که برخی از پشم و برخی دیگر از خز و از مو و کرک و سجاده‌های عراقی (دشت میشانی) بود.» (۱) ۹۸ گفتنی است که در دوران جاهلیت، تهیّه و تأمین جامه کعبه تنها به وسیله افرادی که به عنوان تقرّب و نزدیکی به پروردگار، پوشش‌هایی را بدان اهدا می‌کردند، نبود بلکه قریش با یکدیگر همیاری می‌کردند و بر کعبه جامه می‌پوشاندند.

در روزگار «قصی بن کلاب» برنامه‌ای تدوین گردید که بر اساس آن هر قبیله، مبلغی به اندازه توان خود می‌پرداخت. وضع تا مدتها این چنین بود و جامه کعبه بدینسان از سوی قبایل قریش تأمین می‌شد. تا آنکه «ابو ربیعهٔ بن مغیرهٔ بن عبداللّٰه بن مخزوم» به درجه بالایی از توانگری رسید. او که به جهت تجارت با یمن، بسیار توانگر و ثروتمند شده بود، به قریش گفت:

«من خود به تنهایی یک سال جامه کعبه و پوشش آن را به عهده می‌گیرم و سال دیگر شما همگی آن را بپوشانید.»

از آن پس نامبرده چنین می‌کرد- او تا زمانی که زنده بود پارچه حبری (۲) ۹۹ بسیار نیکویی را از سرزمین «سکاسک» در یمن وارد می‌کرد و کعبه را با آن می‌پوشانید.

قریش او را «عدل» نام نهادند؛ زیرا او مانند همه قریش به تنهایی جامه کعبه را بر عهده خویش قرار داد. آنان پس از او بر فرزندانش نیز لقب «بنی عدل» اطلاق می‌کردند. (۳) ۱۰۰ پیش از اسلام و در دوران جاهلیت «خالد بن جعفر بن کلاب» بر شتری که در آن

۱- ازرقی، اخبار مکه، ج ۱، ص ۲۵۰ و ۲۵۱ و نیز نک: شفاء الفرام، ج ۱، ص ۱۲۰؛ ابن ظهیره جامع اللطیف، ص ۱۰۵؛ محب‌الدین طبری، القری لقاصد امّ‌القری، ص ۴۷۱ و ص ۴۷۳؛ قلقشندی، صبح الأعشی، ج ۴، ص ۲۷۹.

۲- حبری، روپوش یا پارچه‌های سیاه رنگ را گویند. هم اکنون کشیشان مسیحیت از این نوع روپوش به‌عنوان عبا بر روی شانه‌های خویش می‌اندازند، (مترجم)

۳- قطب الدین حنفی، الاعلام، ص ۶۹.

ص: ۸۹

پارچه‌هایی از دیباج (ابریشم) حمل می‌شد، دست یافت. او این پارچه‌های سپید ابریشمی را به سوی کعبه فرستاد و بر آن آویخته شد. بدین ترتیب خالد بن جعفر بن کلاب نخستین کسی است که کعبه را با جامه ابریشمین نقش‌دار آراست.

در باره نخستین کسی که کعبه را با جامه دیبا پوشانید نیز روایتی وجود دارد؛ برخی او را «نتیله» دختر «حبان» و یا مادر «عباس بن عبدالمطلب» دانسته و گفته‌اند که وی نخستین شخصی بود که جامه‌ای از حریر و دیبا بر کعبه قرار داد. گفته‌اند که فرزند خردسال وی عباس و به روایت دیگری برادرش ضرار بن عبدالمطلب گم شد، پس مادر اشعاری را سرود و به دنبال او روان گردید:

أضللته أبیض لو ذعیالم یک لحلوبا ولا دعیا

أضللته أبیض غیر خاف‌للفتیهٔ الغر بنی مناف

ثم لعمرو منتهی الأضیاف‌سن لفهر سنهٔ الإیلاف

فی القر یوم القر و الأصیاف

اینجا بود که او نذر کرد در صورت پیدا شدن فرزندش، جامه‌ای را بر کعبه قرار دهد. تا اینکه سرانجام روزی مردی او را در «جزام» یافت و به نزد مادر آورد و او به نذر خویش وفا کرد. (۱) ۱۰۱ در توجیه دو روایت گذشته می‌توان گفت که: «خالد بن جعفر ابن کلاب» نخستین شخصی است که کعبه را به وسیله جامه‌ای از دیبا پوشانید و «نتیله» دختر «حبان» نخستین بانویی است که جامه‌ای از دیباج (۲) ۱۰۲ بر کعبه قرار داد.

لازم به یادآوری است که روایت‌های دیگری نیز وجود دارد که کعبه مکرمه نخستین بار در اسلام به وسیله جامه‌ای از دیبا (ابریشم) پوشانیده شد. برخی از این گفته‌ها

۱- فاسی، شفاء الغرام، ج ۱، ص ۱۲۱

محب‌الدین طبری، القری لقاصد ام‌القری، ص ۴۷۳

ابراهیم رفعت پاشا، مرآهٔ الحرمین، ج ۱، ص ۲۸۲

۲- دیباج، پارچه ابریشمی خالص را گویند، (مترجم)

ص: ۹۰

این چنین است که «یزیـد بن معاویه» یا «عبداللّه بن زبیر» یا «عبدالملک ابن مروان» (۱) ۱۰۳ و برخی دیگر نخستین افرادی بودند که جـامه‌ای از ابریشم بر کعبه قرار دادنـد. و نیز از برخی روایات به دست می‌آیـد که «حجاج بن یوسف ثقفی» نخستین کسـی است که کعبه را به وسـیله جـامه‌ای از دیبـا پوشانیـد و این در حـالی است که پیش از آن، کعبه به وسـیله جـامه‌ای از قبـاطی (۲) ۱۰۴ و چرم پوشانیده می‌شده است. (۳) ۱۰۵ به هرحال، با نقل این مطالب به این نتیجه می‌رسیم که عرب دوران جاهلی، عنایت و توجه ویژه‌ای بر پوشاندن جامه بر کعبه مکرّمه داشته و آن را از واجبات می‌دانسته‌اند.

آنها همواره با این کار، نسبت به یکدیگر تفاخر و فضل فروشـی داشته‌اند، تا آنجا که توانگران و آنانیکه در جامعه خویش از فضل و برتری خاصـی بهره‌منـد بوده‌اند، نسبت به پوشاندن جامه بر کعبه، به یکدیگر پیشـی می گرفته‌اند. همینطور برای ما روشن می‌شود کـه آنـان طبـق ذوق و سـلیقه خـویش و بـدون هیچگـونه محـدودیت ویژه‌ای، بنـابر تـوانگری و خواسـته خـویش، بـدین کـار اقـدام می کرده‌اند.

و نیز بگونه‌ای بوده است که جامه‌های کعبه یکی پس از دیگری بر روی هم قرار می گرفته است و همچنان باقی می‌ماندنـد تا اینکه به علّت فرسودگی آنها را از روی کعبه بر می‌داشتند.

۱- نک: ازرقی: اخبار مکه ج ۱ ص ۲۵۳

ابن ظهیره: جامع‌اللطیف، ص ۱۰۵

۲- قبـاطی: به پارچه‌هـای سپیـد و ظریفی اطلاق می‌شـده است که این پارچه‌ها بافته مصـریان در آن دوران به شـمار می‌آمـده است. (مترجم)

۳- فاسی: شفاء الغرام ج ۱ در حاشیه صفحه ۱۲۰

ص: ۹۱

جامه کعبه مکرمه در دوران دولتهای اسلامی

۱- پوشش کعبه در دوران رسول خدا صلی الله علیه و آله و خلفا

پیش از آنکه در باره جامه کعبه در دوران دولتهای اسلامی سخن به میان آوریم، لازم است به این نکته اشاره کنیم که مسلمانان تا پیش از فتح مکه، فرصتی به دست نیاوردند که به این امر مهم اقدام نمایند؛ زیرا در آن زمان یعنی پیش از فتح مکه، سروری و بزرگی از آن مشرکان بود. و هیچیک از مورّخان در این‌باره که مسلمانان پیش از فتح، درباره جامه کعبه اقدامی کرده باشند، مطلبی نیاورده‌اند.

از «سعید بن مسیب» روایت شده که گفت: در سال فتح، بانویی برای خوشبوکردن کعبه عودسوزی را روشن کرد و به کنار کعبه آمد. شراره‌ای از عود سوز به جامه کعبه رسید و آن را سوزاند. این جامه از آنِ مشرکان بود و پس از آن بود که به وسیله مسلمانان جامه دیگری بر کعبه قرار داده شد.

پیامبر صلی الله علیه و آله جامه یمانی را بر کعبه پوشانیدند و پس از آن حضرت، ابوبکر جامه قباطی (۱) ۱۰۶ را بر کعبه قرار داد.

سپس در روزگار عمر بن خطاب، از بیت‌المال جامه‌ای قباطی تهیه کردند و بر کعبه پوشانیدند. این جامه در دوران عمر و به فرمان وی در مصر بافته شد.

۱- قباطی جمع قبطیه (به ضم قاف) پارچه‌های سپید و ظریفی بوده که به وسیله مردمان مصر بافته می‌شده است. این پارچه‌ها منسوب به قبطیان بوده است و ضم در اینجا، نسبت این پارچه به آنان بوده اما در مردم قبطی (به کسر قاف) می‌باشد شفاء الغرام، ج ۱، ص ۱۲۱.

ص: ۹۲

پس از عمر، عثمان نیز همانگونه عمل می کرد، تنها با این تفاوت که در یکی از سالهای خلافت خود، به جامه قباطی کعبه اکتفا نکرد و جامه دیگری از بردهای یمانی را بر آن پوشانید. در همین رابطه به «یعلی بن منبه» عامل خود در یمن دستور داد که آن را ساخته و به مکه ارسال نماید. بنابراین «عثمان بن عفان» نخستین کسی است که دو جامه یکی بر دیگری را در اسلام بر کعبه قرار داد.

اما حضرت علی بن ابی‌طالب علیه السلام را هیچیک از مورخان یاد نکرده‌اند که جامه‌ای را بر کعبه قرار داده باشد (۱) ۱۰۷. آنان علت این مطلب را درگیری آن حضرت در جنگ‌ها و فتنه‌های داخلی، که دولت اسلامی را پس از قتل عثمان گرفتار نمود، دانسته‌اند. (۲) ۱۰۸ برخی از صاحبنظران را عقیده برآن است که از مجموع تعدادی روایت، چنین به دست می‌آید که رسول خدا صلی الله علیه و آله خود نخستین شخصی بود که کعبه را به وسیله جامه‌ای قباطی پوشانید؛ از جمله راویان «عبدالرزاق است که از ابن جریج نقل کرده، گوید:

«شنیدم که عمر کعبه را به وسیله جامه قباطی می‌پوشانید و چندین نفر به من گفتند که رسول خدا صلی الله علیه و آله کعبه را به وسیله جامه قباطی و روپوش سیاه پوشانیده است»

و نیز «أبو عروبه از حضرت حسن بن علی علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

نخستین شخصی که جامه قباطی بر کعبه قرار داد پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است. (۳) ۱۰۹ واما اینکه در چه روزی از سال کعبه را جامه می‌پوشاندند؟ ازرقی از «خالد بن

۱- روایاتی که از اهل بیت علیهم السلام در این باره در دست است عکس آن است، در کتاب «قرب الاسناد» تألیف‌محدث ثقه بزرگوار عبداللّه بن جعفر حمیری که از دانشمندان بزرگ شیعه در دوره‌های پایانی سده سوم هجری و زنده در سال ۳۰۰ هجری بوده است به سند خود از امام جعفر صادق علیه السلام و آن حضرت از پدرش امام محمدباقر علیه السلام روایت کرده است که فرمود: علی علیه السلام پرده کعبه را همه ساله از عراق می‌فرستاد. (مترجم)

۲- ازرقی، اخبار مکه، ج ۱، صص ۲۵۲ و ۲۵۳

فاسی، شفاءالغرام، ج ۱ صص ۱۲۰ و ۱۲۱

قطب‌الدین حنفی، الأعلام، ص ۶۹

۳- حسین عبداللّه باسلامه، تاریخ الکعبۀالمعظمه، چاپ دوم، دار تهامه، جده ۱۴۰۲ ه/ ۱۹۸۲ م. ص ۲۵۰

ص: ۹۳

مهاجر» نقل می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله در روز عاشورا برای مردم خطبه خواند در آن خطبه فرمود:

«امروز عاشورا است، روزی است که سال در آن به پایان می‌رسد و بر کعبه جامه پوشانیده می‌شود. این روز است که اعمال بندگان به آسمان برده می‌شود و من در چنین روزی روزه هستم پس هر یک از شما دوست دارد این روز را روزه بگیرد.»

و نیز از «ابن جریج» روایت شده است که گفت: «در روزگاران گذشته، معمول این چنین بوده است که پس از رفتن آخرین نفرات حاجیان از مکه، جامه‌های دیبا بر کعبه می‌پوشاندند تا مردم شکوه و زیبایی را بر کعبه نظاره کنند وسپس در روز عاشورا جامه اصلی (۱) ۱۱۰ آن را قرار می‌دادند. این مراسم در روزگار بنی‌هاشم معمولا روز هشتم ذی‌الحجه (/ روز ترویه) بوده است.

همچنین روایتی است از نافع که گفت: «هر گاه ابن عمر قصد آن داشت که محرم شود، در آغاز شتر خویش را به وسیله قباطی و حبره پوشانیده و سپس در عرفات آنها را بر خود قرار می‌داد، سپس در روز عید قربان لباس‌ها را از تن درآورده، نزد شیبهٔ بن عثمان می‌فرستاد و او آن را بر کعبه قرار می‌داد.»

همچنین روایت شده است که کعبه را در هر سال دوبار جامه می‌پوشاندند؛ نخست جامه‌ای از دیبا و دیگر جامه‌ای از قباطی که نخستین پوشش در روز ترویه (/ هشتم ذی‌الحجه) انجام می گرفت و چنان بود که نخست بخش بالای کعبه را با جامه دیبا می‌پوشاندند و بی‌آنکه آن را بدوزند آویزان می کردند، مانند دوران ما که کعبه به جامه محرم گردیده است. سپس آن هنگام که حاجیان مراسم خود را به پایان برده و از منا به حرکت در می‌آمدند، جامه را می‌دوختند لیکن همچنان آن را از دسترسی حاجیان دور نگاه می‌داشتند؛ زیرا که آنان به عنوان تبرّک آن جامه را پاره پاره می کردند تا آنگاه که روز عاشورا فرا می‌رسید جامه اصلی را بر کعبه قرار داده و آن را به پیراهن

۱- در متن روایت کلمه «أزار» آمده و به نظر می‌رسد جامه‌ای که در روز هشتم بر کعبه پوشانده می‌شد تنها به‌عنوان زیبایی بوده برنامه پوشش و جامه اصلی در روز عاشورا بوده است. «مترجم»

ص: ۹۴

قبلی افتاده بر کعبه می‌دوختند. این جامه دیبا تا روز بیست و هفتم ماه رمضان همچنان بر کعبه بود و در آن هنگام جامه قباطی را به عنوان استقبال از عید فطر، (۱) ۱۱۱ بر کعبه می‌پوشانیدند.

۲- در دوران امویان

خلفای اموی اهمیّت ویژه‌ای به جامه کعبه مکرمه می‌دادند، بطوری‌که معاویهٔ بن ابی سفیان، در هر سال دوبار بر کعبه جامه می‌پوشانید:

۱- جامه قباطی به روش عمر ۲- جامه‌ای از دیبا.

معمولًا جامه دیبا را در روز عاشورا و جامه قباطی را در پایان ماه رمضان به عنوان شادی و آمادگی برای عید فطر، بر کعبه می‌پوشاندند.

معاویه همچنین مقرر نمود که به هنگام هر نماز، کعبه را آغشته به عطر کنند و آن را خوشبو سازند و بدین منظور نامبرده همه ساله در موسم حج و در ماه رجب عطر و خلوق و عود سوز برای کعبه ارسال می‌کرد و غلامانی را به مکه می‌فرستاد و به خدمت کعبه وا می‌داشت. وی از بیت المال هزینه‌ای برای روغن چراغ‌های مسجد مقرر کرد. بنابر آنچه گفتیم معاویه نخستین شخصی است که جامه کعبه را در سال دو بار تعویض نمود. و باز او نخستین کسی است که بردگانی را به خدمت کعبه درآورد و از بیت‌المال روشنایی را به وسیله روغن به مسجد آورد. سپس خلفای دیگر و والیان همچنان به روش او ادامه دادند. (۲) ۱۱۲ پس از معاویه، فرزندش یزید جامه دیبای خسروانی را بر کعبه پوشانید و آنگاه عبداللّه بن زبیر، به هنگام خروج خود بر بنی امیه، بساط حکومت و قدرت خویش را بر

۱- نک: ازرقی، اخبار مکه، ج ۱، صص ۲۵۲ و ۲۵۳

محب‌الدین طبری، القری لقاصد ام‌القری، ص ۴۷۵

قطب‌الدین حنفی، الاعلام، ص ۶۹

ابن ظهیره، جامع اللطیف، ص ۱۰۵ و ۱۰۶

۲- ازرقی: اخبار مکه، ج ۱، ص ۲۵۴؛ فاسی: شفاءالغرام، ج ۱، ص ۱۲۰؛ ابن ظهیره: جامع اللطیف، ص ۱۰۹ و ۱۱۰

ص: ۹۵

مکه گسترد. در آغـاز، ساختمـان کعبه مکرمه را آغاز کرد و در سال ۶۴ هجری وقتی از ساختمان آن فارغ گردیـد، ابتدا دیواره‌های درونی و بیرونی کعبه را از بالا تا پایین به وسیله مشک و عنبر خوشبو ساخت و سپس آن را با جامه‌ای قباطی، و نیز گفته شده است با جامه‌ای از دیبای خسروانی، پوشانید. ابن زبیر همه ساله فرستاده‌ای را به سوی برادرش «مصعب» گسیل می‌داشت تا جامه را برای او آماده و ارسال نماید. و بدین ترتیب باید گفت که ابن زبیر نخستین شخصی است که از خلوق در درون کعبه استفاده نمود.

تصویر ص ۹۴ از شماره اوّل مقاله (شماره ۲۵)؟؟؟؟

پس از ابن زبیر، «حَجاج بن یوسف ثقفی» جامه‌ای از دیبای خسروانی را بر کعبه پوشانیـد. در اینجا این مطلب به نظر جالب آمد که برخی افراد، هدف قرار دادن جامه بر کعبه به وسیله حجّاج این بوده است که وی پس از حمله به مسجدالحرام و آسیب رساندن به خانه کعبه به وسیله منجنیق و کشتن ابن زبیر، از سوی برخی تکفیر گردیـد، از این رو پس از آن برای رفع شبهه و زدودن این کار زشت از اذهان عمومی، دست بدین کار زد.

ص: ۹۶

عبدالملک بن مروان نیز همه ساله جامه‌ای از ابریشم خالص را ابتدا از راه مدینه منوّره به مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله ارسال می‌کرد و چند روزی آن را بر روی ستونهای جای جای مسجد می‌آویختند، سپس آن را پیچیده، به سوی مکه مکرمه گسیل می‌داشت.

همچنین نامبرده عطر و انواع خلوق و عود سوز را نیز همه ساله به همراه جامه کعبه به مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله و کعبه مکرمه می‌فرستاد. (۱) ۱۱۳ پیش از این در مورد نخستین شخصی که جامه‌ای از دیبا بر کعبه پوشانید مطالبی آوردیم.

در سال ۹۱ هجری ولید بن عبدالملک به هنگام آمدن به مکه مکرمه، که در آن وقت خلافت را از آن خویش کرده بود، جامه‌ای را برای کعبه به همراه خویش آورد. این جامه را در آغاز بر روی بندهای مسجدالحرام آویختند؛ زیرا جامه یاد شده از گرانبهاترین انواع پارچه‌های دیبا در دوران خود به شمار می‌آمد که تا آن زمان به یقین، در نوع خود بی‌نظیر بود. این جامه به دستور خلیفه، یک روز همچنان بدان صورت باقی ماند سپس آن را پیچیده و بر روی کعبه قرار دادند. (۲) ۱۱۴ و نیز در دوران «هشام بن عبدالملک» کعبه به وسیله جامه دیبای ضخیمی پوشانیده شد. این در حالی بود که در زیر جامه یاد شده، جامه‌های دیگری که از ساخته‌های یمن (۳) ۱۱۵ بود، قرار داشت.

ماوردی می‌نویسد: «بنی‌امیه در دوران خویش، گاهی از راه جزیه‌ای که از نجرانیها (۴) ۱۱۶ می‌گرفتند، جامه‌هایی را برای کعبه تهیه می‌کردند و جامه دیگری از دیبا را بر روی آن جامه‌ها قرار می‌دادند.» (۵) ۱۱۷ جامه کعبه تا پایان دوران امویان، همواره سالی دو بار

۱- ازرقی، اخبار مکه، ج ۱، ص ۲۵۵؛ محب الدین طبری، القری لقاصد امّ القری، ص ۴۷۴؛ قلقشندی: صبحی الأعشی، ج ۴، ص ۲۷۹

۲- حسین عبداللّه باسلامه، تاریخ الکعبهٔ المعظمه، ص ۲۵۵

۳- طبری، ابو جعفر محمد بن جریر: تاریخ الرسل و الملوک، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، چاپ دوم‌دار المعارف، قاهره ۱۹۷۶ م. ج ۸، ص ۱۳۳

۴- حبشه، «مترجم».

۵- قلقشندی، صبحی الاعشی، ج ۴، ص ۲۷۹؛ یوسف احمد، المحمل و الحج، ج ۱، ص ۲۳۷؛ محمد طاهرابن عبدالقادر الکردی، تاریخ القویم لمکهٔ وبیت‌اللّه الکریم، مکتبهٔالنهضهٔ الحدیث، در مکه مکرمه، ج ۴، ص ۱۹۳

ص: ۹۷

بدان ارسال می گردید که در اینجا لازم به ذکر است که جامه قباطی از دوران «عمر بن خطاب» به صورت رسمی در مصر بافته شده و به مکه ارسال می گردید.

۳- در دوران عباسیان:

خلفای عباسی توجه ویژه‌ای را همواره نسبت به جامه کعبه از خود نشان می‌دادند.

آنان دستور داده بودند که جامه کعبه از بهترین و گرانبهاترین انواع ابریشم بافته شود.

جامه‌های یاد شده در شهر «تنیس» مصر که دارای شهرت به سزایی در منسوجات گرانقیمت بود، بافته می‌شد. و دو دهکده دیگر که پا به پای تنیس گام برداشته و شهرت فراوانی را نسبت به این گونه منسوجات تنیسی پیدا کرده بود؛ یعنی «تونه» و «شطا» نیز عهده‌دار این جامه بودند. از آن پس، گاه جامه‌های کعبه در یکی از دو دهکده یاد شده برای کعبه آماده می‌شد.

«مقریزی» در کتاب «خطط» خود آورده است که مهدی، خلیفه عباسی، فرمان داده بود که جامه کعبه مشرفه، از قباطیِ مصر به صورت بافته‌های تنیس مهیّا شود. در این میان «فاکهی» جامه یاد شده را بر روی کعبه مشاهده کرده و در کتاب خود (اخبار مکه) از آن یاد می کند و چنین می‌نویسد:

«جامه‌ای از قباطی مصر رابر روی کعبه مشاهده کردم که بر آن این نوشته قرار داشت:

«بِسْمِ اللَّه بَرَکَةً مِنَ اللَّه ممّا أمر به عبداللَّه المهدی محمد امیر المؤمنین أصلحه اللَّه محمد بن سلیمان أن یصنع فی طراز تنیس کسوهٔ الکعبهٔ علی ید الخطاب ابن مسلمهٔ عامله سنهٔ تسع و خمسین و مأهٔ».

در سال ۱۶۰ هجری هنگامی که مهدی عباسی (۱) ۱۱۸ حج گزارد، پرده‌دار کعبه به او گفت که جامه‌های کعبه فراوان شده و چون ساختمان کعبه ضعیف است بیم آن می‌رود که سنگینی جامه‌ها بر آن صدمه وارد کند. بدین منظور نامبرده فرمان داد که به استثنای یک

۱- محمد فرزند منصور عباسی ملقّب به «مهدی» خلیفه سوم عباسی بود. نامبرده در سال ۱۲۷ و یا ۱۲۶ هجری متولد شد و در سال ۱۶۹ هجری در گذشت، «مترجم».

ص: ۹۸

جامه، همه پوشش‌ها را از روی کعبه بردارند. سپس فرمان داد که تمامی خانه کعبه را از خلوق گرانبها و مشک و عنبر آغشته سازند و آن را خوشبو نمایند. پرده‌دار کعبه- در آن هنگام- محمد بن اسماعیل بن ابراهیم حجبی از اتفاقات و رخدادهای آن‌سال نسبت به برداشتن جامه‌های فرسوده وقدیمی کعبه و شست و شوی و خوشبو کردن با بهترین و گرانبهاترین عطرها سپس قرار دادن سه جامه در یک زمان بر روی کعبه برای ما اینگونه سخن می گوید:

«با شیشه‌های مملوّ از «غالیه» به بام کعبه رفتیم و آنها را بر روی دیوارهای بیرونی کعبه ریختیم. خدمتگزاران کعبه هم در حالی‌که بر چرخ‌های قرقره ویژه دوختنِ جامه کعبه، خود را آویزان کرده بودند، از پایین تا بالای خانه کعبه را با مشک و غالیه خوشبو ساختند. از آن پس سه جامه؛ از قباطی، خز (۱) ۱۱۹ و ابریشم بر روی آن قرار دادند.»

خلیفه المهدی در آن سال اموال فراوانی را بر ساکنان مکه و مدینه تقسیم نمود. گفته می‌شود این‌اموال حدود ۳۰ میلیون درهم‌بوده است که‌به همراه خویش به این دیار آورده بود. افزون بر آن، دینارهای فراوانی نیز در آن سال از مصر (۳۰۰ هزار دینار) و یمن (۲۰۰ هزار دینار) برای وی ارسال گردید که تمامی آنها را در میان مردم مکه و مدینه تقسیم کرد. همچنین نامبرده حدود یکصد و پنجاه هزار پیراهن (۲) ۱۲۰ را در میان آنان پخش کرد.

بدین ترتیب «المهدی» نخستین کسی است که کعبه را به وسیله سه جامه، یکی بر دیگری پوشش داد.

همچنین در سال ۱۶۲ هجری به دستور خلیفه «المهدی» جامه دیگری برای کعبه مکرمه مهیّا گردید. «فاکهی» این جامه را بر کعبه مشاهده کرده و در کتاب خویش «اخبار مکه» از آن یاد کرده است. او می‌نویسد: که این جملات بر آن نقش بسته بود.

«بسم‌اللَّه برکهٔ من اللَّه کعبهٔ اللَّه المهدی محمد امیرالمؤمنین، أطال اللَّه بقاءه، ممّا أمر به اسماعیل بن ابراهیم أن یصنع فی طراز تنیس علی ید الحکم بن

۱- پارچه‌ای از پشم و ابریشم، «مترجم».

۲- ازرقی، اخبار مکه، ج ۱، ص، ۲۶۲ و ۲۶۳؛ محب الدین طبری، القری لقاصد امّ القری، ص ۴۷۷؛ طبری، تاریخ الرسل و الملوک، ج ۸، ص ۱۳۳

ص: ۹۹

عبیدة سنة اثنتین و ستّین و مائة». (۱) ۱۲۱

هارون الرشید در دوران خود فرمان داد که جامه کعبه از قباطی مصر ساخته شود و آن در سال ۱۹۰ هجری آماده و بر کعبه انداخته شد.

فاکهی آن جامه را دیده و در کتاب خویش از آن یاد کرده که بر آن این نوشته دیده می‌شده است:

«بسم اللَّه برکة من‌اللَّه للخلیفة الرشید عبداللَّه هارون امیر المؤمنین أکرمه اللَّه ما أمر به الفضل ابن الربیع أن یعمل فی طراز تونه، سنة تسعین و مائه». (۲) ۱۲۲

توجه و عنایت ویژه، نسبت به جامه پوشانده بر کعبه مکرمه، تنها از سوی خلفای بنی عباس صورت نمی‌گرفت. بلکه وزرای آنان نیز در این مهم شرکت داشته‌اند؛ زیرا به دوران خلفای بنی عباس، گاه نامِ برخی از وزرای آنان بر روی جامه کعبه دیده می‌شد.

فاکهی در اخبار مکه این چنین می‌نویسد: «جامه‌ای را بر روی رکن غربی کعبه مشاهده کردم که بر روی آن این نوشته قرار داشت: «مما أمر به السری بن الحکم و عبدالعزیز بن الوزیر الجروی، بأمر الفضل ابن سهل ذی الریاستین، و طاهر بن الحسین سنة سبع و تسعین و مائة». (۳) ۱۲۳

همچنین ملاحظه می‌شود که قیام کنندگان بر بنی عباس نیز پس از بسط قدرت

۱- «بنام پروردگار و با عنایت و برکت از جانب او برای بنده‌اش المهدی محمد امیرالمؤمنین- که خداوند او را طول عمر دهد- به اسماعیل بن ابراهیم فرمان داده شد که جامه را به سبک جامه‌های تنیس به دست حکم بن عبیده در سال یکصد و شصت و دو آماده ساختند.»

۲- «بنام پروردگار و با عنایت او، نسبت به خلیفه الرشید، بنده خدا، هارون امیرالمؤمنین که خداوند او را مورد مرحمت خویش قرار دهد، به فضل بن ربیع فرمان داده شد که جامه را به سبک تونه- یکی از دهکده‌های تابع تنیس- در سال یکصد و نود ببافند.» مقریزی، الخطط، ج ۱، صص ۳۳۹ و ۴۲۲

۳- «به دستور سری بن حکم و عبدالعزیز بن وزیر جروی، و به فرمان فضل بن سهل ذوالریاستین، و طاهر بن حسین، در سال یکصد و نود و هفت بافته شد.» مقریزی، الخطط، ج ۱، ص ۳۳۸

ص: ۱۰۰

خویش بر مکه مکرمه، به جامه کردن کعبه توجه نموده و بدین امر قیام کرده‌اند.

در سال ۲۰۰ هجری، حسین بن حسین أفطس طالبی علوی، رو به سوی مکه نهاد و در شورشی که ایجاد نمود، مکه را به تصرّف خویش در آورد و به درون کعبه قدم گذارد و سپس تمامی جامه‌های آن را برداشت و از آنِ خود نمود. آنگاه به وسیله دو جامه از ابریشم سبک، که یکی زرد و دیگری سفید بود، کعبه را پوشانید. بر روی جامه یاد شده این نوشته قرار داشت:

«بسم اللَّه الرحمن الرحیم و صلّی اللَّه علی محمد و عَلی أهل بیته الطیّبین الطاهرین الأخیار، أمر أبوالسرایا الأصفر بن الأصفر داعیهٔ آل محمد بعمل هذه الکسوهٔ لبیت اللَّه الحرام» (۱) ۱۲۴

در دوران خلافت مأمون، به وی اطلاع دادند که جامه دیبای قرمز کعبه، پیش از رسیدن زمان قرار دادن جامه دوم، نمناک و فرسوده می‌شود.

مأمون در این باره از «مبارک طبری» که در آن هنگام فرستاده ویژه او به مکه و تیول خلیفه بود، پرسید: کعبه در چه جامه‌ای بهتر و زیباتر خواهد بود؟ او در جواب گفت: در جامه سپید، پس مأمون فرمان داد جامه‌ای از دیبای سفید بافتند و در سال ۲۰۶ هجری بر کعبه مکرمه آویختند. (۲) ۱۲۵ فاکهی می‌گوید: در میانه جامه، قسمتی را از قباطی مصر مشاهده کردم. آنان بر روی جامه در ارکان خانه به خط سیاه زیبایی نوشته بودند:

«ممّا أمر به امیر المؤمنین المأمون سنهٔ ستّ و مائتین». (۳) ۱۲۶

۱- «بنام پروردگار بخشاینده مهربان و سلام و درود خداوند بر محمد و اهل بیت مطهر و برگزیده او، ابوالسرایا اصفر بن اصفر که دعوت کننده به آیین آل محمد است، فرمان داد این جامه از برای بیت اللَّه الحرام بافته و آماده گردد.»

۲- ازرقی، اخبار مکه، ج ۱، ص ۲۶۳ و ۲۶۴؛ فاسی: شفاءالغرام، ج ۱ ص ۱۲۰؛ قلقشندی، صبحی الاعشی، ج ۴، ص ۲۸۰

۳- ازرقی، اخبار مکه، ج ۱، ص ۲۵۵؛ قلقشندی، صبحی الاعشی، ج ۴، ص ۲۸۰

ص: ۱۰۱

از آن پس در هر سال سه جامه بر کعبه قرار می‌دادند. و بدین ترتیب مأمون نخستین شخصی بود که چنین کرد.

در آن هنگام جامه‌ای از دیبای سرخ در روز هشتم ذی‌الحجه (/ روز ترویه) بر کعبه آویخته می‌شود سپس جامه قباطی را در روز اول مال رجب از آن پس دیبای سپیدی را که مأمون فراهم می‌آورد در روز بیست و هفتم ماه رمضان برای استقبال از عید مبارک فطر بر کعبه می‌پوشاندند.

پس از گذشتن زمانی، به مأمون گزارش دادند: آن قسمت از جامه دیبای سپید که در دسترس حاجیان است، در ایام حج کثیف و پاره می‌شود و پیش از آنکه جامه دیبای سرخ را در روز عاشورا بر کعبه بدوزند و بر آن قرار دهند، جامه دیبای سپید قابل استفاده نیست و مأمون بخشی دیگر از همان دیبای سفید را به وسیله فضل به مکه فرستاد تا در روز هشتم ذی‌الحجه و یا هفتم از آن قسمتهایی را، که پاره و فرسوده شده است، مجدداً به وسیله آن جایگزین گردد تا آنکه در روز عاشورا جامه دیبای سرخ بر آن پوشانیده شود.

در دوران جعفر متوکّل علی‌اللّٰه به سال ۲۴۰ هجری، به وی گزارش داده شد که جامه دیبای سرخ، پیش از فرا رسیدن ماه رجب، به علّت زیاد دست کشیدن و چهره ساییدنِ مردم، کهنه و فرسوده می‌شود. لذا به فرمان او دو پوشش دیگر جهت کعبه ارسال گردید که جامه‌های یاد شده را از میانه کعبه تا پایین آن چنان آویزان نمودند که به زمین می‌رسید. از آن پس هر دو ماه دنباله‌ای از میانه کعبه تا پایین را روی جامه قرار می‌دادند.

پرده‌داران کعبه متوجّه شدند که به جامه دوم نیازی نیست، پس آن را جمع کرده، در صندوقی نهادند و برای متوکّل علی‌اللّٰه نوشتند که یک پیراهن با دنباله بخش بالای جامه، برای آن کافی است.

بنا براین، از آن پس فقط یک جامه بدین منظور ارسال می‌گردید که غالباً سه ماه بعد، آن را تعویض می‌نمودند. دنباله جامه، سه ماه بر جامه کعبه قرار داشت. این وضعیت

ص: ۱۰۲

همچنـان بود تا اینکه بنای شاذَروان (۱) ۱۲۷ در پـایین کعبه به سال ۲۴۳ هجری به جود آمـد. (۲) ۱۲۸ ازرقی تعداد جامه‌های کعبه بین سالهای ۲۰۰ تا سال ۲۴۴ هجری را شمارش کرده و گفته است: تعداد آنها یکصد و هفتاد جامه بوده است. او می گوید:

«شـمارش جامه‌هـای کعبه را از سـال دویست آغـاز نموده و آنهـا را تـا سال دویست و چهل و چهار، یکصـد و هفتاد جامه شـمارش کردم» (۳) ۱۲۹ از گفته ازرقی چنین بر می‌آیـد که در یـک سال، بیش از یک جامه و گاه تا چهار جامه بر کعبه می‌پوشانیدنـد. این توضیح، که به سخن پیش بر می گردد، بدینگونه بوده که پارچه‌های سپید که جامه کعبه از آن تشکیل می گردید، عوامل و تأثیرات آب و هوایی، از آن جمله اشعه سوزان آفتاب در فصل تابستان تا باد و بارانهای زمستانی را تحمّل نداشت، بنابراین دست اندرکاران جـامه کعبه مجبور بودنـد در اوقات مختلفی از سال، جامه‌های دیگری را برای آن ارسال نماینـد. اما پس از آنکه صـنعت جامه کعبه پیشـرفت کرد، تـا آنجا که پرده‌ها قـدرت و مقاومت ویژه‌ای در برابر عوامل طبیعی و دیگر عوامل یافتنـد، کعبه در سال به یک جامه اکتفا نمود و این وضع تا کنون همچنان باقی است.

۱- شاذَروان؛ (به فتـح ذال)، در مصـباح المنیر آمـده است: شاذروان بخشـی از دیوار خانه کعبه است که در ساختمان اساسـی برونیِ کعبه، از عرض رها گردیده. این بخش همانند پوشـش و ازاره‌ای، بخش تحتانی کعبه را در برگرفته است.» بنابراین، شاذروان بخش شیـب دار و مـایلی اسـت کـه بـه وسیـله سـنگ پـایین کعبه را در سه طرف دربرگرفته است. امـا در سـوی چهـارم کعبه، که در برابر حجراسـماعیل است، پله صاف و مسـطّحی جایگزین آن گردیده است و مردم در کنار دیوار کعبه، در حالی که شکم و سینه خود را به خانه چسـبانیده و دسـتان خود را بر بالای سر، بر کعبه قرار می‌دهند به راز و نیاز و تضرّع و زاری مشغول می‌شوند. پله یاد شده در سر تا سر طول کعبه در این سمت بوده و ارتفاع آن از سطح زمین یازده سانتیمتر و عرضش چهل سانتیمتر می‌باشد.

۲- نـک: ازرقی، اخبار مکه، ج ۱، ص ۲۵۷- ۲۵۵؛ محب الـدین طبری، القری لقاصد امّ‌القری، ص ۴۷۵؛ قلقشندی، صبحی الاعشی، ج ۴، ص ۲۸۰ و ۲۸۱؛ قطب الدین حنفی، الأعلام، ص ۷۰؛ ابن ظهیره، جامع اللطیف، ص ۱۰۶

۳- ازرقی، اخبار مکه، ج ۱، ص ۲۶۴

ص: ۱۰۳

۴- جامه کعبه مکرمه به هنگام ضعف عباسیان:

از آن هنگام که دولت عباسیان پا به ضعف و سستی نهاد و دست خلفای آن قوم از سرزمین‌های اسلامی کوتاه شد، جامه کعبه از سوی حکام و فرمانداران و پادشاهان مسلمان همچنان ارسال می‌گردید. این جامه گاه از سوی مصر و در برخی موارد از یمن بود و گاه از سوی پادشاهان و امرای ایرانی بدان دیار فرستاده می‌شد و به آن خانه مقدس اهدا می‌گردید.

مؤید در کتاب تاریخ خود «حماة» گفته است: فاطمیان، خلفای مصر، به هنگام امارت (ابوالحسن جعفر از سلیمانیان) بر مکه، کعبه را به وسیله جامه سپیدی در سال ۳۸۱ هجری پوشانیدند. (۱) ۱۳۰ «مسبحی» در حوادث سال ۳۸۴ هجری گفته است: «یحیی بن یمان در ذی‌القعده از تنیس و دمیاط و الفرما هدایای خود را، که شامل سبدها و تخت‌ها و صندوقهایی از کالا و اسب و قاطر و الاغ و سه چتر و دو جامه برای کعبه بود، به مکه آورد.» (۲) ۱۳۱ همچنین در سال ۳۹۷ هجری، «الحاکم بأمرالله»، کعبه را به وسیله جامه قباطی سپید پوشانید و اموالی را برای ساکنان دو حرم فرستاد.

در سال ۴۲۳ هجری نیز «الظاهر لاعزاز دین الله» جامه‌ای را برای کعبه فرستاد که بر آن قرار داده شد. (۳) ۱۳۲ در فاصله میان سالهای ۴۳۷ و ۴۴۷ هجری، «ناصر خسرو» در سفرنامه خویش به سوریه و فلسطین و بلاد عرب، که به زبان فارسی نگاشته شده است، از جامه کعبه و ناودان

۱- فاسی، العقدالثمین فی‌تاریخ البلدالامین، تحقیق محمد حامدالفقی، چاپخانه السنةالمحمدیه، قاهره ۱۳۷۸ ه./ ۱۹۵۸ م. ج ۱، ص ۵۸

قلقشندی، صبح الاعشی، ج ۴، ص ۲۸۱

۲- مقریزی، الخطط، ج ۱، ص ۳۳۸

۳- ابوالمحاسن یوسف بن تغری بردی، النجوم الزاهره فی‌ملوک مصر والقاهره، چاپ وزارت فرهنگ و ارشاد (المؤسسة المصریة العامه للتألیف والترجمه والطباعة والنشر) قاهره (بدون تاریخ)، ج ۴، ص ۲۱۷ و ۲۷۶

ص: ۱۰۴

و نوشته‌های بر روی آن یاد کرده و به هنگام سخن از جامه کعبه به صورت مشروح از رنگ و نیز قسمتهای مختلف آن و کمربندهای قرار گرفته بر پرده، همچنین از نقش و نگارهای موجود بر چهار سمت آن و نیز از تارهای نقره‌ای و ابریشمی موجود بر روی نقش‌ها سخن گفته است. مطالب ناصر خسرو در این زمینه را به صورت فشرده می‌آوریم:

«خانه را چهار روزن است به چهار گوشه و بر هر روزنی تخته آبگینه‌ای نهاده که خانه بدان روشن است. روزنه‌های یاد شده به وسیله شیشه‌های شفافی پوشانیده شده تا آب باران به درون کعبه نفوذ ننماید.

ناودان (۱) ۱۳۳ در میانه سمت دریایی خانه قرار داشته، که طول آن سه ذراع بوده و تمامی آن با نوشته‌های طلا آذین گردیده است.

اما جامه کعبه به رنگ سفید بوده، دو نوار به عرض یک ذراع جدا از هم آنچنان آن را در بر گرفته است که ارتفاع جامه در میان دو نوار، هریک حدود ده ذراع می‌باشد؛ به طوری که گویی پرده به وسیله دو نوار یاد شده در ارتفاع به سه قسمت تقسیم شده است.

قسمتها و اجزای موجود در بالا و پایین نوارهای یاد شده، همه به یک اندازه بوده، آنگونه که ناصر خسرو یاد کرده است. و تقریبا ده ذراع می‌باشد.

بر هر سمت از چهار طرف جامه کعبه، تابلوهای محراب گونه‌ای دیده می‌شود که به وسیله ابریشم رنگارنگ بافته شده و بر روی آنها نقش‌هایی با تارهای طلایی به وجود آورده‌اند و در هر سمت آن، سه نقش محراب گونه با تارهای ابریشمی قرار دارد که نقش میانی بزرگتر از دو نقش دیگر به شمار می‌آید. بدین ترتیب نقش‌های یاد شده بر چهار سمت جامه کعبه دوازده عدد می‌باشد. (۲) ۱۳۴

۱- مکانی است که آب بارانِ فرود آمده بر روی بام کعبه، از آن به پایین سرازیر می‌گردد. نخستین بار قریش‌به هنگام ساختمان خویش از کعبه در سی‌وپنجمین سال تولد پیامبر صلی الله علیه و آله آن را بر کعبه تعبیه نمودند. پیش از آن کعبه دارای سقف نبود. ناودان در سمت شمالی کعبه قرار داشته، به طوری که آب باران فرود آمده بر بام کعبه، به وسیله آن در حجر اسماعیل سرازیر می‌گردد.

۲- محمد طاهر کردی، تاریخ‌القویم، ج ۴، صص ۱۹۶ و ۱۹۷

ص: ۱۰۵

گفتنی است که آذین جامه کعبه به وسیله نقش‌های یاد شده تا سال ۵۶۱ هجری همچنان ادامه داشته است، به طوری که «ابوالحجاج یوسف بن محمد البلوی» نویسنده کتاب «الف- باء» آن را ملاحظه کرده و به صورت زیبایی، نقش و نگارها، آذین‌ها، همچنین تغییرات آذین‌های یاد شده، به همراه نوشته‌های بر روی آن را توضیح داده است.

وی در این باره می‌نویسد:

«سرتاسر خانه کعبه، به استثنای جایگاه در و حجرالاسود، به وسیله جامه‌ای از ابرایشم پوشیده شده است. کمربندهای آذین شده بر روی آن به رنگ سبز بوده و تابلوهای محراب شکل آن، در این کمربندها قرار داده شده است. بر روی هریک از تابلوهای یاد شده قطعه‌ای از ابریشم سرخ قرار گرفته که به کمربند دوخته شده است.

نوشته‌ها به علت درشت بودن، از راه دور قابل رویت و خواندن است. پس از «بسم‌الله ...»، بر روی آنها این آیه نقش بسته است: انَّ أوّلَ بَیتٍ وُضِعَ لِلنّاسِ ... و سپس به دنبال آن نام دستور دهنده برای ساخت و سال بافته شدنش به چشم می‌خورد.

در سال ۴۴۷ هجری «ابو کامل علی بن محمد الصلحی» حکومت یمن را به دست گرفت و از اطاعت عباسیان سر باز زد. نامبرده خطبه را بنام خلیفه فاطمی «المستنصر» در مصر آغاز کرد. سال ۴۵۵ هجری بود که او به مکه وارد شد و به مردمان آن نیکی بسیار نمود؛ آنچنانکه عدل و احسان خویش را بر آنان آشکار ساخت و قلب ساکنان مکه را از آن خود کرد. تا آنجا که همه زبان به حمد و ثنای او گشودند. پس از آن بود که وی کعبه را با جامه‌ای سپید پوشانید. (۱) ۱۳۵ همچنین در سال ۴۶۶ هجری کعبه به وسیله «ابو نصر استرابادی» (۲) ۱۳۶ با جامه‌ای از

۱- ابوالمحاسن، النجوم الزاهره، ج ۵، صص ۵۸ و ۷۲ فاسی، العقدالثمین، ج ۱، ص ۵۷ ابن ظهیره، الجامع اللطیف، ص ۱۰۶

۲- ابراهیم بن محمد بن علی فارسی استرآبادی از ایرانیانی است که در سال ۴۶۶ ه به مکه مشرف شد وی‌خدمات چشمگیری را در مکه به ویژه در مسجد الحرام انجام داد. «مترجم»

ص: ۱۰۶

ابریشم سپیـد، که دست ساخته هند بود، پوشانیده شد. (۱) ۱۳۷ سپس در همان سال به فرمان «سلطان محمود بن سبکتکین» پادشاه هند، جامه دیگری از ابریشم زرد برای کعبه مهیا گردید و بر آن قرار داده شد.

نویسنده «النجوم الزاهره» در این باره می گوید: «در آن سال- یعنی سال ۴۶۶ هجری- شخصی غیر ایرانی از سوی جلال الدوله ملکشاه، که معروف به سالار بود، به مکه آمد. او در حالی که سوار بر قاطری که مرکبش از طلا بود و بر سر خود عمامه‌ای سیاه داشت، در میان طبل و بوق فراوان به این شهر قدم گذارد. به همراه کاروان او برای کعبه جامه‌ای از دیبای زرد بود که نام «محمود بن سبکتگین» برآن نقش بسته بود. این جامه از دوران محمود بن سبکتکین در نیشابور نزد شخصی بنام «ابوالقاسم دهقان» به امانت گذارده شده بود. در این هنگام وزیر نظام‌الملک (۲) ۱۳۸ آن جامه را از او باز ستانید و به همراه سالار به مکه فرستاد.»

جامه یاد شده بر روی جامه «ابو نصر استرابادی» بر کعبه قرار داده شد. (۳) ۱۳۹ در سال ۵۳۲ هجری جامه‌ای از سوی کشورهای اسلامی برای کعبه فرستاده نشد، بنا بر این «شیخ ابوالقاسم رامشت» برپا کننده نوانخانه مشهور به همین نام در مکه مکرمه، کعبه را به وسیله جامه‌ای حبری و جز اینها پوشانید. در آن هنگام جامه یاد شده را به هیجده هزار دینار مصری و به گفته‌ای، چهار هزار دینار برآورد نمودند. (۴) ۱۴۰ شیخ ابوالقاسم رامشت، که ایرانی‌الاصل بود، یکی از مهمترین بازرگانان دوران خود به شمار می‌آمد. وی هنگامی که دید براثر اختلاف میان پادشاهان کشورهای اسلامی و درگیری آنان، جامه‌ای برای کعبه ارسال نگردید. خود بدین امر اقدام کرد و در آن سال جامه یاد شده را بر کعبه پوشانید، همچنان که چهار قندیل به وزن ده رطل (۵) ۱۴۱ به

۱- فاسی، شفاءالغرام، ج ۱، ص ۱۲۲

۲- وزیر سلطان ملک‌شاه فرزند آلب ارسلان سلجوقی.

۳- ابوالمحاسن، النجوم الزاهره، ج ۵، ص ۹۵ و نیز نک: فاسی، شفاءالغرام، ج ۱، ص ۱۲۲

۴- فاسی، عقدالثمین، ج ۱، ص ۵۸

ابن ظهیره، جامع اللطیف، ص ۱۰۶ و ۱۰۷

۵- رطل مصری، معادل ۴۵۳ گرم بوده است، «مترجم».

ص: ۱۰۷

ارزش هیجده هزار دینار به کعبه اهدا کرد. (۱) ۱۴۲ بنا بر این از آنچه که گذشت آشکار می‌شود که نوشتار بر جامه کعبه، نخستین بـار از آغـاز دوران عباسـیان مرسوم گردیـد. خلفـا و فرمانروایـان، به هنگام ارسال جامه کعبه افزون بر نوشـتن نام خویش بر آن، نام محل بافته شدن و تاریخ را نیز بر آن قید می کردند.

این رسم همچنان به صورت رسـمی معمول، تا کنون برقرار مانده است. (۲) ۱۴۳ همچنین از مطالبی که گـذشت روشن شد که تنها خلفای بنی عباس نبودند که نسبت به ارسال جامه کعبه اهتمام ورزیدند، بلکه در این میان- به هنگام ضعف عباسیان- خلفای فاطمی در مصـر و فرمانروایان یمن و نیز علویان و برخی از پادشاهان ایرانی در هند و در دولت سـلجوقیان نیز به این مسأله عنایت داشـتند و در ارسال آن برای کعبه اهتمام به خرج می‌دادند.

و نیز واضـح می گردد که جـامه کعبه بیشتر، از دیبـا و گـاه از بافته‌های موبین ابریشـمی نازک در رنگهای گوناگون بوده که در این میان رنگ سفید و سرخ و زرد بیشتر به چشم می‌خورد. از آن پس رنگ سبز و آبی معمول می گردد.

بدین صورت که: در آغاز خلافت «الناصـرلدین اللّه عباسـی» (۵۷۳- ۶۲۲ هجری) نخستین بـار کعبه به وسـیله جامه‌ای از دیبای سبز پوشانیـده شـد. در پایان دوران خلافت نامبرده، خانه شـریف کعبه به وسـیله جامه‌ای از دیبای سـیاه پوشانیده شد که این جامه دارای کمربندهایی به رنگ زرد بود. گفتنی است که پیش از آن، کمربندها به رنگ سپید بود. بنا بر این «ناصـر لدین اللّه عباسی» نخستین کسـی است که کعبه را به وسـیله جـامه‌ای از دیبای سـیاه آراست. (۳) ۱۴۴ فاسـی می گویـد: «از آن هنگام، دیبای سـیاه همچنان به عنوان جامه برای کعبه معمول گردید که تا کنون (سال ۸۱۲ هجری) نیز ادامه دارد. لیکن در این میان در سال ششصد و

۱- محمد طاهر کردی، التاریخ‌القویم، ج ۴، ص ۱۹۸

۲- به دنبال این سخن، بخش ویژه‌ای را در راستای نوشتار بر جامه کعبه و آذین آن اختصاص خواهیم داد.

۳- فاسی، عقدالثمین، ج ۱، ص ۵۸؛ قلقشندی، صبح‌الاعشی، ج ۴، صص ۲۸۱ و ۲۸۲، ابن ظهیره، جامع‌اللطیف، ص ۱۰۷

ص: ۱۰۸

چهل و سه هجری، کعبه به وسیله جامه‌ای پنبه‌ای، که به رنگ سیاه، رنگ آمیزی شده بود، پوشانیده شد. این جامه از سوی مرد نیکوکار «منصور بن منعد بغدادی»، بزرگِ حرم مکی بر روی کعبه قرار داده شد که بادهای شدیدی در آن سال در مکه وزید و جامه پاره پاره شد ...

هنگامی که در این تاریخ کعبه از جامه مجرد گردید، «ملک منصور» پادشاه یمن قصد آن نمود که کعبه را جامه پوشاند لیکن «ابن منعد» مانع گردید و گفت: این شرف تنها از آن دستگاه خلیفه عباسی است. اینجا بود که وی سیصد مثقال (طلا) قرض کرد و پارچه پنبه‌ای یاد شده را تهیه کرد و با رنگ آمیزی، آن را سیاه نمود. سپس به وسیله کمربندهای جامه پیشین کعبه، آن را آراست و بر کعبه قرار داد. (۱) ۱۴۵ مهلهل دمیاطی در باره سیاهی جامه کعبه، این چنین سروده است:

یروق لی منظر البیت العتیق اذابدا الطرفی فی‌الإصباح والطفل

کأن حلته السوداء قد نسجت‌من حبۀ القلب أو من أسود المقل (۲) ۱۴۶

۱- فاسی، شفاءالغرام، ج ۱، ص ۱۲۲

العقد الثمین، ج ۱، ص ۵۸

۲- فاسی، شفاءالغرام، ج ۱، ص ۱۲۳

ص: ۱۰۹

جامه کعبه معظّمه در دوران ممالیک

ویژگی مصر نسبت به ساختن جامه شریفه

عباسیان همچنان نسبت به جامه پوشاندن به کعبه عنایت خاصی را از خود نشان می‌دادند. تا اینکه دولت آنان رو به ضعف و سستی گذاشت، از این پس جامه را نسبت به ضعف و قدرت سیاسی، گاه پادشاهان مصر و گاهی پادشاهان یمن آماده می‌کردند و می‌فرستادند.

پس از سقوط دولت بنی عباس، نخستین پادشاهی که جامه برای کعبه فرستاد «ملك مظفر یوسف» پادشاه یمن بود که به سال ۶۵۹ هجری جامه‌ای برای کعبه اختصاص داد. او چندین سال به همراه پادشاهان مصر کعبه را جامه می‌پوشاند. ملك مظفر یوسف در برخی از سال ها به علت افزایش قدرت و نفوذش، به تنهایی این کار را به انجام رسانید. پس از افول دولت عباسیان، نخستین پادشاه مصری که بر کعبه جامه پوشانید، «سلطان ظاهر بیبرس بندقداری» بود که این عمل را در سال ۶۶۱ هجری انجام داد. سلطان ظاهر بیبرس بجای عبور از صحرای عیذاب، کاروان را از راه سرزمین سینا حرکت داد. هنگامی‌که نامبرده در سال ۶۶۷ هجری حج گزارد به دست خویش کعبه را با گلاب شست و شو داد و در آن هنگام ناظران دیدند که او در کنار درِ کعبه با لباس احرام ایستاده و دست ناتوانان و بیماران از رعیت را می‌گرفت و در بالارفتن، آنان را یاری می‌کرد. در آن موسم «اسماعیل واسطی» خطبه خویش را در حضور سلطان ایراد کرد و چنین گفت:

ص: ۱۱۰

«ای سلطان، در روز قیامت تو را بنام سلطان خطاب نمی‌کنند بلکه در آنجا شما را بنام خود صدا می‌زنند و در آن هنگام است هر کسی را از نفس خویش می‌پرسند لیکن از شما حال رعایا و زیردستان را سراغ می‌گیرند. پس ای سلطان، بزرگان آنان را پدر، متوسط ها را برادر و کوچک‌های از رعایا را در نزد خود فرزند بپندار».

پند و اندرز، سلطان را دگرگون ساخت و در این حال او عطایش را فزونی بخشید. (۱) ۱۴۷ ابن بطوطه (۲) ۱۴۸ در سفرنامه خویش از جامه‌ای که به وسیله سلطان «ناصر محمدبن قلاوون» در سال ۷۲۶ هجری از مصر به کعبه معظمه ارسال گردیده بود، شرح مفصلی داده و از تاریخ قرارداده شدن آن به کعبه و آذین‌هایش و نیز نورپردازی بر روی نوشته‌های موجود بر حاشیه پرده، سخن به میان آورده است. همچنین، از مستمری‌های سالانه او نیز اشیای دیگری که همواره در هر سال همراه جامه کعبه ارسال می‌گردید، یاد نموده است.

ابن بطوطه در این باره چنین می‌نویسد:

۱- ابن الوردی (زین الدین عمر بن الوردی): تتمه المختصر فی أخبار البشر، (تاریخ ابن الوردی) تحقیق احمد رفعت بدراوی، دار المعرفه، بیروت، لبنان چاپ ۱۳۸۹ ه/ ۱۹۷۰ م.

ج ۲، ص ۳۱۴ و ص ۳۲۲

۲- ابن بطوطه در سال ۷۰۳ هجری در شهر طنجه از سرزمین مراکش تولد یافت و در سال ۷۲۵ هجری‌زادگاه خود را به قصد زیارت مکه ترک گفت. پس از ادای فریضه حج، به سفرش ادامه داد و به سرزمینها و بلاد یمن، عراق، ایران، آسیای صغیر و ماوراءالنهر رفت و سپس به هندوستان سفر کرد. نامبرده چندین سال در دهلی پایتخت آن کشور به کار قضا پرداخت و سرانجام پس از مسافرتی به کشور چین به وطن خود بازگشت و سفری به آفریقای مرکزی رفته و در بازگشت، خاطرات مسافرت خود را به «ابن جزی» که دبیر دربار سلطان «ابو عنان» پادشاه مراکش بود، املا کرد. ابن جزی کتاب «رحله» را از یاداشتهای ابن بطوطه فراهم آورد. ابن بطوطه اواخر زندگی را در یکی از شهرهای مراکش به شغل قضا اشتغال داشت و در سال ۷۹۹ هجری درگذشت.

سفرنامه ابن بطوطه، جلد اول، ترجمه دکتر محمد علی موحد، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.

«مترجم»

ص: ۱۱۱

«روز عید قربان، جامه کعبه را کاروانی از مصریان به بیت معظم آورده و آن را بر بام کعبه قرار دادند. قبیله «بنی شیبه» در روز سوم پس از عید، طی مراسم ویژه‌ای آن را بر کعبه قرار دادند. جامه کعبه، پوششی است از ابریشم سیاه که دارای آستری از کتان بوده و در حاشیه بالای آن آیه جَعَلَ اللَّهُ الْکَعْبَةَ الْبَیْتَ الْحَرَامَ قِیَاماً ... (۱) ۱۴۹ به خط سپید نوشته شده است. در حاشیه پیرامون آن نیز آیاتی از قرآن نقش بسته است. رنگ جامه یاد شده، سیاه و درخشان می‌باشد.

پس از آنکه مراسم پوشانیدن آن به پایان رسید، دامن آن را از اطراف بالا زدند تا دست مردم و حاجیان بدان نرسد. «ملک ناصر» سلطان مصر، عهده دار پوشش کعبه بوده همچنانکه حقوق قاضی و خطیب و پیشنمازان و مؤذنان و فراشان و خدمتکاران و دیگر مایحتاج حرم، از قبیل شمع و روغن چراغ را همه ساله سلطان مزبور می‌پردازد».

همچنین قاضی «ابن فضل اللَّه عمری» (متوفای سال ۷۴۹ هجری) از ورود جامه کعبه به مکه معظمه- در دوران حکومت ممالیک- از مصر و یمن سخن به میان آورده و در آن از تقسیم جامه پیشین کعبه در میان اشراف مکه و بنی‌شیبه و تصرف آن برای فروش آن نیز اشاره کرده است. نامبرده همچنین از کیفیت قرار گرفتن جامه بر روی کعبه در دوران خود یاد نموده که این مطلب با چگونگی قرار داده شدن جامه کعبه بر روی آن در حال حاضر چندان تفاوتی ندارد و اختلاف آن تنها در بکار بردن وسائل و دستگاههای نوین کنونی است.

«ابن فضل اللَّه عمری» در این باره چنین می‌گوید:

«کعبه هم اکنون در سال یک بار به هنگام موسم حج بوسیله جامه پوشیده می‌شود. این جامه از خزانه سلطانیه در مصر به همراه کاروان محمل به فرماندهی بزرگان محمل، از آن دیار حرکت کرده- و بدین سوی آورده می‌شود- سپس با حضور بزرگان یاد شده از کاروان محمل، جامه یاد شده بر روی کعبه قرار داده شده و جامه پیشین آن در اختیار اشراف و بنی شیبه قرار

۱- مائده: و جعل الله الکعبهٔ البیت الحرام قیاما للناس و الشهر الحرام و الهدی و القلائد ذلک لتعلموا انّ اللَّه‌یعلم ما فی السموات وما فی الأرض وإن اللَّه بکلّ شیء علیم.

ص: ۱۱۲

می گیرد و نامبردگـان آن را به قطعه‌هـای متفـاوتی تقسـیم می کننـد و گـاه برخی از قسـمت هـای یـاد شـده به عنوان تبرک به سـایر کشورهای اسلامی حمل می گردد ...

در این دوران جـامه‌ای نیز از سوی پادشـاه یمن ارسال گردیـد که در زیر جامه مصـریان بر روی کعبه قرار داده شـد. این دو جامه از ابریشم سیاه بوده که بر روی آن بوسیله نوشته‌هایی به رنگ سپید از آیات قرآنی که در آن نام کعبه قرار دارد، آذین گردیده است.»

در ادامه می گوید:

«هنگامی که در سال ۷۲۸ هجری حج گزاردم، خود به همراه فرماندهان کاروان محمل مصـری جهت قراردادن جامه کعبه شریف بر آن بالا ـ رفتم بطوری که بر بام کعبه قرار گرفتم. در آن هنگام بود که دیـدم زمین کف بام کعبه پوشـیده از مرمر و سـنگ های سپید است. پیرامون بام کعبه دیوار کوتاهی قرار داشت که بر آن حلقه‌هایی جهت ثابت کردن جامه کعبه تعبیه شده بود. این حلقه‌ها بدان منظور است که طناب‌های جامه در آن حلقه‌ها قرار گرفته و جامه را بر روی کعبه ثابت و استوار می‌سازد.

حمد و سپاس خدای را بجا می‌آورم که با دستان خود جامه پیشـین را از روی آن برداشـته و جامه نوین را بر روی کعبه قرار دادم» (۱) ۱۵۰ اما در دوران ملک «صالح اسـماعیل» فرزند ملک «ناصـر محمدبن قلاوون» (۷۴۳– ۷۴۶ ه. ق.) جامه کعبه مشـرفه از بودجه وقفی که پادشـاه نـامبرده بـدین منظور قرار داده بود، سالی یکبار برای مکه و جامه‌ای را نیز ویژه حجره نبوی شـریف و منبر نبوی در هر پنج سال یکبار قرار داد.

این وقف عبـارت از دهکـده‌ای در اطراف اسـتان قلیوبیه به سوی قاهره با نام «بیسوس» (۲) ۱۵۱ بوده که این دهکـده از بیت‌المال به فرمان ملک «صالح اسماعیل» خریداری

۱– نک: ابن بطوطه، تحفهٔ النظار فی غرائب الأمصار و عجائب الأسفار، بولاق ۱۹۳۷ م. ج ۱، ص ۱۳۱.

یوسف احمد: المحمل و الحج، ج ۱، ص ۲۴۴

۲– در این زمان به آن «باسوس» می گویند.

ص: ۱۱۳

گردیـد و به عنوان وقف برای منظور یاد شـده قرار داده شد. (۱) ۱۵۲ گفتنی است که «قطب الـدین حنفی» از این وقف یـاد کرده و آن را یک دهکده ندانسته بلکه دو دهکده بنام بیسوس و سندبیس (۲) ۱۵۳ دانسته است.

نویسـنده «مرآة الحرمین»، دهکده سوّمی به نام «ابوالغیط» را نیز به دو دهکده پیشین اضافه کرده است. (۳) ۱۵۴ در وقف نامه سلطان سلیمان (عثمانی) که بدین منظور قرار داده شده، نام سه دهکده پیشین به همراه هفت دهکده دیگر نیز آمده است که در این باره در آینده سخن خواهیم گفت.

ارسال جامه به کعبه مشـرفه همچنان در میان سـلاطین مصـری در دوران ممالیک- از آغاز وقفی که از سوی ملک «صالح اسماعیل» قرار داده شـد- ادامه داشت. آخرین جامه کعبه، به همراه صـدقاتی برای مردمان مکه و مدینه، از سوی «اشـرف طومان بای» به همراه صـدقاتی برای مردمان مکه و مدینه به وسـیله خواجگان قدرتمند خویش، در شوال سال ۹۲۲ هجری بدین سوی ارسال گردید، زیرا در آن هنگـام سـلطان «قانصوه غوری» در «مرج دابق» در ۲۵ رجب ۹۲۲ ه. به قتـل رسـید و هیچیک از مصـریان، به علت بروز آتش جنگ میان «قانصوه غوری» و سلطان «سلیم اول عثمانی» (۴) ۱۵۵ در آن سال نتوانستند حج بجای آورند.

اوضاع سیاسی دوران و تأثیر آن بر جامه کعبه معظمه:

اوضاع سیاسی کشورهای اسلامی همواره تأثیر ویژه‌ای بر ارسال جامه کعبه معظمه

۱- ابن ایاس (محمـد بن احمـد): بـدائع الزهور فی وقائع الـدهور، تحقیق محمـد مصـطفی، چاپ دوم، هیئـة المصـریة العامه للکتاب، قاهره، ۱۴۰۲ ه. ۱۹۸۲ م. بخش اول، ج ۱، ص ۵۰۵

فاسی: شفاء الغرام، ج ۱، ص ۱۲۳ و ۱۲۴

ابن ظهیره: جامع اللطیف، ص ۱۰۷ و ۱۰۸

۲- الاعلام، ص ۷۰

۳- ابراهیم رفعت، مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۲۸۴

۴- نک: ابن ایاس: بدائع الزهور، ج ۵، ص ۱۱۵

ص: ۱۱۴

داشته است. همچنانکه این وضع تغییری نسبت به خطبه و دعا برای خلیفه یا سلطان در مسجد الحرام نیز داشت. در آن هنگام پیوسته جامه از سوی سلاطین و پادشاهانی که دارای نفوذ و قدرت بیشتری بودند تهیه می‌گشت و بر کعبه آویخته می‌شد. همچنانکه در پیش آوردیم، از هنگامی که وقفی بدین منظور از سوی ملک «صالح اسماعیل» قرار داده شد، ارسال جامه کعبه مشرفه همواره در اختیار مصر و سلطان آن قرار داشت. و از این هنگام مصر عهده‌دار ارسال آن به سوی بیت‌اللّه الحرام بود.

ملک مجاهد پادشاه یمن در سال ۷۵۱ هجری تصمیم گرفت که جامه مصری را که بر روی کعبه قرار داشت بردارد و جامه دیگری را که نام او بر آن بود، بر خانه بپوشاند.

وقتی امیر مکه تصمیم یاد شده را به آگاهی امیرالحاج محمل مصری «امیر طاز» رسانید، به هنگام وقوف در عرفات، فتنه‌ای میان ملک «مجاهد» و «امیرطاز» رخ داد و جنگ میان آن دو آغاز گردید که در پایان امیر طاز به پیروزی رسید و ملک «مجاهد» را دستگیر کرده، به زنجیر بست و به همراه خود به قاهره برد. هنگامی که «ملک مجاهد» را به حضور سلطان «ناصر حسن» بردند وی دستور داد او را از زنجیر آزاد کردند و با احترام و تکریم فراوان به همراه امیر «قشتمر منصوری» او را به کشور خویش روانه ساختند. به ینبع که رسیدند، ملک «مجاهد» قصد کشتن امیر همراه خود را کرد امّا امیر ینبع از تصمیم وی آگاه گردیده و مجدداً او را به زنجیر در آورد و در اختیار امیر «قشتمر» قرار داد و او بار دیگر به همراه اسیر خود به قاهره بازگشت. وقتی سلطان از جریان آگاهی یافت، بر ملک مجاهد غضب کرد و نامبرده را به زنجیر بست و فرمان داد در مرز اسکندریه زندانی‌اش کنند. (۱) ۱۵۶ در سال ۸۴۸ هجری شاهرخ میرزا، حاکم شیراز از پادشاه مصر «ظاهر چقمق» درخواست نمود که جامه کعبه را در آن سال خود بر عهده گیرد. بدین منظور جامه را در آغاز به مصر فرستاد و سپس آن را به همراه حاجیان مصری به مکه ارسال کرد تا کعبه را بدان پوشش دهند. ظاهر چقمق درخواست نامبرده را پذیرفت و بدین ترتیب شاهرخ میرزا جامه کعبه را به همراه صدقاتی به مصر گسیل داشت و از آن پس به همراه کاروان

۱- ابن ایاس، بدائع الزهور، ج ۱، ق ۱، صص ۵۳۸- ۵۳۷

ص: ۱۱۵

محمل مصری به مکه حرکت نمود. آنان در روز عیـد قربان درون کعبه را با همان جامه پوشـش دادنـد؛ زیرا سـلطان «ظاهر چقمق» اجازه نداد جامه ارسال شده از سوی «شاهرخ میرزا» بر روی کعبه قرار داده شود. سـپس صدقات فرسـتاده شده در میان ساکنین حرم تقسیم گردید. در رمضان سال ۸۵۶ هجری به فرمان سلطان جامه درونی کعبه، که به وسیله «شاهرخ میرزا» فرستاده شده بود، برداشته شد و کعبه را بدان پوشش دادند. (۱) ۱۵۷ لازم به گفتن است که پیشتر سـلطان «اشرف برسبای» تقاضای «شاهرخ میرزا» را نسبت به جامه کردن کعبه از درون یا برون، در سال ۸۳۸ هجری رد کرده بود. در آن هنگام، شاهرخ میرزا بار دیگر تقاضای خویش را بدین صورت تجدید نمود که: به علّت نذری که کرده است، تقاضا دارد جامه را در آغاز به مصر ارسال کرده و آنان آن را از سوی خود به مکه مکرمه ببرند و کعبه را حتی برای یکروز به وسیله آن پوشش دهند.

«اشـرف برسـبای» مطلب یاد شـده را با علمای دوران خویش در میان گذارد. برخی از پاسخ دادن خودداری کردند و برخی دیگر از بیم به وجود آمـدن فتنه، نظر دادند که تقاضای شاهرخ میرزا عملی نشود. این مطلب همچنان عملی نگردید تا اینکه اشـرف برسـبای درگـذشت. پس از فوت وی، در دوران سـلطنت «ظاهر چقمق» همچنان که یادآور شـدیم، خواسـته «شاهرخ میرزا» سـلطان شـیراز به تحقق پیوست.

در سال ۸۷۷ هجری اوزون حسن، امیر دولت ترکمانیان- که در حال جنگ با سـلطان اشـرف قایتبای، پادشاه مصـر بود- جامه‌ای را برای کعبه به همراه امیر محمل عراقی بنام رستم ارسال نمود. قاضی احمدبن دحیه نیز همراه کاروان بود.

در آغاز به سوی مدینه منوره حرکت کردند و در آنجا بر قضات سـخت گرفته، دسـتور دادند که خطبه را بنام پادشاه عادل، «اوزون حسن» خادم‌الحرمین الشریفین بخوانند. پس آنگاه که قصد مکه کردند، شریف «محمد بن برکات» که در آن هنگام از جریان مدینه بوسیله نامه‌ای آگاه گردیده بود، با آنان برخورد کرده و رستم و قاضی یاد

۱- ابن ایاس، بدائع الزهور ج ۲، صص ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۹۶

ابن ظهیره، جامع اللطیف، ص ۱۰۶

ص: ۱۱۶

شده و برخی بزرگان و اعیان همراه کاروان را دستگیر ساخت و همه را به زنجیر کشید.

نامبرده قصد داشت که آنان را به سوی سلطان «قایتبای» گسیل نماید. هنگامی‌که کاروان محمل مصری از راه رسید، شریف آنان را به امیر محمل تسلیم نمود. پس از موسم حج، کاروان مصری در محرم سال ۸۷۸ هجری به همراه فرزند امیر مکه و قاضی «برهان‌الدین ابن ظهیره» شافعی، قاضی مکه و فرزندش ابوالسعود و برادرش، آماده حرکت گردیدند.

به دستور امیر کاروان فرستادگان اوزون حسن، شامل رستم، امیر الحاج عراقی و قاضی همراه او را در معیت خود به مصر برد.

در مصر سلطان «قایتبای» دستور داد آنان را در «برج القلعه» زندانی کنند. سپس در ربیع الثانی سال ۸۷۸ هجری به فرمان سلطان، نامبردگان از زندان رها گردیده و بعنوان حسن نیت آنان را به سوی «اوزون حسن» گسیل داشت. (۱) ۱۵۸ گفتنی است تأثیر وضعیت سیاسی جهان اسلام بر جامه کعبه، تنها ویژه دوران ممالیک نیست بلکه در دوران عثمانی هم، پس از قیام دولت سعودیِ نخستین و گسترش نفوذ سلفی‌ها بر حجاز و همچنین به هنگام حمله فرانسویان به مصر جامه‌ای از مصر به مکه ارسال نگردید.

در دوران کنونی نیز دخالت های سیاسی موجب گردیده است که ارسال و قرار گرفتن جامه بر کعبه بیش از یک بار تأثیر بگذارد و این امر مهم و دینی به انجام نرسد.

شرایط و اوضاع سیاسی حاکم، تا بدانجا پیش رفت که در پایان، ارسال جامه شریفه از مصر به‌طور کلی متوقف شد که در آینده درباره تمامی این دگرگونی های سیاسی و تأثیرات آن به طور مشروح سخن خواهیم گفت.

جامه درونی کعبه مشرفه:

تاریخ نگاران هرگاه از جامه برونی‌کعبه در دوران تبّع حمیری که در عصر جاهلیت می‌زیست سخن به میان آورده‌اند، درباره جامه درونی کعبه مطلبی ننوشته‌اند.

آنان، گاه در دوران های اخیر، آنهم به صورت اشاره یا در وضعیت ویژه، از آن یاد

۱- ابن ایاس، بدائع الزهور، ج ۳، صص ۸۸ و ۹۰ و ۹۱

ص: ۱۱۷

کرده‌اند که مطالب و گفته‌هایشان بصورت ناپیوسته و جدا از هم است.

و این کم نوشتن از جامه درون کعبه و پرداختن به جامه بیرونی، بدان جهت است که پرده بیرونی در هر سال تعویض می‌شود و گاهی در سال دو مرتبه و حتی سه مرتبه.

روشن است که جامه برونی کعبه در آن دوران از سویی به علت ضعیف بودن پارچه و نیز نازك بودن آن، دارای قدرت و استحکام بالایی نبوده و از سوی دیگر عوامل طبیعی، مانند آفتاب، باران، گرد و غبار و باد می‌توانست تأثیر زیادی بر روی این جامه‌ها داشته باشد. اضافه بر این‌ها، موقعیت قرار گرفتن کعبه مشرفه در میان مسجد الحرام و در زیر آسمان، که هیچگونه سایبانی نداشت، می‌توانست عامل دیگری برای فرسوده شدن جامه‌های روی آن باشد.

در حالی که عوامل یاد شده، به علت قرار گرفتن جامه درونی در فضای داخل کعبه، در آن نفوذ نداشت بنابراین، جامه درونی همواره می‌توانست به مدتی طولانی، بدون تغییر و فرسودگی در این مکان باقی بماند. آری، مجموع عوامل یاد شده، موجب می‌شد که جامه درونی کعبه را در فاصله‌های دور از هم، آنهم به مناسبت تغییر سلطنت و یا خلیفه از سوی شخص تازه به قدرت رسیده تغییر یابد.

گفتنی است که تغییر جامه درونی کعبه مشرفه دارای نظم ویژه‌ای نبوده است؛ زیرا آنچنانکه ملاحظه می‌کنیم ملك «صالح اسماعیل» برای بیرون کعبه در هر سال و نیز برای جامه حجره نبوی و منبر نبوی در هر پنج سال وقفی قرار داد و در آن از جامه درونی کعبه ذکری به میان نیامده است. بنابراین با مطالبی که بیان شد مشخص کردن سالی که پرده درونی کعبه برای اولین بار در آن سال ساخته شد، کاری است مشکل.

با تحقیق و نگرشی که در میان نوشته‌های تاریخ نگاران بعمل آوردیم، به نظر می‌رسد اولین بار در دوران دوم عباسی و دقیقا در دوران ابن جبیر از جامه درونی کعبه سخن به میان آمده است. «ابن جبیر» در سفرنامه خویش، به سال ۵۷۹ هجری، چنین نگاشته است:

«سقف کعبه از درون بوسیله جامه‌ای از ابریشم رنگی آذین گردیده و ظاهر

ص: ۱۱۸

(یعنی برون) آن در پیرامون چهارگانه کعبه، با جامه‌ای از ابریشم سبز پوشیده شده است ...» (۱) ۱۵۹ این مطلب نشان می‌دهد که در آن هنگام جامه درونی کعبه وجود داشته امّا نمی‌دانیم که در چه زمانی این جامه در درون کعبه قرار داده شده است؟ شاید به وسیله «ناصر لدین‌اللّه عباسی» که به سال ۵۷۳ هجری خلافت را بدست گرفته، بوده است.

همچنین اشاره‌ای وجود دارد که: پرده‌ای که توسط ملک مظفر، پادشاه یمن در سال ۶۵۹ ه. بعد از سقوط دولت عباسیان بر کعبه پوشیده شد، بیش از یکصد سال همچنان باقی بود تا اینکه پس از آن، این جامه از سوی ملک ناصر حسن بن محمد بن قلاوون در سال ۷۶۱ هجری تغییر داده شد. این جامه نیز همچنان در درون کعبه باقی ماند تا اینکه در دوران سلطان «اشرف برسبای» و به فرمان او جامه پیشین درون کعبه برداشته شد و بوسیله جامه سرخ نوینی در سال ۸۲۶ هجری آذین گردید. لازم به تذکر است که نامبرده جامه برونی کعبه را نیز تغییر داد و آن را به وسیله جامه سیاه دیگری پوشانید. این دو جامه به وسیله کاروان مصری به فرماندهی «زینی عبدالباسط» (۲) ۱۶۰ بازرس ارتش مصری

۱- ابن جبیر، الرحله، از انتشارات دار و مکتبه الهلال، بیروت، ۱۹۸۱ م. ص ۵۴

۲- فاسی: العقد الثمین، ج ۱، ص ۵۹

زینی عبدالباسط بازرس و ناظر بر اوقاف جامه کعبه مشرفه در مصر بود، و سعی و کوشش فراوانی در این اوقاف نمود تا آنجا که مظهر خیرات و برکات بی شمار گردید. او به هنگام رفتن برای شرکت در موسم حج، به فقرا و نیازمندان از حاجیان توجه ویژه‌ای داشت و همواره در میان راه سایبان‌هایی را در توقفگاه‌های حاجیان به وجود می‌آورد تا اینکه آنان بتوانند لحظاتی دور از تابش و گرمای خورشید به استراحت بپردازند. همچنین گاه برخی از بیماران و ناتوانان از حاجیان را بر روی کجاوه‌هایی که برای آنان در نظر گرفته بود، سوار می‌کرد.

در میان راه به وسیله آب گوارا و نان و گرده از آنان پذیرایی می‌کرد و با قربانی کردن گوسفندان در راه میان مصر و مکه و در هنگام اقامت خود در هر منطقه و نیز در راه بازگشت، از حاجیان پذیرائی شایانی بعمل می‌آورد.

نامبرده راه‌های فراوانی را در این مسیر اصلاح نمود که همواره نام او زنده و پاینده خواهد بود.

نک: قطب الدین حنفی، الاعلام، ص ۹۸

۱) فاسی: العقد الثمین، ج ۱، ص ۵۹ ۱) فاسی: العقد الثمین، ج ۱، ص ۵۹ ۱) فاسی: العقد الثمین، ج ۱، ص ۵۹ ۱) فاسی: العقد الثمین، ج ۱، ص ۵۹

ص: ۱۱۹

به این دیار آورده شد.

جامه درونی کعبه، اهدایی از سوی اشرف برسبای، تا سال ۸۴۸ هجری همچنان باقی بود تا اینکه پادشاه ایرانیان، شاهرخ میرزا، جامه دیگری را جایگزین کرد.

این جامه همچنانکه در پیش گذشت پس از اجازه از سلطان ظاهر چقمق به مکه ارسال گردید که در آغاز به همراه جامه اشرف برسبای درون کعبه قرار داده شد تا اینکه روزی به فرمان سلطان «ظاهر چقمق» دو جامه یاد شده را برداشتند و جامه نوینی در رمضان سال ۸۵۶ هجری جایگزین آن کردند. (۱) ۱۶۱ پادشاهان مصر در طول دوران ممالیک- از آغاز وقفی که از سوی ملک صالح اسماعیل قرار داده شد- همواره جامه سیاهی را ویژه برون کعبه، در هر سال ارسال می‌داشتند.

که در این میان هرگاه کرسی سلطنتی مصر تغییر می‌یافت، سلطان جدید به همراه جامه برونی کعبه، جامه‌ای سرخ از آنِ درون کعبه و نیز جامه دیگری به رنگ سبز را برای حجره نبوی شریف ارسال می‌داشتند که در این باره در وقف یاد شده به صورت نصّ صریحی هر پنج سال یکبار یاد شده است.

بر روی سه جامه یاد شده عبارت: «لا اله الّا اللّه، محمّد رسول اللّه» با آذین بندی خاصی، آنچنانکه یکی در قلب دیگری بوده، نقش بسته بود. در اطراف این نقش‌ها و نوشته‌ها آیات مناسب دیگری و یا نام یاران پیامبر صلی الله علیه و آله و گاه نیز به سلیقه بافنده این حاشیه‌ها خالی قرار داده می‌شد.

لیکن در این میان ملك ناصر «ابو سعید خوشقدم» که در رمضان سال ۸۶۵ هجری بر کرسی سلطنت مصر تکیه زد، طبق معمول در آغاز سلطنت خود جامه‌ای ویژه برای درون کعبه فرستاد که رکن شرقی و رکن شامی جامه یاد شده به رنگ سفید بوده که با قطعه‌هایی از پارچه سیاه آذین می‌گردید و اضافه بر آن قطعه‌های آذین شده در سمت شرقی، با طلا تذهیب شده بود. (۲) ۱۶۲ و نیز در سال ۸۸۳ هجری سلطان اشرف قایتبای جامه درونی کعبه مشرفه را به

۱- ابن ایاس، بدائع الزهور ... ج ۲، صص ۲۴۴، ۲۴۵ و ۲۹۶

۲- قطب الدین حنفی، الاعلام، صص ۷۰ و ۱۰۲

ص: ۱۲۰

مکه فرستاد.

این جامه ابتدا در مسجدالحرام گسترده شده و سپس به درون کعبه حمل گردید و در جایگاه اصلی خویش قرار داده شد. این مراسم در حضور امیر الحاج مصری و شریف مکه و جمعی از اعیان و بزرگان و پرده داران و جز اینها صورت پذیرفت. به هنگام قرار دادن جامه در درون کعبه، افراد که ناگهان متوجه ریزش و خرابی دیوار کعبه و یا برخی از ستون های درون آن شدند، کار را متوقف کردند و پس از اصلاح و مرمت نواحی آسیب دیده، جامه یاد شده را در جایگاه اصلی خویش قرار دادند. (۱) ۱۶۳ اینجانب از آنچه که تاریخ نگاران در این دوره نگاشته‌اند، بدست آوردم که هیچیک از پادشاهان عثمانی پیش از سلطان سلیمان، جامه‌ای را در درون کعبه قرار نداده است؛ زیرا نامبرده متوجه شد که درآمد دهکده‌های وقف شده بر جامه کعبه از دوران ملک «صالح اسماعیل» کافی نیست و بدین جهت آنان قدرت تهیه جامه کعبه در هر سال را ندارند. بنابراین فرمان داد که هفت دهکده دیگر را به موقوفه پیشین بیافزایند و علاوه بر آن، بخشی از درآمدهای خصوصی خویش را نیز برای تهیه جامه درونی کعبه قرار داد و از آن پس هر پانزده سال یکبار جامه درونی کعبه تعویض می گردید.

گفتنی است علاوه بر وقفی که سلطان سلیمان (عثمانی) ویژه تهیه جامه برونی کعبه در هر سال و جامه درونی و جامه‌های دیگر- هر پانزده سال یکبار- قرار داد، پادشاهان آل عثمان نیز به هنگام تکیه بر اریکه سلطنت به صورت جداگانه، علاوه بر جامه‌هایی که هر پانزده سال به این دیار ارسال می گردید، خود جامه‌هایی را به عنوان تبرک، ویژه درون کعبه و حجره نبوی شریف ارسال می‌داشتند. بدین صورت مصر تا سال ۱۱۱۸ هجری همچنان به ساختن دو جامه درونی و برونی کعبه اهتمام داشت. در این سال سلطان احمد سوم فرزند محمد چهارم وقتی در استانبول بر اریکه خلافت تکیه زد فرمان داد جامه درونی کعبه را در استانبول تهیه کردند و در سال بعد، آن را از راه مصر به مکه مکرمه ارسال نمود. از آن هنگام استانبول بافتن

۱- حسین عبدالله باسلامه، تاریخ الکعبهٔ المعظمه، صص ۲۶۵ و ۲۶۶

ص: ۱۲۱

جامه درونی کعبه را به خود اختصاص داد.

پس از وی سلاطین عثمانی تا دوران سلطان عبد العزیز، فرزند سلطان محمود دوم، همچنان نسبت به فرستادن جامه درونی کعبه اقدام کردند. در این هنگام بود که دولت عثمانی دیگر موفق به اسال جامه درونی کعبه نشد. و جامه‌ای که از سوی سلطان عبدالعزیز در هنگام به قدرت رسیدن خویش ۱۲۷۷ هجری درون کعبه قرار داده شده بود همچنان باقی ماند. (۱) ۱۶۴ تا اینکه ملک عبد العزیز آل سعود قدرت و سلطنت خویش را به حجاز گسترش داد.

تصویر ص ۶۶ از میقات شماره ۲۷؟؟؟

۱- ازرقی: اخبار مکه ج ۱ حاشیه ص ۲۵۸

ص: ۱۲۲

در این دوران و در سال ۱۳۵۵ هجری جامه درونی کعبه که از آن عثمانیان بود با جامه دیگری که از سوی پادشاه بهره‌ای‌ها در هند ارسال گردیده بود جابجا شد. سپس ملک «عبد العزیز» فرمان داد که جامه نوینی را ویژه درون کعبه آماده نمایند که جامه یاد شده در سال ۱۳۶۳ هجری در درون کعبه قرار گرفت.

این جامه همچنان در درون کعبه قرار داشت تا اینکه ملک خالدبن عبدالعزیز فرمان داد که جامه دیگری را برای آن مهیّا سازند که این جامه در کارگاه تازه خود در «امّالجود» واقع در مکه مکرمه ساخته شد و در سال ۱۴۰۳ هجری در جایگاه خویش در درون کعبه قرار گرفت.

در دوران ملک فهدبن عبدالعزیز و به فرمان وی بافندگی جامه دیگری ویژه درون کعبه، برای احتیاط، در کارگاه یاد شده آغاز شد که هم اکنون (۱۴۰۴ ه.) عملیات بافت آن ادامه دارد. (۱) ۱۶۵ اما درباره آذین و آرایش جامه درونی کعبه با طلا، بایـد بگویم در هیچیک از نوشته‌های تاریخ‌نگاران اشاره و یادداشتی درباره آذین جامه کعبه با تارهای طلا، بجز دو مورد زیر، به مطلبی برخورد نکردم:

فاسی درباره جامه درونی، که توسط سلطان «ناصر حسن» در سال ۷۶۱ هجری بر درون کعبه قرار داده شد مطلبی دارد- و پس از آنکه درباره محل وقفی که سلطان صالح اسماعیل برای تهیه جامه برونی کعبه در هر سال و جامه حجره نبوی و منبر نبوی در هر پنج سال سخن گفته و از آن هنگام جامه کعبه همواره از راه درآمد وقف یاد شده از سوی مصر ارسال می گردید- می گوید:

«پس از آن هیچیک از پادشاهان بجز برادرش ملک ناصر حسن (برادر صالح اسماعیل) نسبت به جامه کعبه اقدام نکردند و جامه او هم بر روی کعبه قرار

۱- جامه یاد شده در رجب سال ۱۴۱۷ هجری، پس از ترمیم و تغییر کعبه از برون و درون بوسیله ملک فهد بن عبدالعزیز در درون کعبه آویخته شد. برای این جامه، بر خلاف جامه‌های پیشین که به رنگ سرخ بودند، رنگ سبز را اختیار کردند که از زیبایی ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. برای اطلاع بیشتر به فصلنامه «میقات حج» شماره ۱۸ ص ۱۸۶ تا ۱۹۹ درون کعبه در دو دیدار مراجعه نمایید. (مترجم)

ص: ۱۲۳

نگرفته بلکه جامه‌ای را در درون کعبه قرار داد که تا کنون نیز قرار دارد (فاسی متوفای سال ۸۳۲ هجری) به من گفته شد که ارتفاع آن بلندتر از جامه کنونی بوده تا آنجا که بر روی زمین می‌رسیده است. اما هم اکنون جامه یادشده تنها نیمی از بخش فوقانی کعبه و سقف آن را در برگرفته است. این جامه از ابریشم سیاه بوده که بر روی آنها به استثنای بخشی از سقف، بوسیله یال هایی با تارهای طلایی آذین گردیده است. در بخش یاد شده که میان دو ستون درون کعبه و در امتداد درِ آن قرار دارد، پارچه‌ای از ابریشم سرخ دیده می‌شود که در میانه آن یال بزرگی مزیّن به طلا دیده می‌شود. سلطان حسن جامه یاد شده را در سال ۷۶۱ هجری ارسال کرده است» (۱) ۱۶۶ ۲- قطب الدین حنفی در اشاره‌ای که به جامه درونی، که از سوی سلطان ناصر ابوسعید خوشقدم در رمضان سال ۸۶۵ هجری به هنگام آغاز سلطنتش ارسال گردید، دارد چنین می‌نویسد:

«در سمت شرقی و شامی آن دارای یال های سیاهی بوده که یال های قرار گرفته به سمت شرقی با تارهای طلا آذین شده بود.» (۲)

۱۶۷ بنابراین، از مجموع مطالب پیشین چنین بر می‌آید که جامه درونی کعبه مشرفه برای نخستین بار در دوران عباسی دوم بافته شده است، گرچه نمی‌توان سالی را که برای نخستین بار این جامه در آن ساخته شد، معین کرد. همچنانکه نام خلیفه‌ای را که برای اوّلین بار فرمان بافتن آن را داده است نیز نمی‌توان یاد نمود.

همچنین برای ما روشن می‌شود که جامه درونی کعبه (مانند جامه برونی آن) در ورود و پوشش بر کعبه مشرفه، دارای نظم ویژه‌ای نبوده بلکه بصورت نادر، به هنگام فرسودگی آن در درون کعبه تجدید می‌گردیده است، و یا به هنگام اراده یکی از پادشاهان و یا سلاطین، جامه را با جامه نوین دیگری جایگزین می‌کرده‌اند. و نیز پس از

۱- فاسی، شفاء الغرام، ج ۱، ص ۱۲۳ و ۱۲۴

۲- قطب الدین حنفی، الاعلام ...، ص ۱۰۲

ص: ۱۲۴

آنکه سلطان سلیمان بدین منظور وقفی را تعیین نمود، و هر پانزده سال یکبار جامه درونی تغییر می‌یافت و باز هر یک از سلاطین آل عثمان به هنگام تکیه بر اریکه خلافت، خود را موظف به تغییر جامه درونی کعبه می‌دانستند.

و همانگونه که گفتیم جامه درونی کعبه دراین دوران نیز نظم نداشته‌است.

و این به عکس جامه برونی کعبه بود که همواره به صورت مرتب و منظم در هر سال به سوی کعبه مشرفه ارسال می گردید. لیکن باید گفت که تنها در زمان‌های نادری مانند بروز جنگ و فتنه، در ارسال آن خلل وارد می‌شد و بر آن تأثیر می گذارد.

و نیز از مجموع سخن‌های یاد شده چنین بر می‌آید که در آذین جامه درونی کعبه به تارهای طلا یا نقره، به اندازه دقت در کیفیت و نوع ابریشم آن اهمیت داده نمی‌شد و نیز به رنگ آن، آن اندازه بها نمی‌دادند، زیرا در نوشته تاریخ نگاران آمده است که بجز دو مورد، آن هم در دوره ممالیک، که عبارت بودند از: ۱- جامه سلطان ناصرحسن فرزند ملک ناصر محمد بن قلاوون به سال ۷۶۱ هجری ۲- جامه سلطان ناصر ابوسعید خوشقدم در سال ۸۶۵ هجری.

آری جامه یاد شده در پیش از آنان و یا پس از آنان به تارهای طلا آذین نگردیده است.

پرده «باب التوبه»

در تاریخ هیچگونه اشاره‌ای به پرده درِ بام بیت اللَّه الحرام، که در درون کعبه مشرفه و معروف به باب التوبه است، نشده و تنها در عصر جدید و در آغاز قرن چهاردهم هجری از آن یاد کرده‌اند. این پرده را کشور مصر همه ساله به همراه جامه برونی کعبه به این دیار می‌فرستاد تا اینکه در سال ۱۳۸۲ هجری (۱) ۱۶۸ آن را متوقف کرد؛ زیرا اختلاف سیاسی میان دو دولت مصر و سعودی موجب شده بود که دو سال پیش از آن؛ یعنی در سال ۱۳۸۱ هجری، دولت‌سعودی از پیاده شدن جامه کعبه در جده جلوگیری بعمل آورد.

۱- نظر افکنید به شهادت نامه‌های شرعی تسلیم جامه کعبه مشرفه در سالهای ۱۳۲۱، ۱۳۲۲ و ۱۳۸۰ هجری که در پایان این بخش به چاپ رسیده است.

ص: ۱۲۵

جامه‌های شریف: حجره، منبر، مقام ابراهیم و ...

جامه‌های شریف: حجره، منبر، مقام ابراهیم و ...

الف– جامه حجره و منبر نبوی:

جامه حجره نبوی شریف همانند جامه درونی کعبه، همه‌ساله تجدید نمی‌شد، بلکه هرگاه دچار فرسودگی و خرابی می‌گردید، آن را با جامه نوین دیگری جایگزین می‌کردند، این جامه، برخلاف جامه بیرونی کعبه، تحت تأثیر عوامل آب و هوایی نبوده و فرسوده نمی‌شد. و از عوامل یادشده مصون بود.

قلقشندی می‌گوید: حسین‌بن ابی‌الهیجاء داماد مرد نیکوکار «طلائع بن زریک» وزیر خلیفه العاضد فاطمی (۵۵۵– ۵۶۷ ه. ق.) که آخرین شخص از خلفای فاطمیان در مصر بود، برای نخستین بار حجره نبوی شریف را جامه پوشانید.

«حسین بن ابی‌الهیجاء» جامه‌ای به‌رنگ سفید، که روی آن با نقش و نگارها و کمربندهایی از ابریشم زرد و سرخ آذین گردیده بود، تهیه کرد. این جامه با سوره یاسین به‌طور کامل تزیین شده بود. در آن هنگام «المستضیء بأمراللّه» خلافت را در دست داشت.

هنگامی‌که جامه یاد شده به مدینه منوّره رسید، «قاسم بن مهنا» امیر مدینه در آن هنگام از قرار دادن آن در حجره نبوی امتناع کرد و اجازه خلیفه عباسی «المستضیء بأمراللّه» را در این باره ضروری دانست. اینجا بود که «حسین بن ابی‌الهیجاء» فرستاده‌ای را به بغداد گسیل نمود تا در این‌باره از خلیفه اذن بگیرد. سرانجام خلیفه اجازه داد و جامه مزبور حدود دو سال در حجره نبوی شریف آویزان گردید.

ص: ۱۲۶

از آن پس، خلیفه عباسی، «المستضیء» جامه‌ای از ابریشم بنفش را که گلدوزی و نقش و نگار و کمربندهای سفید نوشته شده داشت و بر کمربند آن نامهای: «ابوبکر»، «عمر»، «عثمان» و «علی» نوشته‌شده‌بود، ارسال‌داشت همچنین بر قسمتی از کمربند جامه یادشده، نام خلیفه «المستضیء بأمراللّه» دیده می‌شد. بنابراین، جامه «حسین بن ابی‌الهیجاء» را از حجره برداشتند و به سوی محل دفن (حضرت) امیرالمؤمنین‌علی بن ابی‌طالب علیه السلام در کوفه (۱) ۱۶۹ فرستادند و جامه خلیفه، جایگزین آن، در حجره نبوی شریف گردید.

به هنگام خلافت «الناصر لدین‌اللّه» عباسی (۵۷۳- ۶۲۲ ه. ق.) جامه دیگری برای حجره نبوی شریف از ابریشم سیاه بافته شد و آن را بر روی جامه پیشین؛ یعنی جامه «المستضیء بأمراللّه» قرار دادند. تا این‌که پس از آن وقتی مادر خلیفه «الناصر لدین‌اللّه» حج گزارد، جامه دیگری همانند جامه فرزندش را بر روی دو جامه پیشین در حجره نبوی آویخت. (۲) ۱۷۰ «ابن جبیر» در سفرنامه‌اش، به هنگام زیارت مدینه منوره، در محرم سال ۵۸۰ ه. آن جامه‌ها را بر حجره نبوی شریف دیده و به هنگام توصیف حجره نبوی و روضه مبارکه این‌چنین می گوید:

«از بالای ضریح تا حد دیوار مرمرین جامه‌هایی لاجوردی رنگ آویخته‌اند که بر آنها ستاره‌های هشت‌پر و چهارپر سپیدِ نگین‌دوزی شده وجود دارد و درون نگین‌ها دایره‌هایی است که پیرامون آنها را نقطه‌هایی سپید در بر گرفته و منظره‌ای بسیار زیبا و دلنشین را به وجود آورده است. در بخش زبرین این جامه‌ها نیز کمربندی مایل به سفید قرار دارد ...». (۳) ۱۷۱ خلیفه «الناصر لدین‌اللّه» عباسی تنها به ارسال جامه حجره نبوی شریف اکتفا نکرده، بلکه صدقاتی را برای فقرا و نیازمندان مدینه منوره در هرسال بدین شهر می‌فرستاد و نیز مقدار فراوانی از پارچه‌های پنبه‌ای را برای کفن نمودنِ درگذشتگان از

۱- ظاهراً باید منظور نجف اشرف و حرم مطهر حضرت امیر علیه السلام باشد، «مترجم».

۲- قلقشندی، صبح الاعشی، ج ۴، ص ۲۸۸ و ۳۰۳

۳- ابن‌جبیر، الرحله، ص ۱۵۱

ص: ۱۲۷

فقرا ارسال می‌کرد که در میان آنان تقسیم می‌شد. این مطلب، افزون بر قندیل‌ها و شمع‌ها و انواع گوناگون از بخور و عطرهایی بود که همه‌ساله جهت مسجد نبوی شریف به این‌سو گسیل می‌داشت.

قلقشندی می‌گوید: «... ناصر لدین‌اللّه عباسی همه‌ساله مقدار چهارهزار دینار صدقه و هزار و پانصد ذراع پارچه کتانی برای تکفین فقرای درگذشته، به مدینه ارسال می‌نمود، این جدا از هزینه‌های ساختمان مسجد بود که از آن جمله می‌توان قندیل‌ها و روغن چراغ و شمع و نَدّ (۱) ۱۷۲ و غالیه (۲) ۱۷۳ مرکب و عود برای تبخیر در مسجد را نام برد ...». (۳) ۱۷۴ خلفای بنی‌العباس از این پس همواره جامه‌هایی را برای حجره نبوی شریف می‌فرستادند. همچنانکه آنان هرسال جامه‌ای از ابریشم سیاه را که به آن پرچمی مزیّن به طلا- بود برای منبر نبوی شریف نیز می‌فرستادند «هنگامی که جامه‌ها در نزد آنان فراوان گردید. از آنها برای پرده درهای حرم استفاده کردند ... این مطلب تا دوران انقراض خلافت در بغداد ادامه داشت که از آن پس سرزمین مصر همچنانکه عهده‌دار جامه کعبه بود، مسؤولیت این امر را نیز به عهده گرفت ...». (۴) ۱۷۵ سلاطین مصر به دوران ممالیک، جامه حجره نبوی شریف و منبر نبوی را همچنان می‌فرستادند لیکن این کار به‌صورت منظم انجام نمی‌شد، تا این‌که دوران سلطنت «ملک صالح اسماعیل» فرزند «سلطان ناصر محمد بن قلاوون» (۷۴۳- ۷۴۶ ه. ق.) فرارسید که نامبرده برخی دهکده‌های مصری را وقف کرد تا درآمد آنها صرف تهیه جامه بیرونی کعبه مشرفه گردد. از آن پس این جامه در سال یک‌بار و جامه حجره نبوی و منبر نبوی هر پنج سال یک‌بار بافته می‌شد و ارسال می‌گردید. (۵) ۱۷۶ سلاطین مصری بعد از آن، سالی یک‌بار جامه بیرونی کعبه را ارسال می‌داشتند.

۱- نَدّ: چوب عود. «مترجم».

۲- غالیه: نوعی عطر خوشبو.

۳- قلقشندی، صبح‌الاعشی، ج ۴، ص ۳۰۴

۴- قلقشندی، صبح‌الاعشی، ج ۴، ص ۳۰۳ و ۳۰۴؛ ابن‌الوردی، تتمهٔ‌المختصر ...، ج ۲، ص ۳۱۴ و ۳۲۲

۵- فاسی، شفاءالغرام، ج ۱، ص ۱۲۳

ص: ۱۲۸

آنان افزون بر این، به هنگام رسیدن بر سلطنت جامه دیگری به‌رنگ سرخ، ویژه درون کعبه و جامه‌ای نیز به‌رنگ سبز برای حجره نبوی شریف ارسال می‌کردند. بر هریک از سه جامه یادشده جمله «لا اله الّااللّه، محمد رسول‌اللّه» در درون حرف دال‌هایی که در کنار یکدیگر قرار داده شده بود، نوشته می‌شد. همچنین در حاشیه و کناره‌های آن دال، آیات مناسب دیگر و نام یاران و اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله نقش بسته بود. (۱) ۱۷۷ در دوران عثمانی، سلاطین آل عثمان به همان شیوه دوران ممالیک عمل کردند به طوری که «سلطان سلیم اوّل»، به‌هنگام اقامتش در مصر، پس از دستیابی به حکومت، عنایت ویژه‌ای را نسبت به تهیه جامه کعبه مشرفه و جامه حجره نبوی شریف و جامه مقام ابراهیم خلیل علیه السلام کرد و تزیین و آذین‌بندی آن را به درجه والایی رسانید. (۲) ۱۷۸ هنگامی که «سلطان سلیمان قانونی» به خلافت رسید، به آگاهی او رساندند که درآمد وقفی که از سوی ملک صالح اسماعیل برای تهیه جامه کعبه قرار داده شده، کافی نیست و او دستور داد که از محل خزانه سلطنتی در مصر، هفت دهکده دیگر مصری خریداری شود و به وقف پیشین افزوده گردد. بنابراین، از آن‌پس تعداد دهکده‌های وقف شده به ده (۳) ۱۷۹ رسید که این مطلب در سال ۹۴۷ ه. ق. اتفاق افتاد.

نامبرده درآمد این وقف‌ها را برای تهیه و ساخت جامه بیرونی کعبه در هر سال قرار داد و اضافه عایدات را نیز برای ساختن جامه درونی کعبه و جامه حجره نبوی شریف و منبر نبوی و دیگر جامه‌ها در هر پانزده سال یک‌بار اختصاص داد.

اضافه بر آن- همچنانکه پیش از این در مورد سلاطین مصری اشاره شد- هریک از سلاطین عثمانی به هنگام جلوس بر کرسی خلافت، جامه ویژه‌ای برای درون کعبه و نیز جامه‌ای برای حجره نبوی شریف ارسال می‌داشتند. این روش همچنان ادامه داشت تا این‌که عثمانیان از ارسال این دو جامه خودداری نمودند.

۱- قطب‌الدین حنفی، الاعلام، ص ۷۰

۲- ابن ایاس: بدائع‌الزهور ...، ج ۵، ص ۲۰۵

۳- قطب‌الدین حنفی، الاعلام، ص ۷۰ و ۷۱

ص: ۱۲۹

ب- جامه مقام ابراهیم خلیل علیه السلام

جامه مقام ابراهیم علیه السلام (۱) ۱۸۰ و آغاز پیدایش آن و قرار گرفتنش بر مقام، که ترجیحاً نخستین جامه‌ای که بر مقام قرار گرفت به دوران ممالیک برمی‌گردد؛ زیرا مقام تا قرن ششم هجری در جایگاه اصلی خود، در کنار چاه زمزم به‌صورت دائمی قرار نداشت.

این جابه‌جایی مقام از جایگاه اصلی خود، دوبار اتفاق افتاد:

نخست: در ایام فتنه قرامطه بود که در ذی‌الحجّهٔ سال ۳۱۷ ه. ق. به مکه واقع شد و- به‌هنگام مراجعتشان- حجرالأسود را به همراه خود به کشورشان حمل کردند. و قصد داشتند که مقام ابراهیم علیه السلام را نیز به همراه خویش ببرند اما پرده‌داران کعبه و متولیان آن،

۱- مقام ابراهیم، همان سنگی است که ابراهیم خلیل علیه السلام به هنگام بنای کعبه بر آن ایستاد. این گفته از «ابن‌عباس» و نیز از «سعید بن جبیر» و جز اینها روایت شده. و نیز گفته‌اند که: حضرت خلیل علیه السلام به‌هنگام ندای حج برای مردم، بر بالای آن ایستاد.

در این‌جا رأی سومی نیز وجود دار که مضمون آن چنین است: حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام هنگامی که همسر فرزندش اسماعیل سر او را می‌شست، بر روی آن ایستاد. این در زمانی بود که حضرت ابراهیم برای دیدن فرزندش به این دیار آمد. سعید بن جبیر سخن آخر را استوار و محکم ندانسته است. در هرصورت می‌توان گفت که حضرت ابراهیم برای انجام کارهای یادشده بر آن ایستاده است.

خلفای عباسی به‌جهت تأثیرپذیری مقام نسبت به عوامل طبیعی و سستی سنگ و بیم از شکافته‌شدن آن، اهمیت ویژه‌ای بدان دادند و پیرامون مقام را به‌وسیله طوق‌هایی از طلا و نقره آذین کردند و آن را محکم و استوار ساختند.

هنگامی که خلیفه مهدی از خطراتی که متوجه مقام بود، آگاه شد، در سال ۱۶۱ هجری هزار دینار یا بیشتر را به مکه ارسال کرد که با آن مقام را از بالا تا پایین به‌صورتی پایدار و استوار درآوردند. متوکل علی‌اللّه، به‌هنگام حکومتش به‌وسیله طلا، پوشش دیگری را بر تزئین پیشین مهدی افزود. این آذین‌بندی به سال ۲۳۶ هجری واقع شد.

در سال ۲۵۶ هجری پرده‌داران به علی بن حسن عباسی، عهده‌دار امور مکه، گزارش دادند که مقام از هم گسیخته است و بیم از تباهی آن دارند. نامبرده‌گان از علی بن حسن عباسی درخواست کردند که مقام را ضمن استوار و ثابت کردن، آذین نماید و او دو طوق از طلا به مقدار ۹۹۲ مثقال و طوقی دیگر از نقره ساخت و سپس مقام را آورده، به‌وسیله جیوه سنگ مقام را درمیان طوق‌های یادشده آنچنان قرار دادند که غیرقابل گسستن بود. این کار به دست «بُشر» مولای خلیفه معتمد علی‌اللّه عباسی انجام پذیرفت. آنگاه سنگ مقام را با تزئین‌های صورت گرفته، به جایگاه اوّلی بازگرداندند و در آن ثابت و استوار کردند. (فاسی، شفاءالغرام، ج ۱، ص ۲۰۲ و ۲۰۳).

ص: ۱۳۰

مقام را در یکی از شعب‌های مکه پنهان کردند و پس از فروخوابیدن فتنه و مراجعت قرامطه به کشور خویش، مجدداً آن را به مسجد بازآوردند و در جایگاه اصلی و معروف خود قرار دادند.

جابه‌جایی دوّم، در قرن ششم هجری رخ داد. در این دوران، مقام را از جایگاه اصلی خویش در کنار چاه زمزم برداشتند و آن را در نخستین پلّه ورودی به بام بیت‌اللّه، در درون کعبه قرار دادند. هنگامی که آن را از درون کعبه خارج می‌ساختند، در جایگاه اصلی خویش قرار می‌گرفت. (۱) ۱۸۱ «ابن‌جبیر» جهانگرد مشهور، به سال ۵۷۹ ه. ق.- هنگام توصیف درون کعبه مشرفه- در این‌باره چنین شرح می‌دهد:

«مقام ابراهیم علیه السلام، برای محافظت در اتاقی واقع در رکن عراقی از درون کعبه قرار دارد و جایگاه اصلی آن، در خارج از کعبه، در جایگاهی است که بر آن گنبدی از چوب برپا گردیده و مردم در پس آن به نماز می‌ایستند. همچنین علاوه بر آن، دارای گنبدی از آهن بوده که چون موسم حج بیاید و مردم انبوه شوند، گنبد آهنین را جایگزین گنبد چوبین می‌سازند.»

ابن جبیر ادامه می‌دهد: «در ماه رجب سال ۵۷۹ ه. ق. هنگامی که امیر مکه «مکثربن عیسی» عمره رجبیه گزارد، مقام را برای او از درون کعبه خارج ساختند و در جایگاه اصلی‌اش قرار دادند تا نامبرده در پسِ آن، نماز به‌جای آورد. سپس گنبد چوبین مقام از روی آن برداشته شد که امیر، سنگ مقام را استلام کند. در این هنگام گنبد برای بار دیگر بر روی آن بازگردانیده شد».

«... هنگامی که (مکثربن عیسی) از طواف فارغ گردید، در کنار ملتزم نماز بپاداشت. سپس به سوی مقام آمد و در پشت آن نماز گزارد.

در حالی که مقام را برای وی از کعبه خارج کرده و در زیر گنبد چوبین خود قرار داده بودند تا نامبرده در پس آن نماز بپا دارد. هنگامی که نماز او به پایان رسید،

۱- محمد طاهر کردی، تاریخ‌القویم لمکّهٔ و بیت‌اللّه الکریم، ج ۴، ص ۴۴

ص: ۱۳۱

گنبد را از روی مقام برگرفتند و امیر با دستان خویش آن را استلام کرد و سپس به‌صورت خود کشید آنگاه گنبد بار دیگر بر روی آن قرار داده شد ....» (۱) ۱۸۲ طبق این مطالب دانسته می‌شود که مقام ابراهیم تا اواخر قرن ششم هجری، در جایگاه خود ثابت نبوده است. آنان سنگ مقام را از بیم دزدی و یا رسیدن آسیب، به درون کعبه منتقل می‌کرده‌اند.

نگارنده در هیچ‌یک از نوشته‌های تاریخ‌نگاران درباره مقام ابراهیم علیه السلام اشاره‌ای به زمان دائمیِ قرار گرفتن آن در جایگاه اصلی خویش و این‌که در چه زمانی برای نخستین بار جامه بر آن آویخته شد برنخورد است. نخستین اشاره‌ای که به جامه مقام ابراهیم خلیل علیه السلام شده، همان مطلبی است که قلقشندی (متوفای سال ۸۲۱ ه. ق.)- پس از توصیف جامه کعبه مشرفه‌درعصرخویش و برداشته شدن جامه قدیمی آن و قرار داده شدن جامه نوین بر آن- یاد کرده است. او در این‌باره می‌گوید: «... و مقام با جامه‌ای همانند جامه کعبه پوشانیده می‌شود ...». (۲) ۱۸۳ با این اشاره دانسته می‌شود که در دوران قلقشندی، مقام دارای جامه و پوشش بوده است. لیکن این گفته، آغازِ جامه کردنِ مقام ابراهیم خلیل علیه السلام را برای ما روشن نمی‌سازد.

بنابراین، از آنچه که گذشت، می‌توان نتیجه گرفت و با اطمینان گفت که جامه مقام در دوران ممالیک پدید آمده است.

اما عثمانیان، باید گفت که آنان اهمیت ویژه‌ای به جامه بیرونی کعبه مشرفه و نیز جامه درونی آن و پرده‌ها و تمامی جامه‌های دیگر، مانند جامه حجره نبوی شریف و منبر نبوی همچنین به جامه مقام ابراهیم خلیل علیه السلام، از خود نشان می‌دادند. به‌طوری‌که (سلطان) سلیم اول- همچنان‌که بدان اشاره کردیم- به هنگام اقامت خویش در مصر، به ساخته شدن جامه کعبه و جامه حجره نبوی شریف و جامه مقام ابراهیم خلیل علیه السلام اهتمام ورزید تا بدانجا که در تزیین جامه‌های یادشده، به صورت غیر معمول، آنچنان نمود که در زیبایی

۱- ابن‌جبیر، الرحله، ص ۵۵، ۵۶، ۹۷؛ فاسی، شفاءالغرام، ج ۱، ص ۲۰۴

۲- صبح‌الاعشی، ج ۴، ص ۲۸۳

ص: ۱۳۲

و جمال بی‌نظیر گردید. (۱) ۱۸۴ ارسال جامه مقام در سرتاسر دوران عثمانی و در عصر جدید- که در آینده از آن سخن خواهیم گفت- همچنان ادامه یافت تا این‌که در سال ۱۳۵۹ ه. ق. مصر از ارسال آن خودداری کرد؛ زیرا نزد آنان آشکار گردید که این جامه بر مقام ابراهیم خلیل علیه السلام قرار داده نمی‌شود.

به‌نظر می‌رسد که جامه مقام، همه‌ساله، به همراه جامه بیرونی کعبه ارسال می‌شده است. گواه ما بر این سخن، بر دو پایه استوار است:

اول: وقف گسترده‌ای که از سوی «سلطان سلیمان قانونی» انجام گرفت، که ده دهکده مصری بوده و درآمد آن بر ساخته شدن جامه بیرونی کعبه در هر سال و جامه درونی آن و جامه حجره نبوی شریف و منبر نبوی و محراب تهجد و محراب ابن‌عباس و آرامگاه او و آرامگاه عقیل‌بن ابی‌طالب و نیز بر آرامگاه (حضرت امام) حسن بن علی علیهما السلام و عثمان‌بن عفان و فاطمه بنت اسد، در هر پانزده سال یک‌بار هزینه می‌گردید.

در آن اشاره‌ای به جامه مقام ابراهیم خلیل علیه السلام نشده، در صورتی که از تمامی جامه‌های یادشده برای محراب‌ها و قبور بزرگان از صحابه- رضوان اللّه تعالی علیهم اجمعین- یادشده است. این مطلب عاقلانه به‌نظر نمی‌رسد که جامه مقام که از پیش و از دوران ممالیك تا آغاز دوران عثمانیان همواره درنظر گرفته می‌شد از یاد برود و از جامه‌های دیگر برای محراب‌ها و قبور در آن یاد شود!

بنابراین نتیجه می‌گیریم که جامه مقام ابراهیم در هرسال، به همراه جامه بیرونی کعبه مشرفه، بدان جهت که این جامه نیز در معرض عوامل طبیعی همانند جامه کعبه بوده، ارسال می‌گردیده است.

دوم: با مراجعه به شهادت‌نامه‌های شرعی تسلیم جامه کعبه مشرفه در دوران کنونی، مشاهده کردیم که جامه مقام ابراهیم خلیل علیه السلام همه‌ساله به همراه جامه بیرونی کعبه ارسال می‌گردیده است. این شهادت‌نامه نشانگر آن است که این مطلب به‌صورت عادتی از

۱- ابن ایاس، بدایع‌الزهور، ج ۵، ص ۲۰۵

ص: ۱۳۳

دوران عثمانی تاکنون ادامه داشته است، باتوجه به این‌که مصر به‌صورت رسمی تا آغاز جنگ جهانی اول در سال ۱۳۳۲ ه. ق. زیر نفوذ دولت عثمانی باقی بود.

ج- جامه حجر اسماعیل علیه السلام:

در هیچ‌یک از نوشته‌های تاریخ‌نگاران به مطلبی برنمی‌خوریم که از جامه حجر اسماعیل پیش از سال ۸۵۲ هجری بحث کرده باشد، ولی در این سال سلطان «ظاهر چقمق» از پادشاهان ممالیک، جامه‌ای از ابریشم سیاه را به همراه جامه کعبه مشرفه ویژه حجر اسماعیل علیه السلام ارسال نمود و چون پیش از این هیچگاه بر حجر اسماعیل علیه السلام جامه‌ای را قرار نداده بودند و این برای نخستین بار بود، بنابراین‌جامه یادشده یک‌سال در درون کعبه قرار داده شد. سپس آن را خارج ساخته و در موسم حج سال ۸۵۳ هجری بر روی قسمت بیرونی حجر اسماعیل قرار دادند. در همان‌زمان جامه‌دیگری ویژه قسمت درونی حجر اسماعیل رسید که آن را نیز از داخل حجر آویختند. این جامه برای اولین و آخرین بار بر روی آن قرار داده شد و پس از آن- تاریخ‌نگاران- از ارسال جامه‌های دیگری بدین منظور یاد نکرده‌اند. (۱) ۱۸۵

د- پرده دروازه منبر مکّی:

گفتنی است علی‌رغم این‌که نصب آغازین پرده دروازه منبر مکی، از دوران عباسی- همچنان‌که پیش از این بدان اشاره کردیم- بوده و به اثبات رسیده است، لیکن این‌جانب به‌هیچ‌گونه مطلبی، حتّی به اشاره دست نیافتم که به تهیه پرده ویژه دروازه منبر مکی‌در دوران کنونی (اوایل‌قرن چهاردهم‌هجری) پرداخته‌باشد. اما در شهادت‌نامه‌های شرعی تسلیم جامه کعبه، به وجود پرده دروازه منبر مکی، (۲) ۱۸۶ دست می‌یابیم.

حال آیا از صورت شهادت‌نامه‌های شرعی یادشده برمی‌آید که پرده دروازه منبر

۱- یوسف احمد، المحمل و الحج، ج ۱، ص ۲۴۹؛ حسین بن عبداللّٰه باسلامه، تاریخ‌الکعبهٔ المعظمهٔ، ص ۱۷۶ و ۱۷۷

۲- نک: دو شهادت‌نامه شرعی سال‌های ۱۳۲۱ و ۱۳۲۲ ه. ق.

ص: ۱۳۴

مکی در دوران جدیـد پدید آمده است یا این‌که پرده یادشده هرسال به همراه جامه بیرونی کعبه و به همراه جامه مقام ابراهیم خلیل علیه السلام از دوران عباسی و یا از دوران ممالیک یا دوران عثمانی به اعتبار این‌که این پرده خود جزئی پیوسته از جامه کعبه به‌شمار آمده و در معرض تأثیر عوامل جوّی قرار داشته، ارسال می‌گردیده است؟

گمان دارم که پرده یادشده همواره به همراه جامه کعبه هرسال از مصر حداقل در دوران عثمانی ارسال می‌گردیده است.

گواه بر این مطلب اوقاف سنگینی است که از سوی «سلطان سلیمان قانونی» بر جامه کعبه تعیین گردیده بود و آن افزون بر نیاز جامه در یک سال بوده و این مطلبی است که سلطان یادشده در ضمن وقف‌نامه یادشده، ذکر کرده است که مازاد بر آن را صرف تهیه جامه‌های دیگری برای حجره نبوی شریف و منبر نبوی و محراب‌های گوناگون و پرده‌هایی برای قبور برخی از بزرگان صحابه- رضوان‌اللّه علیهم- قرار داده شود. بنابراین منطقی به‌نظر نمی‌رسد در جایی که پرده‌های فراوان دیگری که شاید آنچنان ضرورتی هم نداشته است بر روی ضریح برخی از بزرگان صحابه یادشده در وقف‌نامه سابق ذکر گردد و پرده دروازه منبر مکی را از آن استثنا نمایند. تهیه و آماده کردن آن و نیز ارسال سالانه آن از مصر به همراه جامه در دوران جدید، خود می‌تواند گواهی بر نظر این‌جانب باشد. که این مطلب استمرار آن عادت از پیش به‌شمار آمده نه آنکه در عصر جدید پدید آمده باشد.

ارسال این پرده از مصر، همچنانکه در صورت شهادت‌نامه شرعی سال ۱۲۸۰ هجری آمده است، متوقف گردید. ما از زمان دقیق توقف ارسال آن، آگاه نیستیم لیکن به‌نظر می‌رسد موانعی درکار بوده است که در پایان، موجب توقف ارسال جامه مقام در سال ۱۳۵۹ هجری گردید. همچنانکه در این باره به هنگام سخن از جامه مقام از آن یاد کردیم. (۱) ۱۸۷

۵- کیسه جایگاه کلید کعبه

درباره این کیسه، اطلاعات دقیقی از پیش در دست نداریم؛ زیرا به‌درستی

۱- دکتر محمد الدقن - هادی انصاری، کعبه و جامه آن از آغاز تاکنون، ۱جلد، نشر مشعر - تهران، چاپ: ۱، ۱۳۸۴.

ص: ۱۳۵

نمی‌دانیم از چه هنگـام سـاخته شـده است؟ و آیا هرسال ارسال می‌گردیـده یا خیر؟ با بررسـی و دیـدن نوشـته‌های تاریخ‌نگاران در این‌بـاره، به هیـچ‌گونه اشـاره‌ای برخورد نکردیم. تنهـا، روایتی را که در آن از چگونگی سـرقت کلیـد در کعبه معظمه، در روزهـای پایـانی مـاه رمضان سال ۹۷۶ هجری سـخن به میـان آمـده به‌دست آوردیم. بر اساس روایت یادشـده، «شـیخ عبدالواحـد شـیبی» طبق عـادت همه‌سـاله، درِ کعبه مشـرفه را برای ورود بانوان گشود. در این هنگام کلیـد کعبه که با پوششـی از طلا آذین گردیـده بود، از اتاق نامبرده به سرقت رفت. غوغایی در درون حرم شریف به‌پا گردید. درهای مسجدالحرام را بسته و مردم را بازرسی نمودند. لیکن این‌کار سودی نبخشـید تا این‌که «سـنان پاشا» در یمن آگاه گردید که کلید نزد شخصی عجمی است. پس از دستگیری و اقرار وی، خانه او را محاصره کردند و کلید کعبه به همراه اموال دزدی دیگری در آن‌جا یافت شد.

وی پس از گردن زدن دزد، کلید را برای «شـیخ عبدالواحد شـیبی» بازفرسـتاد. (۱) ۱۸۸ آیا این حادثه می‌توانـد آغازی برای اهمیت دادن به کلید کعبه به‌شمار آید و از آن هنگام، کیسه کلید کعبه ساخته شده باشد؟ شاید چنین باشد.

با این‌که در نوشته‌های تاریخ‌نگاران پس از این تاریخ (۹۷۶ ه.) به مطلبی مبنی بر ساخت کیسه کلیـد کعبه دست نیافتیم. لیکن اشاره نکردن آنـان، مـوجب نفی مطلـق سـاختن ایـن کیسـه و ارسـال آن در هر سـال بـه همراه جـامه کعبـه معظمه نیست؛ زیرا آن کیسه از ضمیمه‌های جامه به‌شـمار آمده و تاریخ‌نگاران ضـرورتی بر ذکر آن به هنگام ارسال جامه نمی‌دیده‌اند. همچنان‌که در عصـر جدید، شهادت‌نامه‌های شـرعی تسـلیم جامه کعبه معظمه، به وجود آن کیسه، به‌عنوان ضـمیمه جامه شـریفه در هر سال اشاره دارد. (۲) ۱۸۹ در صورتی‌که سـخن «ابراهیم رفعت پاشا» را، که به‌عنوان فرمانـده نیروهای نظامی محمل حـج مصـری و سـپس چندین سال به‌عنوان امیرالحاج مصر بوده و همه‌ساله جامه کعبه را همراهی می‌کرده، بدان بیفزاییم- نامبرده در کتاب خود درباره ساخته شدن این

۱- ابراهیم رفعت، مرآةالحرمین، ج ۱، ص ۲۹۹ و ۳۰۰؛ حسین عبداللّه، باسلامه، تاریخ‌الکعبة المعظمه‌ص ۳۷۹ و ۳۸۰

۲- نک: به شهادت‌نامه‌های شرعی تسلیم جامه کعبه معظمه در سال‌های ۱۳۲۱، ۱۳۲۲ و ۱۳۸۰ ه. ق.

ص: ۱۳۶

کیسه از زمانی بس دراز در پیش سخن گفته و اضافه می‌کند:

«... از قدیم رسم بر این بوده که به همراه جامه کعبه، کیسه‌ای جهت کلید درِ کعبه ساخته می‌شد و این کیسه به همراه کلید درِ کعبه نزد بزرگ خانـدان بنی‌شـیبه قرار می‌گرفت ....» ۱۹۰ (۱) بنـابراین با گفته‌های پیش آشـکار می‌گردد که کیسه کلیـد کعبه از دوران عثمانی ساخته شده و به همراه جامه شریفه، همه‌ساله ارسال می‌گردیده است.

این‌جانب در ضـمن بازدیـدی که از کارگاه جامه شـریف در «خرنفش» واقع در قاهره به‌عمل آوردم. قطعه‌های جامه‌ای را که دولت سعودی در سال ۱۳۸۱ هجری از دریافت آن خودداری نمود، مشاهده کردم. این مطلب درنتیجه بروز اختلافات سیاسـی بین مصـر و دولت سـعودی پیش آمـد- که در آینده به هنگام سـخن از جامه در دوران جدید از آن سـخن به میان خواهیم آورد- همچنانکه در میان قطعه‌های یادشده، کیسه کلید کعبه معظمه را نیز ملاحظه نمودم.

در پایـان سـخن خود از جامه‌های یادشـده که از مصـر به کعبه مشـرفه ارسال می‌گردیـد و نیز پس از توضـیح درباره پیـدایش آنان، ضروری دانستیم که از ابعاد و ویژگی‌های آنها و نیز چگونگی تزیین جامه‌های یادشده به‌هنگام سـخن از جامه کعبه در عصـر جدید برای شما به تفصیل سخن بگوییم، ان‌شاءاللَّه.

۱- ابراهیم رفعت، مرآةالحرمین، ج ۱، ص ۳۰۰

ص: ۱۳۷

(تصاویر از میقات ۲۸)

مخطوط ۱ و ۲ و ۳ و ۴

ص: ۱۳۸

مخطوط ۱

ص: ۱۳۹

مخطوط ۲

ص: ۱۴۰

پیدایش آذین و نوشته بر جامه کعبه

پیدایش آذین و نوشته بر جامه کعبه

اول: پیدایش کردشیه و طراز (کمربند) و پرده درِ کعبه:

اشاره

۱۹۱ (۱)

پیش از آنکه درباره پیدایش آذین و نوشته بر جامه شریف کعبه سخن بگوییم، ضروری است، نخست درباره پیدایش «کردشیه» و کمربند و پرده درِ کعبه سخن به میان آوریم؛ زیرا آذین و نوشته، همواره به صورت عمومی بر تمامی قطعه‌های جامه کعبه شریفه قرار دارد.

جامات یا قطعه‌های طلایی و نوشته‌دار جامه کعبه شریفه:

پیشینه قطعه‌های طلایی و نوشته شده بر جامه کعبه، به سال ۸۱۰ هجری می‌رسد.

فاسی پس از نقل این مطلب، از نقش و نگارها و رنگ قطعه‌های یاد شده و نیز از برخی سالها که جامه عاری از آن قطعه‌ها بوده، یاد کرده و از نوشته‌های نقش بسته بر زمینه آنها و نیز از نقاطی که آن قطعه‌ها بر جامه کعبه قرار داشته، سخن به میان آورده است.

۱- در متن کتاب، تیتر این بخش، به صورت جامات و طراز و برقع آمده است. نویسنده کتاب خود مقصود از طراز را کمربندِ جامه کعبه یاد کرده و برقع را به عنوان پرده در کعبه عنوان نموده است. امّا جامات را نقش و نگارهای ابریشمی با تارهای طلا و نقره یاد کرده که به شکل دایره بوده و در درون آنها نوشته‌هایی نقش بسته است.

هم اکنن این شکل نوشته‌ها را در زبان عربی «کردشیه» می‌نامند.

از این پس، در این کتاب به هنگام سخن از جامات و طراز همواره کلمه کردشیه و کمردبند را به کار می‌بریم. «مترجم»

ص: ۱۴۱

تصویر ص ۲۵ از کتاب مصنع کسوه الکعبه؟؟؟؟

ص: ۱۴۲

وی می گوید: در سال ۸۱۰ هجری قمری بر روی جامه سمت شرقی کعبه، قطعه‌های ابریشمی نقش داری به رنگ سفید به وجود آوردند که در سالهای ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳ و ۸۱۴ نیز چنین کردند ولی در سال ۸۱۵ این کار صورت نگرفت؛ به طوری که تمامی سمت شرقی، تا سالهای ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، همانند پیش به رنگ سیاه بود، لیکن از آن پس، در سمت شرقی، با قطعه‌های ابریشمی نقش‌دار سفید رنگ در قسمت زیرین کمربند تا پایین جامه آن هم در هر قطعه آذین نمودند.

این ماجرا در سال ۸۱۹ رخ داد. در قطعه‌های یاد شده، نوشته «لا اله الّا اللَّه، محمّد رسول اللَّه» به رنگ سفید آذین شده بود. قطعه‌های پیشگفته که به شکل دایره بود، به سال ۸۱۰ پدید آمد و همچنان تا پنج سال متوالی پس از سالهای هفده و هجده همچنان به رنگ سفید بودتا اینکه در سال ۸۲۵ قطعه‌های نوشته شده به رنگ سفید برداشته شده و قطعه‌هایی به رنگ سیاه جایگزین آنها گردید.» ۱۹۲ (۱) «قلقشندی» نیز از پیدایش قطعه‌های نوشته شده، در تاریخی که فاسی از آن یاد کرد، مطالبی آورده است: وی در کتابش (صبح الأعشی) می‌نویسد:

«... سپس برخی از سمت‌های جامه، طبق معمول از ابریشم سیاه بود و برخی دیگر در میان ابریشم سیاه و در آن قطعه‌های نوشته شده به رنگ سفید بود که «لا اله الّا اللَّه، محمّد رسول اللَّه» بر آن نقش‌بسته‌بود. ازآن پس، در سال ۸۱۴ ه. ق. سمتِ پیش روی جامه، به وسیله تعدادی از قطعه‌های نوشته شده به رنگ بنفش آذین گردید ...» (۲) ۱۹۳ از مطالب گفتنی درباره طراز (کمربند) و پرده درِ کعبه (برقع)، آگاهی دقیقی در دست نیست. همچنین هیچگونه آگاهی درباره زمان پیدایش و افزودن هر یک از آنها بر جامه کعبه معظمه، وجود ندارد، با آنکه برخی از تاریخ نگاران همانند فاسی، قلقشندی و ابن جبیر در میان نوشته‌های خود، اشاره‌ای به پیدایش کمربند در دوران خود و دورانهای پیش از آن، کرده‌اند. و نیز اشاره فاسی و قلقشندی به پیدایش پرده درِ کعبه در عصر خود دیده می‌شود، لیکن هیچیک از آنان نامی از نخستین شخص عمل کننده بدان، و زمان

۱- فاسی:، شفاء الغرام، ج ۱، صص ۱۲۲ و ۱۲۳

۲- قلقشندی، صبح الاعشی، ج ۴

ص: ۱۴۳

پیدایش آن‌ها سخنی به میان نیاورده‌اند.

کتاب‌های فراوانی را مورد بررسی قرار دادم تا شاید بتوانم نخستین شخص اقدام کننده به آن را یافته و یا تاریخ آن را به دست آورم، لیکن در این زمینه موفقیتی کسب نکردم.

تاریخ‌نگاران آنگاه که درباره جامه‌های کعبه در دوران جاهلیّت و عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و نیز زمان خلفا و قدرت امویان و نیز عصر عباسی اوّل مطلب می‌نگاشتند هیچگونه اشاره‌ای، نزدیک و یا دور به کمربند آن نکرده و یا سخنی از پرده درِ کعبه به میان نیاورده‌اند و از این رهگذر عبور کرده‌اند.

طراز (کمربند) جامه کعبه

اگر نوشته‌های تاریخ نگاران را، که در این باره نگاشته‌اند، بررسی کنیم، به آگاهی‌های تقریباً گسترده‌ای دست می‌یابیم. یکی از آنان فاسی است. وی در «عقد الفرید» به نقل از ابن عبد ربّه (متوفّای سال ۳۴۹ ه. ق.) جامه کعبه را توصیف نموده و از زمان قرار داده شدن آن بر کعبه نیز یاد کرده است. گفته او چنین است:

«... هنگامی که حاجیان در روز نحر (عید قربان) از احرام خارج شدند، کعبه نیز از احرام خارج گردید و در این حال به وسیله جامه‌ای از دیباج (۱) ۱۹۴ سرخ خراسانی، که بر آن دایره‌هایی است مکتوب و درون آنها حمد پروردگار و ثنا و تکبیر و تعظیم او نقش بسته است، پوشانیده شد. این جامه تا سال آینده همچنان بر روی کعبه قرار دارد و در آن هنگام، دوباره به وسیله جامه توصیف شده، تغییر می‌یابد.» (۲) ۱۹۵ از گفته ابن عبد ربّه چنین برداشت می‌شود که جامه دوران او (عصر عبّاسی دوم) از دیباج سرخ بوده که دایره‌هایی از نوشته‌ها با عبارت‌های حمد و ثنا و تکبیر و تعظیم باری

۱- دیباج؛ نوعی پارچه ابریشمی است.

۲- فاسی، شفاء الغرام، ج ۱، ص ۱۲۲

ص: ۱۴۴

تعالی داشته است. آیا می‌توان گفت که منظور از دایره‌های نوشته شده همان کمربند بوده است؟ ممکن است چنین باشد و شاید این دایره‌ها به صورت کمربند کنونی نبوده، لیکن در هر صورت نشان دهنده آن است که در آن هنگام در برخی از قسمتهای جامه، نوشته‌هایی وجود داشته که با گذشت زمان کم کم در این زمینه پیشرفتها و خلّاقیّتهای نوینی به کار رفته و در پایان به صورت کمربند کنونی در آمده است.

گفتنی است که پس از این دوران، در میان گفته‌های تاریخ نگاران، به واژه «دایره‌ها» یا «حلقه‌ها» برخورد نمی‌کنیم و تنها پس از گذشت یکصد سال تقریباً از دوران ابن عبدربّه است که اشاره دیگری به وجود کمربند بر روی جامه کعبه شده است. در این اشاره، تصریح به نام آن نگردیده است.

در فاصله میان سالهای ۴۳۷ تا ۴۴۴ ه. ق. ناصر خسرو جامه کعبه مشرّفه را از نزدیك دیده و در سفرنامه خود آن را اینگونه توصیف کرده است:

«... امّا جامه به رنگ سپید رگه‌دار (مخطط) بوده که بر روی آن دو نوار به عرض یک ذراع قرار داشت. ارتفاع جامه میان دو نوار یاد شده ده ذراع بوده به طوری که قسمتهای زبرین و زیرین دو نوار به همان انداه بودند. و بدین گونه، کعبه آنچنان به نظر می‌رسید که به سه قسمت تقسیم گردیده است لازم به تذکر است که اندازه‌های یاد شده بر اساس تعیین تقریبی اینجانب به ده ذراع می‌رسید.» (۱) ۱۹۶ بی‌شك اشاره ناصر خسرو به وجود این دو نوار بر روی جامه؛ یکی در نقطه ثلث جامه و دیگری در ارتفاع دو ثلث از آن گواه متقنی است بر وجود دو کمربند بر جامه کعبه.

از آن پس، همواره کلمه کمربند (طراز) را با صراحت به هنگام سخن از جامه ملاحظه می‌کنیم؛ همچنانکه یادآوری می‌گردد، در آن هنگام؛ یعنی در آغاز خلافت «ناصر عباسی»، جامه کعبه از دیباج سبز تشکیل می‌گردید «وسپس در دوران او کعبه به

۱- محمّد طاهر کردی، التاریخ القویم، لمکّهٔ وبیت اللّه الکریم، ج ۴، صص ۱۹۶ و ۱۹۷

ص: ۱۴۵

وسیله جامه‌ای سیاه پوشانیده شد ... که در آن طرازی (/ کمربند) از زرد قرار داشت، گفتنی است که پیش از آن، این طراز به رنگ سپید بود.»

هنگامی که جامه بر اثر توفان شدیدی که به سال ۶۴۴ ه. ق. رخ داد، پاره شد.

منصور بن منعه بغدادی، بزرگِ حرم مکّی، جامه‌ای از پنبه، رنگ آمیزی شده به سیاه را بر کعبه آویخت و به وسیله کمربند قدیمی که بر روی جامه پیشین وجود داشت آن را آذین کرد. (۱) ۱۹۷ گفتنی است نخستین بار نوشته بر روی کمربند در دوران خلافت «الناصر لدین‌اللّه عباسی» صورت گرفت که ابن جبیر در سفرنامه خود، به سال ۵۷۹ هجری در این باره چنین یاد می‌کند:

«... هنگامی که روز سه شنبه سیزدهم شهر مبارک یاد شده (ذی الحجه) فرا رسید. شیبیان جامه سبز درخشنده‌ای را که دیده‌ها بدان روشن می‌گردید، بر کعبه قرار دادند. در بالای جامه یاد شده نقش وسیعی به رنگ سرخ در سمت پیش روی کعبه و در برابر مقام کریم و در کنار درِ مکرّم بیت که همانا صورت مبارک کعبه است قرار داشت. در زمینه نقش یاد شده پس از بسم اللّه آیه: إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاس (۲) ۱۹۸ نوشته شده بود.

در بخش‌های دیگر آن، نام خلیفه و دعا برای او، دیده می‌شد. در پیرامونِ نقش یاد شده، دو طغرای سرخ با دایره‌های سفید کوچک قرار داشت که در آن با خط بسیار ظریفی، آیاتی چند از قرآن و همچنین نام خلیفه به چشم می‌خورد ...». (۳) ۱۹۹ این چنین در می‌یابیم که ابن جبیر ضمن مطالبش از وجود کمربند «نقش وسیع به رنگ سرخ» یاد کرده که پیرامون کعبه را از تمامی قسمتها دربرگرفته و درون آنها نوشته‌هایی قرار داشته است.

وی همچنین از ظهور نوشته‌های نوین بر جامه یاد کرده که آن «دو طغرای سرخ با

۱- فاسی، شفاء الغرام، ...، ج ۱، ص ۱۲۲

۲- آل عمران: ۹۶

۳- ابن جبیر، الرحله، دار مکتبهٔ الهلال بیروت، لبنان، ۱۹۸۱، ص ۱۴۱

ص: ۱۴۶

دایره‌های سفید کوچک» است و نوشته‌هایی در متن دایره‌های یاد شده وجود داشته که شامل آیاتی از قرآن کریم و نام خلیفه بوده است.

به نظر می‌رسد که این نوشته‌ها همان آذین‌های زربفت بوده که بعد از این به نام قطعه‌های طلایی نوشته شده یا به «کردشیات» و یا «رنوك» معروف گردیده که در آینده به هنگام سخن از جامه کعبه در دوران جدید و کنونی، از آن یاد خواهیم کرد.

تاریخ نگاران در ادامه مطالب خود، به مسأله طراز (/ کمربند) در دورانهای پس از ابن جبیر نیز اشاراتی داشته‌اند.

فاسی و قلقشندی از چگونگی «کمربند» در دوران ممالیك، که در اواخر قرن هشتم و اوایل قرن نهم هجری بوده، مطالبی آورده، و گفته‌اند: در این دوران رنگهای کمربند گوناگون و نوشته‌های روی آن متغیّر بوده است. نکته گفتنی این که: فاسی خود درباره کمربند و آیات قرآنی نوشته شده بر روی آن در سمت‌های چهارگانه کعبه می‌نویسد:

«... جامه کعبه دارای کمربندی از ابریشم زرد بوده که پیش از آن، آنچنانکه ما آن را مشاهده کردیم، این کمربند به رنگ سپید بود. نخستین بار یک یا دو سال، پیش از سال هشتصد، کمربند به رنگ زرد انتخاب گردید.

بر روی کمربند جامه کعبه آیاتی از قرآن کریم نقش بسته است، در سمت شرقی آن، این آیات آمده است:

إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِی بِبَكَّةَ مُبَارَكاً وَهُدىً لِلْعَالَمِينَ* فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِناً وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْ الْعَالَمِينَ (۱) ۲۰۰

و در سمت غربی:

وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنْ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّکَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ* رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَکَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَکَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّکَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (۲) ۲۰۱

۱- آل عمران: ۹۶ و ۹۷

۲- بقره: ۱۲۷ و ۱۲۸

ص: ۱۴۷

و در سمت یمانی:

جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَاماً لِلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ وَالْهَدْىَ وَالْقَلَائِدَ ذَلِكَ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِى السَّمَوَاتِ وَمَا فِى الْأَرْضِ وَأَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَىْءٍ عَلِيمٌ

و در سمت شامی نام پادشاه مصر و فرمان او برای ساختن جامه را بافته‌اند.

طراز (کمربنـد) یاد شده، در ناحیه ربع زبرین از خانه قرار دارد.» (۱) ۲۰۲ اگر به آیات قرآنیِ نوشته شده بر روی کمربند دقت کنیم و آن را بـا آنچه که در پیش نوشـته می‌شـده و اکنون نیز در دوران حاضـر نوشـته می‌شود به مقـایسه بگـذاریم، روشن می‌شود که با تغییرات بسـیار اندکی، همان آیات نوشته می‌شود، همچنانکه در سمت شامی، که ویژه اهدای جامه بوده، اکنون نیز در دوران حاضر به همان صورت انجام می‌گیرد.

امّا قلقشـندی- که معاصر فاسی بوده- درباره کمربند تنها به بیان آیات نوشته شده در سمت شرقی، که درِ کعبه مشرفه در آن است، بسـنده کرده، سـپس به رنگهای گوناگون کمربند پرداخته و آن را با رنگ جامه، مورد بررسی قرار داده است. او ترکیب این رنگها با یکدیگر را بسیار زیبا و دلنشین توصیف نموده، می‌گوید:

«آنچه که هم اکنون در دوران ما تا پایان دولت ظاهریه برقوق (۲) ۲۰۳ و آغاز دولت ناصریّه فرزندش «فرج» جریان دارد، این است که:

«کعبه به وسـیله جامه‌ای از دیباج سـیاه برجسـته، از بالا تا پایین پوشانیـده شده که در قسـمت زبرین آن کمربندی از همان ابریشم به رنگ سپید قرار دارد و بر روی آن آیه: إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِى بِبَكَّةَ مُبَارَكاً نقش بسته است.

سپس آیات دیگر .. و آنگاه در سال ... و هشتصد در دولت ناصریه، فرج بن

۱- فاسی، شفاء الغرام ...، ج ۱، ص ۱۲۳

۲- ظاهر برقوق متوفای سال (۸۰ه. ق.) بوده است.

ص: ۱۴۸

برقوق، کمربنـد یـاد شـده، از رنگ سپیـد به رنگ زرد تغییر یافت. پس نوشـته‌ها در زمینه‌ای سـیاه با ابریشـمی زرد مزیّن به طلا قرار گرفت. مخفی نماند که این روش زیباتر از پیش به نظر می‌رسـید؛ زیرا ترکیب دو رنگ سـیاه و سپید جلوه خاصّ دیگری را به خود گرفته بود ...». ۲۰۴ (۱) بـدین ترتیب، روشن می‌شود که کمربندِ روی جامه، از دورانی بس پیش (دوران عباسـی دوم) پدید آمد و در دوران ممالیک پیشرفت قابل ملاحظه‌ای کرد و سرانجام تقریباً شبیه کمربند کنونی در آمد.

پرده دِر کعبه (برقع):

طول و عرض پرده دِر کعبه به انـدازه فضای دِر کعبه در طول و عرض بوده، لیکن به اندازه بسـیار اندکی این پرده بلندتر و عریض‌تر گرفته شـده تـا اینکه به هنگـام آویخته شـدن کاملًا آن را بپوشانـد. هم اکنون از زمان پیـدایش و نیز نخستین سازنـده آن، همچنانکه پیش از این اشاره نمودیم، اطلاع دقیقی در دست نیست. با بررسـی مطالب تاریخی در این باره، نتیجه می‌گیریم که نخستین پرده دِر کعبه به اوایل قرن نهم هجری می‌رسد.

فاسـی می‌گویـد: «... در این سال (۸۱۹ ه. ق.) پرده گرانبهـایی را برای دِر کعبـه ساختنـد کـه این پرده از پرده‌هـای پیشـین که دیـده بـودیم، بسـیار زیبـاتر بود ...» (۲) ۲۰۵ قلقشـندی پس از ذکر نوشـته‌های زربفـت و کمربنـد جـامه کعبـه در اوایـل قرن نهـم هجری، می‌گویـد: «... بر دِر کعبه پرده‌ای است به انـدازه در، که بر روی آن نوشـته‌هایی به رنـگ سـفید دیـده می‌شود ...» که این در پایـان دولت ظـاهریّه «برقوق» و اوایـل دولت ناصـریّه فرزنـدش فرج بوده که «ظاهریّه برقوق» متوفّای سال ۸۰۱ ه. ق. اســت. «... از آن پس پرده دِر کعبه از ابریشم سیاه بافته شده که زمینه آن به وسیله تارهای نقره پوشیده از طلا مزیّن گردیده بود و این کیفیّت آن را بسیار نفیس و گرانقدر ساخته بود.» (۳) ۲۰۶

۱- قلقشندی، صبح الاعشی، ج ۴، صص ۲۸۱ و ۲۸۲

۲- فاسی: شفاء الغرام، ج ۱، ص ۱۲۳

۳- قلقشندی، صبح الاعشی، ج ۴، ص ۲۸۲

ص: ۱۴۹

بـا آنکه اشـاره فاسـی و قلقشـندی به ظهور پرده درِ کعبه، در اوایل قرن نهم هجری بوده، لیکن زمان پدیـد آمـدن آن را پیش از آن دانسته‌اند و از تاریخ دقیق و به وجود آورنده آن سخنی به میان نمی‌آورند.

ضمن بررسی و مطالعه، به مطلبی برخوردم که در آن از چتر یا آفتاب‌گیر یاد شده است. به این ترتیب که از دوران اموی سایبانهایی به شکل چتر (۱) ۲۰۷ به کعبه اهدا می‌شده است. در آن هنگام سایبانهای یاد شده را در سمت پیش روی کعبه قرار می‌دادند.

فاسی ضمن شرح از «آویزه‌های کعبه و هدیه‌های آن به عنوان زینت» می‌نویسد:

«... عبدالملک بن مروان دو سایبان به همراه کاسه بلورین، بدان ارسال نمود ...»

سپس ادامه می‌دهـد: «... مأمون نیز یاقوت گرانبهایی ارسال کرد که همه ساله به هنگام موسم؛ به وسـیله زنجیری در پیش روی کعبه آویخته می‌شـد و نیز جعفر متوکّل (علی اللَّه عباسـی) سایبانی از طلا را هـدیه کرد که به وسـیله دُرّ گران قیمت و یاقوت ارزشـمند و زبرجـد تزییـن گردیـده بـود. این سایبـان به وسـیله زنجیری همه سـال در مـوسم حـج در پیش روی کعبه آویزان می‌شـد.» (۲) ۲۰۸ بنابراین، خلیفه اموی، عبـدالملک بن مروان، نخستین فردی است که سایبانی را به کعبه مشـرفه هـدیه کرد و پس از او، دیگر خلفا از وی پیروی کردند. به نظر می‌رسد که فرسـتادن سایبان آنچنان ضروری به نظر نمی‌رسیده که هر یک از خلفا آن را اهدا نمایند؛ زیرا از آن سایبانها تنها در زمان کوتاهی، آن هم در موسم حج اسـتفاده می‌کردند و پس از آن تا فرارسیدن موسم دیگر برداشته می‌شده است. بنـابراین برخی، جواهرات گران سـنگی را به کعبه اهـدا می‌کردنـد که تعـدادی از آنهـا را به عنوان زینت به روی سایبان قرار می‌دادند.

مقریزی در جای دیگر «جعفر المتوکّل علی اللَّه عباسی» را نخستین شخص اهدا

۱- این چترهـا به شـکل ویژه‌ای ساخته می‌شـد و آنگاه به وسـیله جواهرات گران سـنگ و نفیس، که ارزش آنهاغیر قابل تعیین بود، تزیین می‌گردید و سـپس به سـمت پیش روی کعبه؛ یعنی بر قسـمت فوقانی در کعبه قرار داده می‌شد و بدین صورت وضعیّت زیبا و دلنشی را در این مکان به وجود می‌آورد.

۲- فاسی، شفاء الغرام، ج ۱، ص ۱۱۶؛ نک: ابن ظهیره، جامع اللطیف، صص ۱۱۱ و ۱۱۲

ص: ۱۵۰

کننده سایبان به کعبه شناسانده چنین می گوید:

«اوّلین فردی که سایبـان به کعبه هـدیه کرد، جعفر المتوکّل علی اللّه عباسـی بود که آن را بـا زنجیری که وی فرسـتاده بود به همراه یاقوت اهـدایی از سوی مأمون، همه ساله در پیش روی کعبه آویزان می کردنـد. به طوری که پس از آن، این عمل به صورت سنّتی در آمـد و در هر سـال، به هنگـام موسم، آویز می گردیـد. در آن دوران، همه سـاله در فصـل موسم، زنجیری نیز ارسـال می گردیـد. ارزش آن زنجیر به همراه سایبـان آذین شـده به درّ و یـاقوت و جـواهرات گران قیمت، غیر قابـل تعیین بـود. این اهـدایی‌ها به همراه امیری از عراق فرستاده می‌شد که به پرده‌داران کعبه تسلیم می گردید و به نظر آنان می‌رسید، آنگاه در روز ششم ذی‌حجّه، در پیش روی کعبـه آویخته می‌شـد و در روز ترویه جمع می گردیـد.» (۱) ۲۰۹ مقریزی همچنین به سایبـان ارسـالی از سوی خلیفه فـاطمی، «المعز لـدین اللّه» اشـاره کرده که در روز عرفه سال ۳۶۲ هجری بـدان نصب گردیـد، وی مطالب گسترده‌ای نیز از مساحت و پارچه بافته شده آن و همچنین از جواهرات و سـنگهای ارزشـمند تزیین شده بر روی آن آورده و حتّی از نوشـته‌های روی آن نیز یاد کرده است.

مقریزی آنگاه دیدگاه مردم در روز نحر (عید قربان) و زبان ستایش آنان را توصیف نموده، می گوید:

«در روز عرفه «معز» سایبـانی را که برای کعبه آمـاده کرده بود، در ایوان کاخ خویش به نمایش گزارد. این سایبان دارای وسـعتی به اندازه دوازده وجب در دوازده وجب داشت و زمینه آن از دیباج سـرخ و پیرامونش به دوازده هلال طلا مزیّن بود در میان هر هلال، ترنجی از طلای مشـبّک و در دل هر ترنـج، پنجاه درّ بزرگ هماننـد تخم کبوتر دیـده می‌شد. در آن همچنین یاقوت سـرخ و زرد و بنفش به چشم می‌خورد. در اطراف سایبان یاد شـده، آیات حج به وسـیله زمرّد سبز تزیین گردیده بود که در میان نوشـته‌ها، درّهای بزرگی که تا آن هنگام همانند نداشت، چشم‌ها را خیره می کرد. سایبان یاد شده را با

۱- مقریزی، تقی الـدین احمـد بن علی، اتعـاظ الحنفـا بأخبار الأئمّـهٔ الفاطميين الخلفا، تحقيق و تعليق دكتر جمال الـدين الشـيال، دار الفكر العربی، القاهره، ۱۳۶۷ ه./ ۱۹۴۸ م. صص ۱۹۳ و ۱۹۴

ص: ۱۵۱

مشک خوشبو ساخته بودنـد. تعدادی از خدمتکاران به علّت سـنگینی، آن را کشـیده و نصب نمودند ... معز بامدادان برای نماز عید قربـان به جایگـاه خویش حرکت و آنچه که در نماز عیـد؛ از قرائت و تکبیر و رکوع و سـجود طولانی بود، انجام داد و سـپس خطبه خوانـد، آنگـاه بـا همراهـان خویش حرکت نموده، در کـاخ خویش فرود آمـد. در این هنگام بود که بارعام داد و مردم گروه گروه برای دیـدن سایبان نصب شـده، بدان وارد شدند. در آن روز از تمامی مردم- از شامیان وعراقیان- کسـی باقی نماند که سایبان را از نزدیـک نبینـد! و این در حـالی بود که تمـامی مردم عراق و شام و دیگر حاجیان اذعان داشـتند که تا آن زمان هماننـد آن سایبان را ندیده بودند ...!» ۲۱۰ (۱) حـال آیا می‌توان گفت که آن سایبانها، همان پرده درِ کعبه بوده‌انـد؟ و یا آیا ممکن است بگوییم که آن سایبانهـا که بر پیش روی کعبه قرار داده می‌شـده، زمینه فکری نـوینی را برای متخصـصان ایجـاد کرد که پرده‌ای را برای درِ کعبه به وجود آورنـد؟ خداوند سـبحان به حقایق آگاهتر است. در هر حال، پرده درِ کعبه همه ساله بافته می‌شد و به همراه جامه کعبه ارسال می‌گردیـد و بـا گـذشت زمـان، تغییراتی در چگونگی تزیین آن صورت می‌گرفت به طوری که در بـافت آن از تارهـای نقره‌ای زر اندود و نیز نوشته‌هایی از آیات قرآنی و جز اینها به کار می‌رفت تا اینکه به صورت کنونی درآمد.

در بخش جـداگانه‌ای به هنگـام سـخن از چگونگی ساخت آن در مصـر عصـر جدیـد و در دولت سـعودی کنونی به تفصـیل سـخن خواهیم گفت.

دوّم- پیدایش گلدوزیهای طلا و نقره بر جامه کعبه

پیشینه تزیین قسمتهای مختلف جامه از قطعه‌های نوشته شده و کمربند و پرده درِ کعبه و آذین آنها به تارهای نقره‌ای پوشیده شده از طلاـ بر اسـاس آنچه که تاریـخ نگاران در ضـمن شـرح از قطعه‌های نوشـته شـده آورده‌انـد، به اوایل قرن نهم هجری می‌رسـد که با ابریشم سفید و گاه به وسیله ابریشم سیاه بوده است.

۱- همان مصدر، صص ۱۹۳ و ۱۹۴

ص: ۱۵۲

از آن پس، این نقش ونگارها جای خود را به نقش‌های دیگری داد که موسوم به «کردشیات» یا «رنوک» بود. گفتنی است که ذکری از قطعه‌های نوشته شده به صورت اولیه، که بر روی جامه برونی کعبه قرار داشت، به میان نیامده است.

امّا نسبت به جامه درونی کعبه، فاسی اشاره کرده است که سلطان «ناصر حسن» برادر سلطان «ملك صالح اسماعیل» فرزند «ملك ناصر محمّد بن قلاوون» جامه‌ای را در سال ۷۶۱ ه. ق. ساخت که بر آن قطعه‌های نوشته شده با تارهای طلا آذین گردیده بود.

فاسی در این باره می‌نویسد:

«.. و آن از ابریشم سیاه بود که بر آن قطعه‌های نوشته شده به وسیله تارهای طلا دیده می‌شد. این غیر از قسمتی از سقف میان دو ستونِ مقابل درِ کعبه بود.

این قسمت از ابریشم سرخ بود که در وسط آن قطعه‌ای بزرگ آذین شده به گلدوزیهای طلا قرار داشت. سلطان حسن این جامه را در سال هفتصد و شصت و یك (از هجرت) ارسال کرده است.» (۱) ۲۱۱ به نظر می‌رسد اهتمام به آذین قطعه‌های نوشته شده از جامه درونی کعبه مشرّفه به وسیله گلدوزیهای طلایین و ترك آذین قطعه‌های نوشته شده بر روی جامه بیرونی، بدان جهت است که جامه درونی هر سال ارسال نمی‌گردید. بلکه به فاصله زمانی دور از هم فرستاده می‌شد. بنابراین، زمان لازم برای آذین آن وجود داشت، به عکس جامه بیرونی که همه ساله تهیه و ارسال می‌شد و با توجّه به امکانات فنّی و مالی آن زمان، یك سال، زمان چندانی برای آذین قطعه‌های نوشته شده به طلا نبود.

امّا درباره کمربند، باید گفت، با آنکه پیشینه بافت آن بر روی جامه، به زمانی بسیار دور (دوران عباسی دوم) بازمی‌گردد، لیکن تاریخ نگاران از چنین آذینی مطلب ننوشته‌اند و تا پیش از قرن نهم هجری، از جامه بدون گلدوزیهای نقره با پوشش طلا- یاد کرده‌اند و گفته‌اند که همواره نوشته‌های آن به وسیله ابریشم سفید سپس از ابریشم زرد بوده تا اینکه در دوران سلطان فرج بن برقوق در اوایل قرن نهم هجری کمربند به وسیله

۱- فاسی، شفاء الغرام، ج ۱، ص ۱۲۴

ص: ۱۵۳

نوشته‌های طلا آذین گردید.

قلقشندی می گوید: «... سپس در سال ... و هشتصد در دولت ناصریّه فرج بن برقوق، رنگ کمربند از سپید به زرد تغییر داده شد، به طوری که از آن پس، نوشته‌ها بر روی زمینه سیاه با ابریشم زرد و با گلدوزیهای طلایین آذین گردید. مخفی نماند که از اوّلی نفیس‌تر و از دوّمی جذاب تر می‌نمود ...» (۱) ۲۱۲ برخی از محقّقان در این‌باره- به نقل از نوشته «افادهٔ الأنام بذکر أخبار بلد اللَّه الحرام» به قلم شیخ عبداللَّه بن محمّد غازی- آورده‌اند: که نخستین شخصی که کمربند را با طلا آذین کرد، سلطان عثمانی سلیم بن سلیمان بود. پیش از آن، کمربند از ابریشم زرد بود. (۲) ۲۱۳ بدین ترتیب، هنر آرایش و آذین بندی کمربند به وسیله گلدوزیهای نقره‌ایِ پوشیده از طلا، همچنان پیشرفت کرد، به ویژه آنگاه که وقف گسترده‌ای از سوی سلطان سلیمان قانونی برای ساخت جامه کعبه مشرّفه قرار داده شد، امکانات مادّی بیشتری را برای این منظور مهیّا ساخت. همچنانکه پیش از این یاد آوردیم سلطان سلیمان هفت دهکده مصری، اضافه بر سه دهکده‌ای که از سوی سلطان دوران ممالیک، صالح اسماعیل فرزند سلطان ناصر محمّد بن قلاوون بدین منظور قرار داده بود، وقف کرد.

همچنین گفتنی است: با گذشت دورانهای مختلف، هنر آرایش نیز رشد کرد تا آنجا که کمربند کعبه، خود آیت و نشانی از زیبایی و جمال گردید. در بخشهای آینده، درباره جامه مصری و جامه سعودی سخن خواهیم گفت.

امّا پرده درِ کعبه- که پیدایش آن اوایل قرن نهم هجری بوده، در آغاز به وسیله ابریشم سفید و سپس به وسیله گلدوزی با تارهای نقره‌ای پوشیده از طلا آذین شده بود.

قلقشندی می گوید:

«... بر روی در، پرده‌ای است به اندازه همان در که بر آن نوشته‌هایی به رنگ سپید وجود دارد. از آن پس پرده درِ خانه از ابریشم سیاهی تشکیل می گردید

۱- قلقشندی، صبح الاعشی، ج ۴، ص ۲۸۲

۲- حسین عبداللَّه باسلامه، تاریخ الکعبهٔ المعظمه، صص ۲۸۳ و ۲۸۴

ص: ۱۵۴

که بر روی آن گلدوزی‌های نقره‌ای پوشیده از طلا دیده می‌شد و این وضعیت بر زیبایی و ارزش آن می‌افزود.» (۱) ۲۱۴ آنگاه که عثمانیان به مصر و شام و حجاز سلطه یافتند، سلطان سلیم اوّل کوشش ویژه‌ای نسبت به جامه کعبه و پرده درِ آن کرد؛ به طوری که ابن ایاس در این باره اینگونه نوشته است:

«... کوشش ویژه‌ای را (سلطان سلیم) بر خلاف عادت نسبت به جامه کعبه از خودنشان داده، تا آنجا که آذین پرده درِ کعبه را به درجه‌ای والا رسانید ...» (۲) ۲۱۵ اهتمام و کوشش نسبت به آذین پرده درِ کعبه در دوران عثمانی، به ویژه پس از به وجود آمدن امکانات فنّی و مالی برای آن، همچنان ادامه یافت و هنگامی که دولت سعودیِ نخستین، برپاگردید و سلفی‌ها بساط قدرت خویش را بر حجاز گستردند، آنان پس از خودداری مصر از ارسال جامه به سوی کعبه مشرّفه، خود بدان اهتمام ورزیده، چهار چوب و پرده درِ کعبه را به وسیله طلا نقره آذین کردند.

سعود بزرگ در سال ۱۲۲۱ هجری جامه‌داری «از ابریشم سرخ بر کعبه نهاد و سپس در سالهای پس از آن، کعبه را با دیباجی سیاه پوشانید و بر آن حاشیه و ازاره‌ای از حریر سرخِ گلدوزی شده، به وسیله طلا و نقره نصب کرد. بر دَرِ کعبه نیز پرده‌ای سرخ آذین شده به طلا- و نقره آویخت». (۳) ۲۱۶ و چون دولت عثمانی مجدّداً حجاز را ضمیمه خاک خود کرد، دولت مصر از آن پس همچنان جامه برونی کعبه را همانند گذشته می‌فرستاد.

آنان همچنان به آذین بافته‌های نقره‌ای پوشیده از طلای آن اهتمام به خرج می‌دادند تا اینکه به درجه‌ای والا از زیبایی و هنر رسید. بنابراین، آشکار می‌شود که قسمتهای گوناگون جامه شریفه، زاییده عصر کنونی نبوده بلکه پیدایش و ظهور آنها به دورانهای گذشته و قرون پیشین باز می‌گردد.

۱- قلقشندی، صبح الاعشی، ج ۴، ص ۲۸۲

۲- ابن ایاس، بدائع الزهور، ج ۵، ص ۲۰۵

۳- ازرقی، اخبار مکّه، ج ۱، ص ۲۵۸

ص: ۱۵۵

همچنانکه هنر آذین‌بندی و قرار دادن گلدوزیهای نقره و طلا بر اجزای جامه نیز ریشه در دوران‌های گذشته دارد و با گذشت زمان ترقّی و رشد نموده و به وضعیت کنونی رسیده است.

سوّم: پیدایش نوشته در جامه کعبه شریفه:

همانطور که پیش از این گفتیم، نخستین کسی که کعبه مشرّفه را جامه پوشانید طبق نظریّه مشهور- تُبّع پادشاه حِمیر بوده است که از آن پس، مردم- چه در دوران جاهلیّت و چه در دوران اسلام- نیز از او پیروی کردند. آنها جامه‌های گوناگونی را؛ مانند حصیر و قطعه‌های چرم و چادر و جُل‌های مختلف از پارچه‌های حبری و قباطی و خز و دیباج ... و جز اینها و آنچه که در قدرت و امکانشان در آن زمان بود بر آن قرار می‌دادند. ساختن جامه از دورانهای گذشته تا کنون، همچنان رو به پیشرفت و ترّقی گذارده و بر اساس شهر سازنده و تمدّن آن، تغییر می‌کرد تا اینکه هم اکنون در دوران کنونی ما به بالاترین درجه از زیبایی و متانت و خلاقیّت رسیده است.

جامه شریف در آغاز پیدایش خود، به جهت آشنا نبودن مردم با خط و نوشتن، خالی از هر گونه نوشته و نقشی بود. این وضع تا نیمه‌های قرن دوّم هجری (یعنی تا دوران عبّاسی) ادامه یافت از آن هنگام نام دستور دهندگان به ساخت جامه و تاریخ بافته‌شدن آن و احیاناً نام مکانی که در آن ساخته شده، بر آن نوشته می‌شد.

مقریزی به نقل از فاکهی در اخبار مکّه این چنین یاد می‌کند:

«جامه‌ای از قباطی را بر آن مشاهده کردم که بر روی آن نوشته بود:

«ممّا أمر به عبداللّه المهدی محمّد امیرالمؤمنین أصلحه اللّه محمّد بن سلیمان أن یصنع من طراز تنیس کسوهٔ الکعبهٔ علی ید الخطاب بن مسلمهٔ عامله سنهٔ تسع و خمسین و مائهٔ». (۱) ۲۱۷

۱- طبق فرمانی که از سوی عبداللَّه المهدی محمّد خلیفه مسلمانان به محمّد بن سلیمان داده شد، جامه‌ای به سبک «تنیس» به دست کارگزار خود خطاب بن مسلمه در سال یکصد و پنجاه و نُه برای کعبه ساخته شد.»

ص: ۱۵۶

و نیز گفته است: «بر روی جامه‌ای از جامه‌های المهدی، این نوشته را دیدم:

«بسم اللَّه برکهٔ من اللَّه لعبد اللَّه المهدی محمّد امیرالمؤمنین- أطال اللَّه بقاءه، ممّا أمر به اسماعیل بن ابراهیم أن یصنع من طراز تنیس علی ید الحکم بن عبید سنهٔ اثنین و ستّین و مائهٔ» (۱) ۲۱۸

همچنین گفته است: «بر روی جامه‌ای که از سوی هارون الرشید از مصر ارسال شده و از قباطی، بود این نوشته را مشاهده کردم:

«بسم اللَّه برکهٔ من اللَّه للخلیفهٔ الرشید عبداللَّه هارون امیرالمؤمنین أکرمه اللَّه. ممّا أمر به الفضل بن الربیع أن یعمل من طراز تونهٔ (۲) ۲۱۹ سنهٔ تسعین ومائهٔ».

۱- به نام خدا و برکت از خدا برای بنده‌اش مهدی امیر المؤمنین که خداوند عمرش را دراز گرداند! فرمان داد به اسماعیل بن ابراهیم که جامه‌ای به سبک «تنیس» بافته شود که این جامه به سال یکصد و شصت و دو، به دست حکم بن عبید ساخته شد.

۲- تونه؛ دهکده‌ای بوده در اطراف تنیس در مصر که گاه جامه کعبه مشرّفه در آن ساخته می‌شد.

ص: ۱۵۷

جامه کعبه معظمه در دوران عثمانی

کوشش سلطان سلیم اوّل درباره جامه شریفه:

همچنـانکه در بخشـهای پیش گفتیم، آخرین جـامه کعبه دردوران ممالیک، همان جامه‌ای بودکه توسط سـلطان «اشـرف طومان‌بای» درسال ۹۲۲ ه. ق. فرسـتاده شد. سـپس سـلطان «سلیم اوّل عثمانی» باگسترش نفوذش بر مصرو ورودش به‌قاهره در محرم سال ۹۲۳ ه. ق، خود را به «خادم الحرمین الشریفین» ملقب ساخت و بدان فخر می‌کرد.

نویسـنده «الاعلام» در این بـاره می‌گویـد: «هنگامی که سـلیم بر «قانصوه غوری» پیروز شـد، به حلب وارد گردیـد و آنگاه که گفته سخنران را در تعریف و تمجید خود شنید که می‌گوید: «خادم‌الحرمین الشریفین»، به درگاه‌الهی سجده شکرگزارد و گفت: «پروردگـار را شـکر گزارم‌که به من افتخـار خادم الحرمین الشـریفین را ارزانی داشت». آنگاه خیرات و برکات فراوانی را به ساکنان حرمیـن رواداشت و از ملقّب شـدنش به خـادم‌الحرمین اظهـار خرسـندی و شادمـانی نمـود». (۱) ۲۲۰ از آن پس سـلطان سـلیم اوّل، به‌هنگام اقامت خویش در مصـر، اهتمام ویژه‌ای به تهیه جامه کعبه مشـرّفه و نیز پرده ضریح پیامبر صلی الله علیه و آله و ابراهیم خلیل علیه السـلام از خود نشـان داد؛ همچنانکه پرده تازه‌ای را برای محمل ساخت و نام خود را بر روی آن، که به درجه والایی از زیبایی و آذین رسیده بود، نوشت.

۱- قطب‌الدین حنفی، الاعلام، ص ۱۲۸

ص: ۱۵۸

سلطان سلیم دو روز پیش از حرکت خود؛ یعنی در تاریخ ۲۱ شعبان سال ۹۲۳ ه. ق. مجلس جشنی به‌پا کرد و جامه‌های یادشده را در آن به معرض نمایش گزارد. (و قاهره را در ۲۳ شعبان سال ۹۲۳ ه. ق. ترک کرد).

ابن ایاس می‌گوید: «در دوشنبه بیست و یکم شعبان ۹۲۳ ه. ق. سلطان سلیم شاه، جامه کعبه شریف و جامه مرقد پیامبر صلی الله علیه و آله و ضریح حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام را (در متن این‌گونه آمده است) (۱) ۲۲۱ به نمایش گذاشت؛ همچنانکه جامه‌ای برای محمل شریف نیز ساخت. نامبرده به خلاف عادت، کوشش ویژه‌ای نسبت به جامه کعبه از خود نشان داد و آذین زیبایی را بر پرده دَرِ کعبه قرار داد که درنتیجه، آن را به درجه‌ای والا- از زیبایی رسانید. و نیز به هنگام ساخت جامه محمل، از هیچ کوششی دریغ ننمود». (۲) ۲۲۲ عثمانیان در آن سال (۹۲۳ ه. ق.) اهمیت فراوانی به جامه کعبه از خود نشان دادند؛ به‌طوری‌که پس از خروج «سلطان سلیم» از مصر، سه جشن دیگر برگزار نمودند.

در جشن نخستین که در روز دوشنبه، ۱۲ رمضان سال ۹۲۳ ه. ق. برگزار شد، جامه شریف را به میان خیابان‌های قاهره آورده و طی مراسم باشکوهی آن را در معرض دید همگان قرار دادند، سپس آن را به‌سوی قلعه، جایگاه بزرگِ امرا خایربک برده و به دید وی رسانیدند، از آن پس جامه را به جایگاه اصلی خویش بازگرداندند.

مراسم جشن دوم، در روز دوشنبه، ۱۹ ماه رمضان سال ۹۲۳ ه. ق. یعنی یک هفته پس از سپری شدن از مراسم جشن اوّل، آغاز نمودند. در این مراسم، جامه را به‌میان خیل عظیم برگزار کنندگان جشن در خیابان‌های قاهره آورده و به‌سوی میدان «ریدانیه» آن را به‌حرکت درآوردند. و در روز دوشنبه ۱۷ شوال سال ۹۲۳ ه. ق. مراسم دیگری برای خروج محمل و گردش آن در خیابان‌های قاهره به‌سوی «ریدانیه» آغاز گردید که از آن

۱- ابن ایاس که گفته است: «و کسوة لضریح سیدنا ابراهیم الخلیل»، اشتباهی است از سوی وی؛ زیرا «جامه‌مقام ابراهیم خلیل» صحیح است. این مقام در برابر کعبه مشرفه و در جوار چاه زمزم می‌باشد که همواره با جامه‌ای زیبا پوشانیده می‌شده است، اما مرقد حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام در شهر الخلیل، در فلسطین است.

۲- ابن ایاس، بدائع‌الزهور ...، ج ۵، ص ۲۰۵

ص: ۱۵۹

پس کاروان محمل به همراه جامه شریف عازم سرزمین مقدس شد.

در مراسم جشن‌های سه‌گانه، قضات چهارگانه و اعیان و دست‌اندرکاران دولتی و نیز سربازان عثمانی و گروه‌های طبّال و موسیقی و زنبورکچی‌ها شرکت داشتند، که علاوه بر آن، تمامی اقشار ملت نیز در جشن‌های یادشده حضور یافتند.

ابن ایاس به هنگام یاد از جشن‌های آن سال، چندین صفحه قلم‌فرسایی کرده است (۱) ۲۲۳ که ما به هنگام سخن از آن مراسم جشن، در بخش ویژای به‌نام برپایی مراسم جشن برای جامه شریفه به تفصیل یاد خواهیم کرد، ان‌شاء اللَّه تعالی.

وقف سلطان سلیمان قانونی بر جامه شریفه:

هزینه جامه کعبه مشرفه، از وقفی که بدین منظور از سوی ملک صالح اسماعیل قرار داده شد، همه‌ساله از مصر ارسال می‌گردید. این وضع همچنان تا دوران سلطان «سلیمان قانونی» ادامه داشت، لیکن در این هنگام به علت ضعف مالی وقف یادشده و کاهش درآمد آن، امکان رسیدگی کامل به جامه تقلیل یافت و درنتیجه، وظایف لازمه نمی‌توانست آنچنان که باید انجام گیرد. این وضعیت به آگاهی سلطان سلیمان قانونی رسانده شد و نامبرده طی فرمانی دستور داد که هزینه‌های ساخت جامه از خزانه سلطنتی در مصر تأمین گردد. سپس در سال ۹۴۷ ه. ق.، هفت دهکده دیگر مصری را خریداری کرد و به سه دهکده وقف‌شده پیشین اضافه نمود که درنتیجه وقف یادشده به ده دهکده رسید. از آن پس درآمد دهکده‌های یادشده صرف تهیه و ساخت جامه شریفه می‌گردید که این وقف خود به‌عنوان پشتوانه نیکویی برای جامه درآمد. (۲) ۲۲۴ بدین ترتیب تعداد دهکده‌های وقف شده، همچنانکه در متن وقف‌نامه سلطان سلیمان قانونی آمده، به ده دهکده مصری رسید.

دهکده‌های یادشده عبارتند از:

۱- نک: ابن ایاس، بدائع‌الزهور ...، ج ۵، صص ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۸ و ۲۱۹

۲- قطب‌الدین حنفی، الاعلام ...، صص ۷۰ و ۷۱

ص: ۱۶۰

۱- بیسوس (در کتاب عربی ص ۹۵)؛ دهکده‌ای است که هم‌اکنون به نام (باسوس) شناخته می‌شود و از توابع استان قلیوبیه است.

۲- ابوالغیث؛ در این زمان به «ابوالغیط» نامبردار است و در مرکز «قلیوب» در استان «قلیوبیه» واقع است.

۳- حوض بقمص؛ همان «حوض بقیس» کنونی است که در بخش «مرصفا» از توابع «بنها» در استان «قلیوبیه» واقع است.

۴- سلکه؛ یکی از دهکده‌های «المنصوره» در استان «دقهلیه» به‌شمار می‌آید.

۵- سرو بجنجه؛ بهتر آن است که «سرو بجبجه» نامیده شود و آن دهکده‌ای است که هم‌اکنون به «سرو» مشهور است و از توابع «فارسکور» در استان «دقهلیه» به‌شمار می‌آید.

۶- قریش‌الحجر؛ دهکده‌ای است در «المنصوره» استان «دقهلیه» که هم‌اکنون به «أویش‌الحجر» شهرت داد.

۷- منایل و کوم رحان؛ دهکده‌ای است در مرکز «شبین‌القناطر» از استان «قلیوبیه» که هم‌اکنون به «المنایل» مشهور است.

۸- بجام؛ امروزه از توابع «شبرالحیمه» در استان «قلیوبیه» است.

۹- منیؤالنصاری؛ دهکده‌ای است در مرکز «دکرنس» از استان دقهلیه که به «منیؤالنصر» نامور است.

۱۰- بطالیا؛ در صورت وقف، از این دهکده در بخش مرکزی شرقی یاد گردیده است، در صورتی‌که جزو این بخش نیست. نام‌های دیگری نزدیک به آن در استان‌های دیگر وجود دارد؛ مانند «طالیا» که یکی از دهکده‌های مرکز «اشمون» در استان «المنوفیه» بوده است. همچناکه در قدیم دهکده دیگری به‌نام «بتالی» در استان «الغربیه» وجود داشته که در این زمان نمی‌توان به موقعیت دقیق آن دست یافت. (۱) ۲۲۵ در آن هنگام، پس از وقف ده دهکده یاد شده، درآمد آن برآورد گردید و بدین

۱- شرح نامها و موقعیت دهکده‌های یاد شده و تقسیم‌بندی تبعیت آنها از استان‌های مختلف، به نقل از یوسف احمد، المحمل و الحج، ج ۱، ص ۲۵۸

ص: ۱۶۱

ترتیب در صورت وقف‌نامه یاد شده در آن سال آمده است:

اوّل– درآمد سالانه دهکده‌های سه گانه (بیسوس، أبوالغیث و حوض بقمص) برابر است با مبلغ ۸۹۰۰۰ درهم.

دوم– درآمد سالانه دهکده «سلکه» برابر است با مبلغ ۳۰۹۴۴ درهم.

سوم– درآمد سالانه دهکده «سیروبجنجه» مبلغ ۷۱۸۲۰ درهم است.

چهارم– درآمد سالانه دهکده «الحجر» برابر با مبلغ ۵۱۳۰۴ درهم می‌باشد.

پنجم– درآمد سالانه دهکده «منایل و کوم رحان» برابر است با مبلغ ۳۷۸۴۰ درهم.

ششم– درآمد سالانه دهکده «بجام» مبلغ ۱۴۹۳۴ درهم می‌باشد.

هفتم– درآمد سالانه دهکده «منیۀالنصاری» برابر است با مبلغ ۶۰۸۵۸ درهم.

هشتم– درآمد سالانه دهکده «بطالیا» مبلغ ۱۰۴۸۴ درهم می‌باشد.

بنابراین، مجموع درآمد سالانه وقف یاد شده، برابر است با ۳۶۵۱۵۲ درهم نقره.

در وقف‌نامه یاد شده، استفاده از درآمد را به‌صورت تقریبی بدین‌صورت تعیین کرده‌اند:

الف– هر سال مبلغ ۲۷۶۲۱۶ درهم از آن را مانند سال‌های گذشته صرف تهیه جامه بیرونی کعبه نموده و باقی درآمد سالیانه را، که تقریباً مبلغی معادل ۸۸۹۳۶ درهم می‌باشد، نزد ناظر وقف به‌مدّت پانزده سال قرار دهند. بنابراین، مبلغ یادشده پس از این مدت، تقریباً برابر با ۱۳۳۴۰۴۰ درهم می‌باشد.

ب– از مبلغ جمع‌شده، هر پانزده‌سال یک‌بار مبلغی حدود ۷۵۰۳۷۰ درهم را هزینه ساخت جامه و پرده‌های درون کعبه مشرفه و حجره نبوی شریف و ضریح مبارک در حرم شریف و منبر و محراب تهجد و نیز پرده‌های چهارگانه حرم شریف و محراب ابن‌عباس و قبر وی و نیز قبر عقیل بن ابی‌طالب و (حضرت امام) حسن بن علی علیهما السلام و عثمان‌بن عفان و فاطمه بنت اسد می‌رساندند.

ج– مازاد آن را، که مبلغی حدود ۵۸۳۶۷۰ درهم می‌باشد، در اختیار ناظر وقف قرار می‌دادند تا وی برای رفع گرفتاری‌ها و مشکلاتی که گاه درنتیجه کمبود آب نیل و یا خشکی آن به‌وجود می‌آید، هزینه کند. در صورتی که پانزده سال گذشته و مبلغ یادشده

ص: ۱۶۲

افزایش یابد، موظفند که املاکی را خریداری کرده و ضمیمه وقف یاد شده بنمایند تا درنتیجه درآمد این وقف، پیوسته به‌میزان قابل ملاحظه‌ای افزایش یابد.

گفتنی است در وقف‌نامه جامه کعبه، به وقف دیگری نیز اشاره شده است، که این وقف از سوی «سلطان سلیمان قانونی» برای کمک به حاجیان بی‌بضاعت، به هنگام سفرشان برای انجام فریضه حج و بازگشت از آن تعیین گردیده است.

در وقف‌نامه جامه کعبه قید شده است: اگر در هریک از دو وقف یادشده مشکلی پیش آید، می‌توانند از مازاد وقف دیگر بر این وقف استفاده نمایند. (۱) ۲۲۶ لازم به یادآوری است علاوه بر وقفی که از سوی سلطان سلیمان قانونی در مصر بر جامه بیرونی کعبه در هر سال و بر جامه درونی کعبه و جامه حجره شریف نبوی و دیگر جامه‌ها- که پیش از این از آنها نام بردیم-، هر پانزده سال یک‌بار قرار داده شد، پادشاهان آل‌عثمان نیز هریک جامه‌ای را برای درونِ کعبه و جامه حجره نبوی شریف، به هنگام رسیدن به سلطنت، بدان ارسال می‌داشتند؛ همچنانکه علاوه بر آن شمع‌های بزرگ و کوچک را که با آن، کعبه و سایر مقامات مسجدالحرام و نقاط متبرک این سرزمین را روشن می‌کردند، ارسال می‌داشتند. آنان افزون بر این، عطرهای گوناگون و گلاب و عطر آن و عنبر و جز این‌ها را نیز می‌فرستادند.

همچنین طناب‌هایی که جامه کعبه را بدان استوار می‌ساختند، به همراه سایر موارد گذشته، همه‌ساله به این دیار گسیل می‌کردند. مصر با دارا بودن ویژگی ارسال جامه بیرونی کعبه در هر سال، تا سال ۱۱۱۸ ه. ق. پارچه‌های جامه بیرونی و درونی کعبه را می‌بافت. لیکن در این سال به فرمان «سلطان احمد سوم» فرزند «سلطان محمد چهارم» (عثمانی) جامه درونی را در استانبول بافت و به‌عنوان اولین سالگرد فرمانروایی خویش در استانبول، آن را در سال بعد، از راه مصر به مکه فرستاد.

از آن هنگام استانبول، بافتن جامه درونی کعبه را به خود اختصاص داد و پادشاهان آل‌عثمان به همان‌صورت جامه یاد شده را ارسال می‌کردند تا این‌که دوران سلطنت

۱- نک: وقف‌نامه جامه کعبه که از سوی سلطان سلیمان قانونی وقف گردیده است.

ص: ۱۶۳

عبدالعزیز بن سلطان محمود دوم فرا رسید و آخرین جامه را او فرستاد و پس از آن دولت عثمانی از ارسال جامه درونی کعبه خودداری کرد. بنابراین، جامه فرستاده شده از سوی سلطان عبدالعزیز به هنگام جلوس بر کرسی سلطنت در سال ۱۲۷۷ ه. ق. (۱) ۲۲۷ تا سال ۱۳۵۵ ه. ق.، همچنان باقی ماند. در این سال «ملک عبدالعزیز آل‌سعود»، درون کعبه را با جامه‌ای که از سوی پادشاه بُهره در هند ارسال گردیده بود، پوشانید.

در سال ۱۳۶۳ ه. ق. ملک عبدالعزیز آل سعود فرمان داد جامه دیگری برای درون کعبه، مهیا کنند که در سال یادشده این جامه در درون کعبه نصب شد. (۲) ۲۲۸

توقف ارسال جامه از مصر به هنگام حمله فرانسویان به آن

جامه کعبه در طول دوران عثمانی، همه ساله از محل درآمد اوقاف یادشده از مصر ارسال می‌گردید. هنگام تصرف مصر به‌وسیله فرانسویان، ارسال جامه در طول سال‌های ۱۲۱۳، ۱۲۱۴ و ۱۲۱۵ ه. ق. انجام نگرفت.

«جبرتی» که خود معاصر آن دوران بوده، از شرایط و مقتضیات آن دوران که منجر به توقف ارسال جامه از مصر به کعبه مشرف گردید، سخن گفته است.

وی در این‌باره، از آمادگی جامه کعبه و جشن حرکت آن در سال ۱۲۱۳ ه. ق.

مطالبی آورده و از کوشش فرانسویان به فرماندهی «مینو» در ارسال جامه در سال ۱۳۱۵ ه. ق. نیز نوشته است.

جبرتی به بیان جشن حرکتِ کاروانِ جامه در سال ۱۲۱۳ ه. ق. در خیابان‌های قاهره پرداخته و از چگونگی حرکت والی و خزانه‌دار و مردان طُرُق صوفیه در پیشاپیش کاروان و نیز از چگونگی حرکت سربازان و طبالان و گروه موزیک در اطراف آن، که پیش از آن کاروان جامه هیچگاه این‌چنین شکوهی را به خود ندیده بود، به تفصیل مطلب نوشته و گفته است: «در هشتم شوال ۱۲۱۳ ه. ق. که مصادف با روز جمعه بود،

۱- ازرقی، اخبار مکه، ج ۱، ص ۲۵۸

۲- محمد طاهر کردی، تاریخ‌القویم، ج ۴، ص ۲۰۳

ص: ۱۶۴

در بازارها از حرکت کاروان جامه کعبه مشرفه از «قرامیدان» ندا داده شد که پیش از آن کاروان جامه هیچ‌گاه این‌چنین شکوهی را به خود ندیده بود، به تفصیل مطلب نوشته و گفته است:

«در هشتم شوال ۱۲۱۳ ه. ق. که مصادف با روز جمعه بود، در بازارها به حرکت کاروان جامه کعبه مشرفه از «قرامیدن» ندا داده شد و مردم را به رعایت حرکت دسته‌جات، دارندگان علم‌ها و کتل‌ها و جلوگیری از بی‌نظمی فراخواندند، و در بامداد روز شنبه خیل جمعیت در بازارها و خیابان‌ها و گذرگاه‌ها درانتظار عبور کاروان به هم پیوستند و در این هنگام کاروان، در حالی‌که پیشاپیش آن والی و داروغه دستار بر سر و جُبّه بر تن به همراه گروه طبالین با طبل و شیپورها بود، به حرکت درآمد. در پس این گروه کتخدا و یارانش در حالی‌که در برابر او بیش از دویست تن از سربازان ینی‌چری مسلمان و تعداد بیشتری از سربازان رومی مسیحی سلاح به‌دست و گروهی از مستحفظان نقابدار قرار داشتند، و پس از آن دسته‌جاتی از درباریان و در پی آنان جمعی از کارمندان ناظر بر جامه کعبه که تحت فرمان مصطفی کتخدا پاشا می‌باشند، و سرانجام دسته‌جات منظم سربازان ترکی بودند.»

سپس جبرتی خود از تشکیل چنین کاروانی، که در آن وضعیت از نژادها و مذاهب گوناگون شرکت جستند، اظهار شگفتی نموده، می‌گوید:

«این کاروان یکی از نادرترین و شگفت‌ترین کاروان‌ها در نوع خود به‌شمار می‌آمد؛ زیرا در آن از نژادهای گوناگون، رنگ‌های مختلف و ادیان متفاوت شرکت کردند و در تمامی افراد یادشده اختلاف فرهنگی فراوانی دیده می‌شدند؛ به‌طوریکه می‌توان گفت اجتماع اضداد و جمع عجایب مخلوقات به‌شمار می‌آمد.» (۱) ۲۲۹ «جبرتی» پس از آن اشاره به خروج کاروان محمل از قاهره در شوال

۱- الجبرتی، عجائب‌الآثار فی التراجم و الأخبار، تحقیق اساتید محترم حسن محمد جوهر، عمر الدسوقی، سید ابراهیم سالم، چاپ اول، لجنهٔ البیان العربی، قاهره، ۱۳۸۶ ه. ق./ ۱۹۹۶ م، ج ۵، صص ۲۷ و ۲۸

ص: ۱۶۵

سال ۱۲۱۳ ه. ق. که جامه و خزانه کاروان همراه آن بود، می‌گوید: لیکن محمل نتوانست سفر خویش را به سرزمین‌های مقدس ادامه دهد؛ زیرا هنگامی که محمل به استان «الشرقیه» رسید. امیرالحاج «مصطفی بک» به همراه عرب‌های شورشی آن دیار، بر علیه فرانسویان متجاوز، وارد عمل شد و به‌سوی دهکده‌های وقفی در دو استان «الشرقیه» و «الدقهلیه» حرکت کرد و درآمدهای آن را دراختیار خود گرفت. شورشیان عرب آنگاه کشتی‌ها و قایق‌هایی را که در رود نیل حرکت می‌کردند و مواد غذایی را به فرانسویان ساکن در «دمیاط» می‌رساندند، از حرکت بازداشتند و همه را تصرف کردند.

در این هنگام بود که فرانسویان فرمان بازداشت و دستگیری «مصطفی‌بک»، امیرالحاج را صادر کرد و کاروان محمل به همراه جامه به‌سوی قاهره بازگردانده شد. فرانسویان ناظر جدیدی به‌نام سید اسماعیل‌الخشاب را بر جامه قرار دادند، لیکن با تمامی این احوال، در آن سال جامه از مصر به کعبه مشرفه ارسال نگردید. و این برای نخستین بار در طول قرون گذشته بود. جبرتی خود در این‌باره می‌گوید:

«در سال ۱۲۱۳ ه. ق. به دلیل حوادثی که در آن رخ داد، سفر حج از مصر قطع گردید و جامه و خزانه (۱) ۲۳۰ برای اوّلین بار به‌سوی دیار مقدس ارسال نشد و این حادثه‌ای بود که نظیرش در این قرن‌ها و در دولت عثمانی دیده و شنیده نشده بود.» (۲) ۲۳۱

در سال ۱۲۱۴ ه. ق. نیز کاروان حج مصری حرکت نکرد و درنتیجه جامه نیز در

۱- از دیرباز، سنت بر این بود که دولت مصر، مبلغی را به‌عنوان حقوق سالیانه به اشراف و اعراب و اهالی‌مکه و مدینه می‌پرداخت. این مبلغ که همواره از سوی کمیته‌ای در وزارت مالیه مصر تعیین می‌گردید، هر سال کم و زیاد شده و طی شهادت‌نامه شرعی، در حضور امیرالحاج و وزیر مالی و گروهی از صرافان در اختیار شخصی به‌نام خزانه‌دار کاروان قرار داده می‌شد. حقوق یادشده در مکه و مدینه و گاه به بعضی از قبایل میان راه برای جلب محبت و دوستی آنان و مصون بودن از آزار و اذیت و دزدی آن قبایل، طبق دفتری که در اختیار داشت و نام و حقوق هر فرد در آن مشخص بود، پس از تأیید خزانه‌دار و امیرالحاج و منشی اوّل خزانه، به آنان پرداخت می‌گردید، «مترجم».

۲- جبرتی، عجائب‌الآثار و ...، ج ۵، صص ۴۹- ۳۴

ص: ۱۶۶

آن سال از مصر نرسید. (۱) ۲۳۲ اما در سال ۱۲۱۵ ه. ق. فرانسویان نسبت به جامه کعبه مشرفه توجه ویژه‌ای از خود نشان‌دادند- این مطلب به‌هنگام دوران ژنرال مینو صورت گرفت و نامبرده تظاهر به مسلمانی کرد و نام خود را به «عبداللَّه ژاک مینو» تغییر داد و با بانوی مسلمانی ازدواج کرد.

مینو در آغاز درخواست نمود جامه کعبه را که در «مسجدالحسین علیه السلام» مدّت زمانی به‌صورت تاخورده به امانت سپرده شده بود و در معرض رطوبت هوا و بارانی که از سقف بر آن ریزش می‌نمود، بازرسی نمایند. و فرمان داد که جامه را از هرگونه نقص و اشکال خارج سازند و آماده ارسال به‌مکه‌مکرمه وپوشش برروی کعبه‌مشرفه سازند. این جامه به‌دست «مصطفی آغا کتخداپاشا» ساخته شد و «اسماعیل الخشّاب» به‌عنوان ناظر بر اتمام کار آن، در سال ۱۲۱۳ ه. ق. بود و همانطور که پیشتر اشاره شد بر اثر مشکلات پیش‌آمده در آن سال، به مکه فرستاده نشد.

مجلس مردمی مصر در تاریخ سه‌شنبه پنجم ماه رمضان سال ۱۲۱۵ ه. ق. تشکیل جلسه داد و نمایندگان درخواست ژنرال «مینو» را در آن مطرح ساختند. آنان برای این‌کار روز پنج‌شنبه، هفتم ماه رمضان را برای بازرسی جامه کعبه تعیین کردند و سپس فرمان اصلاح جامه و ارسال آن به کعبه مشرفه را به‌نام بزرگِ فرانسویان در آن سال قرائت نمودند. در روز پنج‌شنبه معین شده، نماینده مجلس و بزرگان آن، راهیِ «مسجدالحسین علیه السلام» شدند و در آنجا به گروهی از سربازان فرانسوی (فرستادگان مینو) که بدین منظور آمده بودند، برخوردند لیکن به‌علت ازدحام و شلوغی فراوانی که مردم در روز ماه رمضان که در مسجد گردآمده بودند، نتوانستند به درون مسجد رفته و کار را به انجام رسانند. بنابراین، برنامه را به روز پنجشنبه چهاردهم رمضان به تعویق انداختند. در روز یادشده، پس از گستردن و بازکردن جامه، برخی از آسیب‌ها و نقایص را در آن مشاهده کردند و دستور دادند تمامی آن آسیب‌ها برطرف گردد و مبلغی را نیز به‌عنوان هزینه دراختیار گذاشتند.

۱- جبرتی، عجائب‌الآثار و ...، ج ۵، ص ۱۴۰

ص: ۱۶۷

جبرتی درباره بازکردن جامه این گونه شرح می‌دهد:

«وقتی که روزپنج‌شنبه چهاردهم رمضان فرارسید، «استوفو» خزانه‌دار رسمیِ ملت و «فوریه» نماینده مجلس به همراه برخی از بزرگان و قاضی و آغا و والی و حسابدار، پس‌از آنکه مسجد را ازمردم تهی کردند، به درون آن وارد شدند.

کارگزاران جامه که احضار شده بودند، بندهای جامه را گشودند و آن را بازرسی کردند.

آنان در این بازرسی، برخی آسیب‌ها را مشاهده کردند و دستور اصلاح و ترمیم آن را صادر نمودند و بدین منظور، مبلغ سه هزار درهم نقره به تصویب رسانیدند و همچنین مبلغ هزار و پانصد سکه نقره به‌عنوان دستمزد برای کارگران و ترمیم‌کنندگان جامه تعیین نمودند. مبلغ هزار و پانصد سکه نقره نیز دراختیار خادمان ضریح مسجدالحسین علیه السلام قرار دادند. از آن پس، همگی سواره به‌سوی خانه‌های خویش حرکت کرده و جامه را پس از اصلاح و ترمیم، مجدداً بستند و در جایگاه اصلی خویش قرار دادند.» (۱)

۲۳۳ لیکن باتمام این خصوصیات، جبرتی از ارسال آن جامه هیچگونه سخنی به‌میان نیاورده است. همچنانکه اینجانب به هیچگونه اشاره تاریخی نسبت به خروج کاروان محمل و یا ارسال جامه به مکه مکرمه در آن سال، (۱۲۱۵ ه. ق.) برخورد نکردم.

خروج فرانسویان از مصر و ارسال مجدد جامه از آن دیار

از گفته‌های پیش روشن می‌شود که ارسال جامه کعبه در سال‌های سه‌گانه ۱۲۱۳، ۱۲۱۴ و ۱۲۱۵ ه. ق. به علت لشکرکشی فرانسویان به مصر و تصرف این کشور، متوقف شد، لیکن چنین به‌نظر نمی‌رسد که کعبه در سال‌های یادشده عاری از جامه باشد؛ زیرا دولت عثمانیان، که در آن هنگام دارای قدرت و بزرگی بر سرزمین‌های مقدسه بود، خود عهده‌دار ارسال جامه گردید. و به‌نظر می‌رسد که آنان جامه را پس از ساختن در آستانه به همراه کاروان محمل شامی به سوی این دیار فرستادند.

۱- نک: جبرتی، مصدر پیشین، ج ۵، صص ۲۰۴ و ۲۰۵

ص: ۱۶۸

دولت عثمانی در ماه ربیع‌الثانی سال ۱۲۱۶ ه. ق.- و این تاریخ همان زمانی است که فرانسویان از مصر خارج گردیدند- اقدام به ارسال محمل مصری نمود. گفتنی است که تا آن زمان در شهر قدس به ودیعت نهاده شده بود و به‌علت آغاز حمله فرانسویان به مصر، نتوانسته بودند آن را بازگردانند.

محمل به همراه سلیمان‌آغا و برخی از امیران که از شام حرکت کرده بودند، به قاهره وارد گردید. قاهره با ورود محمل، جشن عظیمی را برپا کرد. (۱) ۲۳۴ و در ماه جمادی‌الثانی- یعنی زمانی کمتر از دو ماه پس از خروج فرانسویان از مصر- جامه نوینی که در آستانه بافته شده بود، به قاهره وارد شد. سلطان عثمانی وقتی از خروج فرانسویان از مصر آگاهی یافت، فرمان داد جامه یادشده را به‌سرعت آماده ساخته، از راه دریا به مصر و سپس به مکه مکرمه ارسال نمایند. جامه، طی یازده روز به اسکندریه وارد شد و مصریان با خوشحالی و سرور فراوانی از آن استقبال کردند. بی‌شک این کار برای سلطان عثمانی پایان دوران غصه و گرفتاری بود و مردم به‌خاطر خروج فرانسویان از مصر، با خوشحالی به درگاه پروردگار شکرگزاری کردند.

جبرتی ماجرای ورود آن جامه به مصر و خوشحالی و پایکوبی مردم برای آن را توصیف کرده، می‌نویسد:

«مردم از قضیه ورود جامه از سوی حضرت سلطان آگاه شدند. پس هنگامی که روز چهارشنبه ۱۹ جمادی‌الثانی سال ۱۲۱۶ ه. ق. فرارسید، همراهان و خادمان جامه، به همراه بزرگ خود حاضر شده و حرکت کاروان جامه را در روز پنج‌شنبه اعلام کردند. روز پنج‌شنبه که فرارسید، اعیان و بزرگان و درجه‌داران و «عثمان کتخدا»، که نامزد امیرالحاجی بود، به همراه تعدادی از گروهبان‌ها و سربازان و قاضی و نماینده اشراف و بزرگانی از فقها گرد آمده و همگی رو به‌سوی «بولاق» نهاده و جامه را در پیش روی خود قرار دادند. آنان اجزای مختلف جامه کعبه از کمربندها و نیز پرده دَرِ کعبه و مقام حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام همه را مشاهده نمودند. تمامی آنها به‌وسیله گلدوزی‌های عالی و

۱- جبرتی، ج ۵، ص ۱۴۰، ۳۰۲ و ۳۰۳

ص: ۱۶۹

نوشته‌های برجسته و متینی آذین گردیده بود سایر قسمت‌های جامه در صندوق‌های زیبایی بسته‌بندی شده که روی آنها را با پارچه‌ای از نوع ماهوت سبز پوشانیده بودند. مردم با دیدن آن، احساس خوشحالی و سرور کردند و آن روز لحظات فراموش نشدنی برای آنان بود. گروهی که با جامه همراه بودند، خبر دادند وقتی که خبر فتح مصر (خروج فرانسویان) به آستانه رسید، سلطان فرمان داد که جامه را تهیه نمایند که طی سی روز جامه مهیا گردید. سپس نامبرده دستور داد آن را شبانه حمل کنند که در آن هنگام باد مخالف جهت حرکت کاروان بود. هنگامی که اسکله‌ها را پشت سرگذاشتیم با عنایت پروردگار باد ملایم شد و در مدت یازده روز آن را به اسکندریه رساندیم.» (۱) ۲۳۵ این جامه در موسم آن سال (۱۲۱۶ ه. ق.) طبق عادت همه‌ساله، در ماه شوال به همراه کاروان محمل و خزانه، به‌سوی مکه به حرکت درآمد که در آن سال، امیرالحاج عثمان بک کتخدا بود. (۲) ۲۳۶ از آن پس تا سال ۱۲۲۱ ه. ق. مصر همچنان طبق سنت همه ساله، جامه کعبه را ارسال می‌کرد. در سال یادشده، طبق معمول، کاروان محمل به همراه جامه به حرکت درآمد و هنگامی که به مکه رسیدند، امیر سعودبزرگ- رهبر جنبش سلفی‌ها- بساط قدرت خویش را بر حجاز گسترده بود، نامبرده با امیر محمل مصری برخورد تندی کرد و او را نسبت به اشاعه بدعت‌هایی نظیر طبل زدن و همراهی گروه موزیک با کاروان حج، مورد سرزنش شدید قرار داد و تأکید کرد که از این پس از ورود چنین کاروانی در سال‌های بعد جلوگیری به‌عمل خواهد آورد. او چنین آورده است:

«در سال بعد دیگر این گونه به حج سفر نکن و در صورتی که بیایی همه را به آتش خواهم کشید.» (۳) ۲۳۷ این برخورد موجب شد که مصر از ارسال جامه بیرونی کعبه خودداری کند، پس

۱- جبرتی، مصدر سابق، ج ۵، ص ۳۱۳

۲- جبرتی، مصدر سابق، ج ۵، ص ۳۲۹

۳- جبرتی، عجائب‌الآثار فی التراجم و الاخبار، ج ۶، صص ۳۰۷، ۳۰۸ و ۳۶۳

ص: ۱۷۰

امیر سعود جامه‌ای از خز سرخ را بر کعبه آویخت که پس از آن جامه کعبه را با دیباج جایگزین نمود. امیر سعود در این پوشش، دیواره و پرده دَرِ کعبه را از ابریشم سرخ گلدوزی شده به‌وسیله طلا و نقره آذین نمود.

هنگامی که پس از آن مجدداً دولت عثمانی قدرت خویش را بر حجاز بازیافت مصر دوباره همانند پیش ارسال جامه برونی کعبه را آغاز نمود. (۱) ۲۳۸

۱- ازرقی، اخبار مکه، ج ۱، پاورقی، ص ۲۸۵

ص: ۱۷۱

جامه کعبه در عصر جدید

تسلط محمد علی بر اوقاف و ساختن جامه از خزانه مصر

وقتی محمـد علی در ربیع الأول سال ۱۲۲۰ ه. والی مصـر شـد، همچون گذشـته، از درآمد اوقافِ ویژه جامه، اقدام به ارسال کاروان محمل و جامه و خزانه کرد و همه ساله هدایای تخصیص یافته بر حرمین شریفین؛ مکه مکرمه و مدینه منوره را ارسال می‌نمود.

در روز دوشنبه ۱۴ ذی القعده سال ۱۲۲۰ ه. جشن حرکت کاروان محمل و جامه کعبه پایان‌گرفت وامیر الحاج در آن سال «مصطفی جاویش العنتبلی» بود که صـراف خزانه نیز او را همراهی می‌کرد. در روز جمعه ۱۸ ذی القعده کاروان حج مصری، به همراه جامه و محمل، راهی «سوئز» شد تا از آنجا، از راه دریا به سوی «جده» حرکت کنند.

در سـال ۱۲۲۱ ه. جشـن حرکـت جـامه و محمـل، در روز شـنبه هشـتم ذی القعـده برگزار شـد و نـاظر جـامه (۱) ۲۳۹ «محمـود آغا الجزیری» بود.

پیشاپیش کاروان، آغا و والی و حسابـدار و گروه راهنمایان و نیز جمع بسـیاری از سـربازان حرکت می‌کردنـد. به دنبال آن کاروان، کاروان دیگری به سرپرستی امیرالحاج مصری، «مصطفی جاویش العنتبلی» به سوی آن سرزمین مقدس به حرکت درآمد.

در آن سال، امیر سـعود- رهبر سـلفی‌ها- به همراه لشـکری عظیم حج گزارد و وی با امیر کاروان مصـری، مصطفی جاویش برخورد تندی کرد و نسبت به بدعت‌هایی نظیر

۱- به مدیر کارگاه جامه بافی، در آن هنگام ناظر جامه می‌گفته‌اند، «مترجم»

ص: ۱۷۲

طبل‌ها و نی‌لبک‌ها، که به همراه خود آورده بودند و آنها را می‌نواختند، اعتراض و سرزنش نمود.

«جبرتی» درباره سخنانی که میان آن دو ردّ و بدل شد، چنین می‌نویسد:

«... مسعود وهابی با لشکری فراوان به مکه رسید و حج را در میان مردم، بی‌آن که به کسی آسیبی برساند و در امنیت کامل و ارزانیِ ارزاق به جا آورد، سپس «مصطفی جاویش» امیر کاروان مصری را احضار کرد و بدو گفت: این چوب‌دستی‌ها و طبل‌هایی که به همراه کاروان شما است، چه معنایی دارد؟! منظور او از چوب‌دستی، محمل بود.

امیرالحاج در جواب گفت: آنها طبق عادت، اشاره و علامت برای اجتماع مردم است.

سعود گفت: پس از این سال چنین چیزهایی را به حج نیاور و اگر بیاوری همه را آتش خواهم زد ...» (۱) ۲۴۰ از آن سال بود که ارسال جامه از سوی مصر متوقف شد تا این که دولت عثمانی بار دیگر نفوذ خود را بر سرزمین‌های مقدس گسترانید و مصر مجدداً ارسال جامه را در موسم سال ۱۲۲۸ ه. از سر گرفت. (۲) ۲۴۱ گفتنی است، هنگامی که مصر تهیه و ارسال جامه را از سر گرفت، هزینه آن را از محل درآمد وقف زمان سلطان سلیمان قانونی صرف نکرد، بلکه از محل خزانه مصری پرداخت. این بدان جهت بود که در سال ۱۲۲۸ ه. محمد علی، والی مصر به تمامی اوقاف مصر دست گذاشت، به طوری که حتی اوقاف جامه شریف کعبه و اوقاف حرمین شریفین نیز مستثنی نشد. او تمامی اوقاف مصر را به خزانه مصر وارد کرد. از آن پس اداره ویژه‌ای به نام «اوقاف حرمین شریفین» به وجود آمد که تمامی موارد وقف این سرزمین، زیر نظر آن قرار گرفت و پس از آن بود که تمامی هزینه‌های جامه کعبه مشرفه و موارد تخصیص یافته به حرمین شریفین؛ شامل خزانه و حبوبات و خوار و بارهای گوناگون، همگی از محل خزانه مصری تأمین می گردید.

۱- جبرتی، عجائب الآثار ... ج ۶، صص ۲۳۱، ۲۵۸، ۲۵۹، ۳۰۷، ۳۰۸ و ۳۶۳

۲- همان، ج ۷، صص ۲۲۲ و ۲۲۵

ص: ۱۷۳

بی‌شک این گونه تصرفات از سوی محمد علی، تجاوز و تعدی به این وقف عظیم به شمار می‌آمد که در نتیجه، جامه کعبه و موارد ارسالی به حرمین شریفین، وابسته به شرایط سیاسی دولت گردید و هرگاه شرایط سیاسی میان حکومت مصر و دستگاه حاکمه حجاز دستخوش تغییرات می‌شد و به سردی می‌گرایید، تأثیر به سزایی در ارسال جامه از مصر و یا توقف آن می‌گذاشت، تا آنجا که در مواردی دستگاه حاکمه حجاز از پیاده شدن جامه کعبه در سرزمین‌های مقدس جلوگیری کرد. در این باره سخن خواهیم گفت.

در هر صورت، مصر جامه کعبه را به همراه محمل، در هر سال به سوی این دیار می‌فرستاد و این نشان می‌دهد که آنان نسبت به انجام وظیفه دینی خود در مورد بیت‌اللّه‌الحرام جدی بوده‌اند.

در روز هشتم رمضان سال ۱۳۳۲ ه. آتش جنگ جهانی اول شعله‌ور گردید و مصر به عادت همیشگیِ خود، در آن سال نیز جامه کعبه مشرفه را ارسال کرد.

هنگامی که دولت عثمانی به همیاری آلمان و متحدین بر ضدّ انگلیس و هم پیمانانش وارد جنگ شد، به تصوّر آن که انگلیس اعلام حمایت از مصر کرده است، مانع از ارسال جامه به کعبه شد و خود جامه کعبه را مهیّا ساخت و آن را به وسیله راه آهن حجاز به مدینه منوره فرستاد و این در حالی بود که حکومت مصر جامه کعبه را همانند گذشته در سال ۱۳۳۳ ه. بدون محمل به این دیار ارسال کرد، به این صورت که مأموران سلطنتی، محمل، جامه و خزانه را به مرز جده رساندند و در آنجا آنها را به نماینده امیر مکه تحویل دادند و خود به مصر بازگشتند.

به طراز (/ کمربند) جامه یاد شده نام «سلطان حسین کامل»، پادشاه مصر، اوّل صفر ۱۳۳۳ تا ۲۲ ذی الحجه ۱۳۳۵ ه.) در کنار نام سلطان عثمانی «محمد رشاد» نقش بسته بود. امیر مکه مکرمه «شریف حسین بن علی» با والی حجاز «غالب پاشا» اتفاق نمودند قطعه‌ای را که نام سلطان مصر بر آن بود، از روی جامه بردارند و قطعه قدیمی را که تنها نام (۱) ۲۴۲ «سلطان محمد رشاد» بر آن نوشته شده بود، جایگزین کنند، پس خاندان شیبی‌ها

۱- حسین عبداللّه باسلامه: تاریخ الکعبه المعظمه، ص ۲۸۸ و ۲۸۹

محمد طاهر الکردی: التاریخ القویم، ج ۴، ص ۲۰۶

ص: ۱۷۴

(پرده داران کعبه) این کار را به انجام رسانیدند.

اما جامه‌ای که از سوی دولت عثمانی ارسال گردید، همچنان تا سال ۱۳۴۱ ه. در مدینه منوره باقی ماند.

مصر در هر سال برای کعبه مشرفه جامه‌ای ارسال می‌کرد و در سال ۱۳۳۶ ه. بر روی جامه فرستاده شد، نام سلطان «فؤاد اول» که در ۲۲ ذی الحجه سال ۱۳۳۵ ه. بر حکومت مصر دست یافته بود، دیده می‌شد و این بعد از قیام «شریف حسین» بود که به عنوان انقلاب عربی بر ضدّ حکومت ترکیه، در رمضان سال ۱۳۳۴ ه. راه انداخت.

همچنین به فرمان سلطان فؤاد اول پرده نوینی را جایگزین پرده پیشین که نام خدیو «عباس حلمی دوم» بر آن بود، کردند.

از آن پس تا سال ۱۳۴۱ ه. جامه کعبه همچنان همه ساله به نام سلطان «فؤاد اول» ارسال می‌گردید که بر جامه یاد شده، جمله «صاحب الجلالة الملك فؤاد الأول» نقش بسته بود. (۱) ۲۴۳

ماجرای هیأت اعزامی پزشکی و بازگشت جامه در سال ۱۳۴۱ ه.

در سال ۱۳۴۱ ه. اختلافی میان حکومت مصر و شریف «حسین بن علی»، پادشاه حجاز پیش آمد. حادثه این گونه بود که به هنگام رسیدن محمل مصری، به وسیله کشتی اختصاصی به مرز جده، به همراه آن، جامه کعبه مشرفه و گندم و سربازان و پاسداران محمل و نیز هیأت پزشکی قرار داشتند. «شریف حسین» به آمدن هیأت پزشکی اعتراض کرد و مانع از ورود آنان به مکه مکرمه شد. به دنبال این اختلاف کاروان محمل به وسیله همان کشتی با تمامی تجهیزاتش؛ نظیر گندم و جامه کعبه و جز اینها، که شامل خزانه و مستمری‌ها و صدقات بود، از مرز جده برگردانده شد. این حادثه در پایان ماه ذی القعده آن سال اتفاق افتاد. «شریف حسین» هنگامی که وضع را چنین دید، تلگرافی به مدینه منوره زد و از امیر آن خواست به سرعت جامه‌ای را- که عثمانیان در سال ۱۳۳۳ ه. ساخته

۱- یوسف احمد: المحمل و الحج، ج ۱، ص ۲۶۲

ص: ۱۷۵

و در مدینه منوره به ودیعت نهاده بودند- به مرز «رابغ» ارسال نماید.

نامبرده آنگاه یکی از کشتی‌های خود در جده را راهی رابغ کرد تا جامه را به جده انتقال دهد و این کار به سرعت انجام شد و سپس از جده به مکه مکرمه انتقال یافت.

جامه، در همان روزی که کعبه به وسیله آن پوشانده می‌شد؛ یعنی در روز عید قربان، به مکه رسید و کعبه در سال ۱۳۴۱ ه. پوشانیده شد. (۱) ۲۴۴ در این میان برخی از محققان معاصر (۲) ۲۴۵ جریان اختلاف میان حکومت مصر و شریف حسین را که منجر به بازگردانده شدن جامه و سایر موارد اهدایی به مصر گردید، بررسی کرده و در پایان حکومت مصر را مورد سرزنش و توبیخ قرار داده‌اند. (۳) ۲۴۶ در سال ۱۳۴۲ ه. شریف حسین با توجه به اختلافی که میان او و حکومت مصر به وجود آمده بود و از بیم آن که مبادا در سال بعد جامه از مصر ارسال نگردد، دستور داد برای احتیاط جامه‌ای از نوع قیلان (۴) ۲۴۷ در عراق تهیه کنند که این جامه بافته شد و آماده گردید. لیکن در سال یاد شده اختلافات برطرف گردید و مصر مجدداً جامه کعبه را ارسال کرد که بر کعبه معظمه پوشانده شد. جامه ساخته شده به دستور شریف حسین، همچنان محفوظ ماند تا این که در سال ۱۳۴۳ ه. وقتی «ملک عبدالعزیز آل سعود» به مکه مکرمه سلطه یافت و میان او و شریف حسین جنگ درگرفت و سپس این درگیری میان او و شریف علی بن الحسین (ملک علی‌بن الحسین) تا جمادی الثانی سال ۱۳۴۴ ه.

ادامه یافت و ارسال محمل و جامه از مصر به دلیل جنگ‌های یاد شده متوقف گردید، «ملک عبدالعزیز آل سعود» در سال ۱۳۴۳ ه. کعبه را با همان جامه قیلانی پوشانید. (۵) ۲۴۸

۱- حسین عبداللّٰه باسلامه، تاریخ الکعبة المعظمه، صص ۲۸۹ و ۲۹۰

۲- حسین بن محمد نصیف: ماضی الحجاز و حاضره، چاپ اول جده ۱۳۴۹ ه. صص ۹۵ و ۹۶

۳- نویسنده کتاب در این جا به صورت مشروح مطلب را عنوان کرده و دو دولت را به محاکمه کشیده است که از مطرح کردن آنها در این بخش خودداری گردید، «مترجم».

۴- نوعی پارچه که در عراق تهیه می‌شده و ظاهراً از مقاومت ویژه‌ای نسبت به حرارت و سرما برخورداربوده است، «مترجم».

۵- حسین عبداللّٰه با سلامه، تاریخ الکعبه المعظمه، ص ۲۸۱

محمد طاهر الکردی، التاریخ القویم، ج ۴، ص ۲۰۷

ص: ۱۷۶

ماجرای محمل و توقف ارسال جامه از مصر به مدت ده سال

در سال ۱۳۴۴ ه. جنگ با عقب نشینی ملک علی‌بن الحسین از حجاز (جمادی‌الثانی ۱۳۴۴ ه.) به پایان رسید و قدرت در دست ملک عبدالعزیز آل سعود قرار گرفت. پس در آن سال، جامه کعبه مشرفه به همراه محمل ارسال گردید که جامه ارسالی بر کعبه قرار داده شد، لیکن در آن سال حادثه مشهور محمل در منا اتفاق افتاد. و آن بدین صورت بود که: میان پاسداران محمل مصری و برخی از اعراب، به علت همراهیِ گروه موزیک و طبل زنان و نی زنان و سنت‌های دیگری که هیچ گونه تضادی با دین نداشت لیکن سلفی‌ها آن را بدعت می‌دانستند، درگیری رخ داد و اعراب به محمل یورش بردند.

در این درگیری پاسداران محمل برای پراکنده کردن متجاوزان گلوله‌هایی شلیک کردند که در نتیجه هرج و مرج و سر و صدا میان حاجیان به وجود آمد. این امر موجب گردید که ملک عبدالعزیز آل سعود از ورود محمل و سربازان آن، به سرزمین حجاز جلوگیری به عمل آورد که در نتیجه مصر از ارسال جامه کعبه در سال ۱۳۴۵ ه.

خودداری کرد و این امر را منوط به تفاهم میان مصر و دولت عربستان دانست.

وقتی در سال یاد شده جامه شریفه از مصر ارسال نشد، ملک عبدالعزیز آل سعود فرمان داد که در ماه ذی الحجه، جامه کعبه را به سرعت مهیا سازند که این جامه ظرف چند روز از ماهوت سیاه ارزشمندی که دارای آستری گران‌بها بود فراهم گردید. این جامه در زمان مقرر خود؛ یعنی در دهم ذی الحجه سال ۱۳۴۵ ه. بر کعبه پوشانده شد. (۱) ۲۴۹

قرار داد تفاهم میان مصر و سعودی و ارسال مجدد جامه از مصر

به دنبال این ماجرا، تماس‌هایی میان دو دولت مصر و سعودی برقرار گردید و در نتیجه تفاهمی میان دو طرف به وجود آمد، سپس «فؤاد بیک حمزه» وزیر امور خارجه سعودی به عنوان نماینده از سوی ملک عبدالعزیز آل سعود برای مذاکره درباره موارد

۱- ارزقی، اخبار مکه، ج ۱، پاورقی ص ۲۵۹

یوسف احمد، المحمل و الحج، ج ۱، صص ۲۶۲ و ۲۶۳

ص: ۱۷۷

اختلاف، که در نتیجه آن، ارسال محمل و جامه و سایر هدایای اختصاص یافته به حرمین شریفین متوقف گردیده بود، به مصر سفر نمود.

در این مذاکرات فؤاد بک حمزه وزیر امور خارجه سعودی و آقای «فوزان السابق» کاردار امور سعودی در مصر از سویی و از سوی دیگر نخست وزیر «مصطفی النحاس پاشا» و «عبدالحمید بدوی پاشا» مستشار حکومتی مصر و «شیخ محمد النبا» رییس اداره امور دینی قاهره با هم به مذاکره پرداختند. این گروه پس از رسیدگی به مسائل مورد اختلاف، قراردادی را میان خود به امضا رساندند و سپس متعهد شدند که چهار بند توافق‌نامه، همزمان به وسیله مصطفی نحاس پاشا نخست وزیر مصر و فؤاد بک حمزه نماینده وزارت امور خارجه سعودی به نظر پادشاه مصر و نظر ملک عبدالعزیز آل سعود در سعودی برسد و سپس به عرض عموم رسانده شود. زمان اعلان این موافقت‌نامه پگاه روز جمعه ششم ماه رمضان سال ۱۳۵۵ ه. (۲۰ نوامبر ۱۹۳۶ م.) تعیین گردید.

توافق‌نامه یاد شده دارای چهار بند بود بدین ترتیب:

۱- جامه و محمل.

۲- صدقات برای نیازمندان حجاز و اوقاف حرمین شریفین.

۳- گذرنامه مصریان و سعودیان.

۴- حاجیان و عوارض آنان هنگام ورود به سرزمین حجاز.

این موافقت‌نامه به دو زبان عربی و فرانسوی در شمارگانی فراوان چاپ گردید و در اختیار روزنامه‌نگاران مصر و نیز روزنامه «امّ القری» در حجاز قرار داده شد. همچنین در تاریخ یاد شده به وسیله رادیوهای دو کشور نیز اعلام رسمی گردید.

مضمون پیمان یاد شده میان طرفین به صورت زیر خلاصه می‌گردد:

الف) در مورد جامه و محمل: مصر نسبت به ارسال جامه شریفه در موسم سال جاری (۱۳۵۵ ه.) اقدام کند و محمل نیز همانند سابق در زمان مقرر از قاهره به حرکت درآید و آنگاه که به جده رسیدند، محمل در جده بماند و جامه به مکه مکرمه ارسال گردد و با تشریفاتی که در شأن آن است، جامه بر روی کعبه معظمه قرار داده شود و باید این متن بر روی جامه گلدوزی شود:

ص: ۱۷۸

«اهدیت الَی الْکَعْبَهْ الْمُشَرّفَهْ فی عَهْد حَضْرهْ صاحب اْلجَلالهْ الْمَلِک عَبْدالْعزیز آل سعود ملک المملکهْ العربیهْ السعودیهْ» (۱) ۲۵۰

ب- درباره صدقات به نیازمندان حجاز و اوقاف حرمین شریفین: دولت مصر درباره از سرگیری صرف صدقات به نیازمندان حجاز و نیز ارسال مجدد غلات اوقاف حرمین شریفین به این دیار و استفاده آن در سرزمین مقدس، تدابیر لازم را اتخاذ کرد که این بند، از آغاز موسم حج سال آینده عملی گردد. گفتنی است که دولت مصر خود نماینده‌ای جهت نظارت بر امر تقسیم صدقات تعیین نماید و از مازاد غله اوقاف یاد شده- در حدود قوانین شرعی- بر ساختمان حرمین شریفین و آبریزگاه‌های متعلق به آن با توافق دو دولت مصر و سعودی نسبت به تصمیمات ویژه‌ای که اتخاذ می‌شود در آن کارها عمل نمایند.

ج) درباره گذرنامه مصریان و سعودیان: که این موضوع خارج از بحث ما است.

د) درباره عوارض و مالیات‌هایی که در هر سال بر حاجیان تعیین می‌گردد: حکومت عربستان در یادداشت خود به دولت مصر، تصریح کرد که از این پس پیش از موسم حج هر سال، مقررات و آیین نامه‌های ویژه‌ای را درباره عوارض و مالیات‌ها و تکالیفی که هر حاجی هنگام ورود به این سرزمین ملزم به انجام آن می‌باشد، تعیین خواهد نمود.

ه) اما بند ویژه این موافقت‌نامه نسبت به محمل و جامه به هنگام ورود آنها به جده:

که آن به صورت زیر خلاصه می‌شود:

هنگام ورود کشتی حامل جامه شریفه و محمل به بندر جده، از سوی دولت عربستان سعودی استقبال رسمی به عمل آید و مراسم سلام نظامی برای آنها اجرا گردد.

سپس محمل با نظر بزرگان هیأت اعزامی، تا پایان موسم حج در جایگاه ویژه‌ای در جده که مورد احترام باشد، قرار گیرد.

سپس کاروان جامه نیز، تا رسیدن به درِ حرم شریف مکی، مورد استقبال قرار گرفته آنگاه در آن مکان تسلیم دولت‌مردان رسمی عربستان می‌شود. سپس امیر الحاج نامه‌ای را که در آن صورت اوقاف حجاز و مبالغ انفاقی و نیز نام اشخاصی که از سوی دولت

۱- در دوران پادشاهی عبدالعزیز آل سعود، فرمانروای دولت عربستان سعودی به کعبه مشرفه اهدا گردید.

ص: ۱۷۹

مصر برای توزیع و تقسیم مبالغ یاد شده تعیین گردیده، به نماینده وزارت امور خارجه عربستان تسلیم می‌نماید.

همچنین امیر الحاج مصری- به هنگام اقامت خویش در حجاز- با پادشاه آن ملاقات کرده، نامه‌ای را که از سوی پادشاه مصر ارسال گردیده، تقدیم می‌دارد، همچنین جواب نامه یاد شده را نیز خود برای پادشاه مصر دریافت می‌کند. (۱) ۲۵۱

اختلاف سیاسی میان مصر و عربستان و توقف نهایی ارسال جامه از آن

پس از به وجود آمدن تفاهم میان دو دولت و برقراری پیمان یاد شده، مصر ارسال جامه شریفه و وابسته‌های حرمین شریفین را، دیگر بار از موسم حج سال ۱۳۵۵ هجری از سر گرفت و همچنان همه ساله آن‌ها را ارسال می‌کرد. هنگام برپایی انقلاب ۲۳ ژوئیه سال ۱۹۵۲ میلادی/ ۱۳۷۱ هجری در مصر، حکومت انقلاب همچنان نسبت به ارسال جامه شریفه مانند پیش توجه ویژه‌ای از خود نشان می‌داد و تا موسم حج سال ۱۳۸۱ ه.

همچنان در زمان معین نسبت به گسیل آنها اقدام لازم را به عمل می‌آورد، لیکن در سال یاد شده به علت بروز اختلاف سیاسی میان مصر و سردمداران دولت عربستان سعودی که در آن هنگام در دوران ریاست جمهوری «جمال عبدالناصر» در مصر و ملک «سعود بن عبدالعزیز» در عربستان بود. دولت مصر باز همچنان نسبت به ارسال جامه کعبه و وابسته‌های آن اقدام لازم به عمل آورد و در زمان معیّنی همانند پیش، آنها را ارسال نمود لیکن دولت عربستان از پیاده کردن جامه کعبه از کشتی در جده جلوگیری کرد و علت آن را این گونه بیان کرد:

«جامه‌ای که از مصر برای کعبه ارسال می‌گردد، به علت ساخته شدن از نخ‌های غیر مرغوب، به سرعت فرسوده و پاره می‌گردد!» (۲) ۲۵۲

۱- به متون پیمان نامه‌های رسمی میان مصر و عربستان منتشر شده در نوشته یوسف احمد، المحمل و الحج، ج ۱، صص ۲۰- ۱۴ مراجعه شود.

۲- محمد محمد المدنی، رأی الدین فی حادث الکسوه، بحثی علمی، دینی و تاریخی به مناسبت رد ملک سعود نسبت به جامه اهدایی از سوی جمهوری عربی متحد (مصر) به کعبه در موسم سال ۱۳۸۱ ه./ ۱۹۲۶ م. طرح کرده است.

ص: ۱۸۰

این عذر بی‌شک عذری واهی و دلیلی غیر قابل قبول بود؛ زیرا در طول تاریخ طولانی حتی پیش از آن که اسلام به کشور مصر وارد شود، خلفا پارچه قباطی مصر را برای جامه کعبه ترجیح می‌دادند. از آن پس هنگامی که خورشید اسلام در مصر طلوع کرد، این کشور همواره در طول قرون متوالی، ویژگی خاصی را نسبت به ساخت و تهیه جامه کعبه به دست آورد، تا آنجا که پادشاهان مصر برای پشتوانه این کار، سه روستا را وقف این کار کردند و عایدات آن را به مصرف تهیه کارگاه جامه به کار بردند. همچنین پس از آن که مصر زیر نفوذ قدرت عثمانی درآمد، سلطان سلیمان قانونی هفت دهکده دیگر در کنار سه دهکده یاد شده قرار داد و در نتیجه این موقوفه به ده روستا رسید.

جامه‌ای که در سال ۱۳۸۱ ه. به مصر باز گردانده شد، تا کنون همچنان در قفسه‌های چوبی در «کارگاه جامه کعبه» (۱) ۲۵۳ در خرنفش واقع در قاهره قرار دارد و بازدید کنندگان می‌توانند پس از گذشت ربع قرن از آن تاریخ، آن را همچنان محکم و استوار ملاحظه نمایند. (۲) ۲۵۴ اما حاجیان مصری و دیگر اعضای هیأت اعزامی همراه جامه نیز پس از این اقدام، از پیاده شدن به خاک عربستان خودداری کردند و ممانعت از پیاده شدن جامه را دلیل ممانعت از حج خویش (و مصدود شرعی) (۳) ۲۵۵ به شمار آوردند و با آن که دولت عربستان کوشش فراوانی برای انجام فریضه حج حاجیان مصری به عمل آورد، (۴) ۲۵۶ لیکن آنان کار را از پیش نبردند و همگی به همراه جامه کعبه بدون انجام مناسک حج در آن سال، به مصر بازگشتند.

در سال ۱۳۸۲ ه. دولت عربستان سعودی اقدام به بازگشایی کارگاه جامه در مکه مکرمه کرد و تا سال ۱۳۹۷ ه. جامه کعبه در این کارگاه مهیا می‌گردید. از آن پس کارگاه یاد شده به کارگاه نوینی در «امّ الجود» واقع در مکه مکرمه انتقال یافت و از آن هنگام تا کنون جامه شریفه در کارگاه یاد شده بافته و آماده می‌گردد.

۱- دار الکسوة الشریفه.

۲- مؤلف به دیدار این جامه در کارگاه خود در خرنفش، واقع در قاهره اقدام کرده است.

۳- هرگونه ممانعت از ورود به حرم به هنگام موسم را، شرعاً، مصدود می‌گویند.

که در این حال استطاعت حج از مستطیع سلب می‌گردد. (مترجم).

۴- محمد محمد المدنی، رأی الدین فی حادث الکسوة، صص ۲۵، ۲۷ و ۲۸

ص: ۱۸۱

مصر و ویژگی‌های تاریخی- هنری آن در جامه کعبه

اشاره

مصـر از دوران جـاهلیت و پیش از آنکه به اسـلام بگرود، همواره افتخـار بـافت جامه کعبه معظمه را به خود اختصاص داده بود. این ویژگی به علت شهرت این کشور در ساخت پارچه‌های مرغوب بود که در آن هنگام، بدان «قباطی» می گفتند.

پادشاهـان تُبَّع، کعبه را همواره به وسـیله جامه‌هایی از قطعات چرم و نیز گاهی به وسـیله قباطی پوشـش می‌دادنـد. هنگامی که اسـلام ظهور نمود و زمین به نور آن منوّر شد، پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله کعبه را به وسیله قباطی و بردهای یمانی پوشانید. پس از او ابوبکر و عمر بن خطاب نیز آن را به وسـیله قباطی پوشاندنـد. مصـر وقتی در دوران عمر فتـح شد، جامه کعبه به صورت رسـمی و به فرمان خلیفه از سوی نماینـده وی در مصـر ساخته می‌شـد و به کعبه ارسال می گردید و این وضع همچنان تا دوران عثمان برقرار بود که در این میان بردهای یمانی نیز بدانها افزوده شد. سـپس در دوران بنی‌امیه و بنی‌عباس، به فرمان آنان همه ساله جامه شـریفه را در مصـر می‌بافتند و به کعبه می‌فرسـتادند. البته برخی از سال ها از خارج از مصر نیز ارسال می گردید. هنگامی که تعداد جامه کعبه در یکسال به بیش از یک جامه می‌رسید، معمولًا یکی از آنها از قباطی بود.

وقتی حکومت عباسـیان به ضـعف گراییـد، جـامه کعبه گـاه از یمن و گاهی از مصـر و موارد انـدکی از جاهای دیگر؛ مثل سـرزمین ایران، هند و فارس ارسال می‌شد.

این وضعیت همچنان ادامه داشت تااینکه در دوران ممالیک، مصرویژگی خودرا

ص: ۱۸۲

در مورد ساخت جامه وارسال سالانه آن به‌کعبه معظمه به دست‌آورد. بدین صورت که ملك «صالح اسماعیل» فرزند ملك «ناصر محمدبن قلاوون» (نامبرده از سال ۷۴۳- ۷۴۶ ه. بر مصر حکومت می‌کرد) سه دهکده مصری به نامهای «بیسوس» (باسوس) و «سندبیس» و «ابوالغیط» را از پول بیت المال خریداری کرد و آنها را وقف تهیه و ساخت جامه کعبه معظمه در هر سال نمود. همچنین از درآمد روستاهای یاد شده ساخت جامه حجره نبوی شریف و منبر نبوی در هر پنج سال را مقرر گردانید. ارسال جامه کعبه بدین کیفیت تا آغاز دوران حکومت عثمانیان همچنان ادامه یافت.

در این دوران و به هنگام سلطنت سلطان سلیمان قانونی در سال ۹۷۴ ه. از سوی نامبرده هفت دهکده دیگر در مصر خریداری شد و به سه روستای پیشین اضافه گردید.

پس از آن، دهکده‌های وقف شده برای تهیه و ساخت جامه کعبه مشرّفه، به ده روستا رسید که از درآمد آنها جامه بیرونی کعبه در هر یك سال یکبار و نیز جامه درونی کعبه و جامه حجره نبوی شریف و منبر نبوی و دیگر جامه‌ها هر پانزده سال یکبار ساخته و مهیّا می‌شد.

و نیز همچنانکه پیش از این گفتیم، دولت عثمانی به هنگام سلطنت هر یك از پادشاهان آن، جامه درونی کعبه و جامه حجره نبوی شریف را خود ارسال می‌نمود که در این میان مصر همچنان ویژگی ارسال جامه بیرونی کعبه در هر سال را به خود اختصاص داده بود. ضمن آنکه خود ساخت و تهیه پارچه دو جامه درونی و بیرونی کعبه و نیز جامه حجره نبوی شریف را به عهده داشت. این وضعیت تا سال ۱۱۱۸ ه. همچنان دوام داشت. در این سال، سلطان احمد سوم فرمان داد جامه درونی که به هنگام سلطنت هر یک از پادشاهان عثمانی به کعبه ارسال می‌گردید، در استامبول بافته شود. این جامه همواره پس از آماده شدن به مصر فرستاده می‌شد تا به همراه جامه بیرونی کعبه، به مکه ارسال شود.

این برنامه همچنان ادامه یافت تا این که در سال ۱۳۸۱ ه.- همانگونه که پیشتر گفتیم- پس از حادثه بازگشت جامه از حجاز، ارسال آن برای مدتی متوقف گردید.

سپس بار دیگر در برخی از سالها به علت شرایط ویژه سیاسی؛ مانند حمله فرانسویان به

ص: ۱۸۳

مصر و نیز سال هایی که در آن اختلافات سیاسی میان مصر و قدرتمندان حاکم بر حجاز پیش آمد- همچنانکه پیشتر آوردیم- ارسال جامه کعبه از مصر به مکه متوقف شد.

ترقی و پیشرفت آذین و زردوزی بر گلدوزیهای جامه در مصر

از ویژگی‌های تاریخی مصر آن است که این کشور توفیق یافت جامه کعبه را خود مهیا سازد و سپس به کعبه معظمه ارسال نماید و این موجب شد که از دیدگاه هنری و فنی در جایگاه برجسته‌ای قرار گیرد؛ به طوری که روز به روز هنر خویش را در آذین و زردوزی بر گلدوزیهای جامه کعبه رشد داد تا آنجا که ضمن پیشرفت در بافت جامه و افزایش مرغوبیت آن، در آذین و زردوزی بر گلدوزیهای آن نیز دارای نوآوریهای ویژه‌ای شد و زیبایی‌های منحصر به فردی را در این زمینه به دست آورد.

ترقی و پیشرفت این هنر موجب شد که از این پس، جامه از نظر استحکام و زیبایی در جایگاه والایی قرار گیرد. این وضعیت در نتیجه قدرت و مهارت صنعتگران آن بوده که این هنر را همواره با ارث بردن از پدران خویش ادامه داده و نسلی پس از نسل دیگر در این زمینه فعالیت نمودند؛ زیرا این گروه در آغاز سنین جوانی، آن هنگام که سنّ هر یک از آنان از سیزده سالگی تجاوز نکرده بود، قدم در آموزش این هنر گذارده و در طول دوران زندگی خویش، که گاه به هشتاد و حتّی به نود سال می‌رسید، همچنان در این هنر فعالیت و کوشش می‌کرند که در این میان همواره با افزایش سن و تجربه آنان، هنر آذینی و خلّاقیت آنان نیز افزایش می‌یافت. دستان این صنعت‌گران همانند دستگاه میکانیکیِ منظّمی حرکت می‌کرد تا آنجا که چشم بینندگان را در هنگام کار به حیرت وا می‌داشت.

متأسفانه هم‌اکنون آن صنعت‌گرانِ ماهر و آن دستان هنرآفرین از میان رفته‌اند؛ زیرا گروهی از آنان ندای حق را لبیک گفته‌اند و گروهی دیگر به علّت کهولت سن از کار افتاده‌اند. هم‌اکنون از آن نسل، حاج محمد سلیمان خلف ۹۰ ساله و حاج یوسف اسماعیل اصیل ۷۵ ساله را می‌توان نام برد. (؟؟؟ به دو عکس شماره ۲ و ۳ نظر افکنید).

ص: ۱۸۴

ویژگی مصـر در ساخت و تهیه جامه کعبه معظمه، تأثیر بسـزایی در پیشرفت هنر زردوزی و آذین به وسیله تارهای نقره و طلا در آن گـذاشت؛ به طوری که این هنر تنها در آذین‌بندی جامه گلدوزی‌های آن منحصـر نگردیده بلکه کارگاه جامه‌بافی در مصـر اقدام به کارهای هنری و زردوزیهای گوناگون دیگری نمود.

در ایـن میـان می‌تـوان به زردوزی هـای لباسـهای تشـریفاتی در مناسـبات و جشن‌هـای رسـمی برای افرادی که رتبه پاشـایی و دیگر منـاصب ارتشـی و نیز مردان سیاسـی و رجـال دینی (۱) ۲۵۷ را دارا بودنــد، اشـاره کرد؛ همچنـانکه ایـن گروه بـه زردوزی بر روی پرچم‌هـا و نشان‌هـا و رتبه‌هـای لبـاس مردان ارتش و پلیس نیز اقـدام می‌کردنـد و در کنـار آن همچنین آثـار هنری و زیبایی بر روی چهارچوب‌هـا و ضـریح‌های اولیاءاللّه و صالحین به وجود آوردنـد و نیز شاهـد تابلوهای اسـلامی و تابلوهای هنری فراوان دیگری از آنان هستیم.

گفتنی است که در این زمینه، در برخی از کشورهای اسـلامی، به ویژه در هنـد و پاکسـتان نوآوری های خاصـی عرضه شـده، لیکن می‌تـوان اذعـان کرد کـه زردوزی و آذین مصـر از اصـالت و ویژگی خاصـی برخـوردار بـود؛ زیرا آذین جـامه کعبه معظمه به علت قرارگرفتن آن در طول سال در معرض تابش اشـعه سوزان خورشید و نیز هوا و باران‌های آن، نیاز به عنایت و کوشش ویژه‌ای داشته و همواره صـنعت‌گران و هنرآفرینـانِ جـامه، در این زمینه از هیـچ کوششـی دربـاره اسـتحکام و مقـاومت آن در برابر عوامـل طـبیعی یادشده به همراه دقت در زیبایی آن، دریغ نمی‌کردند.

بنـابراین، جـامه یادشـده جـدا از زیبـایی و جمال آن، علی‌رغم آنکه در برابر عوامل آب و هوایی گوناگونی که در طول سال بر آن تأثیر گزارده، همچنان پایدار و مستحکم باقی می‌ماند. این وضع را می‌توان در زردوزیها و آذین جامه اخیر، که در سال ۱۳۸۱ ه. از جده بازگردانیده شده و هم‌اکنون در کارگاه جامه‌بافی در «خَرَنْفُش» در معرض دید همگان قرار دارد، ملاحظه کرد.

۱- تمامی رتبه‌ها و درجه‌های یادشده پس از انقلاب ۲۳ ژوئیه سال ۱۹۵۲ م. برچیده شد.

ص: ۱۸۵

تصویر مجله الحج و العمرهٔ ۱۲۳ (۱۰ انگلیسی)؟؟؟

در اینجا آنچه که لازم به یادآوری است این است که در ضمن بررسی تاریخی از جامه کعبه مشرفه، برای ما روشن شد که در دوران های گذشته و قدیم، کعبه گاه دو یا سه بار در سال به وسیله جامه پوشانیده می‌شد، سپس بعد از قرن ششم هجری این کار تنها یک بار در سال، آن هم در پگاه روز نحر (/ عید قربان) صورت می‌پذیرفته است.

بنابراین، چنین به نظر می‌رسد پارچه‌هایی که از آن برای کعبه جامه تهیه می‌نموده‌اند ضخامت و در نتیجه استحکام کافی نداشته است؛ به طوری که جامه‌های یادشده کمتر از یکسال بر روی کعبه باقی مانده است. لیکن پس از پیشرفت صنعت پارچه‌بافی، جامه‌های کعبه از ضخامت و قدرت و استحکام ویژه‌ای برخوردار گردید تا آنجا که این جامه‌ها در طول سال همچنان بدون هیچگونه آسیبی بر روی کعبه باقی می‌ماند. این نکته به ویژه پس از بوجودآمدن موقوفه یادشده در مصر، تأثیر بسزایی در مرغوبیت و ضخامت پارچه جامه گذارد. محمد طاهر کردی می گوید:

ص: ۱۸۶

«هنگامی که مصر ویژگی تهیه جامه بر روی کعبه را به خود اختصاص داد و از آن پس، جامه را در هر سال به این دیار گسیل می‌نمود، جامه از زیبایی و قدرت کافی برخوردار گردید تا آنجا که ترقی و پیشرفت علوم و دانش فنی در مصر و نیز به وجود آمدن هنرآفرینی‌های نوین در خط عربی و هنر آذین و نقاشی در این کشور، همگی تأثیر فراوانی بر زیباسازی و آذین‌بندی جامه و پرده درِ کعبه گذاشته تا آنکه هم‌اکنون در بهترین آراستگی و زیبایی قرار گرفته است.» (۱) ۲۵۸ تصویر مجله الحج و العمرة ۱۲۷ (۶ انگلیسی)

در اینجا پس از آن که فشرده‌ای درباره ویژگی مصر از نظر تاریخی و هنری نسبت به جامه کعبه در طول تاریخ را برای شما آوردیم، سخنی از پیشرفت صنعت جامه کعبه در مصر را به همراه کارگاه های جامه‌بافی آن، که شامل کارگاه جامه‌بافی کعبه در «خرنفش» و چگونگی کار در آن و نیز از کیفیت مواد اولیه آن، برای شما سخن گفته، سپس با توضیح هزینه‌های بافت جامه کعبه، این بخش را به پایان می‌بریم، از آن پس بخش بعدی سخن را به بررسی درباره قطعه‌ها و اندازه‌های جامه‌ای که از مصر به کعبه مکرمه ارسال می گردید، اختصاص خواهیم داد.

۱- محمد طاهر کردی، تاریخ القدیم، ج ۴، ص ۲۳۶

ص: ۱۸۷

تصویر مجله الحج و العمرهٔ ۱۲۶ (۷ انگلیسی)

ص: ۱۸۸

تصویر مجله الحج و العمرهٔ ۱۲۴ (۹ انگلیسی)

ص: ۱۸۹

کارگاههای جامه‌بافی کعبه مکرمه در طول تاریخ

از دوران جاهلیت، همواره مصر به صنعت پارچه‌بافیِ نیکو، که در آن هنگام معروف به قباطی بود، شهرت داشته است؛ به طوری که در عصر جاهلیت و نیز در دوران اسلام، کعبه مشرفه همواره به وسیله قباطی پوشانیده می‌شده است. در آن هنگام بهترین پارچه قباطی همانا بافته‌های قباطی تنیسی بود که در شهر «تنیس» بافته می‌شد. بدین سبب بود که خلفای عباسی همواره فرمان می‌دادند جامه کعبه را از قباطی دست ساخته شهر تنیس آماده سازند. بنابراین، در نوشته‌های تاریخ‌نگاران همواره شهر تنیس را بعنوان جایگاهی برای ساختن جامه کعبه مکرمه می‌شناسیم. (۱) ۲۵۹ همچنانکه به همین منظور همواره خلفا، لباس های تشریفاتی و گرانقیمت خویش را از این نوع پارچه‌ها انتخاب می کردند.

شهر تنیس در آن هنگام در نزدیکی شهر دمیاط کنونی بوده است.

مقریزی در کتاب «خطط» خویش در این باره چنین می‌نویسد:

«... شهری از سرزمین مصر بوده که در میانه آب قرار داشته است ... مردمان آن را افرادی خوش‌برخورد و ثروتمند تشکیل می‌داد که بیشتر آنان شغل بافندگی را برای خود برگزیده بودند. در این شهر لباس های معروف به «شروب» را که در دنیا بی‌نظیر بوده نیز می‌بافته‌اند. همچنین لباس های خلفا که موسوم به «بُدْنه» بوده و بیشتر تار و پود آن از طلا بود، در این شهر بافته می‌شد؛ به طوری که لباس های یادشده هر کدام تا حدود یک هزار دینار ارزش داشت. و نیز در دنیای آن روز لباس کتانی عاری از تارهای زیور شده به طلا ـ تنها از نوع کتان های تنیس و دمیاط بود که دارای ارزشی به مقدار یکصد دینار بود ... همچنین این شهر ویژگی خاصی نسبت به تهیه لباس های توانگران و بازرگانان سرشناس داشت که در این میان نیز جامه کعبه در آن بافته می‌شد ...» (۲) ۲۶۰

۱- به بخش جامه در دوران عباسی مراجعه نمایید.

۲- مقریزی، الخطط، ج ۱، صص ۳۲۹ و ۳۳۱ و ۳۳۸. همچنین نک: علی پاشا مبارک؛ الخطط التوفیقیه، چاپ اوّل، بولاق ۱۳۰۴ ه. ج ۱، صص ۴۴ و ۴۶

ص: ۱۹۰

شهر تنیس همچنـان رو به پیشـرفت و ترقی بود تـا اینکه به فرمـان «ملک محمـدبن عادل ایوبی» در سال ۶۲۴ هجری ویران شـد. این دسـتور بـدانجهت بود که فرنگیان بارها بـدان هجوم آورده و آن را به ویرانی کشانـده بودند. در پس آن اموال فراوانی برای تجدید ساختمان شـهر یادشده بکار می‌رفت. (۱) ۲۶۱ از دیگر مکـان هایی که جامه کعبه مصـری، در آنجا بافته می‌شـد، می‌توان دو شـهر «شـطا» و «تونه» را نام برد. دو شـهر یادشده از سـرزمینهای تابع شهر تنیس به شمار می‌آمدند. در این دو منطقه، صنعت قباطی همانند تنیس بـافته می‌شـد. پیش از این به هنگـام سـخن از بـافت جامه در دوران عباسـی از آن یاد کردیم. (۲) ۲۶۲ صـنعت جامه کعبه در پاره‌ای از اوقات به حرم حسـینی (۳) ۲۶۳ انتقـال می‌یافت. این مطلب در اوایل دوران ممالیک صورت پـذیرفت. قلقشـندی (متوفای سال ۸۲۱ ه.) می‌گوید:

«اما ساختن جامه کعبه در دوران های نخستین، تنها ویژه خلفا بود ... سـپس ساختن آن در اختیار پادشاهان سرزمین مصر قرار گرفت که آنان همه ساله جامه را تهیه و آماده می‌ساختند، که تاکنون به همین منوال باقی مانده است.

لازم به تـذکر است که در این میان، گاه بر اثر اسـتبداد و قـدرت پادشاهان یمن، این امر در اختیار آنان قرار می‌گرفت. این جامه در قاهره و در حرم حسینی بافته می‌شد.

جامه یادشده از ابریشم سیاهی بود که با گلدوزیها و نوشته‌های سفید در متن آن آیه: انَّ أَوّلَ بَیْتٍ وُضِعَ لِلنَّاس لَلَّذی بَبَکَّةَ ... به چشم می‌خورد.

در پایانِ دولتِ ظاهریه برقوق، نوشـته‌ها به رنگ زرد آذین شـده به طلا تغییر یافت. این جامه، دارای ناظر مسـتقل و جـداگانه‌ای بود که دهکده بیسوس از توابع قاهره وقف آن شده بود و عایدات آن صرف تهیه جامه یادشده می‌گردید.» (۴) ۲۶۴

۱- مقریزی، الخطط، ج ۱، صص ۳۳۷، ۳۳۸ و ۳۳۹ و نیز نک: علی پاشا مبارک الخطط التوفیقیه، ج ۱، صص ۴۹- ۴۴

۲- مقریزی: الخطط، ج ۱، صص ۳۳۹، ۴۲۲

۳- منظور بارگاه رأس الحسین در قاهره می‌باشد، «مترجم».

۴- صبح الأعشی، ج ۴، ص ۵۷

ص: ۱۹۱

از گفته‌های قلقشندی می‌توان چنین نتیجه گرفت که جامه در ربع اوّل از قرن نهم هجری درحرم حسینی بافته می‌شد. همچنانکه واضح می گردد مصر پس از خلفای بنی‌عباس ویژگی بافتن جامه را به خود اختصاص داد و از آن پس پیشرفت‌های هنری فراوانی در این زمینه به دست آورد تا آنجا که گلدوزی های طلایین بر روی آن به وجود می‌آورد.

از جایگاه های دیگری که می‌توان به عنوان کارگاه جامه کعبه مکرمه نام برد، قصر ابلق در قلعه (۱) ۲۶۵ می‌باشد. البته نمی‌توان دقیقاً زمان انتقال صنعت جامه بدین قصر را مشخص کرد امّا از سخن مقریزی چنین فهمیده می‌شود که این قصر در سال ۷۱۳ ه. به وسیله ملک «ناصر محمدبن قلاوون» بنا گردیده و نامبرده از آن به عنوان مرکز حکومتی در بیشتر روزهای هفته استفاده می کرده است. بنا به گفته مقریزی این انتقال ظاهراً در دوران او صورت گرفته است (متوفای سال ۸۴۶ ه.)

همچنین از گفته‌های ابن ایاس (۲) ۲۶۶ به هنگام برگزاری مراسم جشن جامه کعبه در سال ۹۲۳ ه. که نخستین جامه ارسالی به مکه در دوران عثمانی بود و از بردن جامه به قلعه نزد نایب السلطنه «خایربک» چنین فهمیده می‌شود که صنعت جامه‌بافی برای کعبه، در آغاز

۱- قصر ابلق، کاخ ساخته ناصر محمدبن قلاوون در سال ۷۱۳ ه. بوده است. وی این کاخ را به وسیله‌سنگ‌های سیاه و زرد بنا کرد که به همین مناسبت ابلق خوانده شد. این کاخ همانند قصر ابلق دمشق ساخته «ظاهر بیبرس» بنا گردید. نامبرده نخستین فردی است که ساختمان رنگین از دو نوع سنگ، سفید و زرد و یا سیاه و زرد را به مصر آوردند و سپس ناصر از او تقلید کرد. مقریزی در خطط خود در این باره چنین می گوید: «این قصر مشرف بر اصطبل بوده که به وسیله ملک ناصر محمدبن قلاوون در شعبان سال هفتصدو سیزده آغاز گردید و در سال هفتصدو چهارده به پایان رسید ... عادت این چنین بود که سلطان تمامی روزهای هفته، به استثنای دوشنبه و پنجشنبه را در این کاخ جلوس می کرد و به خدمت مشغول می گردید و دو روز یاد شده را در «دارالعدل» به سر می‌برد. سلطان از کاخ های جانبی بدین کاخ وارد می‌شد و گاه در صدر ایوان این کاخ که مسلط بر اصطبل بود جلوس می کرد و گاه خود بر زمین نشسته و امرا و فرمانروایان همگی در حال ایستاده در اطراف او فرمان‌ها را دریافت می‌داشتند. این کاخ درآمدهایی داشت که بیشتر آنها از میان رفته و هم‌اکنون تنها آثاری از این کاخ باقی مانده است ...» نک: مقریزی، الخطط، ج ۳، صص ۴۱ و ۴۲

۲- ابن ایاس، بدائع الزهور، ج ۵، صص ۲۱۲ و ۲۱۳

ص: ۱۹۲

دوران عثمانی به قلعه منتقل نگردیده بود. نخستین بار جبرتی به هنگام سخن درباره جامه کعبه، در سال ۱۲۱۳ ه. که در خانه «مصطفی کتخدا» (که برخلاف معمول بوده؛ زیرا همیشه در قلعه بافته می‌شده است (۱) ۲۶۷) بافته شده، یاد کرده است چون در آن هنگام مصر از سوی نیروهای فرانسوی به اشغال درآمده بود و در نتیجه در آن سال نتوانست جامه کعبه معظمه را به مکه ارسال نماید؛ زیرا مصطفی‌بک کتخدا که امیرالحاج مصر در آن موسم بود، به تهمت قیام بر ضدّ فرانسویان، همچنانکه پیش از این یاد کردیم، دستگیر و زندانی شد. در این هنگام سیداسماعیل خشاب یکی از سرشناسان مصر، ناگزیر عهده‌دار جامه کعبه گردید و بدین منظور آن را به خانه «ایوب جاویش» در همسایگی مقام حضرت زینب علیها السلام منتقل کرد و آن را در این مکان به اتمام رسانیدند.

؟؟؟؟؟؟؟ صفحه ۲۰ مصنع الكعبة (تصویر)

در سال ۱۲۱۹ ه. کارگاه جامه‌بافی به «بیت‌الملا» در خیابان «المقاصیص» انتقال یافت که در این هنگام «سید احمد محروقی» عهده‌دار ساختن جامه کعبه آن سال گردید.

۱- جبرتی، عجائب الآثار، ج ۵، ص ۲۸

ص: ۱۹۳

جبرتی در این باره می گوید: «در این ماه (رجب سال ۱۲۱۹ ه. ساختن جامه کعبه به وسیله سید احمد محروقی آغاز گردید که بدین مناسبت نامبرده عهده‌دار آن شد و این کار را در «بیت الملا» در خیابان مقصیص آغاز کردند.» (۱) ۲۶۸ آن گاه که محمد علی پاشا حکومت مصر را در سال ۱۲۲۰ ه. به دست گرفت مجدداً کارگاه جامه‌بافی کعبه مکرّمه به «قلعه» بازگردانده شد. این وضع همچنان ادامه داشت تا اینکه این صنعت به کارگاه دیگری واقع در «خَرَنْفُش» قاهره بنام کارگاه خَرَنْفُش (۲) ۲۶۹ انتقال یافت. تا اینکه پس از مدتی به اداره جامه کعبه سپس به «دار الکسوة الشریفه» معروف گردید. جامه کعبه از آن پس، تا سال ۱۳۸۲ ه.

یعنی تا آن هنگام که مصر از ارسال آن خودداری کرد، در این کارگاه ساخته می‌شد.

کارگاه جامه کعبه در خَرَنْفش

این خانه در واقع از اداره بزرگی که معروف به «اداره خرنفش» بود، تشکیل می‌شد.

والی مصر محمدعلی در سال ۱۲۳۲ ه. خانه یادشده را در خیابان مسیحیان که معروف به «خمیس العدس» بود، بنا کرد. نامبرده این خانه را به اشاره برخی از مسیحیان فرنگی مقیم مصر در این دوره به وجود آورد تا اینکه خود به صورت محوری برای کارها و صنعت‌های گوناگون در آمد و خارجیان متخصص در فنون مختلف به هنگام ورود به این سرزمین رو به سوی آن آوردند؛ به عبارت دیگر، محمدعلی در نظر داشت این کارگاه را همانند دیگر کارگاه ها و کارخانه‌هایی که در این دیار برای خدمت به ارتش مصری بنا کرده بود، مهیا سازد.

جبرتی به هنگام سخن درباره حوادث ماه ذی‌الحجه سال ۱۲۳۳ ه. از این کارگاه و

۱- جبرتی، عجائب الآثار، ج ۶، ص ۱۸۷؛ بیت الملاهمان دارالملای معروف است که این خانه به وسیله‌امیر «بیبرس حاجب» یکی از امیران ملك ناصر محمدبن قلاوون، بنا نهاده شد. امیر یاد شده در سال ۷۴۲ ه. وفات یافت. علی مبارك پاشا این خانه را این گونه توصیف می کند: «... دارای ورودی وسیعی بوده که سقف آن بسیار بلند می‌باشد. این خانه همچنین دارای ورودی‌ها و اتاق‌های متعدد دیگری نیز می‌باشد ... هنگامیکه این خانه در وقف ملاـ در آمد به «دارالملاـ» معروف گردید و تاکنون نیز به همین اسم نامبردار است.» (الخطط التوفیقیه، ج ۲، صص ۲۱ و ۲۲)

۲- جبرتی، عجائب الآثار، ج ۷، صص ۲۸۹، ۴۱۳ و ۴۳۴

ص: ۱۹۴

تجهیزات گوناگونی که در آن وجود داشته می‌نویسد:

«... ساختمان گسترده‌ای است که بنای آن را از سال گذشته آغاز کرده‌اند، آنان مدتی را به ساختن دستگاه های میکانیکی و مادر در آن گذرانیده‌اند که پس از آن با دستگاه های یادشده وسایلی از قبیل سندان‌ها و دستگاه های برش آهن و دندانه‌های فلزی وارّه‌ها و چسب‌ها و جز اینها را در آن ساختند. در این ساختمان برای هر حرفه و صنعتی، جایگاه ویژه‌ای به وجود آورده‌اند که در بخش‌های یادشده هر کدام با توجه به فعالیت خود، صنعتی را ارائه می‌نمود. این بخش‌ها شامل نوارهای لغزنده و قرقره‌ها و دستگاه های میکانیکی خاصی بوده که در آن صنعت پنبه و انواع گوناگون ابریشم و پارچه و نیز پارچه‌های زربفت و نازک ساخته می‌شد».

(۱) ۲۷۰ طبیعی است که بافت جامه کعبه- به بخشی که در آن صنعت پنبه و ابریشم و پارچه‌های زربفت فعالیت داشت- انتقال یافت. هنگامیکه صنعت‌های گوناگونی که در آن بخش فعالیت داشتند، متوقف گردید، تمامی این بخش تنها به فعالیت در مورد جامه‌بافی کعبه مکرمه اختصاص یافت که این مدت به بیش از یکصدوسی سال ادامه یافت. علی مبارک پاشا- پس از آنکه گفته جبرتی درباره این اداره را نقل کرده- می گوید:

«این سازمان تاکنون همچنان فعالیت داشته (در زمان خود) و مسؤولیت آن را شخصی بنام «میری» به عهده دارد لیکن تمامی بخش‌های صنعتی گوناگون آن همانند صنعت‌های دیگر، از میان رفته و هم‌اکنون تنها کارگاه جامه کعبه مکرمه- که خداوند آن را معظم بدارد- در آن به فعالیت ادامه می‌دهد.» (۲) ۲۷۱ از این پس نام «مصلحة الکسوة الشریفه» (۳) ۲۷۲ بر آن نهاده شد که این اداره تابعی از وزارت دارایی (/ مالیه) مصر به شمار می‌آمد. این وضع تا سال ۱۳۳۷ ه./ ۱۹۱۹ م.

همچنان باقی بود که پس از آن به وزارت کشور (/ داخلیه) منضم گردید و تا سال

۱- جبرتی: عجائب الآثار ... ج ۷، ص ۴۳۴

۲- علی مبارک، الخطط التوفیقیه، ج ۳، ص ۲۷

۳- اداره جامه شریفه.

ص: ۱۹۵

۱۳۷۲ ه./ ۱۹۵۳ م. باقی بود که در این سال نام آن به «دارالکسوة الشریفه» تغییر یافت. از این پس کارگاه یاد شده بخشی از وزارت اوقاف مصر گردید و تاکنون نیز علی‌رغم متوقف ساختن جامه کعبه از سال ۱۳۸۲ ه. همچنان بخشی از توابع وزارت اوقاف مصر به شمار می‌آید. (۱) ۲۷۳ گفتنی است که در این کارگاه، کلیه بخش‌هایی که صنعت جامه کعبه بدان نیازمند بود- از قبیل ریسیدن و رنگرزی و پارچه‌بافی دستی سپس آرایش و زینت آن به وسیله تارهای زربفت به دست صنعتگران و هنرمندان مصریِ ویژه این کار- وجود داشت که این هنرمندان همواره به طور وراثتی هنر خویش را از خود به فرزندانشان انتقال می‌دادند. همچنین در این کارگاه، تارهای نقره‌ای مطلّا نیز تهیه می‌شد که بدین منظور در بخشی نقره را بصورت تارهای نازکی درآورده و سپس به وسیله آب طلا آنها را می‌پوشانیدند. که از این پس هنرمندان در بخش آرایش با این تارها، جامه کعبه مکرمه را با اینگونه تارها زینت و آرایش می‌دادند. این هنر در طی چندین مرحله به انجام می‌رسید که در پس آن خط نگاران و خوشنویسان زبردست به نوشتن آیاتی از قرآن کریم بر آن پرداخته و نیز شکل های هندسی زیبایی را با نگین‌دوزیها بر قطعه‌های جامه به وجود می‌آوردند. از آن پس نوشته‌ها و شکل ها را به وسیله موادی بر جامه، تثبیت کرده سپس خطوط و شکل های یادشده به وسیله نخ های ویژه‌ای که بر روی آنها دوخته می‌شد، به طرز زیبایی برجسته شده و در پایان، هنرمندان بوسیله تارهای نقره‌ای مطلّا روی تمامی آن خطوط و شکل ها را تزیین و آرایش می‌نمودند که در خاتمه کار این بخش دارای زیبایی و جلای خاصی می گردید و چشم هر بیننده را به خود جلب می کرد.

۱- طبق اسناد و دفاتر «دار الکسوة الشریفه» در قاهره که در آن به طور خلاصه از چگونگی کار و پیشرفت هنری و عملی ساختن جامه کعبه از روزی که در آن آغاز به کار گردید، سخن رفته است. مؤلف، خود از این کارگاه واقع در خرنفش قاهره چندین بار دیدن کرده و بر دفاتر و اسناد موجود در آن اطلاع یافته همچنانکه از این اسناد و برگه‌ها، عکس‌هایی بعنوان سند تهیه کرده است و نیز مؤلف قطعه‌های جامه کعبه را که در سال ۱۳۸۱ ه. به مصر باز گردانیده شده، مشاهده کرده و از برخی قطعه‌های آنان عکس نیز گرفته است. نامبرده از بخش بافت جامه‌های زربفت و ابریشمی در آن به هنگام کار دیدن کرده و عکس‌های متعددی از چگونگی کار در این بخش و نیز از ساختمان آن گرفته است.

ص: ۱۹۶

تصاویر

ص: ۱۹۷

تصاویر

ص: ۱۹۸

این کارگاه مـدّتها همچنان در بخش های گوناگون خود، نسبت به تهیه و بافت و آرایش جامه کعبه مکرمه، فعالیت داشت تا اینکه برای نخستین بار به علت بروز اختلافات سیاسـی میان مصر و دولت عربستان سعودی، در سال ۱۳۴۴ ه. ق. ادامه یافت و در این سال بود که پس از رفع مشـکلات میـان دو کشور، کارگاه یادشـده باردیگر کار خود را از سرگرفت لیکن این بار تنها به بخش زینت و آرایش جامه پرداخت؛ زیرا در این هنگام شرکت ریسندگی و بافندگی «المحلهٔ الکبری» و پس از آن شرکت «مصر حلوان» عملیات آماده سازی پشم و رنگرزی و ریسیدن پارچه‌های مرغوب جامه را به وسیله دستگاه های میکانیکیِ پیشرفته و نوین، آنهم با دقت و سرعت انجـام می‌دادنـد و پـارچه مورد نیاز جامه کعبه را مهیا می‌ساختنـد. آنچه که در این میان گفتنی است اینکه در فاصـله توقف ارسال جامه کعبه به مدت ده سال (۱۳۴۴– ۱۳۵۵ ه.) دولت مصر بخشی را جهت آموزش و تعلیم هنر آرایش و زربفت بوجود آورد که در نتیجه آن، هنرمندان زبردست و ماهر فراوانی تعلیم دیدند.

در سال ۱۳۴۷ ه./ ۱۹۲۸ م. کارگران شاغل در این کارگاه به ۵۹ نفر می‌رسید که اضافه بر آن سه ناظر و نیز شخصی بعنوان بسته‌بند و رییسـی بر تمـامی افراد یادشـده که بـدان «اسـتاد باشـی» می‌گفتنـد، وجود داشت. این شـخص در سال ۱۳۹۰ ه./ ۱۹۶۸ م. پس از گذرانـدن عمری بیش از نود سال درگذشت. نامبرده در سال ۱۳۸۸ ه. ۱۳۶۸ م. همانند یک جوان مشغول به کار بود و این وضعیت را تـا اواخر زنـدگی خود ادامه داد. این کارگـاه آنگـاه که فعالیت خود را تنها در بخش آرایش و زربفت جامه ادامه داد، کم‌کم از تعداد کارگرانش کاسـته شد؛ به طوری که در سال ۱۳۸۱ ه./ ۱۹۶۲ م. (۱) ۲۷۴ جامه‌بافی کعبه متوقف گردیـد. از این پس بود که تعداد هنرمندان یادشده به شـکل محسوسی رو به کاهش گذارد و این هنر زیبا (آرایش و زینت به وسیله تارهای نقره‌ای مطلّا) رو به سستی گذاشت تا آنجا که هم اکنون در این کارگاه تنها شـش نفر باقی مانده نسل هنرمندان زبردست گذشته مشغول به کار هستند و متأسفانه هم‌اکنون این هنر رو به انقراض و فراموشی گام برمی‌دارد.

۱- برگرفته از اسناد و دفاتر «دار الکسوه الشریفه» در قاهره.

ص: ۱۹۹

هم‌اکنون افراد یادشـده تنهـا به سـاختن و تهیه پرده‌هـای گونـاگونی ویژه مرقـد اولیا و بزرگان و نیز ساختن برخی تابلوهای اسـلامی فعالیت می‌نمایند.

نظام کار در کارگاه جامه‌بافی

کـارگران فنی شاغل در کارگاه جامه‌بافی، هیچگاه به‌صورت ثابت و دائمی در این کارگاه به کار خویش ادامه نمی‌دادنـد بلکه این گروه همواره تابع وزارتخانه‌ای بودند که کارگاه زیر نظر آن به انجام وظیفه مشغول بود. بنابراین، کارگران تابع قراردادی بودند که درآغـاز هرسـال از سـوی‌وزارت خـانه‌مورد نظر، باکارگـاه قراردادمی‌بسـت. دراین‌صـورت دوزنــده جـامه از سـوی وزارت، متعهّد می‌گردیـد که پارچه‌هـای جـامه کعبه را بـا توجه به انـدازه‌های تعیین شـده، جـدا کرده و سـپس به همراه قرار دادن آستر، همگی را بدوزد. در این تعهّد، دوختن و آماده کردن پرده درِ کعبه و پرده «باب التوبه» نیز همراه بود. همچنین در آن نوع پارچه و رنگ آن و نیز کیفیت دوخت و نوع آستر و رنگهای آن مشخص می‌گردید.

در این میـان دوزنـده جـامه، بکـاربردن تمـامی مواد اولیه و ضـروریِ تهیه جـامه کعبه را، بنـابر مصـلحت و اقتضـای جـامه، به عهـده می‌گرفت. همچنـانکه نـامبرده موظف بود کمربنـدهای هشـتگانه آذین شـده به تارهای نقره‌ای و طلایی را بر جامه بـدوزد. علاوه بر این، نامبرده متعهّد می‌شـد در زمانی که از پیش تعیین می‌گردیـد، مجموع کارهای جامه‌دوزی را به پایان رسانـد و جامه را پیش از موعـد مقرّر برای حرکت، تحویل دهـد و اگر وزارتخانه مشاهـده نمایـد که کار جامه‌دوزی در زمان تعیین شـده به پایان نمی‌رسـد، خود حق تعیین افرادی را برای تسـریع در اتمام کار، دارد. و سـرانجام هزینه این افراد از دسـتمزد تعیین شده در آغاز، از متعهّد کسـر می‌گردید.

در تعهّـد نامه یادشـده، میزان حقوق این کار نیز تعیین می‌شـد که نیمی از آن را به هنگام پایان نیمه کار و نیمه بعد را در پایان کلیه کارها پرداخت می‌نمود. (۱) ۲۷۵ امّا نسبت به

۱- اسناد و مدارک «دار الکسوه» در قاهره:

صورت تعهدنامه دوزنده جامه که شامل بریدن و دوختن و آسترکردن جامه کعبه در سال ۱۳۶۲ ه./ ۱۹۴۲ م. می‌شد؟؟؟؟

ص: ۲۰۰

کارهای آرایش و تزیین جامه بوسیله تارهای نقره‌ای مطلّا، همواره وزارتخانه پس از بررسی دستمزد هر مثقال از تارها (مثقال یک درهم و نیم و به عبارتی ۶۸/ ۴ گرم به شمار می‌آید) با کارگران فنی جامه ارتباط برقرار کرده و قرارداد سالیانه‌ای را منعقد می‌نمود. لازم به تذکر است که میانگین کار هر کارگر حدود دو مثقال در روز بود.

این قرارداد میان نماینده وزارتی که کارگاه جامه زیر نظر آن فعالیت نموده از سویی و کارگران بخش یادشده از سوی دیگر منعقد می‌گردید که در این میان کارگران وظایف محوله را به‌عهده می‌گرفتند. این عقدنامه معمولاً دارای سیزده بند بود که مضمون تمامی بندهای آن تعهداتی است که کارگران برای به انجام رسانیدن کار خویش به صورت مطلوب و نیکو، آورده شده است. همچنانکه در بندهای ویژه آن نسبت به زمان پایان بردن کار و یا تأخیر آن نسبت به زمان تعیین گردیده، خصوصیات و مواردی را متذکر گردیده است. (۱) ۲۷۶

جامه کعبه و مواد اولیه آن

مواد اوّلیه‌ای که همه ساله برای بافتن جامه کعبه خریداری می‌شد، از این قرار بود:

- ۷۸۵ متر پارچه ابریشم سیاه رنگ که سرتاسر زمینه آن، نوشته‌هایی به‌صورت بافته داشت.

- ۱۰۰ متر پارچه ابریشم طبیعی سیاه ساده که ویژه کمربندها و پرده‌ها می‌باشد.

- ۱۳۴۱۴ مثقال از تارهای نقره‌ای سفید و تارهای نقره‌ای مطلّا، (۷۷۱/ ۶۲ کیلوگرم) که در این میان (۱۰۴۴۲) مثقال از تارهای مطلّا، و (۲۹۷۲) مثقال نقره می‌باشد.

- ۴ کیلو ابریشم سیاه به‌صورت مفتول (برای دوختن جامه کعبه مکرّمه).

- ۴ کیلو چرم (ویژه دستگیره‌های جامه کعبه).

- ۳۰ متر پارچه ابریشم مصنوعی طلایی (ویژه آستر).

۱- نظر به اینکه اینجانب خصوصیت ویژه‌ای را در بندهای این قرارداد ملاحظه کردم، بنابراین از ترجمه آن خودداری نمودم، «مترجم».

ص: ۲۰۱

- تعداد شش عدد دکمه نقره‌ای مطلّا به مقدار یکصد گرم (ویژه پرده درِ کعبه).

- ۳ باکو دوبارهٔ.

- ۹۶۰ متر چلوار سفید (سی‌ودو قطعه سی متری) ویژه آستر جامه.

- ۹۰ متر پارچه کتان ویژه آستر کمربندها و پرده‌های گلدوزی شده.

- ۵ کلاف ریسمان پنبه‌ای صیادی (۳ کلاف ۵۰/ ۶ و ۲ کلاف ۵۰/ ۹) برای استوارکردن گلدوزی ها.

- ۳ کلاف نخ کتان خام شماره ۲۰ شکری ویژه درج نوشته‌ها و نقش و نگارها.

- ۵ صندوق چوبی ویژه حمل جامه.

- ۵ کیلو شمع اسکندری برای موم اندودکردن نخ و کتان.

- ۴ دوجین قرقره نخ کتانی برای استوارکردن بخش‌های درج شده.

- یک کیلو زنجبیل ویژه جوهر نوشته‌ها بر پارچه.

- یک کیلو صمغ عربی برای تثبیت جوهر.

- ۵ متر پارچه ابریشم طبیعی سبز ویژه پرده‌ها و کمربندها.

- ۲ عدد دیگ که درون آنها به اندازه ۵۸ کیلوگرم گلاب جهت شست و شوی کعبه مکرّمه قرار داده می‌شد.

لازم به یادآوری است که مصر در دوران اخیر و پیش از توقف ارسال جامه در سال ۱۳۸۱ ه./ ۱۹۶۲ م. همواره از مواد اولیه یاد شده برای ساختن و مهیانمودن جامه کعبه استفاده می‌نمود.

هزینه‌های جامه شریفه کعبه

در اینجا نمی‌توان برآورد معینی از هزینه‌های جامه کعبه نمود؛ زیرا جامه کعبه در طول تاریخ هیچگاه به یک صورت نبود و با گذشت زمان- همچنانکه تغییراتی در زندگی اجتماعی و اقتصادی مردم به وجود می‌آمد- جامه نیز این تحوّلات وجود داشت و نسبت به هر دوران، صنعت و آذین‌بندیِ آن رو به تغییر و ترقّی بوده است.

در این میان با پیشرفت صنعت بافت و بهینه شدن آن و نیز ابداع روش جدید

ص: ۲۰۲

زردوزی بر پارچه‌ها و سپس تغییر مواد اولیه این کار؛ یعنی جایگزینی تارهای نقره‌ای مطلّا به جای نخ‌های ابریشم در زردوزیها، همگی موجب آن می‌گردید که هزینه‌های تهیه و ساخت جامه روز به روز افزایش یابد. از سوی دیگر، کلیه منابعی که درباره جامه کعبه سخن به میان آورده، هیچگاه از هزینه‌های آنها یاد نکرده است و این بدان جهت است که معمولًا نیک‌مردان از پادشاهان و امرا و سلاطین، آن را در راه رضای پروردگار مهیّا ساخته و به سوی کعبه مکرّمه ارسال می‌داشتند. بنابراین، نیازی به ذکر هزینه‌های آن و یا تعیین مقدار آن نبوده‌اند.

کهن‌ترین سندی که هزینه‌های ساختن و پرداختن جامه کعبه را آورده و می‌تواند راهنمای ما باشد، همان وقف نامه‌ای است که از سوی سلطان سلیمان قانونی در سال ۹۴۷ ه. نسبت به وقف ده دهکده مصری بر جامه کعبه معظمه قرار داده شده است.

طبق وقف نامه یادشده، هزینه‌ای معادل ۲۷۶۲۱۶ درهم نقره «آنچنانکه در سال های گذشته طبق عادت استفاده شده» در هر سال بوده است. پس از آن هیچیک از صنایع تاریخی در این باره سخنی به میان نیاورده است، لیکن در دوران جدید، آنگاه که برای ساختن جامه، جایگاه ویژه‌ای در نظر گرفته شد، از سوی وزارت دارایی (/ مالیه) مبلغی بعنوان سقف هزینه، تعیین گردید. بنابراین، در سال ۱۳۱۸ ه./ ۱۹۰۱ م. هزینه جامه کعبه- طبق گزارشی که از سوی مدیر کارگاه جامه‌بافی «عبداللَّه بک فائق»- آمده است، مبلغ ۴۱۴۳ جنیه (۱) ۲۷۷ مصری بوده است.

صورت هزینه‌های یادشده بدین شرح می‌باشد:

مبلغ (به‌جنیه) مورد هزینه شده

۵۰۴ حقوق رییس کارگاه جامه‌بافی ۳۰۰ جنیه و حقوق منشی و انباردار ۲۰۴ جنیه.

۱۲۹ حقوق سایر کارمندان

۳۵۱۰ هزینه‌های نقره‌ای مطلا و نیز هزینه دستمزد کارگران به همراه هزینه مراسم جشن ...

۱- جنیه مصری معادل یک لیره استرلینگ انگلیسی در آن دوران به شمار می‌آمده است، «مترجم».

ص: ۲۰۳

بـدین ترتیب مجموع هزینه‌هـای یادشـده برابر با ۴۱۴۳ جنیه می‌باشـد. (۱) ۲۷۸ علاـوه بر این، خزانه کـاروان در آن سـال (۱۳۱۸ ه/ ۱۹۰۱ م.) جملگی بالغ بر ۲۶۲۱۴ ملیم ۱۸۸۹۳ جنیه گردیـده بود. این مبلغ به خزانه‌دار کاروان که همه ساله به همراه کاروان محمل و جامه حرکت می‌کرد، تحویل داده می‌شد.

نامبرده طی مراسـمی با تنظیم شـهادت نامه‌ای شرعی و رسمی و در حضور وزیر دارایی (/ مالیه) و امیرالحاج و خود او و گروهی از صرافان و نیز صـرافی به نماینـدگی از سوی وزارت مالیه و نماینـده‌ای از سوی قاضـی‌القضات مصـر تشـکیل می‌گردید، خزانه را در اختیار خویش قرار می‌داد.

خزانه کاروان در واقع شامل هزینه سه ماهه سـفر همراهان کاروان و حقوق امیر مکه و سایر اشـراف و دیگر عرب های ساکن مکه و دو تکیه مصـری در مکه و مـدینه و دیگر هزینه‌های ضـروری هماننـد اجرت شتران و علوفه آنها بود. (۲) ۲۷۹ اما هزینه‌های کارگاه جامه‌بافی در سال ۱۳۲۵ ه./ ۱۹۰۸ م. برابر بـا مبلغ ۴۰۸۴ جنیه بود (۳) ۲۸۰ این مبلغ بـا در نظرگرفتن هزینه سال ۱۳۱۸ ه. حدود ۵۹ جنیه کمتر شـده بود. که به نظر می‌رسـد در نتیجه تغییر قیمت های مواد اولیه کارگاه باشـد. این هزینه‌ها در سال ۱۳۲۸ ه.- در سالی که خدیو عباس حلمی پاشا سفر حج گزارد- افزایش یافته بود و به ۴۵۵۰ جنیه مصری رسید.

ریز صورت این هزینه‌ها در جدول صفحه مقابل آمده است:

مبلغ (به‌جنیه) مورد هزینه شده

۵۱۵ قیمت تارهای نقره‌ای و نیز تارهای نقره‌ای مطلّا.

۱۶۶۴ حقوق کارگران زربفت‌کار، که تعداد آنان ۴۷ نفر بود.

۱۱۱۱ قیمت ابریشم و حقوق کارگران آن، که تعداد آنان به ۷۰ نفر می‌رسید.

۲۰۰ قیمت مواد اولیه از قبیل چلوار و آستری آن.

۱- ابراهیم رفعت پاشا، مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۲۹۷

۲- ابراهیم رفعت پاشا، مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۶

۳- ابراهیم رفعت پاشا، مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۲۹۷

ص: ۲۰۴

مبلغ (به‌جنیه) مورد هزینه شده

۱۵۰ هزینه برپایی مراسم جشن که همه ساله به هنگام حرکت کاروان جامه برپا می گردید.

۶۰ مژدگانی که کارگران در روز پایان کار جامه دریافت می‌داشتند.

۸۵۰ حقوق خدمتگزاران و خدمه کارگاه جامه‌بافی مجموع هزینه‌های انجام شده در سال یادشده

خدیو عباس حلمی دوّم پس از مراجعت از سرزمین‌های مقدس، فرمان به عنایت و توجه بیشتر نسبت به جامه کعبه مکرمه صادر نمود که میزان هزینه یادشده در سال های پسین، افزایش یافت. (۱) ۲۸۱ در آغاز جنگ جهانی اوّل و پس از آن به علّت افزایش مواد اوّلیه و نیز بالاـ رفتن میزان دستمزد کارگران، این هزینه‌ها آنچنان بالا رفت که در سال ۱۳۴۰ ه./ ۱۹۹۲ م هزینه ساختن جامه کعبه بالغ بر ۱۰۳۲۲ جنیه مصری گردید. (۲) ۲۸۲ هنگامی‌که مصر در سال ۱۳۵۵ ه/ ۱۹۳۶ م. پس از توقف ده ساله، از ارسال جامه کعبه به علت حادثه محمل، تصمیم به تهیه و ارسال مجدّد آن گرفت، هزینه‌ها آنچنان افزایش یافته بود که ناچار سازمان حج و گمرک که بخشی از وزارت کشور (/ داخلیه) به شمار می‌آمد، بخش نامه‌های نوینی مبنی بر افزایش هزینه سفر جامه کعبه و کاروان محمل به سرزمینهای حجاز را در سال ۱۹۳۶– ۱۹۳۷ م/ ۱۳۵۵– ۱۳۵۶ هجری به مرحله اجرا درآورد که میزان هزینه تعیین شده، طبق آنچه که در دست ما است، مبلغی برابر با ۴۱۳۳۸ جنیه مصری بود. این مبلغ بعنوان هزینه سفر کاروان محمل و خزانه آن و نیز هزینه‌های اداری دیگر آن، به شمار می‌آمد. طبق اسناد یادشده اشاره‌ای به هزینه ساخت جامه کعبه در میان مبالغ پیشنهادی نوین، نشده است و این نشان دهنده آن است که گویا جانه کعبه در دوران توقف یادشده، در کارگاه جامه‌بافی آماده و مهیّا می‌شده است.

۱- بتنونی، الرحلهٔ الحجازیه، صص ۱۳۷ و ۱۳۸

۲- ابراهیم رفعت پاشا، مرآهٔ الحرمین، ج ۱، ص ۲۹۷

ص: ۲۰۵

جامه مصری در دوران جدید

اشاره

جامه کعبه مکرّمه، که در دوران جدید همه ساله از مصر ارسال می‌شد، دارای ویژگی‌های زیر بود:
۱- هشت قطعه پرده که بدان «احمال کعبه» می‌گفتند ۲- هشت کمربند ۳- چهار قطعه نوشته‌دار ۴- پرده درِ کعبه معروف به «برقع» ۵- جامه مقام حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام ۶- پرده درِ جایگاه مقام ابراهیم خلیل علیه السلام ۷- پرده باب التوبه ۸- پرده دروازه منبر مکّی ۹- کیسه جایگاه کلید کعبه مشرّفه.
افزون بر این ها، وسایل مورد نیازد دیگر جامه برای آوزیان کردن آن، مانند:
طناب ها و نیز لوازم شستشوی کعبه و مواد معطّر کننده همراه آن بوده است. (۱) ۲۸۳ اینک می‌پردازیم به شرح ویژگی‌های قسمت‌های مختلف جامه کعبه معظّمه که در دوران جدید همه ساله از سوی مصر ارسال می‌گردید. گفتنی است جامه کعبه همه ساله به علّت ابداع روش‌های نوین و پیشرفت فنّیِ آذین بندیِ آن، نسبت به سال پیش تغییراتی داشت.

جامه اصلی کعبه (احمال کعبه)

جامه اصلی، از هشت قطعه پارچه ابریشم سیاه نوشته دار (نوشته‌ها به صورت بافته)

۱- شهادت نامه‌های شرعی تسلیم جامه کعبه در سال های ۱۳۲۱ و ۱۳۲۲ ه. ق.

ص: ۲۰۶

تشکیل شده و در زمینه سرتاسر پارچه، عبارتِ «لا إله إلّااللّه، مُحمَّدٌ رَسُولُ اللّه» به شکل دال نوشته شده و برخی در میانه دالِ دیگر به صورت بافته نقش می‌بست. این قطعه‌ها یا پارچه‌ها به شصت و دو قطعه می‌رسید که طول هر یک از آن ها، بیست و شش ذراع (۱) ۲۸۴ با عرض نود سانتی‌متر بود و مساحت تمامی آنها به یک هزار و ششصد و دوازده ذراع می‌رسید و همگی به وسیله نخ های ابریشمی سیاه رنگ و مفتول (تارهای نازک و ضخیم) بافته می‌شد.

این قطعه‌ها توسط پارچه پنبه‌ای سفید آستر گردیده و در قسمت هایی که دو قطعه از عرض به هم اتصال می‌یافت با مفتول‌های پنبه‌ای پیوند می‌خورد. تمامی قسمت‌های اتصال یافته از قطعه‌های جامه، به وسیله پوست دباغی شده و غیر دباغی شده بُز مستحکم و استوار می‌شد.

بر روی هر یک از «احمال» کعبه، یکی از کمربندهای هشتگانه قرار می گرفت که بر دو «حمل» از «احمال» کعبه، چهار قطعه نوشته‌دار (کردشیات) (۲) ۲۸۵ نقش می‌بست.

«احمال» هشتگانه کعبه و کمربندهایی که بر آنها قرار می گرفت بدین صورت بود:

* دو «حمل» که هر یک از آنها مرکّب از ۹ قطعه پارچه بوده و مجموع پارچه‌های آن به ۱۸ عدد می‌رسید. طول آنها ۴۶۸ ذراع، که بر این دو «حمل» کمربندهای اوّل و سوم قرار می گرفت.

* دو «حمل» که هر یک از آنها مرکّب از هشت قطعه پارچه و مجموع آنها شانزده عدد بود. طول مجموع این قطعه‌ها به ۴۱۶ ذراع می‌رسد و بر این دو «حمل» کمربندهای دوم و چهارم قرار می گرفت.

* دو «حمل» که هر یک از آنها مرکّب از ۲/ ۱. ۷ قطعه پارچه بوده و مجموع پارچه‌های آن به پانزده قطعه می‌رسید. طول آنها ۳۹۰ ذراع است که بر روی این دو «حمل» کمربندهای پنجم و هفتم می‌آید.

* دو حمل که هر یک از آنها مرکّب از ۲/ ۱. ۶ قطعه پارچه بوده و مجموع پارچه‌های

۱- ذراع معادل ۵۷ سانتی‌متر می‌باشد.

۲- کردشیه؛ دایره‌ای شکل.

ص: ۲۰۷

آن به سیزده می‌رسید. طول آنها ۳۳۸ ذراع بوده که بر روی این دو «حمل» کمربندهای ششم و هشتم قرار می گرفت. (۱) ۲۸۶ امّا چگونگی آویختن این «احمال» بدینگونه بود که هر دو قطعه از پرده بر یکی از قسمت های دیوار کعبه قرار داده می‌شد و سپس به وسیله طناب هایی به حلقه‌های آهنی بسته و آنگاه بر بام کعبه انداخته می‌شد و بعد به وسیله دستگیره‌ها و بندهایی به یکدیگر متّصل می گشت. و در قسمت زیرین به وسیله حلقه‌هایی که بر روی شاذروان قرار داده شده بود ثابت و استوار می گردید.

هر گاه یکی از قسمت‌های یاد شده، بر کعبه نصب می‌شد؛ به وسیله دستگیره‌ها و بندهای یاد شده به قطعه نزدیک خود پیوند می‌خورد و بدین صورت در پایان همانند پیراهن سیاه رنگ مربعی بر کعبه پوشیده می‌شد.

پس از آن، در پیرامون کعبه معظّمه، بر روی این قطعه‌های به هم پیوسته، و در یک سوم قسمت فوقانی آن، کمربندهای کعبه، که مرکّب از هشت قطعه بود، نصب می گشت. (۲) ۲۸۷ افزون بر این قطعاتِ ابریشمی، قطعات دیگری نیز وجود داشت که عبارت بودند از دویست و یازده ذراع پارچه اطلس سیاه و ساده (بافت مصر) و پارچه ابریشم و اطلس قرمز و سبز (بافت خارجه) که بر روی قسمت‌هایی از آن تارهای نقره‌ای سفید رنگ و تارهایی از طلای زرد و نیز با عیار ۹۹٪ تنیده می‌شد.

کمربندهای جامه (طراز)

جامه کعبه، دارای هشت کمربند بوده که بر روی قطعه‌های هشتگانه- همچنانکه پیش از این یاد کردیم- قرار داده می‌شد. هر یک از این کمربندها از نظر اندازه طول، مقدار وزن، تارهای تنیده و آذین‌های میان آن بدین شرح می‌باشد:

۱- بنابر شهادت‌نامه‌های شرعی تسلیم جامه در سال های ۱۳۲۱، ۱۳۲۲ ه. و نیز نک: ابراهیم رفعت پاشا: مرآة الحرمین، ج ۱، صص ۲۹۲ و ۲۹۳

۲- یوسف احمد: المحمل والحجّ، ج ۱، صص ۲۶۴ و ۲۶۵

ص: ۲۰۸

کمربند نخست: طول ۸/ ۷. ۱۲ ذراع و وزن تارهای طلایی و نقره‌ای تنیده در میان آن ۱۲/ ۷. ۱۰۳۰ مثقال.

کمربند دوّم: طول ۸/ ۷. ۱۱ ذراع و وزن تارهای آذین شده بر آن ۴. ۱/ ۹۴۷ مثقال.

کمربند سوّم: طول ۸/ ۷. ۱۲ ذراع و وزن تارهای طلایی و نقره‌ای تنیده در میان آن، ۱۰۳۹ مثقال.

کمربند چهارم: طول ۸/ ۷. ۱۱ ذراع، و وزن تارهای آذین شده بر آن ۴/ ۱. ۹۸۳ مثقال.

کمربند پنجم: طول ۸/ ۷. ۱۰ ذراع و وزن تارهای طلا و نقره‌ای تنیده در میان آن ۲/ ۱. ۹۰۱ مثقال.

کمربند ششم: طول ۸/ ۷. ۹ ذراع، وزن تارهای آذین شده بر آن ۴/ ۱. ۸۶۲ مثقال.

کمربند هفتم: ۸/ ۷. ۱۰ ذراع، وزن تارهای آذین شده بر آن ۴/ ۱. ۸۶۷ مثقال.

کمربند هشتم: طول ۸/ ۷. ۹ ذراع و وزن تارهای طلا و نقره‌ای تنیده در میان آن ۴/ ۱. ۸۸۲ مثقال.

بنابراین، مجموع طول کمربندهای یاد شده برابر با ۹۱ ذراع و مجموع وزن تارهای طلایی و نقره‌ای تنیده در میان آن‌ها بالغ بر ۳/ ۱. ۷۵۱۳ مثقال بوده است.

در این میان آنچه لازم به یادآوری است این است که: تمامی کمربندهای یاد شده به عرض هفتاد سانتی‌متر بوده که حاشیه‌ای به عرض هفت سانتی‌متر قسمت زبرین و زیرین آن ها را در بر می گرفته است.

نوشته‌های روی کمربند

بر روی کمربندها آیات قرآن با خطّ زیبای ثلث عربی نوشته می‌شد که تمامی حروف آیات یاد شده به وسیله تارهای نقره‌ای مطلا بود.

این آیات نوشته‌های دیگر، به وسیله «عبداللَّه بک زهدی» در دوران خدیو اسماعیل به رشته تحریر در می‌آمد.

آیات قرانیِ یاد شده، به این صورت بر روی کمربندها نقش می‌بست:

ص: ۲۰۹

شکل شماره ۱۰؟؟؟ میقات ۳۵ ص ۱۳۷

در سمت شرقی، که در آن دَرِ کعبه قرار داشت، دو کمربند اوّل و دوّم استوار بود که بر روی کمربند اوّل این آیات به چشم می‌خورد: (۱) ۲۸۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم، وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَیْتَ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْناً وَاتَّخِذُوا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِیمَ مُصَلّیً وَعَهِدْنَا إِلَى إِبْرَاهِیمَ وَإِسْمَاعِیلَ أَنْ طَهِّرَا بَیْتِیَ لِلطَّائِفِینَ وَالْعَاكِفِینَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ

وبر روی کمربند دوّم:

وَإِذْ یَرْفَعُ إِبْرَاهِیمُ الْقَوَاعِدَ مِنْ الْبَیْتِ وَإِسْمَاعِیلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّکَ أَنْتَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ* رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَیْنِ لَکَ وَمِنْ ذُرِّیَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَکَ وَأَرِنَا مَنَاسِکَنَا وَتُبْ عَلَیْنَا إِنَّکَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِیمُ.

؟؟؟؟ تصویر ص ۲۲، شماره ۱ (مصنع کسوة)

۱- دکتر محمد الدقن - هادی انصاری، کعبه و جامه آن از آغاز تاکنون، ۱جلد، نشر مشعر - تهران، چاپ: ۱، ۱۳۸۴.

ص: ۲۱۰

؟؟؟؟؟ تصویر ص ۲۲، شماره ۲ (مصنع کسوة)

؟؟؟؟؟ تصویر ص ۲۲، شماره ۳ (مصنع کسوة)

؟؟؟؟؟ تصویر ص ۲۳، شماره ۱ (مصنع کسوة)

؟؟؟؟؟ تصویر ص ۲۳، شماره ۲ (مصنع کسوة)

؟؟؟؟؟ تصویر ص ۲۳، شماره ۳ (تصاویر پایین) (مصنع کسوة)

در میـان این دو کمربنـد، دایره‌ای قرار داشت که بـدان «رِنک» گفته می‌شـد. (۱) ۲۸۹ در زمینه دایره یـاد شـده، کلماتِ: «یا حَنّانُ یا مَنّان یا سُبْحان» به صورتی که الف‌های آن ها به مرکز

۱- این کلمه در اصل ریشه ترکی داشته که در مصر دوران ممالیک به کار می‌رفته است، «مترجم».

ص: ۲۱۱

دایره متوجّه می گردید، نقش بسته بود.

در این زمینه، حرف نـدا به صورت وارونه قرار داشت که این حرکت، اشـتباه معمولی است و همواره به وسـیله خـط نگاران صورت گرفته و به نظر می‌رسد که قرار دادن این حروف در این مکان لازمه آذین آن باشد.

شکل شماره ۱۱؟؟؟ میقات ۳۵ ص ۱۳۸

کمربندی از کمربندهای هشت گانه و رنکی که بین دو کمربند است و در چهار کعبه دیده می‌شود.

در سـمتی که حجرالأسود در امتداد آن است و سـمت جنوبی کعبه به شـمار می آید، کمربندهای سوم و چهارم قرار داشت. بر روی کمربند سوّم این آیات نقش بسته است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، قُلْ صَـدَقَ اللَّهُ فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفاً وَمَا كَانَ مِنْ الْمُشْـرِكِينَ* إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِى بِبَكَّةَ مُبَارَكاً وَهُدىً لِلْعَالَمِينَ* فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَقَامُ إِبْرَاهِيمَ ....

؟؟؟؟ تصویر ص ۳۲، شماره ۱ و ۲ (کنار هم) (مصنع کسوة)

و بر کمربنـد چهارم ... وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِناً وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنْ اسْـتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْ الْعَالَمِينَ* قُلْ يَـا أَهْـلَ الْكِتَـابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَـاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ شَـهِيدٌ عَلَى مَـا تَعْمَلُونَ ...، این دو کمربنـد در میـان خود «رنک» دیگری نیز داشت که نوشته‌های آن همانند «رنک» پیشین بود.

ص: ۲۱۲

؟؟؟؟؟ تصویر ص ۳۲، شماره ۳ و ص ۳۳ شماره ۱ (مصنع کسوهٔ)

بر روی سمت سوم کعبه مشرفه، که سمت غربی آن به شمار می‌آید، کمربندهای پنجم و ششم قرار می‌گرفت. بر روی کمربند پنجم این آیات دیده می‌شد:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ، وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِیمَ مَكَانَ الْبَیْتِ أَنْ لَاتُشْرِكْ بِی شَیْئاً وَطَهِّرْ بَیْتِی لِلطَّائِفِینَ وَالْقَائِمِینَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ* وَأَذِّنْ فِی النَّاسِ بِالْحَجِّ یَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَی كُلِّ ضَامِرٍ یَأْتِینَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِیقٍ.

و بر روی کمربند ششم: لِیَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَیَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِی أَیَّامٍ مَعْلُومَاتٍ عَلَی مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِیمَةِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْبَائِسَ الْفَقِیرَ* ثُمَّ لِیَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلْیُوفُوا نُذُورَهُمْ وَلْیَطَّوَّفُوا بِالْبَیْتِ الْعَتِیقِ.

که باز در میان این دو کمربند، «رنک» به صورت پیشین قرار داشت.

بر سمت چهارم، که سمت شمالی کعبه است و در آن ناودان قرار دارد، دو کمربند هفتم و هشتم قرار می‌گرفت.

گفتنی‌است نوشته‌های روی این دو کمربند، در دوران های مختلف تغییر کرده است؛ به طوری که به هنگام دوران فرمانروایی خانواده محمّد علی که- مصر تابعی از دولت عثمانی به شمار می‌آمد- بر روی این دو کمربند عبارت: «اهدایی به کعبه از سوی سلطان عثمانی» قید می‌شد. این عبارت به صورت طولانی، از نام آن سلطان آغاز و نسب و القاب او را آنچنان گسترده به رشته تحریر در می‌آوردند که سراسر مساحت دو کمربند را دربر می‌گرفت. (۱) ۲۹۰ امّا پس از شکست و از هم گسیختگی دولت عثمانی، در پایان جنگ جهانی اوّل،

۱- این نوشته‌ها به صورت کامل و واضح بر روی دو کمربند هفتم و هشتم که از سوی ابراهیم رفعت پاشا در کتاب خود مرآهٔ الحرمین، ج ۱، شکل شماره ۱۱۰، ص ۲۸۴ آورده، کاملًا روشن و آشکار است.

ص: ۲۱۳

مصر خود را از تبعیت دولت عثمانی رهانید و در آن هنگام بر کمربند هفتم این آیات نوشته می‌شد:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ، الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِیهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِی الْحَجِّ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَیْرٍ یَعْلَمْهُ اللَّهُ ....

امّا کمربند هشتم ویژه عبارت اهدا بود که بر آن، این جملات نوشته می‌شد: «أَمَر بصُنع هذهِ الْکسوة الشریفة لکعبة بیت اللّه الحرام (فلان) سنة کذا» (۱) ۲۹۱

عبارت اهدا، در دوران‌های گوناگون قابل تغییر بود.

شکل شماره ۱۲؟؟؟ ص ۱۴۰ شماره ۳۵

قطعه‌ای از کمربندی که اهدای ملک فاروق اول بر آن موجود است و در زمان ملک عبدالعزیز آل‌سعود ارسال گردیده است هنگامی که در رمضان سال ۱۳۵۵ ه/ ۱۹۳۶ م. میان مصر و دولت عربستان قرار داد تفاهمی صورت گرفت- پس از درگیری سیاسی که مدّت ده سال به درازا کشید و پیش از این، از آن یاد کردیم- متن نوشته بر روی کمربند هشتم بدین صورت تغییر یافت: «أمر بصنع هذه الکسوة الشریفه للکعبة بیت اللّه الحرام صاحب الجلالة ملک مصر فاروق الأوّل واهدیت لها فی عهد صاحب الجلالة عبدالعزیز آل‌سعود ملک المملکة العربیة

۱- فرمان داد ساختن این جامه شریفه را برای کعبه بیت اللّه الحرام، (نام شخص) در سال ...

ص: ۲۱۴

السعودیهٔ سنهٔ ۱۳۵۵ ه.» (۱) ۲۹۲

قطعه‌های نوشته‌دار جامه (کردشیات)

بر روی جامه‌ای که کمربند اوّل و دوّم قرار داشته و به عبارتی بر روی سمت شرقی کعبه که پیش روی کعبه است و درِ کعبه بر آن قرار دارد، چهار قطعه نوشته می‌شد که طول آنها شش ذراع، و مساحت هر یک از آن ها (کردشیه) ۹۰* ۷۵ سانتی‌متر بود.

(شکل شماره ۱۳)؟؟؟

ص ۱۴۱ میقات ۳۵

در زمینه هر یک از این قطعه‌ها: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ* اللَّهُ الصَّمَدُ* لَمْ یَلِدْ وَلَمْ یُولَدْ* وَلَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُواً أَحَدٌ به شکل دایره‌ای به قطر هفتاد سانتی‌متر نقش بسته بود. در قسمت زبرین و زیرین این قطعه‌ها حاشیه‌ای نقش دار قرار داده شده بود. این قطعه‌های چهارگانه به وسیله تارهای نقره‌ای سفید رنگ و تارهای نقره‌ای مطلا به مقدار ۵۰۴ مثقال تنیده شده بود. (۲) ۲۹۳

پرده درِ کعبه (برقع)

پرده درِ کعبه از چهار قطعه تشکیل شده بود. این بدان جهت بود که حجم زیادی داشت و امکانِ ساختن آن به صورت یک قطعه غیر ممکن می‌نمود. پرده از پارچه ابریشم و اطلس سیاه و ساده به مساحت چهل و شش ذراع و ربع و قسمتی دیگر از آن پارچه اطلس خارجی به رنگ قرمز و سبز بود که همگی به یکدیگر پیوسته و بر روی آن

۱- اسناد و مدارک موجود در کارگاه جامه بافی کعبه مکرّمه در قاهره:

و نیز نک: یوسف احمد، المحمل والحجّ، ج ۱، صص ۲۶۵، ۲۶۶ و ۲۶۷

۲- ابراهیم رفعت، مرآهٔ الحرمین، ج ۱، ص ۲۹۳

ص: ۲۱۵

تارهـای نقره‌ای و طلاـیِی ونیزی خـالص، نقش و نگارهای زیبا داشت. این پرده دو آستر؛ نخست آستری پنبه‌ای به رنگ سـفید و بر روی آن پرده‌ای از ابریشم اطلس خارجی به رنگ قرمز و سبز داشت.

همچنین در پیرامون پرده درِ کعبه و نیز میانه آن، نوار پهن پنبه‌ای به صورت مفتول قرار داده شده بود.

قطعه‌های چهارگانه، که پرده درِ کعبه را به وجود می‌آورنـد، شامل قطعه فوقانی بود که بـدان «العتبه» می‌گفتند و قطعه زیرین آن را «طراز» و قطعـه‌ای که در ادامه آن بـود، «القـائم الصـغیر» و قطعه پـایین آنهـا، که در آن شـکافی قرار داده شـده بـود، «القـائم الکـبیر» می‌نامیدند.

افزون بر آن، قطعه‌ای به نام «الوصله» نیز داشت که قطعه‌های شماره سه و چهار را به هم وصل می‌کرد.

امّا قطعه نخستین، که «العتبه» نامیده می‌شد، دارای مساحتی به اندازه ۴/ ۳. ۱۲ ذراع بود.

مقـدار وزن تارهای نقره‌ای سـفید رنگ و نیز تارهای نقره‌ای مطلای تنیـده شده بر آن به ۳/ ۱. ۱۴۰۴ مثقال می‌رسـید. قطعه دوم که «طراز» نامیده می‌شد، دارای ۴/ ۳. ۱۱ ذراع مساحت بود و ۳/ ۱. ۱۰۵۷ مثقال تارها آذین داشت.

قطعه سوّم؛ یعنی «القائم الصغیر» ۹ ذراع مساحت داشت و تارهای آذین شده بر آن به ۹۰۱ مثقال می‌رسید.

قطعه چهـارم، «القائم الکبیر»، دارای مساحتی به انـدازه ۴/ ۳. ۱۱ ذارع بود و وزن آذین‌های تنیـده شـده بر آن، به ۳/ ۲. ۱۴۵۵ مثقال می‌رسید.

«الوصله» قطعه‌ای بود که دو قطعه «قائم» را به هم وصل می‌کرد و دارای تارهای نقره‌ای آذین شده، به مقدار ۴۳ مثقال بود.

بدین ترتیب مجموع وزن نخهای طلا و نقره تنیده شده بر پرده درِ کعبه مکرمه (برقع) به ۳/ ۱. ۴۸۶۱ مثقال می‌رسید.

افزون بر این، بر روی پرده درِ کعبه (برقع) این وسایل نیز قرار داده می‌شد:

* شش عدد صفحه‌های نقره‌ای با عیار ۹۰ مطلا به طلای زرد ونیزی که هر یک از

ص: ۲۱۶

صفحه‌های یاد شده بر روی دو چتر (آفتابگیر) قرار داده شده بود.

* دوازده عدد چتر بافته شده از ابریشم سرخ، که آذین روی آنها به وسیله تارهای نقره‌ای و طلایی بود. این چترها به وسیله پوست بُز دباغی شده، آستر گردیده بود و بر روی هر یک از چترهای یاد شده، منگوله‌ای از نخ‌های پنبه‌ای هندی قرار داشت.

* دوازده عدد منگوله نخی ساخته شده از پنبه هندی سرخ و تارهای نقره‌ای زرد و سفید و نیز تارهای مطلا، که هر یک از آنها بر روی یک چتر قرار داده شده بود.

- پنج منگوله نخی ساخته شده از ابریشم سیاه و تارهای نقره‌ای و طلایین و نیز تارهای نقره‌ای به رنگ زرد و سفید که هر یک از آنها دارای قیطانی از ابریشم سیاه بود. (۱) ۲۹۴

نوشته‌های موجود بر پرده درِ کعبه (برقع)

برقع یا پرده درِ کعبه مشرّفه، به صورت مستطیل بود که اطراف چهارگانه آن، حاشیه‌ای آذین شده به تارهای نقره‌ای و طلایین داشت.

بر روی پرده (پس از حاشیه پیرامون آن)، حاشیه دیگری بود که به وسیله مستطیل‌های بیضی شکل و دایره‌هایی تقسیم می گردید. در ضلع فوقانی آن، سه دایره؛ در دو طرف و میانه قرار داشت که در فاصله آنها دو مستطیل بیضی شکل دیده می‌شد. در زمینه دو دایره دو طرف، عبارت: «اللَّهُ رَبّی» و در دایره میانی عبارت: «اللَّهُ حَسْبی» نوشته شده بود. در زمینه مستطیل ها؛ در یکی این آیه قرآن نوشته شده است: قَدْ نَرَی تَقَلُّبَ وَجْهِکَ فِی السَّمَاءِ ... و در دیگری فَلَنُوَلِّیَنَّکَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا ....

بر اضلاع سه گانه دیگر، در زمینه مستطیل‌های بیضوی، سوره فاتحه و بر دایره‌های میان آن ها عبارت: «اللَّهُ رَبّی» نقش بسته است.

در قسمت فوقانی پرده و سطر اوّل آن، شکل مستطیلِ بیضی قرار دارد که در زمینه آن، این آیه نقش بسته است: قال تعالی إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ،

۱- شهادت نامه‌های تسلیم جامه کعبه در سال های ۱۳۲۱، ۱۳۲۲ هجری. و نیز نک: ابراهیم رفعت پاشا، مرآة الحرمین، ج ۱، صص ۲۹۳ و ۲۹۴

ص: ۲۱۷

وَقُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِی مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِی مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِی مِنْ لَدُنْکَ سُلْطَاناً نَصِیراً.

سپس در سطری که در ادامه آن بود، در میان چهار دایره که هر دایره همانند «گلابی» ترسیم گردیده بود، در یک ردیف سوره صمدیه نقش گردیده بود. از آن پس، در سطری که در ادامه آن بود، در میانه چهار مستطیل بیضی شکل، که هر دو دایره در کنار یکدیگر قرار داشته و در میان آنها دایره‌ای گنجانیده شده بود، در زمینه مستطیل‌های چهارگانه آیهًالکرسی و در پایان آنها عبارت «صدق اللّه العظیم وصدق رسوله البشیر النذیر، و صلی اللّه علی محمّد وعلی آله وأصحابه أجمعین» دیده می‌شد.

در زمینه دایره عبارتِ: «اللّهُ حَسبی» نقش گردیده است. در میان آن ها مستطیل بیضی شکلی به عرض پرده و در میان آیهًْ الکرسی، این نوشته بر آن دیده می‌شود: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ، لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْیَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلُنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِینَ .... در زیر آن دو «کردشیه» بزرگ بود که در زمینه هر یک از آنها، سوره صمدیه، به شکل دایره، در پیرامون لفظ جلاله «اللّهُ جَلَّ جَلاله» نقش بسته بود. در میان دو کردشیه یاد شده، چهار مستطیل؛ یکی بر دیگری دیده می‌شود که دو مستطیل اوّل و چهارم به وسیله تارهای نقره‌ای و مطلا آذین شده بود. امّا بر دوّمی و سوّمی این عبارت نوشته شده بود: «بتوفیق اللّه تعالی تمّ صنع هذه البردهًْ بالجمهوریهًْ العربیهًْ المتحّدهًْ فی عهد الرئیس جمال عبدالناصر سنهًْ ۱۳۸۱ ه.» سپس در ادامه آن دو مستطیل بیضی شکل دیده می‌شد که در زمینه آن ها: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ، لِإِیلَافِ قُرَیْشٍ* إِیلَافِهِمْ رِحْلَهًَْ الشِّتَاءِ وَالصَّیْفِ* فَلْیَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَیْتِ* الَّذِی أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ نوشته شده بود.

سپس در ادامه آن، چهار مستطیل بیضی شکل دیگری قرار داشت که دو به دو بر روی هم قرار داده شده بود. بر فوقانی آن عبارت: «لا ـ إله إلا اللّه المَلِکُ الحقُّ المبین» و در پایین: «مُحمّدٌ رَسُولُ اللّه الصّادِقُ الْوَعْدُ الأَمِین» دیده می‌شد. در فاصله این مستطیل‌های چهارگانه و در میانه پرده، رأس مثلثی که در پایین، قاعده آن کامل نگردیده و بدان شکاف پرده درِ کعبه در پایین بازمی گردد، قرار داشت. به دو ضلع این مثلث نوشته: بِسْمِ

ص: ۲۱۸

اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ* اللَّهُ الصَّمَدُ* لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ* وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ، صَدَقَ اللَّهُ الْعَظِيم» نقش بسته بود.

در پایین پرده و تا انتهای آن، دو مستطیل بر دو طرف شکاف دیده می‌شد که این دو، به وسیله تارهای نقره‌ای مطلا و نیز نقش و نگارهای زیبای زربفتی آذین گردیده بود. (۱) ۲۹۵ شکل شماره ۱۴؟؟؟

ص ۱۴۴ میقات ۳۵

پرده درِ کعبه معظّمه موجود در دار الکسوه قاهره به سال ۱۳۸۱ ه

۱- نوشته‌ها و آذین‌های یاد شده؛ به وسیله مؤلّف بر روی پرده درِ کعبه مظعّمه که در میان قطعه‌های جامه مصری موجود در کارگاه جامه‌بافی در خرنفش که هم اکنون وجود دارد، مشاهده گردید. این جامه همان جامه‌ای است که در سال ۱۳۸۱ ه. به مصر بازگردانیده شد.

ص: ۲۱۹

جامه مقام ابراهیم خلیل علیه السلام

این جامه، از پنج قطعه که شامل: چهار سمت و سقفِ مقام بوده، تشکیل می گردیده است. مساحت کلّی آن به همراه پارچه ابریشم و اطلس سیاه ساده، سی ذراع بوده که همگی مانند پرده درِ کعبه، از همان مواد اوّلیه بافته شده بود، با این تفاوت که این جامه به وسیله ابریشم مصنوعی سبز همانند پرده درِ کعبه آستر نشده بود، بلکه به وسیله چلواری پنبه‌ای سرتاسر آن آستر گردیده بود.

قسمت‌های گوناگون این جامه و آنچه که بر آن آذین می گردید:

* سمت اوّل: طول ۸/ ۱. ۷ ذراع و مقدار وزن تارهای آذین شده ۶۱۴ مثقال.

* سمت دوّم: طول ۸/ ۱. ۷ ذراع و مقدار وزن تارهای تنیده شده و آذین گردیده ۶۱۰ مثقال.

* سمت سوّم: طول ۸/ ۱. ۷ ذراع و مقدار وزن تارهای آذین شده ۶۱۳ مثقال.

* سمت چهارم: ۸/ ۱. ۷ ذراع و وزن تارهای تنیده شده و آذین گردیده ۶۱۲ مثقال.

* سقف، طول ۲/ ۱. ۱ ذراع و وزن نقره سفید به کار رفته در آن ۱۳۹ مثقال.

بنابراین، مجموع وزن تارهای طلایی ونقره‌ای آن ۲۵۸۸ مثقال بوده است.

افزون بر آن، به جامه یاد شده، پنج دگمه نقره‌ای، ده چتر، ده منگوله کوچک نخی و چهار منگوله بزرگ نخی- چنانکه پیشتر آوردیم، قرار داده می‌شد. همچنین «سُجُق» (۱) ۲۹۶ و گلوله‌های پنبه‌ای هندی به رنگ سرخ در پایین جامه مقام آذین می‌شد. (۲) ۲۹۷ بر جامه یاد شده نوشته‌های زیر به وسیله تارهای نقره‌ای مطلا تنیده نوشته شده بود.

پرده درگاه مقام ابراهیم خلیل علیه السلام:

این پرده از دو قطعه تشکیل می‌شد. طول هر قطعه ده ذراع بوده و این دو قطعه به وسیله قطعه دیگری به عنوان زیر پرده به هم می‌پیوست.

۱- سُجُق، شبکه‌ای از بافته که پیرامون آن گلوله‌های نخی قرار داشت.

۲- شهادت‌نامه‌های شرعی تسلیم جامه کعبه در سالهای ۱۳۲۱ و ۱۳۲۲ ه. و نیز نک: ابراهیم رفعت، مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۲۹۵

ص: ۲۲۰

نوشته‌های موجود در ص ۱۴۶ میقات ۳۵؟؟؟؟ (جدول)

ص: ۲۲۱

پرده درگاه مقام از مواد اولیه‌ای بافته می‌شد که پرده درِ کعبه را می‌بافتند. وزن تارهای طلایی و نقره‌ای تنیده شده بر روی قطعه نخست، ۳/ ۲. ۹۱۵ مثقال و قطعه دوّم ۳/ ۱. ۹۰۶ مثقال و پارچه رابط میان آن دو ۴۸۹ مثال بوده که مجموع وزن تارهای آذین شده بر پرده به ۱۸۷۰ مثقال می‌رسید. علاوه بر آن، پرده درگاه مقام دارای پنج دگمه نقره‌ای، ده چتر و ده منگوله نخی کوچک بود. (۱) ۲۹۸

پرده باب التوبه:

این پرده ویژه درِ پله درونی کعبه معظمه بوده که به‌وسیله آن به بام آن راه می‌یافتند.

و این پرده نیز هماننـد دیگر پرده‌ها، از ابریشم سیاه ساده بافته می‌شـد. مساحت آن یازده و نیم ذراع و وزن تارهای طلایی و نقره‌ای تنیده شده در آن به ۳/ ۲. ۱۰۲۴ مثقال می‌رسید. (۲) ۲۹۹

نوشته‌های روی پرده باب التوبه:

این پرده به شـکل مسـتطیل بوده که اطراف چهارگـانه آن به‌وسـیله حاشـیه‌ای از تارهای نقره‌ای، زینت می‌گردیـد. در قسـمت داخل حاشـیه یاد شده و در نیمه فوقانی پرده، پنج مسـتطیل بیضی شکل دیده می‌شود که یکی بر دیگری قرار گرفته و بر نخستین مستطیل، این نوشته به چشم می‌خورد: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم، وَاذْ جاءَكَ الَّذِینَ».

و بر دومی یُؤْمِنُونَ بِآیَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَیْکُمْ کَتَبَ رَبُّکُمْ ....

و بر سومی عَلَی نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْکُمْ سُوءاً بِجَهَالَةٍ ....

و بر چهارمی ... ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِیمٌ.

و بر پنجمی نام فرمان دهنده به ساختن این پرده و تاریخ ساخت آن قید گردیده است.

ص ۱۴۷ میقات ۳۵

پرده باب التوبه در درون کعبه

در نیمه پـایینی پرده، نقش و نگارهای آذین شـده به تارهای طلایی و نقره‌ای قرار داشـته که در میانه آن، سه مسـتطیل بیضـی شـکل دیده می‌شود. بر نخستین آن، این نوشته دیده می‌شود:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم».

و بر دومی وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَیْتَ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْناً.

و بر سوّمی وَاتَّخِذُوا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِیمَ مُصَلّیً (۳) ۳۰۰.

تمامی این نوشته‌ها به وسیله تارهای نقره‌ای بسیار زیبایی آذین می‌گردیده است.

پرده دروازه منبر مسجد الحرام

این پرده نیز هم جنس دیگر قطعات پرده کعبه، از ابریشم سـیاه ساده بافته می‌شده است. مساحت آن شش ذراع و ربع و وزن تارهای طلایی و نقره‌ای به کار رفته در آن (۳۹۷) مثقال بوده است. (۴) ۳۰۱

نوشته‌های روی پرده دروازه منبر مکی

این پرده مستطیل شکل بود که پیرامون آن را حاشیه‌ای مزین به تارهای نقره‌ای مطلّا در بر گرفته بود. در درون این حاشیه و در قسمت نیمه بالایی آن، چهار مستطیل بیضی شکل دیده می‌شد که یکی بر دیگری قرار داشت. در زمینه مستطیل نخستین،

۱- شهادت‌نامه‌های شرعی تسلیم جامه کعبه در سال های ۱۳۲۱ و ۱۳۲۲ ه. نک: ابراهیم رفعت، مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۲۹۵

۲- دو مصدر سابق.

۳- ابراهیم رفعت پاشا، مرآة الحرمین، ج ۱ شکل شماره ۱۰۴ ص ۲۶۴

۴- شهادت نامه‌های شرعی، تسلیم جامه کعبه در سالهای ۱۳۲۱ و ۱۳۲۲ ه و نیز نظر افکنید به ابراهیم رفعت پاشا، مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۲۹۶.

ص: ۲۲۲

ص: ۲۲۳

این‌نوشته به‌چشم می‌خورد:

پرده باب المنبر در حرم مکّی

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم، انَّ اللَّهَ ...».

و بر دومی ... وَمَلَائِکَتَهُ یُصَلُّونَ عَلَی النَّبِیِّ یَا أَیُّهَا ....

و بر سومی ... الَّذِینَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَیْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِیماً.

و بر چهارمی نام فرمان دهنده ساخت این پرده و تاریخ ساخت آن قید می گردید.

در نیمه پایینی این پرده، به وسیله تارهای نقره‌ای مطلّا، محرابی که درون آن قندیلی معلّق داشت، آذین شده بود. تمامی نوشته‌ها و نقش و نگارها، به وسیله تارهای نقره‌ای سفید و نیز تارهای نقره‌ای مطلّا تزیین گردیده بود.

کیسه جایگاه کلید کعبه معظمه

این کیسه از پارچه اطلس سبز به مساحت یک ذراع و یک هشتم ذراع ساخته می‌شد. بر روی آن به وسیله تارهای طلایی و نقره‌ای به وزن ۴۵ مثقال تنیده شده بود که در میانه بالایی آن، دو سوراخ با لب دوزی های نقره‌ای سفید به وزن دو مثقال تعبیه شده بود. این کیسه به وسیله ابریشم سبز ساده آستر شده بود که بر آن دو ریسمان تنیده شده به نام قیطان، به همراه منگوله‌هایی از تارهای به هم گره خورده نقره‌ایِ زرد قرار داشت.

طول این کلید ۴۵ سانتیمتر و عرض آن ۲۴ سانتیمتر بود. (۱) ۳۰۲ در یک سمت کیسه، این گفته باری تعالی به‌وسیله تارهای نقره‌ای و طلایین آذین

۱- شهادت نامه‌های شرعی تسلیم جامه کعبه در سال های ۱۳۲۱ و ۱۳۲۲ هجری و نیز نک: به ابراهیم رفعت، مرآة الحرمین، ج ۱ ص ۲۹۴

ص: ۲۲۴

کیسه کلید کعبه معظّمه

می گردید: إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَى أَهْلِهَا ... که بر بالا- و زیر آن نام فرمان دهنده به ساخت کیسه و تاریخ و مکان ساخت آن قید می‌شده است.

در سمت دیگر آن، این آیه نقش بسته بود: إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ که بر بالا- و زیر آن نیز مجدداً نام فرمان دهنده به ساخت کیسه و تاریخ و مکان ساخت آن قید می‌شد.

هم اکنون بر کیسه‌ای که به همراه جامه کعبه در «دارالکسوه» در قاهره باقی مانده است، در بالای کیسه و بر روی آیه قرآنی جمله «بالجمهوریة العربیة المتحدة فی عهد» و زیر آیه «الرئیس جمال عبد الناصر سنة ۱۳۸۱ ه.» نوشته شده است.

دیگر ابزار آلات جامه کعبه

اضافه بر قطعه‌های جامه، که پیشتر آوردیم، ابزار آلات دیگری نیز بوده که از جامه نبوده لیکن برای نصب و استوار کردن آن ضرورت داشته است.

این ابزارها عبارتند از:

- سه حلقه تناب ضخیم (۱) ۳۰۳ به وزن یکصد و هشتاد رطل.

- چهل و یک حلقه تناب نازک (۲) ۳۰۴ به وزن هشتاد و دو رطل.

- سی و شش ذراع پارچه‌های نازک سبز تیره، که برای به هم پیوستن قطعات پرده به کار می‌رفت.

۱- . این تناب‌ها پس از آنکه در قسمت فوقانی جامه کعبه دوخته می‌شد بر بام کعبه آویزان می گشت.

۲- جامه کعبه به‌وسیله این گونه طناب‌ها به حلقه‌های مسین استوار شده در پیرامون کعبه و شاذروان، متصل می گردید.

ص: ۲۲۵

- دو دیـگ مسـی که در آن گلاب خالص به وزن ۵۸ کیلو گرم قرار داده می‌شـد. و نیز قطعه‌هـایی پارچه که برای شسـتشوی کعبه مشرفه پیش از قرار دادن جامه نوین، به کار می‌رفت. (۱) ۳۰۵ شکل شماره ۱۸؟؟؟

یکی از ظرف‌های گلاب که به همراه پرده هر سال به کعبه ارسال می‌شد و اینک در دار الکسوه قاهره موجود است

۱- شـهادت نامه‌هـای شـرعی، تسـلیم جامه کعبه در سال های ۱۳۲۱ و ۱۳۲۲ ه. و ۱۳۸۰ ه. و نیز نـک: بـه ابراهیم رفعت پاشـا: مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۲۹۶ و بتنونی، الرحلة الحجازیه، صص ۱۳۶ و ۱۳۷

ص: ۲۲۶

مراسم جشن ارسال جامه از مصر به کعبه معظمه

اشاره

پس از آماده‌سازی جامه کعبه در مصر پیش از ارسال آن به‌سوی سرزمین‌های مقدس، دو جشن برپا می‌شد که در آنها بر اساس عادت، پادشاه مصر و یا شخصی به جانشینی از سوی وی شرکت می‌کرد. بدین منظور در پایان شوال هر سال، ابتدا مراسم جشنی به‌عنوان نمایش اجزای مختلف جامه شریف برگزار می‌شد، سپس در نیمه‌های ذی‌قعده، مراسم جشن دیگری برای حرکت کاروان محمل و جامه از قاهره به‌سوی سرزمین حجاز به‌پا می‌گشت. در این مراسم جامه کعبه، از سوی سرپرست بافندگان (که به او مدیر کارگاه جامه و یا ناظر جامه می‌گفتند) پس از تنظیم، شهادت‌نامه شرعی به مسؤول کاروانِ حمل جامه داده می‌شد. در این شهادت‌نامه، قطعات پرده و اوصاف آن در حضور قاضی‌القضات مصر و یا جانشین او و نیز امیرالحاج به ثبت می‌رسید. آنگاه تمام قطعات را در صندوق‌های چوبی که از پیش آماده می‌کردند، قرار می‌دادند و به همراه کاروان محمل به‌سوی مکه مکرمه به‌حرکت در می‌آوردند.

اکنون پیش از سخن درباره جشن حرکت کاروان محمل و جامه شریفِ همراه آن، نظری گذرا به کاروان محمل و چگونگی آن می‌افکنیم:

محمل

به شتری که حامل هدایای عینی و نقدی برای کعبه معظمه بود «محمل» می‌گفتند.

ص: ۲۲۷

درآن دوران، جامه را با قطعه‌ای از پارچه ساده به‌نام «جوخ» می‌پوشاندند.

گفتنی است حرکت محمل به مکه مکرمه در هر سال، تنها از مصر انجام نمی‌گرفت، بلکه پادشاهان مسلمان و فرمانروایان آن، بدان تبرک جسته و هدایا و خزانه‌های خویش را همه‌ساله بدین وسیله به‌سوی حرمین شریفین گسیل می‌داشتند.

تصویر ص ۷۵ میقات ۳۶

(شکل شماره ۱۹)

در تاریـخ، از محمـل «عراقی» و «یمنی» و محمـل «النظـام» پادشـاه حیـدرآباد هنـد در دوران‌هـای اسـلامیِ گذشـته و نیز از محمل «ابن‌الرشـید» و محمل «ابن سـعود» و محمل «ابن‌دینار» یاد شـده است. آنان ابتـدا به‌سوی مصـر می‌آمدند و در حالی‌که پرِ پرندگان و صمغ و جز این‌ها را، که از خیرات کشورشان به‌شـمار می‌آمد، همراه خود می‌بردند و در آن‌جا به فروش می‌رساندند، سـپس نقدینه این فروش را به همراه سایر حاجیان از مصر به‌صورت کاروانی به‌سوی حرمین شریفین به‌حرکت درمی‌آوردند.

تاریخ نگاران هریک زمانی را به‌عنوان ظهور محمل یاد کرده‌اند. برخی از آنان گفته‌اند که تاریخ پیدایش آن، سال ۶۴۵ ه. ق. بوده است.

محمل همان کجاوه‌ای است که «شـجرهٔالدُّرّ»، ملکه مصـر به‌هنگام حج خود در آن سال، از آن استفاده کرد و پس از آن، سنتی شد که همواره پیشاپیش کاروان حاجیان به‌راه می‌افتاد و به‌علت آن‌که جایگاهی برای نشسـتن ملوک و پادشاهان بود، هیچ‌گاه کسـی بر آن سوار نمی‌شد.

در مقابل، برخی دیگر معتقدند که محمل، تاریخی کهن‌تر از آن دارد و احتمالًا تاریخ آن به پیش از اسـلام نیز می‌رسد؛ زیرا محمل به شتری که حامل هدایایی برای کعبه

ص: ۲۲۸

معظمه بود، اطلاق می گردید. (۱) ۳۰۶ به سختی می‌توان زمان معینی را به عنوان تاریخ ظهور محمل یاد کرد؛ زیرا حرکت کاروان محمل، آن‌هم بدین صورت ساده که تنها حامل هدایای ویژه‌ای برای بیت‌العتیق باشد، امری عادی بوده که ممکن است به پیش از اسلام برگردد؛ زیرا باتوجه به تقدّس کعبه مشرّفه در میان عرب و ارسال هدایا به وسیله آنان، امری طبیعی در میان عربِ دوران جاهلیت بود، امّا حرکت محمل در هیأتِ کاروانی رسمی، آن‌هم با چنین جلال و جبروتی که پیرامون آن را خَدم و حَشم فراوانی دربرگیرد و آذین‌هایی را بر آن قرار دهند و طبل‌زن‌ها و نی‌لبک‌زن‌ها همراه آن به حرکت درآیند، نمی‌تواند ارتباطی با ظهور اسلام و آغاز آن داشته باشد، بلکه قرن‌ها پس از ظهور اسلام، به‌هنگام دولت ایوبیان بوده و شاید حرکت کاروان «شجرةالدرّ»- که کجاوه را آراسته به زیباترین و مجلّل‌ترین تزیین‌ها کرده بودند و خَدم و حَشم فراوانی پیرامون آن را دربرگرفته بود- موجب شده باشد که برخی تاریخ‌نگاران تصور کنند ظهور محمل به دوران حج‌گزاری او در سال ۶۴۵ بازمی‌گردد. و از آن پس حرکت محمل بدین‌صورت، در نزد پادشاهان مصر سنت شد تا آن‌جا که تزیین و آراستن آن از سالی به سال دیگر فزونی یافت و سنگینی پرده محمل به حدّی رسید که شتر حامل محمل از حمل کالای دیگری ناتوان می‌شد؛ زیرا پرده محمل به همراه چهارچوب کجاوه آن، به‌حدود چهارده قنطار (۲) ۳۰۷ می‌رسید.

بدین‌جهت، از آن پس هدایای ارسالی دیگر، در صندوق‌های ویژه‌ای قرار می‌گرفت و به‌وسیله دیگرشتران کاروان حمل می‌گردید. محمل مصری دارای دو پرده بود؛ پرده روزانه که از پارچه‌ای سبز بود و دیگر پره زردوزی شده که تنها به هنگام مراسم رسمی بر روی محمل قرار داده می‌شد.

روز خروج محمل از مصر، جشن باشکوهی به‌پا می‌شد و قاهره در آن روز تماشایی بود؛ زیرا سربازان سواره و پیاده و پاسداران و خدمتگزاران محمل به همراه امیرالحاج که غالباً از میان پاشاهان ارتشی برگزیده می‌شد، در پیشاپیش کاروان

۱- بتنونی، الرحلة الحجازیه، ص ۱۴۰

۲- هر قنطار برابر ۹۳/ ۴۴ کیلوگرم است، «مترجم».

ص: ۲۲۹

حرکت می کردند.

در این مراسم حاکم مصر- یا جانشین وی- و نیز رجال حکومتی؛ مانند وزرا و علما و بزرگانی از شخصیت‌های کشوری در قاهره شرکت می کردند. روزهایی که محمل در مکه بود، آن را میان «باب‌النبی» و «باب‌السلام» قرار می‌دادند و پرده سبز روزانه را به آن می گستردند.

این محمل به استثنای حرکت کاروان به‌صورت رسمی، همچنان در آن نقطه قرار داشت. هنگامی که محمل به مدینه منوّره می‌رسید، طی جشن باشکوهی از «باب‌العنبریه» وارد شهر می‌شد و هنگام ورود، بیست و یک گلوله توپ شلیک می کردند. و آنگاه که به «باب‌المصری» می‌رسید. تمامی افراد کاروان به‌پاس احترام به مقام رسول‌اللّه صلی الله علیه و آله از مرکوب خود پایین آمده، با پای پیاده به‌سوی حرم پیامبر رهسپار می گردیدند. آن‌گاه که به «باب‌السلام» می‌رسیدند، بزرگِ حرم پیش آمده، زمام شتر محمل را به‌دست می گرفت و آن را بر پله در بالا- می‌برد، سپس در آن فضای گسترده، او را به زمین می‌نشانید. در این هنگام بود که محمل را از روی شتر برداشته، به جایگاه ویژه خود در حرم که در غرب منبر شریف قرار داشت می‌بردند و بر زمین می‌نهادند. از آن پس پرده زردوزی شده روی آن را برداشته، پرده سبز را جایگزین می کردند.

در روز خروج محمل از مدینه منوره، مجدداً پرده سبز را از روی آن برمی‌داشتند و همانند روز ورود، پرده زردوزی شده را بر روی آن می کشیدند.

هنگام بازگشت محمل به مصر، جشن باشکوهی به مناسبت مراجعت آن برپا می گردید که در این مراسم حاکم مصر و یا جانشین وی شرکت می کرد.

کاروان از «عباسیه» به‌سوی «القلعه»، همان راهی که پیشتر از آن خارج گردیده بود، حرکت می کرد تا این‌که به جایگاه استقرار حاکم مصر در «مصطبه» می‌رسید. در این هنگام، حاکم زمام شتر را از دست امیرالحاج می گرفت و به‌دست مأمور سازنده جامه (مدیر کارگاه جامه‌بافی) می‌سپرد. در این لحظه، توپخانه بیست و یک گلوله توپ را شلیک می کرد که از آن پس مراسم جشن به‌پایان می‌رسید.

پرده زردوزی شده محمل در خزانه وزارتخانه‌ای که کارگاه جامه‌بافی، تابعی از آن

ص: ۲۳۰

به‌شمار می‌آمد، به ودیعت نهاده می‌شد. این پرده هر بیست سال یک‌بار تجدید و از نو ساخته می‌شد که هزینه آن (سال ۱۳۲۸ ه. ق./ ۱۹۱۰ م) به هزار و پانصد جنیه مصری می‌رسید.

امّا پرده سبز روزانه محمل، همواره در طول سال بر روی آن و در کنار قبر عارف الهی شیخ یونس سعدی در «باب‌النصر» قرار داده می‌شد. گفته‌اند که نامبرده در طول دوران زندگی خویش در خدمت کاروان محمل بوده است.

محمل همواره در دوران‌های گوناگون و از مقام و مرتبتی بس ویژه در نزد دولت مصر برخوردار بود. تا آن‌جا که مقام امیرِ آن از میان مقام‌های دولتی، رتبه سوم را داشت.

در دوران ممالیک، امیر کاروان محمل نامزد پست حاکم (/ استاندار) پایتخت بوده که این رتبه و مقام یکی از مهم‌ترین جایگاه‌های دولتی پس از والی و سلطان را به همراه داشته است. این شخص دارای مقامی مقرّب و شخصیتی محترم و سخنی نافذ بوده که حقوق او مادام‌العمر و تولیت او در این مقام تنها به فرمان سلطان صادر می‌شد.

امیرالحاج همواره دارای مقامی والا و سخنی نافذ در سرزمین حجاز بوده و چه‌بسیار از امرای مکه به دستور آنان، از پست خود عزل می‌شدند. پادشاهان مصر در دوران ممالیک عنایت و توجه خویش نسبت به محمل را به حدّی افزایش داده بودند که این افراطگرایی آنان را از مسیر اخلاقی و مروت خارج می‌ساخت و به کارهای ناشایستی دست می‌زدند؛ اعمالی که نمی‌توان آن را با دین سازگار دانست. آن‌ها به حکام و فرمانروایانی که محمل از سرزمین آنان عبور می‌کرد، فرمان داده بودند که به هنگام استقبال پای شتر محمل را ببوسند! که در این میان، امرای مکه نیز از این فرمان مستثنی نبودند. تا این‌که سلطان چقمق در سال ۸۳۴ ه. ق. این فرمان را لغو کرد. همچنین آنان در جشن خروج و بازگشت محمل مبالغه کرده، به هنگام بازگشت آن، حوض‌های بزرگی را پر از آب و شکر می‌کردند و آن را با شادمانی و خوشحالی در آهنگ جشنی باشکوه، به مدّت سه شبانه‌روز در اختیار مردم قرار می‌دادند.

این عادت کهن، تا پیش از توقف ارسال محمل همچنان ادامه داشت. کاروان محمل در هنگام سفر- علاوه بر کارمندان رسمی خویش؛ مانند امیرالحاج و خزانه‌دار و

ص: ۲۳۱

منشی‌های مخصوص و صرافان- تعداد فراوانی از سربازان محافظ سلاح به‌دست و نیز بسیاری از خَدم و حَشم و باربندان و ساربانان و طبّالان و نجّارها و خدمت‌کاران و چاربندها و سقایان را به همراه خود داشت.

یکی از مسؤولیت‌ها در کاروان محمل این بود که کسی را به‌عنوان «امین جامه» برمی‌گزیدند و او شیرینی‌جات و جز این‌ها را در اختیار خویش داشت و نیز مسؤولیت تقسیم و توزیع پوشاك و شیرینی‌جات ارسالی برای ساکنان حرمین شریفین به‌عهده او بود. این سنت در اوایل قرن چهاردهم هجری تغییر داده شد و از آن پس این‌گونه کمک‌ها به‌صورت نقدی در اختیار افراد قرار داده می‌شد.

همچنین کارمندی به‌عنوان «مأمور ذخیره» با کاروان همراه می‌شد تا در موارد ضروری و برخلاف مقررات ویژه کاروان، مبالغی را با نظر خود در میان حاجیان صرف کند. و نیز شخص دیگری در میان کاروان محمل وجود داشت که بدان «بزرگِ شتربانان» می‌گفتند و همچنین شخص دیگری بود که نام «ابوالقطط» (۱) ۳۰۸ را بر خود داشت و فردی به‌عنوان نظم‌دهنده کاروان در پیشاپیش آن حرکت می‌کرد. و بالاخره شخصی به‌عنوان راهنمای از راه‌افتادگان و بیماران با کاروان همراه می‌شد.

بزرگِ شتربانان، وظیفه خرید شترهای مورد نیاز محمل را داشت. او خود سوار بر شتری در پشت شتر محمل به حرکت درمی‌آمد و نظارت بر حرکت صحیح و منظم کاروان را به‌عهده داشت. و می‌گویند دومی مسؤولیت تغذیه گربه‌ها را در طول مسیر حرکت کاروان از خشکی به‌عهده داشته است. همچنین گفته‌اند که نام او بدین اسم بوده اما وظیفه و مسؤولیت راهنمایی کاروان را داشته و در پیشاپیش کاروان به حرکت درمی‌آمده است. گویند این مسؤولیت از دوران سفر «شجرةالدرّ» به‌وجود آمده است.

سوّمی به‌عنوان رییس کارگران روشنایی (/ زنبورکچی‌ها) و باربندان بود که به‌هنگام اجرای فرمانی مهم، این گروه بدون نظم و با سروصدای فراوان، اجرای فرمان می‌کردند.

و بالاخره چهارمی به بیماران و تنگدستان از حاجیان میانه راه رسیدگی می‌کرد. نامبرده،

۱- صاحب گربه‌ها.

ص: ۲۳۲

به افرادی که گاه در اثر بیماری و یا تنگدستی از ادامه راه بازمی‌ماندند، کمک و مساعدت می کرد. وظیفه‌ها و مسؤولیت‌های یادشده همگی به‌وسیله فرمان‌های ویژه‌ای که برخی از سوی مقام سلطنت و خلافت و برخی دیگر به‌وسیله فرمانروایان مصر بود، صادر می گردید. این گروه از قدیم دارای حقوق تعیین‌شده‌ای در دفاتر حکومتی مصر بوده‌اند.

در دوران اخیر، دیگر نیازی به بسیاری از آن سمت‌ها و مسؤولیت‌ها نبود همچنان‌که وظیفه خزانه‌داری نیز از میان برداشته شد و شخصی از منشی‌های اداره مالیه (/ دارایی) مسؤولیت این مهم را به‌عهده می گرفت.

کاروان محمل در این مأموریت، از بیست شتر تشکیل می‌شد که دارای استراحت‌گاهی به‌نام «بولاق» در کنار مزار شیخی به‌نام «سیدی سعید» بود. دولت در زمان قدیم، افزون بر شتران یاد شده، شتر دیگری را همه ساله جهت قربانی می‌خرید که در این حال شتربانان پیش از حرکت کاروان حج، شتر یاد شده را می‌آوردند و در حالی‌که بزرگِ شتربانان بر روی آن سوار می‌شد، همگی به همراه باربندان و زنبورکچی‌ها و در پیشاپیش آنان، گروه طبّالان (شادی‌آفرینان) با سر و صدا و غوغای فراوان حرکت می کردند و در خیابان‌های قاهره به گردش درمی‌آمدند. سپس به سوی مزار «سیدی سعید» آمده و شتر را در آن مکان قربانی می کردند. مأموران کجاوه یک چهارم آن را و شتربانان ربع دیگر و نوکران بارگاه شیخ سعید. ربع سوم و نوکران مزار شیخ یونس ربع باقی‌مانده را از آنِ خود می کردند. در این حال افراد یادشده گوشت قربانی را به‌عنوان تبرّک به مردم می‌فروختند و ادعا می کردند که این گوشت درمانی برای بسیاری از بیماری‌ها است. این اعتقاد پوچ و بی‌اساس موجب شده بود که مردم در این هنگام، برای دراختیار گرفتن مقداری از گوشت شتر یاد شده، آن‌چنان بدان حمله‌ور شوند که گاه پیش از آن‌که حیوان را ذبح نمایند، قسمت‌هایی از بدن آن را قطعه‌قطعه کرده، هرکدام قسمتی را از آنِ خویش می کردند! چه بسیار حوادث هولناک جسمی که در این مرحله به‌وقوع نمی‌پیوست.

به همین منظور خدیو «عباس حلمی پاشای دوم» فرمان به ابطال این سنت ناپسند داد و هزینه خرید شتر یادشده را در اختیار تهیدستان قرار داد. (۱) ۳۰۹

۱- بتنونی، الرحلة الحجازیه، صص ۱۴۶- ۱۴۴

ص: ۲۳۳

هزینه سفر محمل

هزینه سـفر محمـل که شامل حقوق و دیگر مخارج بود، همواره از سالی به سال دیگر و دورانی به دوران دیگر تغییر می‌کرد و بنا بر وضـعیت اقتصـادی زمـان. نوسانـاتی را به همراه داشت. در این‌جا به‌عنوان مثال هزینه سـفر محمل در دوران فاطمیان و نیز مبلغ خرج شده به هنگام سفر محمل در سال ۱۳۲۸ ه. ق./ ۱۹۱۰ م را می‌آوریم:

مقدار هزینه آن در دوران فاطمیان، بنابه گفته مقریزی در کتاب «الذخائر و التحف» این‌گونه است:

«هزینه سـفر محمل در موسم هر سال، برابر با یکصد و بیست هزار دینار بود و در این میان تنها هزینه شیرینی‌جات و شمع به (معادل) ده هزار دینـار در هر سـال می‌رسـید. همچنین هزینه رسـیدن کـاروان به حرم برابر بـا چهـل هزار دینار و هزینه پشتیبانی و صـدقات و دسـتمزد کرایه شترهـا و سـربازان همراه و امیرالحاج و خـدمت‌گزاران کاروان و نیز حفر چاه‌ها و جز این‌ها معادل شـصت هزار دینار بود. این هزینه در دوران وزیر «بـازوری» به دویست هزار دینـار افزایش یـافت، که در آن هنگـام این مقـدار هزینه سالانـه موسم، در هیچ‌یک از حکومت‌ها سابقه نداشته است».

مقریزی هزینه سـفر کـاروان را مبلغ یکصـد وبیست هزاردینـاردر سـال عنوان کرده، لیکن ضـمن شرح‌قسـمت‌های مختلف این هزینه تنهـابه مبلغ یکصـد و ده هزار دینـار آن بسـنده کرده است که در این میـان روشن نیست ده‌هزار دینار باقی مانـده صـرف چه اموری می‌شده است؟

امـا هزینه‌ای که به هنگام سـفر محمل در سال ۱۳۲۸ ه. ق./ ۱۹۱۰ م- همان سالی که خدیو «عباس حلمی دوم» به سـفر حج مشـرف گردید- صرف شده، معادل ۵۰ هزار جنیه مصری بوده که نحوه تقسیم آن به این صورت است:

ص: ۲۳۴

مبلغ‌مورد هزینه شده

به جنیه

۱۲۸۲ حقوق امیرالحاج و کارمندان محمل

۲۵۱۱ حقوق اعراب

۱۴۹۳ حقوق و مستمری اشراف مکه مکرمه و مدینه منوره

۱۹۶۱ حقوق تکیه مکه مکرمه

۱۶۵۷ حقوق تکیه مدینه منوره

۲۸۷۹ حقوق اهالی مکه و مدینه

۳۰۰۰ حقوقی که سالانه برای مکه و مدینه، از سوی اوقاف حرمین و اوقاف خصوصی و مردمی و خیریه و نیز از سوی اوقاف خدیوی و مالیه (/ دارایی) هزینه می‌شد

۲۲۵۰۰ هزینه گندم‌های مصرفی صدقه در مکه و مدینه

۱۶۲۹ هزینه شمع و قندیل‌های حرمین شریفین

۱۵۵ هزینه چادرها و ظرف‌ها و جز این‌ها

۴۲۴۸ هزینه حمل و نقل برّی و بحری و دستمزد ساربان‌ها

۶۴۲۰ هزینه روغن و حصیرها و جز این‌ها که سالانه برای حرمین شریفین از سوی دیوان اوقاف ارسال می‌گردید

۲۶۵ هزینه‌های متفرقه

۵۰۰۰۰ مجموع هزینه‌های صرف‌شده در سال (۱۳۲۸ ه. ق.) (۱) ۳۱۰ کاروان محمل که جامه کعبه شریف با آن ارسال می‌شد- با قطع‌نظر از بدعت‌هایی که به هنگام حرکت آن به‌وجود آورده بودند که با مذهب سازگاری نداشت- درنظر افراد دست‌اندرکار، حرکت آن، خود رمزی برای امنیت حاجیان به‌شمار می‌آمد؛ زیرا به‌علت همراهی جامه کعبه با آن، سربازان مسلحی با کاروان به حرکت درمی‌آمدند که

۱- بتنونی، الرحلهٔ الحجازیه، صص ۱۴۳ و ۱۴۴

ص: ۲۳۵

خود موجب تأمین امنیت کاروان از دستبرد دزدان و متجاوزان در میان راه به‌ویژه هجوم اعراب به حاجیان و قتل و غارت آنان می گردید.

کاروان محمل همچنان تا موسم سال ۱۳۴۴ ه. ق. به‌هنگام حرکت خود با برپایی مراسم جشن و حرکت در میان خیابان‌های قاهره، رو به‌سوی سرزمین‌های مقدس می گذاشت و سپس به همراه کاروان حاجیان به جایگاه نخستینِ خود بازمی گشت تا این که در سال یادشده مصر به‌مدّت ده سال از ارسال جامه خودداری کرد- همان‌طور که پیش‌تر گفتیم- سپس دولت مصر با توافقی که با دولت سعودی در سال ۱۳۵۵ ه. ق.

به‌عمل آورد، مقرر گردید که جامه به‌همراه محمل تا جدّه آورده شود و سپس در این نقطه مستقر شده، به سرزمین حجاز وارد نشود. مدتی پس از آن سفر محمل به کشور عربستان نیز از سوی دولت سعودی لغو گردید و بدین ترتیب محمل تنها در زمان برپایی جشنِ ارسال جامه کعبه در قاهره با آن به حرکت درمی‌آمد ودر پایان، در سال ۱۳۷۲ ه. ق./ ۱۹۵۳ م محمل به‌طور کلی از میان برداشته شد؛ همچنان‌که حرکت جامه در خیابان‌های قاهره نیز الغا گردید و تنها به هنگام حرکت جامه از قاهره مراسم جشنی در مسجدالحسین علیه السلام برپا می گردید.

مراسم جشن سالانه جامه کعبه

اشاره

در آغاز باید گفت که مراسم جشن جامه کعبه شریف، همواره به‌دنبال مراسم ویژه‌ای بود که به هنگام حرکت کاروان محمل صورت می گرفت و هیچ‌گاه مراسم خاصی به‌عنوان جشن جامه و یا جشن همراهان کاروان به‌تنهایی برگزار نمی‌شد؛ زیرا رسم بر این بود که جامه به همراه محمل به حرکت درمی‌آمد و درنتیجه مراسم جشن نیز در یک زمان برای هردو برگزار می گردید. تاریخ‌نگاران از این مراسم، در دوران گذشته به‌طور مشروح یاد نکرده‌اند و تنها برخی از آنان درباره مراسم یادشده در دوران‌های اخیر، به‌ویژه در دوران ایوبیان، به‌صورتی بسیار گذرا و اجمالی مطالبی آورده‌اند و آن هنگامی بوده است که «شجرة‌الدرّ» برای انجام مراسم حج، به همراه کاروان محمل در سال ۶۴۵ ه. ق. مصر را ترک کرد. بیشتر مورخان تنها اشاره‌ای گذرا به جشن خروج کاروان

ص: ۲۳۶

محمل در هر سال کرده و به ذکر جزئیات این مراسم نپرداخته‌اند.

در این‌جاشایسته است‌مطالبی درباره مراسم جشن جامه در دوران مختلف بیاوریم:

الف- جشن جامه در دوران ممالیک

قلقشندی (متوفای سال ۸۲۱ ه. ق.) به ذکر جزئیات مراسم جشن جامه در دوران ممالیك پرداخته و چگونگی برپایی مراسم جشن و حرکت کاروان محمل در خیابان‌های قاهره و شرکت تمامی مردم و شخصیت‌های بزرگ دولتی در آن را به تصویر کشیده است. قلقشندی شرکت گروه‌های اسب‌سوار ممالیك و نمایش نظامی آنان و نیز فرقه‌های موسیقی مملوکی در این جشن را عاملی برای هیجان و زیبایی جشن یادشده دانسته است.

قلقشندی می‌نویسد:

«گردش محمل معمولًا در سال دوبار انجام می‌گیرد؛ نخستین بار پس از گذشت نیمی از ماه رجب، محمل را به خیابان‌ها می‌آورند و منادیان از سه روز پیش به تمامی مغازه‌ها و فروشگاه‌های مسیر ندا می‌دهند که مکان‌های خود را برای حرکت محمل آرایش و تزیین نمایند. این گردش محمل معمولًا در روزهای دوشنبه یا پنج‌شنبه انجام می‌گیرد و هیچ‌گاه تغییرپذیر نیست. محمل در حالی که به‌وسیله پرده ابریشم زردی پوشانیده می‌شود، بر شتری آراسته از خرگاه حرکت می‌کند.

بر بالای محمل قبه‌ای از نقره مطلّا است. محمل در شب حرکت خود در درون «باب‌النصر» و در نزدیکی دَرِ «جامع‌الحاکم» به بیتوته می‌پردازد و سپس در روز بعد، بار دیگر بر روی شتر یادشده به‌سوی پایین «قلعه» به حرکت درمی‌آید. در پیشاپیش کاروان محمل، وزیر، قضات چهارگانه، حسابدار، شهود، ناظر جامه و جز این‌ها حرکت می‌کنند ...

بار دوم محمل را در نیمه شوال به گردش درمی‌آورند، لیکن این‌بار آن را از کنار قلعه به «باب‌النصر» آورده، سپس به‌سوی «الریدانیه» برای حرکت به‌سوی سرزمین‌های مقدس حمل می‌کنند».

ص: ۲۳۷

با بیان این مطلب، روشن می‌شود که جشن ارسال جامه و خروج محمل در دوران ممالیک، تنها به گردش محمل در خیابان‌های قاهره و حرکت بزرگانی از شخصیت‌های مملکتی و دولتی به‌دنبال آن و نیز به نمایش گذاشتن برخی بازی‌ها از سوی اسب‌سواران مملوکی به‌همراه طبل زدن و صدای موزیک سلطانی و تقسیم خلعت بر بزرگانی از شخصیت‌ها به میمنت این مناسبت، بسنده می‌کردند.

گفتنی است که قلقشندی در توصیف مراسم جشن یادشده، هیچ اشاره‌ای نسبت به نمایش گذاشتن قطعه‌های جامه کعبه ننموده، بلکه تنها به ذکر حضور ناظر جامه در این جشن و حرکت او به همراه سایر بزرگان مملکتی در پیشاپیش کاروان بسنده کرده است. این مطلب نشان‌دهنده آن است که جامه به همراه کاروان محمل در این هیئت وجود داشته است.

ب- مراسم جشن جامه در دوران عثمانی

وقتی یک قرن از مراسم جشن جامه در دوران ممالیک و در عصر قلقشندی می‌گذریم، به زمان ابن ایاس می‌رسیم که وی نیز در مراسم جشن خروج جامه به همراه محمل در موسم حج سال ۹۲۳ ه. ق.- که نخستین سال ارسال جامه کعبه شریفه از سوی عثمانیان، پس از تسلط آنان بر مصر و شام بوده است- توصیف زیبایی را به رشته تحریر درآورده و گفته است:

«این مراسم آن‌چنان گسترده و سنگین بود که مصر تا آن هنگام چنین مراسمی را به خود ندیده بود. شاید پیروزی عثمانیان بر مصر و شام و از میان برداشتن دولت ممالیک چرکس و دست‌یابی آنان به شرف خدمت حرمین شریفین، در پس این مراسم جشن باشکوه خودنمایی می‌کرد. در آن سال (۹۲۳ ه. ق.) سه جشن باشکوه برای جامه و محمل برپا شد که این سه جشن، جدا از مراسم جشن ویژه‌ای بود که به هنگام اقامت سلطان سلیم و پیش از حرکت وی به استانبول، در روز ۲۳ شعبان سال ۹۲۳ ه. ق. اقامه گردید، که در آن، قطعه‌های گوناگون جامه را به نمایش عموم گذاشتند.

در مراسم جشن نخستین، هنگام برگزاری جشن سنگین، قطعه‌های جامه را در

ص: ۲۳۸

خیابان‌های قاهره، در معرض نمایش همگان قرار دادند و از آن پس، بالای قلعه رفته و جامه را در معرض دید «خایربک» نایب‌السلطنه در مصر گذاشتند.

جشن دوم را پس از گذشت یک هفته، با به حرکت درآوردن جامه در کاروانی آراسته و زیبا به خیابان‌های قاهره آوردند و به‌سوی «الریدانیه»، محلّ تجمع حاجیان حرکت کردند.

جشن سوم هنگامی بود که حاجیان همگی در محلی گردآمدند و کاروان محمل و جامه، در شکوهی خاص، خیابان‌های قاهره را طی کرد، در حالی که امرا و اعیان و سربازان و طبّال‌ها و نی‌لبک‌زن‌ها در پیشاپیش و پیرامون آن، هیئتی زیبا و دلربا را به‌وجود آورده بودند. از آن پس، کاروان راهی سرزمین‌های مقدس گردید.

ج- مراسم جشن جامه کعبه در دوران جدید:

مراسم جشن جامه کعبه، هر سال، نسبت به سال پیشین، پرشکوه‌تر و عظیم‌تر شد، تا آن‌جا که می‌بینیم در اوایل قرن چهاردهم هجری، این مراسم به درجه‌ای بس والا از نظر نظم و آراستگی می‌رسد. سرلشکر ابراهیم رفعت‌پاشا- که در آغاز سمت فرماندهی پاسداران محمل را داشته و سپس چندین بار به‌عنوان امیرالحاج، همراه کاروان محمل بوده است- این مراسم را به‌صورت روشن و واضح، از آغاز حرکت کاروان در قاهره تا رسیدن محمل و جامه به سرزمین‌های مقدس، توصیف کرده است که برای نمونه، مطالبی درباره جشن جامه در موسم حج سال ۱۳۱۸ ه. ق./ ۱۹۰۱ م را که در دوران خدیو عباس حلمی دوم روی داد، می‌آوریم:

«در روز بیست و هفتم شوال، جامه مبارک کعبه، پس از آن که در صندوق‌های مخصوصِ حمل قرار گرفت، از جایگاه نخستین خود در وزارت مالیه (/ دارایی) همانند رسم همیشگی، به‌سوی «جمالیه» حرکت داده شد. در همین هنگام قسمتی از جامه به همراه کمربندهای ابریشمی آن، که به‌وسیله نخ‌های نقره‌ای و طلایی مزین به آیات قرآن گردیده بود، از کارگاه خود در «خَرَنْفُش» بر روی جایگاه سنگی (/ المصطبه) در میدان «صلاح‌الدین» که معروف به «میدان قلعه» یا «میدان محمدعلی» بوده، منتقل گردید.

ص: ۲۳۹

در عصر روز یاد شده، با حمل پرده مقام حضرت ابراهیم علیه السلام و باقی‌مانده جامه کعبه مشرفه، از کارگاه خود در خرنفش که به سوی میدان صلاح‌الدین سابق به حرکت درآمده بود، جشن آغاز گردید.

جامه بر روی شانه کارگران، در حالی که گروهی از نظامیان به‌صورت پیاده و سواره در پیشاپیش آن و گروه موزیک به‌دنبال آنان می‌رفتند، به‌سوی میدان یادشده در حرکت بود. در پیشاپیش کاروان رییس کارگاه جامه (/ مأمور جامه) با لباس‌های ویژه، سوار بر اسب، در حالی که بر روی دستان خود، کیسه مخصوص کلید دَرِ کعبه قرار داده بود، با وقاری خاص در حرکت بود و هرازگاهی ندای ورود جامه کعبه و پرده مقام ابراهیم خلیل علیه السلام را به پیشوازکنندگان می‌رساند. این کاروان با کیفیت یادشده از کارگاه خود به‌سوی منطقه «سقاخانه کتخدا»، در نزدیکی بازار مسگرها، در حرکت بود. در این مکان این گروه با کاروان حامل جامه اصلی کعبه در حالی که پوشش سبزرنگ معمول بر روی آن افتاده و به‌وسیله شتر حمل می‌شد و از «وکالت السّت» در جمالیه حرکت کرده بود، برخورد نمود.

کاروان دوم در پی کاروان پرده مقام به حرکت خود ادامه داده، به‌سوی بازار مسگرها (/ نحاسین) دروازه زویله (بوابۀالمتوالی)- درِ احمر- تبانه- محجر روان شدند و در پایان به میدان صلاح‌الدین وارد گشتند. در این مکان، مراسم جشن برپا شد. محمل به همراه جامه کعبه در مقابل جایگاه و سالن استقبال و پرده مقام در میانه آن قرار داده شد.

پیرامون پرده مقام، مزیّن به قطعه‌هایی از جامه کعبه و نوارهای طلایی آن گردید. همچنین کیسه کلید کعبه و پرده دَرِ کعبه و باب‌التوبه نیز در کنار آن به طرز زیبایی در معرض نمایش قرار داده شد. در اطراف پرده مقام، چهار شمعدان نقره‌ای را که از مسجد قلعه آورده بودند، قرار دادند.

در اتاقی که در سمت غربی سالن پذیرایی قرار داشت، چهار قطعه نوشته‌دار (کرداشیات) به دیوارهای آن آویزان گردید.

آن شب، شهر، خواب به چشم خود راه نداد و مردمان همگی شب را به بیداری و شب‌زنده‌داری گذراندند؛ نخست گروهی به تلاوت آیاتی از قرآن کریم مشغول شدند و

ص: ۲۴۰

پس از آن گروهی دیگر سـرودهای مـذهبی اجرا کردنـد. آن شـب علمـای بزرگ کشـور و بزرگـان و اعیـان شـهر جهـت احیـا و شب‌زنده‌داری دعوت شده بودند. گروهی را پیش از غروب آفتاب برای صرف شام و گروهی دیگر را برای شب زنده‌داری پس از نماز عشا دعوت کرده بودند.

در این ضیافت، همچنین از مشایخ طرق صوفیه که شامل «رفاعیّه»، «سعدیّه»، «احمدیّه»، «ابراهیمیّه»، «بیومیّه»، «قادریّه» و «شاذلیّه» بودند، جهت حرکت در پیشاپیش کاروان جامه کعبه و احیای این شب دعوت به‌عمل آمده بود.

در این مراسم، حدود یکصد جنیه مصری خرج شد که تا پاسی از نیمه‌های شب ادامه داشت، سپس جامه‌های موجود در سالن و اتاق و پرده مقام، همگی جمع‌آوری گردید و به همراه محمل، در برابر سالن تشریفات قرار داده شد. در بامداد آن شب (۲۷ شوال) جشن بسیار باشکوهی در میدان صلاح‌الدین برگزار گردید. در این مراسم اعلی‌حضرت خدیو عباس حلمی دوم، وزیران و علما و بزرگان مملکتی حضور داشتند و به افتخار ورود حضرت خدیو، در هنگام تشریف فرمایی‌اش، بیست و یک گلوله توپ شلیک شد. گروه موزیک هم در این هنگام سه بار به او ادای احترام نمود که پس از هر بار، افسران و ارتشیان حاضر در صحنه، غریو «اَفَندِمِز چُوق یاشا»؛ «زنده باد اعلی‌حضرت» را سر دادند و خدیو و همراهان هربار با بلندکردن دست‌های خود، بدانان پاسخ می‌دادند، پس از آن در تالار تشریفات، مدتی را به استراحت و تماشای کاروان محمل که شامل هفت تخت روان بود، گذراندند. در این هنگام مدیر کارگاه جامه، در حالی‌که افسار شترِ کاروان محمل را در دست داشت، پیش آمد و آن را به خدیو تقدیم نمود. وی پس از دردست گرفتن و بوسیدن افسار، آن را به قاضی‌القضات مصر تحویل داد. قاضی‌القضات نیز آن را بوسید و عده‌ای از حاضران هم پس از آن، افسار را بوسیدند و مجدداً به شخصی که مأمور بردن محمل به همراه کاروان بود و در برابر مسجد محمودیه در میدان «ریشما» انتظار تحویل گرفتن را داشت، تحویل داده شد.

سپس جامه، که توسط نگهبانان حضرت خدیو حمل می‌شد، از برابر خدیو و

ص: ۲۴۱

وزیران و بزرگانی که در ایوان سالن تشریفات ایستاده بودند، عبور داده شد و به‌نظر جمع یاد شده رسید. در این لحظه، مراسم سان ارتش آغاز گردید که در پایان آن و پس از شلیک بیست و یک گلوله توپ، ختم مراسم اعلام شد. خدیو و همراهان، در این لحظه میدان را ترک کردند و کاروان در حالی که توسط نیروهای ارتشی و نظامی و بزرگان و مشایخ صوفیه همراهی می‌شد، به‌سوی مسجدالحسین علیه السلام به حرکت درآمد. در مسجد که امیرالحاج و خزانه‌دار، قبل از ورود کاروان به محل یادشده رفته بودند، از جامه‌ها استقبال کردند و پس از آن جامه به‌وسیله خیاطان به هم دوخته شد. در این هنگام جامه کعبه به همراه پرده مقام، در صندوق‌های مخصوص خود قرار داده شد و جهت حرکت به سرزمین‌های مقدسه، به عباسیه منتقل گردید. (۱) ۳۱۱ لازم به تذکر است که- پیش از آن‌که جامه‌ها در صندوق‌های ویژه خود قرار داده شوند- شهادت‌نامه شرعی تسلیم قسمت‌های گوناگون جامه کعبه شریفه در حضور قاضی و دو منشی دادگاه و امیرالحاج و خزانه‌دار تنظیم می‌گردد. این شهادت‌نامه در مسجدالحسین علیه السلام نوشته شده که در این هنگام مأمور جامه، تمامی قسمت‌های مختلف جامه کعبه را تسلیم مأمور محل می‌نماید. در این شهادت‌نامه تمامی قطعه‌های جامه و وصف دقیق آن‌ها و نیز مقدار تارهای نقره‌ای و مطلّای آزین‌شده بر آن را به همراه سایر لوازم جامه؛ از قبیل طناب‌ها و گلاب و جز این‌ها مشخص و معین می‌نماید. آنگاه قطعه‌های جامه در صندوق‌های ویژه خود قرار داده شده و از این پس برعهده مأمور محمل است که کلیه قطعات یادشده را تسلیم بزرگ شیبیان و کلیددار کعبه مشرفه در مکه مکرمه نموده و در برابر آن یادداشت تسلیم از او دریافت نماید.

همچنانکه به همین صورت شهادت‌نامه شرعی دیگری به هنگام تسلیم خزانه به خزانه‌دار، در حضور ناظر مالی و امیرالحاج و خزانه‌دار و صرّاف و منشی مخصوص وی و نیز دو بازرس از سوی وزارت مالیه (/ دارایی) نوشته می‌شد.

اما محمل از مسجدالحسین به کارگاه جامه در «خرنفش» انتقال داده شد و تا فردای

۱- مرآةالحرمین، ج ۱، صص ۱۱- ۹

ص: ۲۴۲

روز جشن، آغاز مسافرت محمل به‌سوی سرزمین حجاز، در آن مکان باقی خواهند ماند.

در پگاه روز بعد، محمل از راه سوق السِّلاح به میدان صلاح‌الدین آورده شد و در صبح روز ۱۳ ذی‌القعده بار دیگر مراسم جشن دیگری، نظیر جشن پیشین برپا گردید.

در این مراسم، عبداللّه فائق‌بک، مدیر کارگاه جامه، زمام محمل را به‌دست خدیو سپرد که او نیز آن را به‌دست امیرالحاج داد و امیرالحاج کاروان را، در حالی که به‌وسیله نیروهای ارتشی و نظامی و بزرگان و مشایخ طرق صوفیه همراهی می‌شد، به‌سوی عباسیه هدایت نمود. از این محل، کاروان یادشده به همراه جامه کعبه و پرده مقام. همچنین شیشه‌های عطر و پارچه‌های مخصوص شستشوی کعبه، سفر خود را به سوئز و سپس مکه مکرمه آغاز می‌کنند. (۱) ۳۱۲ و بدین‌گونه مراسم جشن حرکت کاروان محمل و جامه در موسم حج سال ۱۳۱۸ ه. ق./ ۱۹۰۱ م به‌پایان رسید. در سال‌های اخیر و پیش از الغای محمل در سال ۱۳۷۲ ه. ق./ ۱۹۵۳ م، مراسم جشن جامه و محمل همانند پیش و با همان نظم و ترتیب صورت می‌گرفت که در این میان تنها برخی تغییرات در اجرای مراسم یادشده به‌چشم می‌خورد که این تغییرات تنها به‌جهت تغییر مکان جشن بود؛ زیرا در این هنگام محل آغاز مراسم به «میدان الخفیر» در عباسیه انتقال یافته بود و این مکان جایگاه رسمی برای مراسم جشن سالیانه تعیین گردیده بود. همه‌ساله به هنگام آغاز مراسم، سراپرده‌های وسیعی در برابر این جایگاه برپا می‌شد که در میانه آن جشن برپا شده و قسمت‌های مختلف جامه کعبه شریفه در معرض دید همگان قرار می‌گرفت. در دوران اخیر، ایستگاه «کوبری اللیمون» جایگزین ایستگاه «عباسیه» گردید که کاروان محمل و جامه از این ایستگاه به قطار اختصاصی خود منتقل می‌شد و به سوی سرزمین حجاز به‌راه می‌افتاد.

پس از لغو محمل و برچیده شدن مراسم حرکت جامه در خیابان‌های قاهره در سال ۱۳۷۲ ه. ق. تنها مراسم ویژه‌ای جهت جامه کعبه مشرفه در مسجدالحسین علیه السلام برگزار می‌گردید. (۲) ۳۱۳

۱- ابراهیم رفعت، مرآة‌الحرمین، ج ۱، صص ۱۱ و ۱۲

۲- اسناد و مدارک «دارالکسوة الشریفه» در قاهره، مراسم جشن خروج محمل و جامه.

ص: ۲۴۳

د) حرکت محمل به همراه جامه از قاهره به مکه مکرمه

ابراهیم رفعت پاشا حرکت کاروان محمل به همراه جامه، در موسم حج سال ۱۳۱۸ ه را این گونه توصیف کرده است:

چند روز پیش از سفر کاروان محمل و جامه از قاهره به جانب سوئز، اداره راه آهن، طی دعوتی که از امیر الحاج نموده بود، از روی اطلاعاتی درباره تعداد و نیازهای کاروان از واگن‌های باربری و مسافربری قطار جهت انتقال کالاها و مسافران و پاسداران و خدمتگزاران آن به دست آورد.

در شب پانزدهم ذی القعده، قطار باربری حامل وسایل کالاها، که شامل جامه‌های کعبه و مقام و دیگر وسائل وابسته به آن و اثاثیه مسافران همراه کاروان محمل‌ازسربازان، ساربانان وزنبورکچی‌ها و خدمتکاران و سقاها بود، از ایستگاه عباسیه حرکت کرد. در بامداد پانزدهم ذی القعده، قطار حامل محمل امیر کارمندان و گروهی از نگهبانان و وابستگان آنان از افراد شهری، به حرکت درآمد. این قطار در مسیر خود به سوئز، از ایستگاه‌های «قاهره»، «طوخ»، «نبها»، «زقازیق»، «ابی جماد»، «نفیشه»، «اسماعیلیه»، و «فاید» گذشته و در هر کدام دقایقی را توقف کرد. در ایستگاه‌های یاد شده، تمامی ساکنان و بزرگان و علمای طریقت‌های مختلف صوفیه و دانش‌آموزان پسر و دختر با طبل و شیپورهای سنتی و محلی در انتظار ورود محمل ایستاده بودند.

از سنت‌های مردم این بود که کودکان شیرخوار خود را به ایستگاه می‌آوردند و با دیدن محمل و دست کشیدن بر آن، خود و بچه‌های خویش را بدان متبرک می‌کردند.

گروهی که نمی‌توانستند دست خود را به محمل برسانند، پارچه‌هایی را که درون آن پول و یا مواد غذایی، مانند گوشت سفید و نان قندی قرار داده شده بود، به سوی کارگران محمل پرتاپ می‌کردند. آنان نیز پس از برداشتن محتویات آن و کشیدن پارچه بر روی محمل، آن را به سوی صاحبانش باز می‌گرداندند. هنگام رسیدن محمل به سوئز، استقبال رسمی از آن به عمل آمده و استاندار و کارمندان همگی در انتظار ورود محمل بر روی سکو ایستاده بودند. در این هنگام بیست و یک گلوله توپ شلیک شد و گروه

ص: ۲۴۴

موزیک سلام خدیوی را نواخت و مردم شعارهای معمول خود را پس از آن سر دادند.

در این لحظه استاندار پیش آمد و به امیر الحاج و خزانه‌دار خیر مقدم گفت و مراسم جشن کاروان آغاز گردید.

نگهبانـان محمل و نیروهای انتظامی، صـفی در دو ردیف در برابر هم تشـکیل دادنـد آنگاه محمل را در میان دو صف یاد شـده قرار دادند و تمامی کاروان در حالی که امیر الحاج در جلو و در سـمت راست او اسـتاندار و سمت چپش خزانه‌دار و سایر مردم و مشایخ صوفیه نیز به دنبال آنان بود، به حرکت در آمـد. کاروان خیابان‌های شـهر را طی کرد و در این لحظه نگهبانان محمل در پاسـخ خیر مقـدم، بیست و یک گلوله توپ شـلیک نمودنـد و با اجرای مراسم سـلام خدیوی، جشن به پایان رسـید. آنگاه محمل در واگن‌های ویژه خود قرار گرفتند و قطار به سوی لنگرگاه سوئز، به حرکت درآمد.

در بامـداد روز شـانزدهم ذی القعـده، تمـامی وسایـل و جامه‌هـا و محمـل بر روی کشتی مخصوص انتقال محمل و همراهان آن قرار گرفت و به سوی جده بارگیری شد.

اسـتاندار به همراه نماینـده‌ای از شـرکت کشـتیرانی خـدیوی و رییس نگهبانـان، به درون کشتی رفتنـد و پس از بازرسـی‌کامل آن و اطمینـان از پنهـان نشـدن اشخاصـی که دارای گـذرنامه نبودنـد، دسـتور سوار شـدن حاجیـان و نگهبانان بر کشتی یاد شـده را صادر کردند.

در جده مراسم جشـنی به مناسبت ورود محمل به آن، به صورت رسمی برگزار گردید. در این جشن، سربازان دولت علیه عثمانی به همراه گروه موزیک، دو ردیف مقابل هم تشکیل دادندکه این گروه شامل ۴۰۰ نفر سربازان نظامی و ۲۰۰ نفر غیر نظامی بودند.

محمل در میان دو صف یاد شـده به حرکت در آمد، در حالی که پیشاپیش آن امیر و خزانه دار و نگهبانان قرار داشـتند. سـپس طبق سنـت همه سـاله به خیابان‌هـای شـهر وارد شـده و روز پر جنب و جـوش و تماشـایی را برای مردم جـده آفریدنـد. تمـامی افسـران و کارمندان عالی رتبه با لباس‌های رسـمی خود و گروه موزیک دولتی عثمانی- که تعداد آنان هشـتاد نفر بود- با زدن مارش‌های زیبا و نغمه‌هـای هیجان آور، شادی و شـکوه ویژه‌ای به کاروان داده بود. مراسم جشن، با بازگشت محمل به جایگاه خود، اجرای مراسـم سلام سلطانی و

ص: ۲۴۵

سلام خدیوی و دعا به طول عمر و عزت آنان، به پایان رسید.

در روز بیست و سوم ذی القعده، کاروان محمل، جده را به مکه مکرمه ترک کرد و در صبح روز ۲۵ ذی القعده به مکه وارد شد.

در مکه مکرمه، جامه پس از تنظیم شهادت نامه شرعی در حضور علما و بزرگان، در اختیار بزرگ پرده دار کعبه مشرّفه، از آل شیبی، قرار می‌گرفت و تا صبح روز نحر (/ عید قربان) در خانه او به ودیعت نگه داری می‌شد.

آنگاه در روز یاد شده بر دوش مردان به سوی کعبه مکرمه حمل شده و پس از برداشته شدن جامه پیشین از روی آن و شستن کعبه به وسیله گلاب که در این حال معمولاً مسجد الحرام به علت حرکت مردم به سوی منا خالی از جمعیت بوده و تنها تعداد اندکی در مکه باقی می‌مانند، بر کعبه قرار داده می‌شد. (۱) ۳۱۴

ه) مراسم جشن جامه در مکه مکرمه:

با بررسی‌های دقیقی که این جانب در میان نوشته‌های تاریخ نگاران جامه و رسیدن آن به مکه مکرمه پیش از دوران جدید نموده‌ام، هیچ گونه اشاره‌ای به برگزاری جشن رسمی به هنگام ورود جامه کعبه مشرفه به مکه مکرمه همانند جشن هایی که در قاهره در طی قرن‌های متوالی برگزار می گردید، برخورد نکردم. البته لازم به تذکر است که در میان این نوشته‌ها، گاه به برخی کاروان‌های حامل جامه کعبه مکرمه و چگونگی آراستگی آن اشاره گردیده است که در این میان این گونه مراسم تنها برای تجلیل و قدردانی از برخی خلفا یا سلاطینی بوده است که جامه را ارسال نموده بودند. به عنوان مثال ابن‌جبیر در سفرنامه خود به هنگام وصف جامه ارسالی از سوی امیر عراقی به کعبه مکرمه در سال ۵۷۹ ه و در دوران خلیفه «الناصر لدین اللّه عباسی» این چنین می گوید: «در روز شنبه، که یوم النحر (/ عید قربان) بود، جامه کعبه مقدسه از اردوگاه امیر عراقی بر روی چهار شتر به سوی مکه به حرکت درآمد. این کاروان در حالی بود که قاضی تازه تعیین شده در پیشاپیش جامه سیاه ارسالی خلیفه در حرکت بود و پرچم‌ها بر بالای سر او به اهتزاز

۱- ابراهیم رفعت: مرآة الحرمین، ج ۱، صص ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۹، ۲۰ و ۲۴ و بتنونی، الرحلة الحجازیه، صص ۱۳۸ و ۱۳۹

ص: ۲۴۶

درآمده و طبل‌ها در پس او در فضا طنین می‌افکندند ...» (۱) ۳۱۵ فاسی نیز در دوران ممالیك از این مراسم یاد کرده و چگونگی حرکت امیر الحاج مصری در هیئت کاروانی را برای قرار دادن جامه به کعبه معظمه توصیف کرده و می‌گوید: «در این دوران (دوران فاسی متوفای سال ۸۳۲ ه) حدود چهار سال است که جامه کعبه را در روز نحر (/ عید قربان) از منا حرکت نمی‌دهند، بلکه امیر الحاج مصری به همراه پرچم‌ها، پای کوبان در حالی که شیپورها به همراه آنان دمیده می‌شد به درون مسجد آمده و در این هنگام جامه را از درون کعبه (۲) ۳۱۶ خارج ساخته و آن را در فضای مسجد در سمت یمانی گسترانیده و سپس جامه هر بخش را مشخص نموده آنگاه دستیاران امیر به همراه پرده داران آن را به بالای کعبه برده و پس از کامل کردن آن، همانند پیش، آن را بر کعبه آویزان می‌کردند.» (۳) ۳۱۷

۱- ابن‌جبیر، الرحله، صص ۱۴۰ و ۱۴۱

۲- این جامه به وسیله شخص امیر یاد شده از مصر آورده شده بود که پیش از حرکت به منا از بیم سرقت آن‌را در درون کعبه قرار داده بود. پیش از این سنت این چنین بود که امیر الحاج مصری به همراه جامه به منا حرکت کرده و در روز نحر آن را به مکه آورده و بر کعبه مشرفه قرار می‌داد لیکن بر اثر حادثه‌ای که در یکی از سال‌ها در منا اتفاق افتاد، قطعه‌هایی از جامه در هنگام اقامت آنان در منا به سرقت رفت که در آن هنگام امیر اموال فراوانی را برای به دست آوردن مجدد آن صرف نمود. از این پس به امرای حج توصیه گردید که جامه را به هنگام رسیدن به مکه مکرمه و پیش از عزیمت به منا و عرفات در درون کعبه قرار دهند و سپس در روز نحر در هیئت کاروانی به سوی مکه سرازیر شده و آن را بر روی کعبه مکرمه قرار دهند. (نظر افکنید به شفاء الغرام ج ۱، ص ۱۲۵).

۳- فاسی: شفاء الغرام، ج ۱، ص ۱۲۵

ص: ۲۴۷

صنعت جامه کعبه در دولت عربستان سعودی

صنعت جامه کعبه در دولت عربستان سعودی

کارگاه جامه بافی اجیاد و آغاز صنعت جامه در دولت عربستان سعودی

پیش از این آوردیم که مصر در گذشته، در طول قرن‌های متمادی- جز زمان‌های کوتاهی که اختلافاتی میان آنان و عربستان پیش آمد- جامه کعبه مشرفه را پیوسته به این دیار مقدس می‌فرستاد تا این که در سال ۱۳۸۱ ه. ق. ارسال جامه متوقف گردید و از آن زمان تا کنون دولت عربستان سعودی ساخت جامه کعبه معظمه را به خود اختصاص داده و همواره ادامه داده است.

گفتنی است که سعی و کوشش سعودیان در صنعت جامه کعبه، به پیش از تاریخ ۱۳۸۱ ه. ق. و به عبارتی به سی و شش سال قبل از آن، یعنی ۱۳۴۵ ه. ق. باز می‌گردد. در آن سال، پس از حادثه معروف محمل که در سال پیش از آن (۱۳۴۲ ه. ق.) رخ داد و پیشتر از آن یاد کردیم، مصر از ارسال جامه خودداری کرد. در این هنگام بود که ملک عبدالعزیز آل سعود در ذی حجه سال ۱۳۴۵ ه. ق. فرمان داد جامه کعبه مشرفه با سرعت تمام تهیه شود. در این سال جامه در طی چند روز، از پارچه پشمی ماهوت سیاه ارزشمندی که آستر محکمی داشت، ساخته شد. کمربند کعبه را طبق معمول گذشته گلدوزی کردند و آیات قرآنی را به وسیله تارهای نقره‌ای مطلا بر آن آذین نمودند. و همچنین پرده در کعبه (برقع) را گلدوزی کردند و به وسیله تارهای یاد شده به آن آذین بستند. در آن زمان، شیخ «عبداللّه السلیمان الحمدان» وزیر دارایی سعودی برای تحقّق این آرمان، در مدت زمان کوتاه، کوشش فراوان کرد. و سرانجام کعبه مکرمه در تاریخ

ص: ۲۴۸

مقرر؛ یعنی در روز دهم ذی حجه سال ۱۳۴۵ ه. ق. به وسیله جامه یاد شده پوشانیده شد.

در محرم سال بعد (۱۳۴۶) ملک عبدالعزیز فرمانی مبنی بر تأسیس کارگاه ویژه برای ساختن جامه کعبه صادر کرد و به دنبال این فرمان، وزیر دارایی، شیخ عبداللّه السلیمان، کارگاه یاد شده را در منطقه اجیاد و در مقابل اداره دارایی، در مکه مکرمه، در زمینی که مساحت آن به حدود ۱۵۰۰ متر مربع می‌رسید، تأسیس کرد. کارگران بی درنگ عملیات ساختمانی آن را آغاز کردند و این ساختمان، پس از گذشت شش ماه اول سال ۱۳۴۶ ه. ق. به پایان رسید.

بنابراین، ساختمان یاد شده نخستین کارگاهی بود که در طول دوران‌های گذشته؛ یعنی از دوران جاهلیت تا کنون، در حجاز برای تهیه جامه کعبه راه اندازی شد.

از سوی دیگر، مسؤولان عربستان، ضمن انجام عملیات ساختمانی کارگاه، اقدام به تهیه امکانات لازم برای آغاز عملیات جامه بافی کردند. این امکانات عبارت بودند از مواد خام لازم برای ساخت جامه؛ مانند ابریشم و مواد رنگرزی و نیز دستگاه‌های پارچه بافی که به وسیله آن پارچه‌های جامه بافته می‌شد. مهم‌تر از همه، فراهم کردن کارگران فنی لازم برای کار در بخش‌های گوناگون این کارگاه؛ از رنگرزی ابریشم تا بافت و آذین‌بندی آن به وسیله تارهای نقره‌ای مطلا بود.

در واقع می‌توان ادعا کرد که هیچ یک از عناصر سه‌گانه اساسی ساخت جامه در دسترس دولت عربستان سعودی نبود، لیکن با این حال، در فراهم آوردن آنها از هیچ کوششی دریغ ننمود تا بتواند جامه کعبه را پیش از فرا رسیدن موسم آماده و مهیا سازد.

در این میان سعی و کوشش بی دریغ سه نفر در به تحقق رسیدن این کارِ سنگین، بسیار مؤثر و کار ساز بود و آنها عبارت بودند از: شیخ عبداللّه السلیمان- وزیر دارایی آن دوران- و شیخ عبدالرحمن مظهر- که پست مترجمی در وزارت امور خارجه عربستان را داشت و رییس مطوفین هندی بود که به عنوان نخستین مدیر کارگاه جامه بافی تعیین شد- و مرد سوم شیخ اسماعیل غزنوی یکی از علما و دانشمندان هندی تبار بود.

ص: ۲۴۹

شیخ سلیمان و شیخ مظهر سعی در به تحقق رسیدن ساختمان کارگاه در کوتاه‌ترین زمان ممکن را داشتند که سرانجام بدان دست یافتند و ساختمان کارگاه را در کمتر از شش ماه به صورت یک طبقه آماده بهره‌برداری کردند. از سوی دیگر در همان وقت، عالم هندی، شیخ غزنوی در صدد فراهم نمودن عناصر سه‌گانه اصلی مورد لزوم در کارگاه جامه برآمد که شامل مواد اولیه و دستگاه‌ها و کارگران فنی بود و سرانجام کوشش‌های وی به نتیجه رسید و در آغاز ماه رجب همان سال (۱۳۴۶ ه. ق.) دوازده دستگاه بافندگی دستی و انواع گوناگونی از پارچه‌های ابریشم دلخواه و مواد رنگرزی لازم و نیز کارگران فنی ماهر که تعداد آنان به شصت می‌رسید، از هند به مکه مکرمه وارد گردید.

کارگران فنی شامل چهل نفر استاد کار نساجی و گلدوزی بودند (که کار زردوزی بر پارچه‌ها را به عهده داشتند)، و بیست نفر دیگر کارگران کمکی به حساب می‌آمدند که با رسیدن آنان به مکه مکرمه، نصب دستگاه‌های بافندگی دستی آغاز گردید و از آن پس، کار در بخش‌های مختلف کارگاه، تعیین شد و در فرجام همگی با تمام سعی و کوشش و جدیت کار ساخت جامه کعبه و زردوزی آن را آغاز کردند تا این که در پایان ماه ذی‌قعده سال ۱۳۴۶ ه. ق. تمامی کارها را به پایان رسانیدند. (۱) ۳۱۸ گفتنی است جامه ساخته شده، شبیه جامه مصری بود، با کیفیتی نیکوتر و استحکام بیشتر از نظر بافت و صنعت و گلدوزی.

جامه اصلی کعبه (احمال) از ابریشم سیاه بود که جمله «لا الهَ الّا اللّه، مُحَمَّدٌ رَسُولُ‌اللَّه» به شکل عدد (۸) در تمامی زمینه آن دیده می‌شد. در پایین و درون این جمله، در داخل دو ضلع عدد (۸) کلمه «یا اللّه» و بر ضلع راست عدد (۸) از بالا کلمه «جَل جَلالُه»، و نیز بر بالای ضلع چپ عدد یاد شده کلمه «جَلَّ جَلالُه» آذین گردیده بود.

کمربند جامه نیز از جهت عرض، مانند عرض کمربندی بود که از مصر ارسال می‌شد و تمامی آن با تارهای نقره‌ای مطلا زردوزی شده بود. نوشته‌های روی آن به وسیله طراح هنرمند و فنی وزارت دارایی و خط نگار مشهور محمد ادیب أفندی به

۱- حسین عبداللّه باسلامه، تاریخ الکعبهٔ المعظمه، صص ۲۹۵- ۲۹۲ و توسعهٔ الحرمین الشریفین- از نشریات وزارت اعلام وابسته به دولت عربستان سعودی (بدون تاریخ) ص ۱۲۴

ص: ۲۵۰

صورتی بسیار زیبا و دلپسند خود نمایی می کرد.

نوشته‌های روی کمربند نیز همان آیاتی بودکه بر روی کمربند جامه مصری، در کلیه سمت‌ها قرار داشت. تنها تفاوت این‌کمربند درسمت شمالی آن بود؛ همان سمت ناودان و حجر اسماعیل که بر روی این قسمت عبارت زیر نقش بسته بود:

«هذه الکسوهٔ صنعت فی مکهٔ المبارکهٔ المعظّمهٔ بأمر خادم الحرمین الشریفین جلالهٔ الملك الإمام عبدالعزیزبن عبدالرحمن الفیصل آل‌سعود ملك المملکهٔ العربیّهٔ السعودیّهٔ أیّده‌اللَّه تعالی بنصره، سنهٔ ۱۳۴۶ ه. علی صاحبها أفضل التحیّهٔ و أتمّ التسلیم».

اما برقع (پرده درِ کعبه معظمه) نیز همانند برقع ارسالی به همراه جامه مصری بود؛ یعنی تمامِ زمینه آن، به وسیله تارهای نقره‌ای زردوزی شده بود.

و در آن، همان آیات و عباراتی دیده می‌شد که بر برقع ارسالی از مصر نوشته شده بود و تنها تفاوتش در مستطیل‌های چهار گانه میانی پرده بود که بیشتر بر روی آنها عبارات اهدا نوشته می‌شد و اکنون باآیه: وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقاً، وَنُنَزِّلُ مِنْ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَاراً، تزیین شده است.

و همچنین در پایین پرده، در زمینه دو دایره کوچک، عبارت: «صنع بمکّهٔ المکرّمهٔ سنهٔ ...» را افزوده‌اند.

کعبه معظمه در آن سال ۱۳۴۶ ه. ق. به وسیله این جامه، که نخستین جامه ساخت مکه مکرمه به شمار می‌آمد، پوشانیده شد. به همین مناسبت مدیر نخستین کارگاه جامه بافی، شیخ «عبدالرحمن مظهر» افزون بر جایزه ارزشمندی که از سوی دولت در اختیارش گذاشته شد، تقدیرنامه‌ای هم در ازای زحمات و کوشش‌هایش که در به تحقق رسانیدن ساخت این جامه از خود نشان داد، گرفت.

در سال ۱۳۴۷ ه. ق. مدیر دیگری به نام حاج محمد خان برای اداره کارگاه جامه بافی مکه مکرمه تعیین گردید که دولت نامبرده را متعهد ساخت تا اقدامات لازم را نسبت به تعلیم کارگران در زمینه بافت و گلدوزی و سایر بخش‌های تهیه جامه به عمل آورد و او نیز در این زمینه سعی و کوشش فراوان نمود تا این که در نتیجه این کوشش‌ها کعبه معظمه

ص: ۲۵۱

در سال ۱۳۵۲ ه. ق. به وسیله جامه‌ای که تمامی آن به دست کارگران محلی ساخته و پرداخته شده بود، پوشانیده شد.

در همین سال، مدیر جدیدی به نام شیخ احمد سالم الجوهری (۱) ۳۱۹ را به مدیریت کارگاه برگزیدند که نامبرده تا سال ۱۳۵۵ ه. ق. در این سمت باقی ماند.

کارگاه جامه بافی اجیاد همچنان تا سال ۱۳۵۸ ه. ق. به فعالیت خویش ادامه داد تا این‌که یادداشت تفاهمی میان دو دولت مصروسعودی درسال ۱۳۵۸ ه. ق. برقرار گردید که بر طبق آن قرارداد، مصر ارسال جامه به کعبه معظمه را از سر گرفت. این وضع همچنان تا سال ۱۳۸۱ ه. ق. ادامه یافت و مصر همه ساله جامه کعبه را مانند گذشته ارسال می‌کرد تا این‌که در این‌سال‌بر اثراختلافات سیاسی، روابط میان دولت مصر و عربستان تیره شد. با این حال و با وجود اختلافات، دولت مصر مانند گذشته جامه را ارسال کرد اما دولت عربستان- همچنان که در پیش یاد آور شدیم- مانع پیاده شدن جامه از کشتی شد. از آن هنگام بود که ارسال جامه کعبه مشرفه از مصر متوقف گردید و عربستان اقدام به بازگشایی کارگاه جامه بافی در جایگاه تازه‌ای به نام «جروَل» و در کنار خانه وزیر دارایی اسبق، عبداللّه‌السلیمان، درمکه‌مکرمه‌نمود. این‌بازگشایی در سال ۱۳۸۲ ه. ق. صورت پذیرفت.

این کارگاه تا سال ۱۳۹۷ ه. ق. به ساخت جامه کعبه مشرفه می‌پرداخت که در این سال ساختمان کارگاه جامه بافی جدید در منطقه «امّ الجود» واقع در مکه مکرمه آغاز به فعالیت نمود و از آن زمان تا کنون این کارگاه به فعالیت خویش در زمینه تهیه و ساخت جامه کعبه مشغول است.

«امّ الجود» کارگاه جامه بافی جدید در مکه مکرمه:

(۲) ۳۲۰

دولت عربستان همواره نسبت به پیشرفت صنعت جامه بافی توجه ویژه داشته و خواهان رسیدن آن به درجه‌ای والا از نظر دقت و متانت و مرغوبیت بوده

۱- نک: تاریخ الکعبهْ المعظمه، صص ۲۹۵ و ۳۰۰

۲- مؤلف در چهارشنبه، سوم رجب سال ۱۴۰۴ ه. ق./ ۴ آوریل ۱۹۸۴ م. به دیدار این کارگاه رفته و مراحل گوناگون جامه بافی و بخش‌های مختلف آن را از نزدیک مشاهده کرده است. نامبرده این بخش را با توجه به مشاهدات خویش از نزدیک نسبت به جامه کنونی کعبه به قلم آورده است.

ص: ۲۵۲

است. در این راستا «ملک فیصل‌بن عبدالعزیز آل سعود» در سال ۱۳۹۲ ه. ق.

فرمان تأسیس کارگاه نوینی برای جامه کعبه شریفه را صادر کرد. پس از صدور این فرمان، کارگاه با سبک نوینی تأسیس شد که در آن پیشرفته‌ترین دستگاه‌های مکانیکی بافندگی به همراه دستگاه‌های بافندگی دستی و نیز ماشین آلات نخ‌ریسی و کلاف بندی همچنین دستگاه‌های رنگرزی و جز اینها که برای صنعت جامه و زردوزی آن نیاز بود، فراهم گردید. ساختمان آن، در روز شنبه هفتم ربیع الثانی سال ۱۳۹۷ ه.

/ ۲۶ مارس سال ۱۹۷۷ م. در دوران ملک خالدبن عبدالعزیز به پایان رسید و بازگشایی گردید.

این کارگاه دارای بخش‌های مختلفی بود. از بخش رنگرزی تارهای ابریشم آغاز شد، سپس مراحل بافت را طی نمود و در پایان به بخش زردوزی و آذین آن به وسیله تارهای نقره‌ای مطلا رسید.

این کارگاه افزون بر جامه بافی، فرش‌های پنبه‌ای مورد نیاز مساجد عربستان را نیز تولید می‌کند. همچنان که بخش گلدوزی (زردوزی) آن- در کنار زردوزی جامه شریفه- به زردوزی و آذین پرچم‌های دولتی نیز می‌پردازد. در این کارگاه حدود یکصد و شصت کارگر مشغول به فعالیت هستند. علاوه بر آن، تعدادی نیز در ساختمان اداری آن مشغول به کار می‌باشند.

بخش‌های مختلف کارگاه:

کارگاه جدید جامه بافی دارای بخش‌های زیر می‌باشد:

الف- بخش رنگرزی:

در این بخش تعداد ده کارگر فنی، به همراه برخی کارگران ساده مشغول فعالت می‌باشند. این بخش ویژه عملیات رنگرزی تارهای ابریشم طبیعی است که به وسیله آن جامه بیرونی و نیز جامه درونی کعبه مکرمه ساخته می‌شود. تارهای جامه بیرونی را با رنگ سیاه، و تارهای جامه درونی را به رنگ سبز آغشته می‌کنند.

ص: ۲۵۳

؟؟؟ ص ۳۵ کتاب مصنع الکعبة

؟؟؟ ص ۳۶ کتاب مصنع الکعبة

ص: ۲۵۴

؟؟؟ ص ۳۷ کتاب مصنع الکعبهٔ

آنـان ابتـدا تارهای ابریشم سـفید را به وسـیله دست با آب جوش و صابون شـست وشو می‌دهنـد تا بدین‌وسـیله تارها را از ماده جـدا کننده و آن را پیش از رنگرزی خالص نمایند.

آنگـاه پس از خشـک کردن آنها، عملیات رنگرزی به وسـیله مواد شـیمیایی صورت گرفته و تارها را آن‌چنان رنگ می‌کننـد که به گفته یکی از مسؤولان این بخش، به مدت طولانی، گاه تا بیست سال در برابر اشعه خورشید ثابت و بدون تغییر می‌مانند.

بعـد از عملیـات رنگرزی، تارهای رنگ شـده را در چهار حوض با دقت شـست وشو می‌دهنـد؛ به طوری که در پایان، آب عملیات شست وشو سـفید می‌شود! سـپس به وسـیله دستگاه‌های مکانیکی ویژه‌ای که بدین منظور در سال ۱۴۰۴ ه./ ۱۹۸۴ م. به کشور وارد شده، تارهای رنگ شده را خشک می‌کنند.

گفتنی است دو جـامه بیرونی و درونی کعبه همواره از یک نوع ابریشم طبیعی بافته شـده، با این تفاوت که ضـخامت تارهای به کار رفتـه در جـامه بیرونی سه برابر ضـخامت جـامه درونی بـوده است. و این بـدان جهت است که جـامه بیرونی بایـد دارای اسـتحکام و قدرت بیشتری باشد و بتواند در برابر عوامل طبیعی مقاومت کند. این تارها از بهترین انواع ابریشم طبیعی موجود در جهان است و به همین منظور دولت عربسـتان اقـدام به وارد کردن آن از شـهر میلاـن ایتالیـا می‌کنـد. سـپس از این تارهـا ابریشم از ژاپن و چین وارد می‌شد لیکن اکنون با توجه به مرغوبیت ابریشم ایتالیا نسبت به دو کشور چین و ژاپن،

ص: ۲۵۵

دولت اقدام به وارد کردن آنها از کشور یاد شده می کند.

ب- بخش بافندگی دستی

این بخش از دو سالن تشکیل می‌شود؛ سالن نخست ویژه بافتن پارچه جامه بیرونی است و سالن دوم اختصاص به بافتن پارچه جامه درونی کعبه دارد.

* سالن بافت جامه بیرونی:

ص ۳۹ کتاب مصنع کعبهٔ

در این بخش تعداد پنجاه و دو نفر کارگر فنی مشغول به کار می‌باشند. کارگران بر روی هشت دستگاه پارچه بافی دستی از نوع «جاکار» نوشته‌ها را به صورت نقش‌های گوناگون در زمینه پارچه‌های ابریشمی می‌بافند. در این بخش جامه بیرونی کعبه به وسیله ابریشم سیاه که بر آن نقش و نگارها و نوشته‌های گوناگون در زمینه‌ای سیاه بافته می‌شود.

نوشته‌های زمینه جامه عبارتند از: «لا الهَ الَّا اللّه، مُحَمَّدٌ رَسُولُ‌اللَّه»، «سُبْحانَ اللَّهِ، بِحَمْدِهِ»، «سُبْحانَ‌اللَّهِ الْعَظِيمِ» و «یا حَنَّانُ یا مَنَّانُ یا اللَّه». ملاحظه می‌شود که جامه سعودی برخی عبارات را به صورت نقش در زمینه جامه بافته و به آن افزوده است، در حالی که جامه مصری تنها به عبارت «لا الهَ الَّا اللّه، مُحَمَّدٌ رَسُولُ‌اللَّه»، بسنده کرده بود.

ص: ۲۵۶

ناگفته نماند که جامه بیرونی، همواره از دو نوع ابریشم طبیعی سیاه ساخته می‌شود؛ بدین صورت که تارهایش از بهترین و مرغوب‌ترین انواع ابریشم و پود آن از ابریشم طبیعی سیاه درجه دو است.

همچنین در این سالن آستری جامه بیرونی از پنبه سفید ساخته می‌شود که این آستر به وسیله دستگاه پارچه بافی دستی ویژه‌ای آماده و مهیا می گردد.

* سالن بافت جامه درونی:

در این سالن شانزده کارگر فنی و تعدادی دستیار مشغول به کار بوده و در آن پنج دستگاه پارچه بافی دستی از نوع «جاکار» قرار دارد.

بر روی هر یک از دستگاه‌های یاد شده یک کارگر فنّی به همراه یک دستیار مشغول به کار هستند.

جامه درونی کعبه را از ابریشم طبیعی سبز می‌بافند و نوشته‌ها با بافته‌هایی از ابریشم سفید به شکل نقش و نگارهایی بر روی آن بافته می‌شود.

عبارات نوشته شده «لا الهَ الّا اللّه، مُحَمَّدٌ رَسُولُاللّه» است که در بالای آن آیه قَدْ نَرَی تَقَلُّبَ وَجْهِکَ فِی السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّیَنَّکَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا و در زیر آن آیه إِنَّ أَوَّلَ بَیْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِی بِبَکَّةَ مُبَارَکاً وَهُدیً لِلْعَالَمِینَ به چشم می‌خورد.

در میانه کمان‌های آن، زردوزی‌های زیبایی به شکل قندیل خودنمایی می کند که در زمینه آنها، نام‌های پروردگار «یا حَنَّانُ یا مَنَّانُ یا اللّه» و «یا ذَا الْجَلال وَ الْإِکْرام» نوشته شده است. این نقش و نگارها به سبک بسیار زیبایی در کنار هم قرار گرفته است؛ به طوری که بیننده تصور می کند از یک قطعه تشکیل گردیده است، در صورتی که دارای اجزای مختلف است و با قرار داده شدن در کنار هم یک قطعه جلوه می کند. نوشته‌ها هم به خط ثلث بسیار زیبایی است. تنها با کمک گرفتن از بافت دستی است که نقش و نگارهایی این چنین زیبا و دقیق جلوه گر می‌شود.

ج- بخش دستگاه‌های مکانیکی بافندگی:

از بازگشایی و افتتاح کارگاه جامه بافی چند سالی نمی گذرد و در این مدتِ نه

ص: ۲۵۷

چنـدان طولانی، دولت عربستان از هیچ کوششـی نسبت به پیشـرفت و مکانیزه کردن آن به وسـیله دسـتگاه‌های بافندگیِ میکانیکی دریغ نکرده و همچنان سـعی کرده است که جامه کعبه مشـرّفه را با سـبکی نوین و نیکوترین شـکل ارائه دهد و از جهت استحکام و قدرت و زیبایی به درجه‌ای والا برساند.

ص ۳۸ کتاب مصنع کعبهٔ

برای تحقّق بخشـیدن به این هدف، (همان‌گونه که پیشتر اشاره شد) در این بخش دستگاه‌های مکانیکی نوینی در رشته بافندگی راه انداخت که بیشتر در زمینه ساختن آستری جامه بیرونی کعبه و نیز در برخی موارد به ساختن پارچه جامه بیرونی به جای دستگاه‌های پـارچه بـافی دستی فعـالیت می‌کننـد، لیکن بـا این حال سـبک پارچه بافی دستی آن، با توجه به دقت و آسانی بافتن ابریشم؛ به ویژه پس از رنگرزی و نیز سادگی تغییر آن همچنان در برخی موارد به قوت خویش باقی مانده است.

این بخش از دو سالن تشکیل شده است:

سالن نخست- این بخش دارای هفت دستگاه میکانیکی بافندگی است که ده کارگر فنی روی آن مشغول به فعالیت هستند.

ص: ۲۵۸

این سالن در ساختن آستر سفید جامه بیرونی کعبه و نیز بافتن پارچه ابریشم سیاه ساده که از آن کمربند و پرده در کعبه مشرّفه (برقع) ساخته می‌شود، فعالیت دارد. بر روی پارچه‌هایی که ویژه کمربندها و پرده در کعبه بوده، حروف برجسته با زردوزی‌هایی به وسیله تارهای نقره‌ای مطلّا، آذین می گردد.

گفتنی است در این سالن فرش‌های پنبه‌ای عادی که از آن در مساجد عربستان استفاده می‌شود، می‌سازند.

در این سالن همچنین دستگاه میکانیکی دیگری برای ساختن تارهای به کار رفته در دستگاه‌های بافندگی دستی و میکانیکی و نیز دو دستگاه میکانیکی ویژه پر کردن ماسوره‌های بافندگی برای چرخ‌های میکانیکی و همچنین دستگاه میکانیکی دیگری برای پر کرد ماسوره‌های مخصوص تارها وجود دارد.

سالن دوم- در این سالن یکی از پیشرفته‌ترین دستگاه‌های بافندگی میکانیکی را نصب کرده‌اند که چهار کارگر فنی به صورت متناوب بر روی آن مشغول به کار هستند.

این دستگاه به بافتن پارچه جامه برونی کعبه از ابریشم سیاه می‌پردازد که نوشته‌ها را در زمینه آن به رنگ سیاه می‌بافد.

اما جامه درونی کعبه، تا کنون همچنان به وسیله دستگاه‌های بافندگی دستی آماده می گردد.

د- بخش کمربند و پرده در کعبه

این کارگاه دارای بخش ویژه‌ای است که به گلدوزی کمربند کعبه مشرفه و پرده درِ آن، بر روی پارچه ابریشم سیاه می‌پردازد. در این قسمت شصت کارگر فنی مشغول به فعالیت‌اند. تمامی کارهای این بخش دستی انجام می‌شود و کارگران آن، عملیات گلدوزی را به وسیله سوزن‌های دستی به گونه‌ای به انجام می‌رسانند که حروف نوشته شده، بنا به موقعیت‌های گوناگون آن، به صورتی برجسته به وجود می‌آیند.

عملیات گلدوزی در چهار مرحله انجام می‌شود:

درمرحله نخست: حدودنوشته‌ها را (حروف کتابی) به وسیله نخ‌ها مشخص می کنند.

ص: ۲۵۹

در مرحله دوم: کارگران به پر کردن حروف به وسیله نخ‌های پنبه‌ای می‌پردازند.

در مرحله سوم: نخ‌های پنبه‌ای زرد رنگ، پوششی بر روی نوشته‌ها قرار می‌دهند به گونه‌ای که این وضعیت متناسب با قرار داده شدن تارهای نقره‌ای مطلا بر روی آن باشد.

و در مرحله چهارم: که مرحله پایانی است، کارگران اقدام به قرار دادن تارهای نقره‌ای مطلا- بر روی حروف می‌کنند و در این مرحله، آذین‌بندی نوشته‌ها به زیباترین شکل خودنمایی می‌کند.

کمربندهای قرار گرفته بر پیرامون جامه، شانزده قطعه است که در هر یک از سمت کعبه، چهار قطعه قرار داده می‌شود.

نوشته روی آنها در هر سمت با «بسم‌اللَّه ...» آغاز شده و سپس آیات مورد نظر تا پایان آن دیده می‌شود. از آن پس، به دنبال آن، در سمت دیگر بار دیگر با «بسم‌اللَّه ...» آغاز گردیده و آیات پس از آن دیده می‌شود و تا آخر همین گونه است.

لازم به گفتن است که پرده درِ کعبه، جهت آسانی کار، از پنج قطعه تشکیل گردیده که در پایان تمامی قطعات به هم متصل شده و قطعه واحدی را به وجود می‌آورد.

این قطعه دارای طولی به اندازه هفت متر و نیم و عرضی به مقدار چهار متر می‌باشد. تمامی زمینه پرده یاد شده، به وسیله آیات قرآنی زردوزی شده با تارهای نقره‌ای مطلا، آذین گردیده است.

جامه ساخت عربستان

قسمت‌های جامه بیرونی کعبه معظمه:

۱- جامه اصلی کعبه (احمال)

این جامه از پارچه ابریشم طبیعی سیاه تشکیل گردیده که تعداد آنها به ۴۸ قطعه (۱۰۰ سانتیمتر* ۵/ ۱۴ متر) می‌رسد. در قطعه‌های یاد شده از جامه اصلی کعبه، مقدار ۶۷۰ کیلوگرم ابریشم سفید، پس از رنگ‌آمیزی آنها در داخل کارگاه به رنگ سیاه،

ص: ۲۶۰

مصرف شده است. برای رنگ‌آمیزی این مقدار ابریشم، حدود ۷۲۰ کیلوگرم رنگ و اسیدهای لازم به کار می‌رود. ضخامت پارچه به حدود دو میلیمتر می‌رسد که از درون به وسیله پارچه سفید پنبه‌ایِ ضخیم آستر می‌شود.

در زمینه جامه اصلی کعبه، نقش و نگارهایی به صورت بافته سیاه و با عبارات:

«لا الهَ الَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» و «سُبْحانَ اللَّه وَ بِحَمْدِهِ» و «سُبْحانَ اللَّه الْعَظِیم» و «یا حَنَّانُ یا مَنَّانُ یا اللَّهُ» دیده می‌شود که عبارات یاد شده بر روی تمامی قطعات تکرار می گردد.

کمربند کعبه و نوشته‌های روی آن:

این کمربند از پارچه ابریشم طبیعی سیاه ساده ساخته می‌شود. کمربند کعبه شامل ۱۶ قطعه است که در هر یک از سمت‌های چهارگانه کعبه، چهار قطعه قرار داده می‌شود.

طول آن (محیط کعبه) ۴۵ متر و عرض آن ۹۵ سانتیمتر می‌باشد. کمربند بر روی جامه اصلی، بر کعبه مشرفه و در ارتفاع ۹ متری از زمین استوار می گردد.

بر روی قطعه‌های کمربند در جامه سعودی، آیات قرآنی با خط زیبای ثلث عربی نقش گردیده که حروف این نوشته‌ها به وسیله تارهای طلایی (تارهای نقره‌ای مطلا) آذین شده است. آیات یاد شده به همراه دیگر نوشته‌های جامه کعبه شریفه، به وسیله «شیخ عبدالرحیم امین عبداللَّه بخاری» نوشته شده است. نامبرده یکی از کارگران شرکت تولید کننده در ساخت جامه کعبه، از دوران ملک عبدالعزیز آل سعود به شمار می‌آید.

چیزی که یادآوری‌اش ضروری است، این است که آیات قرآنی نوشته شده بر جامه سعودی، همان آیاتی است که پیش از این بر تمامی سمت‌های چهارگانه جامه مصری نوشته می‌شد. البته در این میان تفاوت‌های اندکی به چشم می‌خورد که به علت کم و زیاد کردن برخی نوشته‌ها و نیز اضافه کردن تعدادی قطعه نوشته شده است که در زیر قطعه‌های کمربند، در جهات چهارگانه کعبه قرار داده می‌شود.

برای روشن شدن مطلب، آیات قرآنی نوشته شده بر کمربند را، به همراه تغییراتی که نسبت به جامه مصری داده شده، می‌آوریم و آنگاه به قطعه‌های نوشته شده جدید و

ص: ۲۶۱

آیات قرآنی که بر آنها نقش بسته است، اشاره می کنیم:

در آغاز به نوشته‌های روی کمربند کعبه می‌پردازیم:

سمت شرقی (که در آن درِ کعبه قرار دارد)، دارای چهار قطعه از کمربند بوده و نوشته‌های آن، از ابتدای رکنی است که درِ ورودی به حطیم (حجر اسماعیل علیه السلام) آغاز می گردد:

به قطعه نخستین: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیم، وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَیْتَ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِیمَ مُصَلًّی.

بر قطعه دوم: وَعَهِدْنَا إِلَی إِبْرَاهِیمَ وَإِسْمَاعِیلَ أَنْ طَهِّرَا بَیْتِی لِلطَّائِفِینَ وَالْعَاكِفِینَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ.

بر قطعه سوم: وَإِذْ یَرْفَعُ إِبْرَاهِیمُ الْقَوَاعِدَ مِنْ الْبَیْتِ وَ إِسْمَاعِیلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ.

بر قطعه چهارم: رَبَّنَا وَ اجْعَلْنَا مُسْلِمَیْنِ لَكَ وَمِنْ ذُرِّیَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَ أَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَیْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِیمُ نقش گردیده است.

در سمعت جنوبی- که میان حجر الأسود و رکن یمانی واقع گردیده است- نوشته‌ها از بالای حجر الأسود بدین صورت آغاز می گردد:

بر قطعه نخستین: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیم، قُلْ صَدَقَ اللَّهُ فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِیمَ حَنِیفاً وَمَا كَانَ مِنْ الْمُشْرِكِینَ.

بر قطعه دوم: إِنَّ أَوَّلَ بَیْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِی بِبَكَّةَ مُبَارَكاً وَهُدیً لِلْعَالَمِینَ.

بر قطعه سوم: فِیهِ آیَاتٌ بَیِّنَاتٌ مَقَامُ إِبْرَاهِیمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِناً.

و بر قطعه چهارم: وَلِلَّهِ عَلَی النَّاسِ حِجُّ الْبَیْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَیْهِ سَبِیلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِیٌّ عَنْ الْعَالَمِینَ نقش شده است.

با مقارنه‌ای که در سمت جنوبیِ کعبه با نوشته‌های کمربند بر جامه مصری به عمل آوریم، ملاحظه می کنیم که آیه‌ای از آیات قرآنی نوشته شده بر جامه سعودی، نسبت به جامه مصری کم شده و نیامده است؛ زیرا در جامه مصری، به دنبال آیه یاد شده در قطعه چهارم، این آیه نیز نوشته می‌شده است:

ص: ۲۶۲

قُلْ یَا أَهْلَ الْکِتَابِ لِمَ تَکْفُرُونَ بِآیَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ شَهِیدٌ عَلَی مَا تَعْمَلُونَ.

در سمت غربی- که میان رکن یمانی و حجر اسماعیل واقع است- نوشته‌های روی کمربند ابتدا از سمت رکن یمانی آغاز گردیده است. در این سمت نیز آیات بر روی قطعه‌ها این چنین نقش بسته است:

بر قطعه نخستین: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ، وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِیمَ مَکَانَ الْبَیْتِ أَنْ لَا تُشْرِکْ بِی شَیْئاً وَطَهِّرْ بَیْتِی لِلطَّائِفِینَ وَالْقَائِمِینَ وَالرُّکَّعِ السُّجُودِ.

بر قطعه دوم: وَأَذِّنْ فِی النَّاسِ بِالْحَجِّ یَأْتُوکَ رِجَالًا وَعَلَی کُلِّ ضَامِرٍ یَأْتِینَ مِنْ کُلِّ فَجٍّ عَمِیقٍ.

بر قطعه سوم: لِیَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَیَذْکُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِی أَیَّامٍ مَعْلُومَاتٍ عَلَی مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِیمَةِ الْأَنْعَامِ فَکُلُوا مِنْهَا.

بر قطعه چهارم: وَأَطْعِمُوا الْبَائِسَ الْفَقِیرَ* ثُمَّ لْیَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلْیُوفُوا نُذُورَهُمْ وَلْیَطَّوَّفُوا بِالْبَیْتِ الْعَتِیقِ.

و اما در سمت شمالی- که در آن حجر اسماعیل قرار دارد- آیات زیر منقوش است:

قطعه نخستین: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ، الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِیهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِی الْحَجّ.

بر قطعه دوم: وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَیْرٍ یَعْلَمْهُ اللَّهُ ... که در سمت شمالی جامه مصری، تا این نقطه نوشته‌ها به پایان رسیده و بر باقیمانده کمربند در این سمت عبارت اهدا نقش بسته است. اما در جامه سعودی- که اکنون از آن سخن می‌گوییم- عبارت اهدا بر روی قطعه‌ای جدا از آن نوشته شده و بر سمت شرقی در زیر کمربند آن قرار داده می‌شود. به همین جهت برخی آیات قرآنی دیگر، در دنباله آیه یاد شده، در آن سمت، بر روی قطعه‌ها نقش می‌گردد. بنابراین در دنباله قطعه دوم این آیه اضافه گردیده است:

؟؟؟؟؟؟؟ تصاویر ص ۲۷ ۱ و ۲ کتاب مصنع الکعبة

ص: ۲۶۳

؟؟؟؟؟؟؟ تصاویر ص ۲۷ شماره ۳ و ص ۲۸ شماره ۱ کتاب مصنع الکعبهٔ

؟؟؟؟؟؟؟ تصاویر ۲۸ شماره ۲ و ۳ کتاب مصنع الکعبهٔ

... وَ تَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوى وَ اتَّقُونِ يا أُولِي الْأَلْبابِ.

بر قطعه سوم: لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ فَإِذَا أَفَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ.

؟؟؟؟؟؟؟ تصاویر ص ۲۹، ۳ تصویر کنار هم کتاب مصنع الکعبهٔ

و بر قطعه چهارم: وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَاكُمْ وَإِنْ كُنتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الضَّالِّينَ* ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ.

؟؟؟؟؟؟؟ تصاویر ۲۹ یک تصویر پایین و یک تصویر بالا کتاب مصنع الکعبهٔ

ص: ۲۶۴

اما قطعه‌هایی که در جامه سعودی اضافه گردیده، عبارتند از: سه قطعه نوشته شده که در زیر کمربند جهات مختلف کعبه مشرفه قرار داده می‌شود.

در زمینه قطعه‌های یاد شده، آیات قرآنی با حروفی برجسته به چشم می‌خورد که به وسیله تارهای نقره‌ای مطلا زیور گردیده است. این آیات عبارتند از: وَ إِذا سَأَلَکَ عِبادِی عَنِّی فَإِنِّی قَرِیبٌ أُجِیبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذا دَعانِ.

وَإِنِّی لَغَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحاً ثُمَّ اهْتَدَی.

وَمَنْ یَعْمَلْ سُوءاً أَوْ یَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ یَسْتَغْفِرْ اللَّهَ یَجِدْ اللَّهَ غَفُوراً رَحِیماً.

۳- کردشیات:

در جامه سعودی چهار قطعه مربع وجود دارد که سوره اخلاص را در زمینه آن با خط عربی ثلث زیور نموده‌اند. این نوشته‌ها همگی با تارهای نقره‌ایِ مطلا آذین شده است. هر یک از قطعه‌های یاد شده را در یکی از ارکان کعبه مشرفه قرار می‌دهند. در حالی که در جامه مصری، کردشیات چهارگانه را در سمت شرقی که دَرِ کعبه در آن است در کنار یکدیگر قرار می‌دادند.

اما «رِنک» ها و آنها عبارتند از دایره‌هایی که در زمینه‌اش عبارات «یا حَنّانُ یا مَنَّانُ یا سُبْحان» نوشته شده و در جامه مصری در فاصله میان قطعه‌های کمربند قرار داده می‌شد، اما در جامه سعودی از آن استفاده نمی‌شود.

۴- پرده در کعبه مشرفه (برقع) و نوشته‌های روی آن:

پرده در کعبه ساخت عربستان نظیر پرده درِ کعبه ساخت مصر، از چهار قطعه تشکیل می‌گردد، لیکن در دوران اخیر، درِ جامه سعودی، قطعه پنجمی را در پرده دَر افزوده‌اند که آن را در پایین پرده قرار داده و عبارت اهدا را بر روی آن نقش کرده‌اند.

با پیوستن قطعه پنجم به پرده دَر کعبه، طول آن اکنون به هفت متر و نیم و عرض آن به چهار متر می‌رسد.

این پرده با عبارات و آیات قرآنی و نقش و نگارهایی در هر یک از قسمت‌های آن

ص: ۲۶۵

آذین گردیده است که تمامی نقش و نگارها و نوشته‌ها با حروفی برجسته به وسیله تارهای نقره‌ای مطلا، آن چنان زیور گردیده است که این پرده خود آیه‌ای از زیبایی و متانت به شمار می‌آید.

آذین و نقش و نگارها و نوشته‌های روی پرده یاد شده عبارتند از:

* در پیرامون پرده دَر کعبه، حاشیه‌ای است مستطیل شکل، آراسته به نقش و نگارها که در میانه آن مستطیل‌های بیضی شکل و کردشیات مربع شکل دیده می‌شود و در زمینه هر یک از آنها نوشته‌هایی از آیات قرآن و عبارات دینی به چشم می‌خورد.

* در سر تا سر این مستطیل، از درون، تعداد بسیاری دایره و مستطیل‌های بیضی شکل دیده می‌شود. اما دایره‌ها که تعداد آنها به یازده می‌رسد که دو دایره در میانه پرده دیده می‌شود. در هشت تا از آنها عبارت: «اللَّهُ رَبِّی» و در سه دایره باقیمانده عمودی، در میانه پرده، از بالا به پایین عبارت: «اللَّهُ حَسْبِی» نقش بسته است. اما در زمینه مستطیل‌های بیضی شکل که در سر تا سر درون حاشیه قرار داشته و تعداد آنها به ده می‌رسد، در مجموع آنها «سوره فاتحه» نوشته شده است.

* اما در سایر قسمت‌های پرده، در زمینه آن از بالا به پایین، این گونه است:

در قسمت بالای پرده دو مستطیل بیضی شکل قرار دارد که میان آن دو یک دایره «اللَّهُ حَسْبِی» دیده می‌شود و در زمینه دو مستطیل آیه قرآنی قَدْ نَرَی تَقَلُّبَ وَجْهِکَ فِی السَّمَاءِ، فَلَنُوَلِّیَنَّکَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا، نقش بسته است.

در زیر دو مستطیل یاد شده، مستطیل بزرگ بیضی شکل دیگری قرار دارد که در آن: قالَ اللَّهُ تَعالی: قُلْ یَا عِبَادِیَ الَّذِینَ أَسْرَفُوا عَلَی أَنْفُسِهِمْ لَاتَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ یَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِیعاً آمده است.

در آذین بندی اخیر پرده درِ کعبه، آیه یاد شده به این آیه تغییر داده شده است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیم، وَسَارِعُوا إِلَی مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّکُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِینَ.

در زیر آن مستطیل دیگری قرار دارد که در درون آن، چهار دایره به شکل گلابی است و پیرامون آنها به وسیله تارها زینت داده شده و در زمینه هر یک از آنها آیه اللَّهُ نُورُ

ص: ۲۶۶

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ نقش بسته است.

در زیر آن دو، مستطیل بیضی شکل قرار دارد که میان آن دو، دایره «اللّه حسبی» دیده می‌شود. در زمینه دو مستطیل یاد شده قسمتی از آیهٔ الکرسی، نوشته شده است.

در زیر آن، مستطیل بیضی شکل بزرگی دیده می‌شود که در زمینه آن این آیه نقش بسته است: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ، لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْیَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلُنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِینَ.

در زیر آن دو مستطیل بیضی شکل است که میان آن دایره «اللّه حسبی» قرار دارد.

در زمینه دو مستطیل یاد شده بقیه آیهٔ الکرسی نوشته شده است.

در زیر آنها دو دایره بزرگ قرار دارد که در میان آن دو، چهار مستطیل کوچک یکی بر دیگری دیده می‌شود. در هر یک از دایره‌ها سوره اخلاص نوشته شده که در مرکز دایره لفظ جلاله «اللَّهُ جَلَّ جَلالُهُ» نقش گردیده است. اما در زمینه مستطیل‌های چهارگانه، این نوشته‌ها دیده می‌شود: رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَکُونَنَّ مِنْ الْخَاسِرِینَ.

رَبَّنَا لَاتُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَیْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْکَ رَحْمَةً إِنَّکَ أَنْتَ الْوَهَّابُ.

در آذین اخیر پرده دَرِ کعبه، مستطیل‌های چهارگانه و نوشته‌های روی آن حذف گردیده است. اما در یکی از دو دایره بزرگ که در سمت راست بیننده قرار دارد، «سوره اخلاص» و در دیگری گفته باری تعالی مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِینَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَی الْکُفَّارِ رُحَمَاءُ بَیْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُکَّعاً سُجَّداً دیده می‌شود. در مرکز دو دایره یاد شده «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ» نقش بسته است.

در زیر آن مستطیل بزرگی قرار دارد که در آن: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ، لِإِیلَافِ قُرَیْشٍ* إِیلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّیْفِ* فَلْیَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَیْتِ* الَّذِی أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ صَدَقَ اللَّهُ الْعَظِیم نگاشته شده است.

گفتنی است در پرده کنونی درِ کعبه از این مستطیل اثری دیده نمی‌شود.

در پایین آن، چهار مستطیل بیضی شکل دیده می‌شود که هر دو عدد از آنها، یکی بر دیگری قرار داده شده و در میانه آنها مستطیلی دیده می‌شود که قسمت بالای

ص: ۲۶۷

آن، هماننـد رأس مثلث کشـیده شـده است. امـا در هر یـک از دو مسـتطیل فوقـانی از مسـتطیل‌های چهارگانه، عبارت: «لا اله الا اللّه الْمَلِـکِ الحَقّ الیَقین» و در هر یـک از دو مسـتطیل زیرین عبارت: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ الصّادِقُ الْوَعْـدِ الْأَمِین» نوشـته شـده است. اما در مسـتطیل مثلثی شـکل بالاـی آن عبارت: رَبِّ اجْعَلْنِی مُقِیمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّیَّتِی رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ* رَبَّنَا اغْفِرْ لِی وَلِوَالِـدَیَّ وَلِلْمُؤْمِنِینَ یَوْمَ یَقُومُ الْحِسَابُ نگاشته شده است.

در پرده کنونی درِ کعبه مستطیل‌های چهارگـانه به شـش عـدد افزایش یافته که هر سه عـدد از آنها یکی بر دیگری است و در میانه آنها مستطیل رأس مثلثی قرار داده شده است. بر زمینه مستطیل نخستین از بالا عبارت «لا اله الا اللّه الملک الحق المبین» و بر مستطیل مقابل آن در سـمت چپ عبارت: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ الصّادِقُ الْوَعْدِ الْأَمِین» را نوشـته‌اند. اما در مستطیل‌های چهار گانه باقی: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیم، لِإِیلَافِ قُرَیْشٍ* إِیلَافِهِمْ رِحْلَـةَ الشِّتَاءِ وَالصَّیْفِ* فَلْیَعْبُـدُوا رَبَّ هَذَا الْبَیْتِ* الَّذِی أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ. صَدَقَ اللَّهُ العَظیم نقش بسته است.

اما در زمینه مسـتطیل رأس مثلثی آیه قُلْ یَا عِبَادِیَ الَّذِینَ أَسْـرَفُوا عَلَی أَنْفُسِـهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَـةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ یَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِیعاً إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِیمُ* وَأَنِیبُوا إِلَی رَبِّکُمْ وَأَسْلِمُوا لَهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ یَأْتِیَکُمْ الْعَذَابُ ثُمَّ لَاتُنْصَرُونَ جایگزین آیه پیشین گردیده است.

در قسمت پایین و پایانی پرده درِ کعبه معظمه، قطعه پنجم، که اخیراً بدان اضافه گردیده است، قرار دارد. این قطعه شامل دو مستطیل بزرگ است که تمامی زمینه آن، به استثنای دو مستطیل کوچک، که در میانه آن قرار داده شده، به وسیله نقش و نگارهایی زینت شده و در زمینه دو مستطیل کوچک میانی عبارت اهدای جامه کعبه شریفه نوشته شده است.

در یکی از آن دو، عبارت «صنعت هذه الکسوهٔ فی مکّهٔ المکرمهٔ وأهداها الی الکعبهٔ المشرّفهٔ» و در دیگری «خادم الحرمین الشریفین فهد بن عبدالعزیز آل سعود تقبّل اللّه منه سنهٔ ۱۴۰۳ ه.» نگاشته شده است.

لازم به گفتن است، پرده درِ کعبه مشرفه که اکنون در کارگاه جامه بافی مکه مکرمه

ص: ۲۶۸

ساخته می‌شود، از نظر شکل عمومی و آذین بندی و تقسیمات، و نیز آیات قرآنیِ نوشته بر آن، مانند پرده ساخت مصر است و تنها تغییر اندکی، مانند جابجایی آیات یا عبارات دینی و نیز حذف برخی آیات و جایگزینی آیات دیگر، به چشم می‌خورد.

این گفته با مقایسه پرده ساخت مصر و پرده‌ای که اکنون در مکه مکرمه ساخته می‌شود، می‌تواند آشکار و روشن شود.

جامه درونی کعبه معظمه:

همان‌گونه که پیش از این یاد کردیم: ساخت جامه درونی کعبه مشرفه، از دوران عباسی آغاز گردید؛ بدین صورت که این جامه مانند جامه برونی کعبه به صورت منظم و سالیانه ارسال نمی‌شد، بلکه هر چند سال یک بار و به ویژه به هنگام تکیه هر سلطان بر اریکه سلطنت از سوی وی، به همراه جامه بیرونی ارسال می‌گردید. این وضع دوران عباسی، در دوره ممالیک و عثمانیان نیز به همین منوال ادامه یافت تا آنجا که سلاطین آل عثمان ارسال آن را ویژه خویش نمودند و هر یک پس از رسیدن به تخت سلطنت، خود را ملزم به ارسال آن می‌پنداشتند. آخرین بار که جامه درونی کعبه مشرفه ارسال شد، به هنگام تولیت خلافت به وسیله سلطان عبدالعزیز (عثمانی) در سال ۱۲۷۷ ه. بود. نامبرده جامه‌ای ویژه درون کعبه ارسال نمود که این جامه تا دوران پادشاهی ملک عبدالعزیز آل سعود به حجاز همچنان در درون کعبه باقی ماند در این دوران، جامه ارسالی سلطان عثمانی به وسیله جامه‌ای که از سوی سلطان «بُهره» در هند به سال ۱۳۵۵ ه. ارسال شده بود، تعویض گردید و جامه یاد شده جایگزین جامه پیشین در درون کعبه شد.

از آن پس ملک عبدالعزیز فرمان به ساخت جامه درونی کعبه در مکه مکرمه را صادر کرد که این جامه در سال ۱۳۶۳ ه. در درون کعبه آویخته شد. جامه یاد شده، سال‌ها در درون کعبه باقی ماند تا این که مجدداً از سوی ملک خالدبن عبدالعزیز فرمان دیگری مبنی بر ساختن جامه درونی کعبه صادر شد که این جامه در کارگاه جامه بافی «ام الجود» مهیّا گردید و در سال ۱۴۰۳ ه. جایگزین جامه پیشین درون کعبه شد. سپس در دوران ملک فهدبن عبدالعزیز و به دستور وی، ساخت جامه برای درون کعبه را برای

ص: ۲۶۹

احتیاط آغاز کردند که اکنون (سال ۱۴۰۴ ه.) در کارگاه جامه بافی مشغول به آماده‌سازی آن می‌باشند. (۱) ۳۲۱ جامه درونی کعبه همواره از ابریشم طبیعی سبز بافته شده که نوشته‌های روی آن به وسیله تارهای ابریشم سفید رنگ آذین شده است. این جامه از ۶۴ قطعه (۹۰ سانتیمتر* ۱۰ متر) تشکیل گردیده و کلیه نقش و نگارها و آذین‌های این جامه آن چنان زیبا و دلپسند در کنار هم قرار می‌گیرند که بیننده آن را به صورت قطعه‌ای واحد تصور می‌کند.

لازم به یادآوری است که تمامی نوشته‌ها و آذین‌های موجود بر روی این جامه، مانند نوشته‌ها و آذین‌های جامه درونی ارسالی توسط سلطان عبدالعزیز عثمانی است که در درون کعبه آویخته بود. و تنها تغییری که در این جامه داده شده رنگ جامه بود که پیش از این در دوران عثمانیان جامه به رنگ سرخ بود و نوشته‌های روی آن با رنگ سفید، لیکن‌جامه‌سعودی به‌رنگ سبز ونوشته‌های آن مانند جامه‌عثمانیان به رنگ سفید می‌باشد.

نوشته‌های یاد شده در چهار سطر آذین گردیده است.

سطر اول: قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا.

۱- جامه یاد شده در شعبان سال ۱۴۱۷ هجری پس از عملیات ساختمانی و نوسازی درون کعبه و بیرون آن، که شامل تغییر سنگ‌فرش‌های کف درون کعبه و دیوارهای آن و نوسازی پله‌های درون کعبه و برداشتن سقف دوم در درون کعبه و نیز تغییر سنگ‌های شاذروان در پیرامون کعبه و جز اینها بود، در درون کعبه آویخته شد.

لازم به یادآوری است که همواره جامه درونی کعبه از زیر سقف دوم درون کعبه تا ابتدای سنگ‌های مرمر معرق اطراف کعبه که در ارتفاع تقریبی یکصد و هشتاد سانتیمتری از کف درون کعبه قرار داشت، آویزان می‌شد، لیکن پس از تغییرات یاد شده در سال ۱۴۱۷ ه. و برداشته شدن سقف درونی کعبه و قرار دادن سنگ مرمر خاکستری راه راه بر دیوارهای درونی آن، جامه یاد شده از زیر سقف اصلی کعبه تا ۱۳ ارتفاع کعبه از درون در بالا آویخته شد.

برای اطلاع بیشتر از تغییرات یاد شده می‌توانید به مقاله «درون کعبه در دو دیدار» درج شده در مجله وزین «میقات حج» شماره ۱۸ سال ۱۳۷۶ مراجعه نمایید. «مترجم»

ص: ۲۷۰

سطر دوم: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ»

سطر سوم: إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكاً وَهُدىً لِلْعَالَمِينَ.

سطر چهارم: «یا حَنّانُ، یا مَنّانُ، یا ذَالْجَلالُ وَ الإِکْرام».

در سطر چهارم، نوشته به صورت کمان‌هایی پیچ و خم‌دار آذین گردیده است که در این حال نقش و نگارها در نهایت زیبایی و تحسین خودنمایی می‌کند.

ارسال جامه به کعبه مکرمه در هر سال

دست اندرکاران ساختن جامه بیرونی کعبه مشرفه، همواره در طول سال، به استثنای ماه‌های حج، در کارگاه جامه بافی مکه مکرمه مشغولند. کارگاه جامه بافی در کنار ساختن و مهیا کردن جامه کعبه، به ساختن فرش‌های پنبه‌ای که مورد نیاز حرمین شریفین و نیز کلیه مساجد موجود در مملکت عربستان سعودی به هنگام نماز است نیز اقدام می‌کند. این کارگاه کار گلدوزی و تزیین پرچم‌های مملکتی را نیز به عهده دارد.

هزینه ساخت جامه در این کارگاه برابر با شش میلیون ریال سعودی در سال است که شامل هزینه مواد اولیه و دستمزد کارگران شاغل در آن می‌باشد. این هزینه همواره در هر سال به علت افزایش قیمت مواد اولیه در بازارهای جهانی و نیز بالا ـ رفتن هزینه دستمزد کارگران، افزایش می‌یابد.

زمان ارسال جامه و قرار داده شدن آن بر کعبه، بدین صورت است که همه ساله اداره کارگاه جامه بافی، اقدام به ارسال آن در روز هشتم ذی الحجه هر سال می‌کند. در این مرحله جامه به پرده‌دار کعبه مشرفه از خانواده شیبیان تسلیم می‌گردد که شیخ شیبی نیز با همکاری اداره کارگاه جامه بافی و در حضور مدیر فنی آن، اقدام به قرار دادن آن بر روی کعبه معظمه می‌کند. جامه کعبه پس از برداشته شدن جامه پیشین و شستشوی کعبه مشرفه با گلاب و خوشبو و معطر کردن به وسیله عطر بدون هیچ‌گونه مراسم جشنی که در دوران‌های گذشته در این هنگام برگزار می‌شد بر کعبه پوشانده می‌شود.

در مراسم شستشوی کعبه، معمولاً پادشاه عربستان سعودی و یا شخصی به جانشینی وی- که غالباً امیر منطقه مکه مکرمه و از خاندان آل سعود می‌باشد- شرکت می‌کند.

ص: ۲۷۱

برهنه کردن کعبه از جامه، به هنگام تجدید جامه

اشاره

بی‌شک برهنه کردن کعبه مشرّفه از جامه، به منظور آویختن جامه نوین بر آن، امری است مباح و بی‌اشکال؛ زیرا کعبه از دوران حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام به مدت طولانی، عاری از جامه بود تا اینکه با آمدن تُبَّع حمیری به مکه مکرمه، جامه‌ای بر آن قرار داده شد. به گفته مشهور، وی نخستین کسی است که کعبه را با جامه آراست.

ازرقی از ابن ابی‌ملیکه روایت کرده است که: «کعبه در دوران جاهلیت به وسیله چندین جامه پوشانده می‌شد هرگاه شخصی جامه‌ای را به کعبه هدیه می‌کرد، آن جامه آویخته می‌شد ودیگر جامه‌ها را در خزانه کعبه به ودیعت می‌سپردند و وقتی جامه‌ای که بر روی کعبه قرار داشت آسیب می‌دید، جامه نوین دیگری را بر روی آن قرار می‌دادند و هیچگاه جامه‌های پیشین را از روی آن بر نمی‌داشتند ...» (۱) ۳۲۲ بدیهی است باقی ماندن جامه‌های کهنه ومندرس براندام بیت‌اللّٰه‌الحرام، مورد پسند هیچ انسان با ذوق و سلیمی نبود، لیکن مردمان جاهلیت را نمی‌توان سرزنش کرد؛ زیرا آنان این کار را بر اساس اعتقاد و حسن نیت انجام می‌دادند، هنگامی که اسلام ظهور کرد و ذهنیت آنان را ترقّی داد و سطح زندگی اجتماعی آنان پیشرفت نمود، مسلمانان به هنگام قرار دادن جامه نوین بر کعبه، جامه پیشین را از روی آن برداشتند.

تاریخ نگاران در مورد عاری نمودن کعبه از جامه روایات متعددی را آورده‌اند.

برخی نقل کرده‌اند که عمربن خطاب هر سال جامه پیشین کعبه را از روی آن بر می‌داشت و در میان حاجیان تقسیم می‌کرد که آنان از جامه قدیمی کعبه به هنگام اقامت خود در مکه، به عنوان سایبان استفاده می‌کردند، لیکن بیشتر تاریخ‌نگاران تقریباً به صورت اجماع آورده‌اند: نخستین شخصی که کعبه را از جامه قدیمی عاری نمود و به جهت تمیز کردن و سبک نمودن آن از جامه‌های قدیمی و قرار دادن جامه جدید، به همراه خوشبو

۱- ازرقی، اخبار مکه، ج ۱، ص ۲۵۱

ص: ۲۷۲

کردن آن با عطر عالی، همانا «شیبةبن ابی طلحه حجبی» بوده که نسب پرده‌داران کعبه؛ یعنی شیبیان به او ختم می‌گردد. این کار در دوران معاویةبن ابوسفیان صورت گرفته است. بنابراین، عاری کردن کعبه از جامه‌های قدیمی به‌وسیله عمر و دیگران، تنها به منظور تخفیف از جامه‌های انباشته بر روی کعبه بوده و کعبه را به طور کامل عاری از جامه نمی‌کرده است.

از ابن ملیکه روایت کرده‌اند که گفت: «جامه‌ها و پوشش‌های بسیاری از جامه‌های دوره جاهلی بر روی کعبه بود که از انواع چرم و پارچه‌های مویی و راه راه بوده و تمامی آنها یکی بر روی دیگری قرار داده می‌شده است. پس از ظهور اسلام هنگامی که به هزینه بیت‌المال جامه بر کعبه پوشانیدند، هربار قسمتی از جامه‌های پیش را از روی کعبه برمی‌داشتند. به روزگار حکومت عمر و عثمان، پارچه‌های قباطی را از مصر آورده و بر کعبه قرار می‌دادند. عثمان نیز دو بار در سال، جامه‌ای از پارچه‌های یمنی را بر کعبه می‌پوشاند که پارچه‌های یاد شده را به وسیله کارگزار خود در یمن «یعلی بن منبه» بدین منظور فراهم می‌آورد. پس عثمان نخستین کسی بود که بر کعبه دو جامه (یکی را بر دیگری) قرار داد.

چون معاویه به حکومت رسید. جامه دیبا و قباطی را بر کعبه پوشانید. شیبةبن عثمان (۱) ۳۲۳ پیشنهاد کرد جامه‌ها و باقیمانده از پارچه‌های دوران جاهلیت از کعبه جدا شود و چیزی از نجاست مشرکان دوره جاهلی که به سبب دست کشیدن آنان، جامه‌ها آلوده شده بود، بر کعبه باقی نماند. دراین باره برای معاویه نامه‌ای نوشت و معاویه آن هنگام در شام بود. او در پاسخ نوشت: تمام جامه‌های پیشین کعبه را از آن جداکند و بدین منظور جامه‌ای از پارچه‌های دیبا و قباطی و حبری ارسال نمود.

راوی می‌گوید: خود دیدم که شیبه جامه‌ها را از روی کعبه برداشت و چیزی از آنها را بر کعبه باقی نگذاشت. نامبرده تمام دیوارهای کعبه را با خلوق و عطر آغشته نمود، سپس همان جامه‌ای را که معاویه فرستاده بود، بر آن قرار داد و جامه‌های پیشین را میان

۱- شیبه فرزند عثمان‌بن ابی طلحه واز خاندان عبدالدار بوده که در آن هنگام پرده‌دار کعبه به شمار می‌آمده‌است- مترجم.

ص: ۲۷۳

مردم مکه تقسیم نمود. ابن عباس هم در این حال، درون مسجد حاضر بود و برداشتن جامه‌ها از روی کعبه را نظاره می‌کرد و خود دیدم که او از این کار ناراحت نشد و آن را زشت نشمرد.» (۱) ۳۲۴ همچنین بار دیگر در سال ۱۶۰ ه. ق. هنگامی که مهدی خلیفه عباسی حج گزارد، کعبه کاملًا از جامه عاری گردید بدین صورت که به او گزارش دادند تعداد زیادی جامه بر روی هم انباشته شده و سنگین گردیده است؛ به‌طوری که بیم آن می‌رود دیوارهای کعبه فرو ریزد. وی دستور داد همه جامه‌ها را از روی آن برداشته و چیزی به آن باقی نگذاشتند. سپس به تمام دیوارهای بیرونی و درونی کعبه غالیه و مشک و عنبر مالیدند و نیز تمام دیوارها، از پایین تا بالاـ و پیرامون آن را به مشک آغشته کردند. از آن پس سه جامه از پارچه‌های قباطی و خز و دیبا بر آن پوشانیدند.

راوی گوید: در تمام مدتی که بر کعبه مشک و عنبر می‌مالیدند و بر آن جامه می‌پوشاندند، مهدی روی بام مسجدالحرام، جایی نزدیک به «دارالندوه» نشسته بود و کعبه را می‌نگریست. از آن پس تا سال ۲۰۰ ه. ق. همچنان هر سال جامه‌ای بر کعبه می‌آویختند و چیزی از آن‌ها کم نمی‌کردند. در سال یاد شده، «حسین‌بن حسن افطس طالبی علوی» در فتنه‌ای که آغاز گردید، به مکه در آمد و جامه‌های کعبه را از روی آن برداشت؛ دو جامه ابریشم نازک، یکی به رنگ زرد و دیگری سپید بر کعبه پوشانید. در آن هنگام که کعبه عاری از جامه گردیده بود، رنگ دیوارها آشکار شد و کعبه همچون رنگ عنبر درخشان بود که به نظر می‌رسد باقی مانده‌های مشک و عنبری بوده که با آن دیوارهای کعبه را آغشته بودند. (۲) ۳۲۵ همچنین کعبه در سال ۶۴۳ ه. ق. بر اثر بادِ توفان، که به مکه روی آورد. جامه کعبه مشرّفه را از روی آن برداشت و آن باد مدّت بیست و یک روز ادامه یافت و در این مدّت کعبه همچنان عاری از جامه بود، تا اینکه به وسیله مرد نیکو کار «منصور بن منعه بغدادی»

۱- نک: ازرقی، اخبار مکه، ج ۱، صص ۲۶ و ۲۶۱؛ قطب‌الدین حنفی، الاعلام صص ۷۱ و ۷۲؛ محب‌الدین طبری، القری لقاصد امّ القری، صص ۴۷۶ و ۴۷۷

۲- نک: ازرقی، اخبار مکه، ج ۱، صص ۲۶۲- ۲۶۴؛ محبّ الدین‌طبری، القری لقاصد امّ القری، ص ۴۷۷

ص: ۲۷۴

که در آن هنگام، بزرگ حرم مکی به شمار می‌آمد، جامه بر روی کعبه قرار داده شد.

در سال ۹۵۹ ه. ق. در درون سلطنت سلیمان قانونی عثمانی، بار دیگر جامه کعبه به جهت اصلاح و ترمیم سقف و چوب‌های آن، از روی آن برداشته شد که پس از پایان ترمیم، جامه را مجدداً بر روی کعبه قرار دادند. (۱) ۳۲۶ این مطالب گفته‌هایی بود که تاریخ‌نگاران درباره جامه کعبه و عاری شدن آن از جامه ذکر کرده‌اند. البته این بدان معنی نیست که کعبه تنها در موقعیت‌های یاد شده، بدون پوشش قرار گرفته باشد؛ زیرا عاقلانه به نظر نمی‌رسد که جامه‌های کعبه مشرّفه در طول قرن‌های متمادی گذشته همچنان بر کعبه قرار گرفته باشد، بلکه منطق حکم می‌کرد که هر چند مدتی یک بار جامه‌ها را از روی کعبه برداشته، آن را سبک کنند و نیز هنگامی که اصلاحات و ترمیم‌هایی در ساختمان کعبه صورت می‌گرفت، آن را عاری از جامه می‌کردند. همچنان که در دوران کنونیِ ما، در سال ۱۳۷۷ ه. به علت تجدید سقف کعبه، آن را عاری از جامه نمودند. (۲) ۳۲۷ در این جا نکته‌ای که لازم به یادآوری است، آن است که زمان برداشته شدن جامه از روی کعبه دارای تاریخ و زمان معین نبوده، همانند قرار گرفتن جامه نوین بر آن در هر سال، لیکن آنچه که به نظر می‌رسد این است که تغییر جامه کعبه در هر سال، از دوران ممالیک معمول شد، به ویژه پس از وقفی که از سوی «سلطان صالح اسماعیل» برای جامه کعبه در هر سال قرار داده شد. از آن تاریخ به بعد، سالانه به طور منظم جامه کعبه ارسال گردید و خداوند به حقیقت امور آگاه‌تر است.

شست و شوی درون کعبه معظمه:

شست و شوی درون کعبه مشرفه از دیرباز به صورت سنتی معمول در آمده است.

نخستین بار درون کعبه از سوی پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله شست و شو داده شد و این کار در روز فتح مکه، پس از شکستن بتها و از میان بردن آثار شرک و بت‌پرستی به انجام رسید.

۱- قطب‌الدین حنفی، الأعلام، صص ۵۹- ۶۳

۲- محمد طاهر کردی، التاریخ القویم، ج ۴، ص ۲۶۲

ص: ۲۷۵

فاسی می‌نویسد: «هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله طواف خویش را به پایان رسانید.

عثمان بن طلحه را احضار نمود و کلید کعبه را از وی گرفت و درِ کعبه را برای ایشان باز کردند. پس حضرت به درون کعبه وارد شدند، در آن کبوتری از چوب دید که با دست خود آن را شکسته وبر زمین افکند.»

نامبرده در جای دیگر از اسامهٔ بن زید روایت می‌کند که گفت: «به همراه رسول‌خدا صلی الله علیه و آله به درون کعبه وارد شدم، حضرت تصویری را درآنجا دیدند، پس ظرف آبی را طلب کردند. آن را برای ایشان حاضر نمودم. حضرت با آب شروع به محو کردن تصویر نمود و فرمود: «خداوند بکشد قومی را که چیز خلق نشده‌ای را به تصویر می‌کشند». (۱) ۳۲۸ از آن پس شست و شوی کعبه معظمه به صورت سنتی باقی مانده از دوران رسول خدا صلی الله علیه و آله تا کنون در آمده و این سنت در طول سالیان دراز گذشته، معمول بوده و هست.

در دوران‌های پیش از این، شست و شوی کعبه از درون، بیش از یکبار در سال معمول بود. که این کار در روز پس از بیست و نهم رجب، و در روز بیست و هفتم ذی‌القعده جهت آمادگی برای حج و نیز در هفته اول از ماه محرم (۲) ۳۲۹ صورت می‌گرفته است. اما در نیمه اول از قرن چهاردهم هجری، شست و شوی درون کعبه دو بار در سال تعیین گردید که نخستین بار آن در اواخر ماه ذی‌القعده و دیگری غالباً در روز دوازدهم از ماه ربیع‌الاول شست و شو داده می‌شد. در دوران ما، شست و شوی کعبه مشرفه دو بار در سال، نخست در مراسم حج و دیگر در ماه شعبان انجام می‌شود.

به نظر می‌رسد که علت شست و شوی متعدد درون کعبه در سال، در دوران‌های گذشته، این بوده که در آن هنگام پرده‌داران کعبه در برابر پاداش و هدیه‌هایی، به حاجیان اجازه ورود به درون کعبه در موسم حج و نیز موسم عمره رجبیه و نیز گاه در بعضی مناسبات مذهبی می‌دادند. بنابراین، شست و شوی درون کعبه پس از پایان آن زمان‌ها ضروری به نظر می‌رسیده است. اما اکنون، به هیچ یک از حاجیان و نیز عمره گزاران، در

۱- فاسی شفاءالغرام، ج ۱، صص ۱۴۶، ۱۵۴ و ۱۵۷

۲- ابن جبیر، الرحله، صص ۱۰۳، ۱۰۴ و فاسی، شفاءالغرام، ج ۱، ص ۱۲۸

ص: ۲۷۶

زمان‌های عمره، اجازه ورود به درون کعبه داده نمی‌شود، که در این میان برخی بزرگان از شخصیتهای دولتهای اسلامی، مانند رؤسای جمهور کشورهای اسلامی از این قاعده مستثنی هستند. بنابراین، شست و شوی درون کعبه بیش از یک یا دو بار در سال ضرورتی نداشته که هم اکنون در موسم حج، هنگام تغییر جامه کعبه و برداشته شدن جامه پیشین از روی آن، کعبه را از درون شست و شو داده و دیوارهای درونی و بیرونی آن را خوشبو می‌سازند. (۱) ۳۳۰

ا چگونگی شست و شوی کعبه اینگونه است:

در پگاه روز تعیین شده برای شست و شوی کعبه، رییس پرده‌داران لحظاتی پس از طلوع آفتاب به همراه دیگر پرده‌داران از خاندان شیبی در حطیم حضور می‌یابند و در این هنگام در کعبه گشوده می‌شود. خدمتکاران، پرده‌داران، ظرف‌های مملو از گلاب و نیز شیشه‌های عطر گل و عود سوزها را به همراه عنبر و عود و ندّ و نیز لباس‌هایی که غالباً از نوع «شال کشمیری» بوده، برای پوشیدن آن به هنگام شست و شوی کعبه به همراه می‌آوردند.

عادت بر این بوده که همواره رییس پرده‌داران، پادشاهان یا امرا و فرماندهان و نیز وزرای کابینه، قاضی و رؤسای ادارات گوناگون را در این مراسم دعوت می‌نمود، که پیش از حضور آنان به لحظه‌ای تمامی مواد و وسایل لازم برای شست و شو آماده می‌گردید. سازمان اوقاف نیز معمولًا جاروهای مورد لزوم در این مراسم را مهیّا می‌نمود.

دراین هنگام، بزرگِ زمزمی‌ها به همراه سقّاهای آب زمزم حاضر شده و سطل‌های پر شده از آب زمزم را دست به دست به سوی کعبه هدایت می‌کردند. پرده‌داران و دستیاران آنها، سطل را گرفته و به درون کعبه معظمه می‌بردند.

پس از آماده شدن کلیّه لوازم یاد شده در درون کعبه مشرفه، میهمانان دعوت شده برای شست و شو به درون کعبه وارد شده و آنگاه هر یک از آنان لباس‌های ویژه را در اختیار گرفته و به تن می‌کنند، سپس همگی در حالی که هر یک جارویی به دست می‌گیرند، عملیات شست و شوی کعبه معظمه با آب زمزم را، که در آن گلاب مخلوط کرده‌اند، آغاز می‌کنند. پس از پایان شست و شوی زمینِ کعبه و برخی از قسمت‌های

۱- دکتر محمد الدقن - هادی انصاری، کعبه و جامه آن از آغاز تاکنون، ۱جلد، نشر مشعر - تهران، چاپ: ۱، ۱۳۸۴.

ص: ۲۷۷

دیوارهای پیرامون آن، شروع به پاک کردن دیوارها تا ارتفاع یک قامت از انسان با گلاب کرده، سپس به وسیله عطر گل قسمتهای یاد شده را خوشبو می‌سازند. عطر گل را غالباً در ظرف‌های شیشه‌ای سفید یا بلور قرار می‌دادند. پس از پایان کار خوشبو کردن. عنبر و عود و ندّ را در بخوردان‌های بسیار زیبا و مجلّلی قرار داده و تمامی درون کعبه و پیرامون آن را پس از خشک کردن زمین آن، با اسفنج بخور می‌دهند.

در پایان مراسم شست و شوی کعبه معظمه و خوشبو کردن آن، پرده‌داران جاروهای یاد شده را در میان مردم گردآمده بر در کعبه، تقسیم و توزیع می‌کنند. (۱) ۳۳۱ پس ازپایان شست و شوی کعبه معظمه و خوشبو کردن آن، طبق معمول در لحظه‌ای که جامه قدیمی و پیشین آن از روی آن برداشته می‌شود. هم زمان در همان لحظه جامه نوین کعبه معظمه بر آن قرار داده می‌شود.

عطر آگین نمودن کعبه

بی شک خوشبو کردن دیوارهای کعبه از درون و برون کاری مستحب و پسندیده به شمار می‌آید. لیکن ما در جستجویی که در میان کتاب‌ها و نوشته‌های تاریخ‌نگاران در این باره کرده‌ایم، به مطلبی که نشانگر این کار به وسیله مردم دوران جاهلیت و یا صدر اسلام به صورت منظم باشد برخورد نکردیم.

البته گاه اشاراتی وجود دارد که در دوران جاهلیت برخی خلوق و عود سوز را برای عطرآگین نمودن کعبه از درون و برون اهدا می‌کرده‌اند.

اما در صدر اسلام، رسول خدا صلی الله علیه و آله و ابوبکر و عمر و عثمان پس از جامه کردن کعبه حرکتی را بعنوان خوشبو کردن دیوارهای آن انجام نداده‌اند.

معاویهٔ بن ابوسفیان نخستین شخصی بوده است که کعبه را با خلوق و عود خوشبو کرده است که این کار برای اوّلین بار و به صورت منظم از دوران اموی به یادگار ماند.

نامبرده غلامی را بدین منظور تعیین کرده بود که پس از هر نماز، کعبه را خوشبو سازد، از

۱- حسین عبداللّه باسلامه، تاریخ الکعبه المعظمه، صص ۲۶۵ و ۲۶۷

ص: ۲۷۸

آن پس معاویه سالی دو بار؛ نخست در موسم حج و دیگری در ماه رجب مقداری عود و خلوق را بدین منظور ارسال می‌نمود که پس از وی جانشینان او نیز از این سنت پیروی کردند. (۱) ۳۳۲ این کار معاویه به نظر می‌رسد به علت آن بوده است که در آن هنگام «شیبهٔ بن عثمان» پرده‌دار، به معاویه نوشت: جامه‌های دوران جاهلی را از روی کعبه بردارد تا اثری از نجاست آنان بر کعبه باقی نماند، که معاویه نیز به این مسأله فرمان داد و کعبه عاری از جامه گردید. و در این هنگام بود که دیوارهای کعبه را عطرآگین نمودند. بنابراین، پیش از آن کعبه عاری از جامه نبوده ونیازی به خوشبو ساختن دیده نمی‌شده است.

پس به همین جهت معاویه به عنوان نخستین کسی که وظیفه خوشبو ساختن کعبه را به انجام رسانید، شناخته می‌شود.

پس از آن، عبداللّه بن زبیر نیز هنگام به پایان رسانیدن ساختمان کعبه به خوشبو ساختن آن همت گماشت و همه دیوارهای درونی کعبه را با مشک و عنبر از بالا تا پایین آغشته نمود، سپس جامه کعبه را بر آن پوشانید. نامبرده همه روزه یک سطل عطر و بوی خوش را به کعبه می‌مالید و در روز جمعه این مقدار را به دو سطل افزایش می‌داد. (۲) ۳۳۳ عبدالملک بن مروان نیز هر سال جامه‌ای را به سوی کعبه ارسال می‌داشت که همراه آن عطر و عود برای کعبه و مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرستاد. (۳) ۳۳۴ هنگامی که مهدی عباسی در سال ۱۶۰ ه. ق. حج گزارد، به او گزارش دادند که تعداد زیادی جامه بر روی هم انباشته شده و کعبه را سنگین کرده است، به‌طوری که بیم آن می‌رود دیوارهای آن فرو ریزد. مهدی دستور داد، همه آن جامه‌هارا برداشتند سپس بر تمام دیوارهای بیرونی و درونی کعبه غالیه و مشک و عنبر مالید و بر تمام دیوارها، از پایین‌تابالا وازهمه‌جوانب‌مشک مالیدند، سپس کعبه را جامه پوشانید. مهدی در این

۱- ازرقی، اخبار مکه، ج ۱، صص ۲۵۴ و ۲۵۷؛ فاسی، شفاء الغرام، ج ۱ ص ۱۲۶؛ عقدالثمین، ج ۱، ص ۶۰؛ محب‌الدین‌طبری، القری لقاصد امّ القری، ص ۴۷۶؛ قطب‌الدین‌حنفی، الاعلام صص ۷۱- ۷۲

۲- فاسی، شفاء الغرام، ج ۱، ص ۱۲۶؛ ابن ظهیر، جامع‌اللطیف، ص ۱۰۴

۳- ازرقی، اخبار مکه، ج ۱، ص ۲۵۵

ص: ۲۷۹

هنگام در مسجد نشسته بود و خود ناظر آغشته شدن کعبه به غالیه بود. محمد ابن اسماعیل‌بن ابراهیم پرده‌دار (حجبی) می گوید: «با شیشه‌های آکنده از غالیه بر بام کعبه رفتیم و آنها را روی دیوارهای بیرونی آن ریختیم. خدمتگزاران کعبه هم در حالی که خود را از ریسمان‌ها و قلاب‌ها آویخته بودند، از پایین تا بالای دیوارها را مشک و غالیه اندود کردند».

گفته شد که رنگ تیره سنگ‌های کعبه در نتیجه آغشته شدن آن به غالیه‌های یاد شده بوده است. (۱) ۳۳۵ از آنچه که گذشت، آشکار می گردد که عطرآگین نمودن کعبه به صورت منظم، از دوران معاویهٔ بن ابوسفیان آغاز گردید و از آن پس هر یک از خلفا و سلاطین پس از او، تا کنون همچنان سنت وی را پی گرفته‌اند.

اما اینکه تاریخ نگاران از سنت عطرآگینی کعبه به هنگام سخن از جامه، یاد نکرده‌اند، شاید بدان جهت است که مسأله عطرآگینی کعبه- باگذشت ایام- امری عادی و جزئی از عملیات جامه کردن کعبه درآمده بود و بدین سبب آنان تنهابه‌ذکرجامه کردن کعبه بسنده کرده‌اند.

گواه بر این گفته، آن است که تاریخ‌نگاران از نام کسانی که کعبه را به وسیله جامه پوشانیده‌اند، با فاصله زمانی نسبتاً طولانی یاد کرده‌اند حال آیا این بدان معنی است که کعبه تنها در دوران این افراد به وسیله جامه پوشانیده شده است؟ باید گفت: چنین نیست؛ زیرا جامه در هر سال به همراه خلوق و عود و دیگر انواع عطر بعنوان یکی از ضروریات جامه به کعبه ارسال می گردیده است. لازم به تذکر است که عطرآگینی کعبه آنچنان در میان مردم مقدس گردیده بود که گروهی به منظور شفا یافتن از عطرهای کعبه، از آن استفاده می کردند.

از سعید بن جبیر روایت شده است: «او از عطر کعبه بعنوان شفا استفاده می کرده

۱- ازرقی، ج ۱، ص ۲۶۳؛ محب الدین طبری، القرای لقاصد امّ القری، ص ۴۷۷؛ ابن ظهیره، جامع اللطیف، ص ۱۱۰

ص: ۲۸۰

است. و گوید: عطا گفت: هنگامی که یکی از ما قصد شفا از عطر کعبه را داشتیم، عطر را به کنار حجر (الأسود) آورده و پس از عطر آگین کردن آن، دستهای خود را بعنوان شفا یافتن بر آن می‌مالیدیم».

پس از آنکه مراسم شست و شوی کعبه معظمه و عطرآگینی آن به پایان می‌رسید، جامه جدید را در همان لحظه‌ای که جامه پیشین از روی آن برداشته می‌شد، بر بالای کعبه قرار می‌دادند.

مراسم جابجایی و تعویض جامه

قرار دادن جامه نوین بر کعبه معظمه:

برخی گمان می‌کنند که جامه رادر آغاز به‌درون کعبه برده و سپس به وسیله پله درونی کعبه آن را بر بام کعبه منتقل می‌نمایند، در حالی که به دو علت این کار صورت نمی‌پذیرد:

نخست آنکه: پله‌های درونی کعبه آنچنان تنگ و باریک است که تنها یک نفرمی‌توانداز آن بالا برود و یا پایین بیاید.

دوم: قطعه‌های جامه ضخیم و سنگین و بلند بوده که هیچگاه امکان بالا بردن آنها از پله‌های باریک در درون کعبه وجود نداشت.

بنابراین، چاره‌ای جز انتقال آنها به وسیله طناب از خارج کعبه به بام نبود و این تنها راهی بود که سال ها جامه جدید را به هنگام جایگزینی آن با جامه قدیمی به بام کعبه منتقل می کردند.

«ابن‌فضل‌اللّه‌عمری» چگونگی قراردادن جامه نوین بر کعبه را توصیف کرده و می گوید:

«هنگامی که در سال ۷۳۸ ه. ق. حج گزاردم، به همراه فرماندهان کاروان مصری برای پوشانیدن جامه کعبه شریفه، بر بام آن بالا رفتیم، زمین بام را پوشیده از مرمر وسنگ‌های سفید مشاهده کردم، در حالی‌که پیرامون آن را دیواری کوتاه در بر گرفته بود. بر روی این دیوار حلقه‌های متعددی قرار داده شده بود که طناب‌های جامه در آنها گره خورده و جامه را ثابت نگاه می‌داشت. این روش تا پایان ارسال جامه از مصر به کعبه مشرفه همچنان معمول بود.

ص: ۲۸۱

؟؟؟ تصویر ص ۱۹ کتاب مصنع کسوة الکعبة

ص: ۲۸۲

جامه از ده قطعه تشکیل می گردید؛ هشت‌قطعه جامه‌اصلی (احمال)، که بر هر یک از دیوارهای چهارگانه کعبه دو جامه (حمل) قرار داده می‌شد که اضافه بر آن پرده بیرونی در کعبه مکرمه (برقع) و پرده درِ پله‌های درونی کعبه، که معروف به «باب التوبه» می‌باشد نیز به همراه آنها قرار داشت. هر یک از قطعه‌های یاد شده بسیار بزرگ بود که به همین علت قطعه‌ها را یکی یکی بر زمین مسجدالحرام پهن می کردند و سپس هر یک از آنها را بر اساس جای خویش معین و منظم می‌ساختند. سپس قطعه‌های هر سمت از کعبه به هم دوخته می‌شد که در این میان آیات قرآنی نوشته شده بر کمربند را نیز بدان می‌دوختند.

هنگامی که این مرحله به پایان می‌رسید. قطعه‌های هر سمت را لوله کرده، به صورت محکمی به دور هم می‌پیچیدند و سپس با طناب اطراف آن محکم می کردند. در این هنگام تعدادی از مردان در حالی که بر روی بام کعبه مشرفه می‌رفتند، طناب‌های خویش را به زمین مطاف پایین می‌فرستادند. قطعه‌های جامه به طناب‌های فرو فرستاده از بام متصل شده، آنگاه آنها را بر بام کعبه بالا می کشیدند. سپس قطعه‌های ویژه هر سمت را بر بالای دیوار کوتاه کعبه قرار داده، طناب‌های مخصوص را در حلقه‌هایی که بر پیرامون دیوار یاد شده از روی بام قرار گرفته بود، گره می‌زدند. این مراسم در روز هشتم ذی‌الحجه هر سال صورت می‌پذیرفت. قطعه‌های جامه نوین همچنان لوله شده در یک سمت از دیوار روی بام کعبه قرار می گرفت و جامه پیشین آن را نیز طبق معمول بر روی کعبه قرار می‌دادند. این وضع تا روز دهم ذی‌الحجه که همانا روز عید قربان (یوم‌النحر) است، باقی می‌ماند. در پگاه آن روز مبارک، عده‌ای از مردان بر بام کعبه بالا رفته و طنابهای جامه قدیمی کعبه را از نقاط اتصالی آن جدا می‌ساختند که در این هنگام جامه بر زمین مطاف فرو می‌افتاد. در همان زمان گروهی دیگر از مردم، طناب‌های بسته شده بر جامه جدید را باز کرده و بدین صورت جامه نوین را بر کعبه مشرفه قرار می‌دادند. این دو حرکت آنچنان منظم و دقیق صورت می گرفت که همزمان با افتادن جامه پیشین و قدیمی کعبه بر زمین مطاف، جامه نوین بر کعبه آراسته می گردید. از آن پس جامه قدیمی را به سوی خانه پرده‌دار کعبه حمل می‌نمودند. در این هنگام گروهی قطعه‌های جامه در ارکان چهارگانه کعبه را به هم می‌دوختند، همچنان که آنان اقدام به تثبیت رنگ های چهارگانه

ص: ۲۸۳

در حدّ فاصل میان آیات نوشته شده بر کمربند می کردند. در زمینه رنگهای یاد شده عبارت «یا حنّان و یا منّان» نقش بسته بود.- همچنانکه پیش از این یاد گردید- این قطعه‌ها در میان نوشته‌های روی کمربند قرار داده می‌شد. سپس کردشیات چهارگانه در زمینه هر یک از آنها سوره حمد به تمامی نقش می‌بست. بر روی ارکان چهارگانه کعبه در زیر کمربند، استوار و ثابت گردانیده می‌شد. تمامی قطعه‌های یاد شده بر روی جامه پس از قرار دادن آن بر روی کعبه مشرفه، دوخته می‌شد. خیاط ویژه جامه کعبه در حالی که بر روی صندلی چوبی ساخته شده بدین منظور می‌نشست، به وسیله طناب به نقاط مورد نظر هدایت شده و قطعه‌ها را در جای مناسب خود می‌دوخت. (۱) ۳۳۶ این صندلی چوبی همانی است که ازرقی از آن به عنوان «قرقره» در روایت خود از جامه مهدی عباسی در سال ۱۶۰ ه. ق. یاد کرده است.

و بدینگونه جامه را از قدیم تاکنون بر کعبه مشرفه قرار داده و می‌دهند. البته در سنوات اخیر تغییراتی در زمان قراردادن جامه بر کعبه مشرفه ایجاد شده است؛ به‌طوری که هم اکنون جامه را در روز عرفه که روز نهم ذی‌الحجه بشمار می‌آید، هنگامی که حاجیان در عرفات هستند، بر کعبه مکرمه قرار می‌دهند. امروزه، به علت اختراع و پیشرفت دستگاههای میکانیکی بالا برنده، قرار گرفتن جامه بر کعبه مشرفه و دوختن قطعه‌های آن به یکدیگر، کار را بسیار آسان کرده و در مقایسه با قدیم، زمان آن بسیار کوتاه تر گردیده است.

جامه قدیمی و چگونگی تصرف در آن

فقهای اهل سنّت در چگونگی تصرف در جامه قدیمی کعبه، که پس از قرار دادن جامه جدید به دست می‌آید، اختلاف دارند. برخی از آنان به مشروعیت فروش جامه کعبه نظریه داده و برخی دیگر به خلاف این عقیده فتوا داده‌اند.

قلقشندی در کتاب خود، چندین بار به هنگام سخن از جامه کعبه مشرفه، این چنین

۱- محمد طاهر کردی، تاریخ القویم، ج ۴، صص ۲۳۲، ۲۳۳ و ۲۷۲، ۲۷۳

ص: ۲۸۴

یاد کرده است که پرده‌داران همواره جامه قدیمی کعبه را پس از برداشته شدن از روی کعبه مشرفه برای خود بر می‌داشتند و در صورتی که پادشاهان و یا بزرگانی از مردم قطعه‌ای از آن را در خواست می‌نمودند، در برابر هدایای سنگین و گرانقیمتی، آن را به‌دست می‌آوردند. (۱) ۳۳۷ به نظر می‌رسد که امرای مکه با پرده‌داران در جامه کعبه مشرفه شریک بوده‌اند.

ابن فضل‌اللّه عمری می گوید: «هنگامی که کعبه به وسیله جامه جدیدی پوشانیده می‌شد، جامه قدیمی در اختیار اشراف و بنی شیبه قرار می گرفت که از آن پس با تقسیم کردن و ارسال آن به سایر کشورها به عنوان تبرّک، هدایا و مبالغی را به‌دست می‌آوردند.» (۲) ۳۳۸ فاسی نیز در این باره گفته است: امرای مکه همواره پرده درِ کعبه و قسمت بزرگی از جامه را در ازای شش هزار درهم که در اختیار پرده‌داران قرار می‌دادند، از آن خویش می‌نمودند. شریف «عنان بن مغامس بن رمیثه» هنگامی که در پایان سال ۷۸۸ ه. ق.

عمارت مکه را در دست گرفت، این سنت را معمول داشت که پس از وی سایر امرای مکه اغلب از آن پیروی کردند. سید حسن بن عجلان نیز پس از سال‌ها امارت بر مکّه (۳) ۳۳۹ پرده در کعبه و جامه مقام ابراهیم را از شیبیان گرفته و در اختیار بزرگان و پادشاهانی که مورد نظر خویش بودودردست عطا داشتند، قرار می‌داد. (۴) ۳۴۰ ابن ظهیره در این باره می گوید: «امرای مکّه پس از سید حسن همچنان سنت خویش را در این باره با پرده‌داران معمول داشتند که تا کنون نیز به همان صورت ادامه دارد». (۵) ۳۴۱ مراد از «تاکنون» زمان ابن ظهیره است. نامبرده متوفای سال ۹۵۰ ه. ق. می‌باشد.

پادشاهان مصر نیز گاهی دراین باره با پرده‌داران در تقسیم جامه، شریک شده و به

۱- صبح الاعشی، ج ۴، صص ۲۷۶، ۲۸۳

۲- یوسف احمد، المحمل والحج، ج ۱، ص ۲۴۴

۳- نامبرده درسال ۷۹۸ ه. به امارت مکّه رسید و تا سال ۸۰۹ ه. آن را دردست داشت.

۴- فاسی، شفاء الغرام ... ج ۱، ص ۱۲۶

۵- جامع الطیف، ص ۱۰۸

ص: ۲۸۵

قسمتی از آن دست می‌یافتند. گاهی برخی از این پادشاهان در برابر پولی که از بیت‌المال در اختیار پرده‌داران و اشراف قرار می‌دادند. تمامی جامه را از آن خود می‌نمودند.

سمهودی می‌گوید: «عادت بر این بود که به هنگام رسیدن جامه جدید، بزرگ خدمه، جامه قدیمی را در میان خدمتگزاران و دیگرانی که مورد نظر خود بود، تقسیم می‌کردند که در این میان قسمتی نیز برای سلطان مصر ارسال می‌گردید.»

ابن فضل‌اللّه عمری می‌گوید: «در سال ۷۳۸ ه. ق. جامه قدیمی کعبه از روی آن برداشته می‌شد و به سوی سلطان مصر ارسال می‌گردید و نام برده آن را به سلطان ابوالحسن المرینی، پادشاه مغرب هدیه نمود. این بدان جهت بود که پادشاه مغرب در آن سال هدیه‌ای را به وسیله همراهان «مریم» همسر پدرش و «عریف سویدی» و گروهی از بزرگان دولتش، برای او فرستاده بود. پادشاه مصر در عوض جامه کعبه، از بیت‌المال در مصر برای خاندان شیبه و اشراف، پول فرستاد». (۱) ۳۴۲ در دوران جدید، جامه کعبه همواره میان امرای مکه و خاندان شیبی تقسیم می‌شد و امرای مکه، پرده در کعبه و کمربند و جامه مقام ابراهیم خلیل علیه السلام را از آن خود می‌کردند و شیبیان جامه کعبه و پرده باب التوبه را، که پله‌ای در درون کعبه برای راهیابی به بام آن می‌باشد و پرده در مقام ابراهیم خلیل علیه السلام را در اختیار خویش قرار می‌دادند. این وضع در دوران امارت شریف عون الرفیق (متوفای سال ۱۳۲۳ ه. ق.) و شریف علی بن عبداللّه (که در سال ۱۳۲۶ ه. ق. عزل گردید) و شریف حسین بن علی به هنگام امارت او و اعلام استقلال، جریان داشت. به نظر می‌رسد این وضع در امارت پیش از افراد یاد شده نیز صورت می‌گرفته است.

هنگامی که ملک عبدالعزیز آل‌سعود در سال ۱۳۴۳ ه. ق. به حجاز دست یافت.

جامه کعبه به همراه سایر مشتقات آن از کمربندها و جز اینان را در اختیار خاندان شیبی قرار داد که این وضعیت در دوران ارسال جامه از مصر و نیز هنگامی که دولت عربستان سعودی اقدام به ساختن جامه در کارگاه جامه بافی اجیاد در مکه مکرمه نمود، همچنان

۱- یوسف احمد، المحمل والحج، ج ۱، ص ۳۸۵

ص: ۲۸۶

ادامه داشت. از آن پس با این حرکت، کشمکش‌ها و درگیری‌ها در این مورد از میان رفت و جامه به صورت حقی از حقوق شیبیان در آمـد و پرده‌داران بنا به خواسـته خود، در آن هرگونه تصـرفی را می‌کردنـد. تقسـیم جامه در میان خاندان شـیبی این‌گونه بود که سهم هر یک از آن افراد شامل پیر و جوان و طفل و مرد یا زن، همه به‌طور مساوی بوده، که در این میان تنها رییس و کلیـددار کعبه دارای دو سـهم از جامه می‌گردیـد. این قاعده با نظر تمامی آنان به تصویب رسـیده و از قدیم تا دوران حاضـر بدان عمل می‌کردند. (۱) ۳۴۳ در سال ۱۳۷۸ ه. ق. دولت عربسـتان سـعودی، فروش جامه کعبه مشـرفه را ممنوع اعلام کرده و در عوض، مبلغی را سالیانه در اختیار شیبیان قرار می‌دهد. (۲) ۳۴۴ واللَّه هو الموفق و الهادی الی سواء السبیل

و ما توفیقی الّا باللَّه العلیّ العظیم.

۱- حسین عبداللَّه باسلامه، تاریخ الکعبهٔ المعظمه، صص ۳۷۶ و ۳۷۷

۲- محمد طاهر الکردی، تاریخ القویم، ج ۴، ص ۲۲۸

ص: ۲۸۷

نقش ایرانیان در حرمین شریفین

اشاره

ایرانیان همواره ملّتی پر شور و شعف، فرهنگ دوست و هنرمند بوده و در هر عمران و آبادانی و معماری و هنر، دستی داشته‌اند. حضور آنـان در حرمین شـریفین، و به ویژه عتبات عالیات، بیشتر و جـدی‌تر بوده و این دلیلی است بر عشق و علاقه آنان به حرم امن الهی و تربت پاک و مقدس رسول اللّه صلی الله علیه و آله و نیز اهل بیت عصمت وطهارت علیهم السلام.

در این باره مقاله‌ای گرانسنگ در مجله وزین «میقات حج» شماره ۱۱، سال ۱۳۷۴، از سوی فاضل گرامی آقای محمد جواد طبسی به چاپ رسیده است که گزیده‌ای از آن را می‌آوریم:

شواهـد تاریخی به خوبی نشانگر آن است که ایرانیان در زمانها و دورانهای مختلف، نقش کلیـدی را در مکه مکرمه و مـدینه منوره ایفا کرده‌انـد. آنان گاه امارت و حکمرانی بر شـهر مکه را در اختیار داشـته و گاه تصّدی پست قضاوت و فتوا و کرسی تـدریس و خطابه و تعلیم اطفال در مسجد الحرام را به عهده گرفته‌اند. برخی از آنان افتخار تعمیر مسجد الحرام و پوشش جامه کعبه و بازسازی دیگر مساجد این دیار را داشـته و برخی دیگر در آبرسانی به مکه و عرفات و راه اندازی چشمه‌ها و قنات‌ها و حتی خدمات پزشکی و طبابت فعال بوده‌اند.

ص: ۲۸۸

اکنون به طور اختصار، به نام افراد و مشاغلی که ایرانیان در مکه مکرّمه عهده دار آن بوده‌اند می‌پردازیم:

ولایت و امارت مکه مکرمه

ولایت و حکمرانی شهر مکه یکی از مسائل مهم و پیچیده تاریخ حجاز است.

همانگونه که از کتب تاریخ بر می‌آید، برای تصرف این شهر، همواره جنگ و گریزهایی راه افتاده است.

به همین جهت مکه گاهی به دست مصر و گاه عراق و زمانی در دست یمن و ... اداره می‌شده است. همچنین گاهی علویان انقلابی و گاه مکیان و غیر آنان به اداره شهر می‌پرداختند.

از میان ده‌ها نفری که قبل و بعد از اسلام بر مکه ولایت داشته‌اند، گروهی از ایرانیان می‌باشند که در اینجا به عنوان نمونه، از چند نفر آنان یاد می‌کنیم:

۱- حسن بن سهل

از جمله کسانی که از طرف مأمون بر ولایت مکه گماشته شد، حسن بن سهل (۱) ۳۴۵ برادر فضل بن سهل بود. البته او به طور مستقیم عهده دار این امر نبود، بلکه مأمون آنگاه که در سال ۱۹۸ هجری برادرش امین را کشت، حسن بن سهل را بر ولایت آن‌چه که طاهر بن حسین از کورالجبال و عراق و فارس و اهواز و حجاز و یمن فتح کرده بود، منصوب کرد (۲) ۳۴۶.

۲- هیثم بن معاویه عتکی خراسانی

هیثم پس از برکناری زیاد از ولایت مکه، در سال ۱۴۱ هجری، حکمرانی این شهر مقدس و طائف را عهده دار شد و حکومتش تا سال ۱۴۳ هجری ادامه یافت (۳) ۳۴۷.

۳- محمد طغج

درزمان مستکفی عباسی، جماعتی بر مکه ولایت داشتندکه از جمله آن‌ها محمدبن

۱- مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۳۵۸

۲- شفاء الغرام، ج ۲، ص ۱۸۴؛ الکامل فی التاریخ، ج ۵، ص ۴۱۳

۳- شفاء الغرام، ج ۲، ص ۱۷۷؛ العقد الثمین، ج ۴، ص ۴۵۴

ص: ۲۸۹

طغج، معروف به اخشید صاحب مصر و دو فرزندش ابوالقاسم انجور؛ یعنی محمود و ابوالحسن علی بودند (۱) ۳۴۸.

شهیـد مطهری رحمه اللّه نـام این سه نفر را جزو خراسانیـانی ثبت می‌کنـد که در مصـر و آفریقای شـمالی حکومت می‌کرده‌انـد (۲) ۳۴۹.

ریاست علمی و مذهبی مکه مکرمه

مکه مکرمه تـا کنون شخصـیت‌های علمی بزرگ و نامـداری را به خوددیـده است. از آنجـا که برخی از آنـان عالی مقام و بزرگوار بوده‌اند به آن‌ها لقب «شیخ مکه»، «شیخ الحرم» و «امام الحرمین» داده شده است.

تعدادی از ایرانیان نیز بدین لقب مشهور گشته‌اند:

۱- عمر بن عبدالمجید میانشی (میانجی)

تقی الدین مکه درباره‌اش می‌نویسد: «نزیل مکه و شیخها و خطیبها ....»

منصور بن سلیم از او با عنوان «فقیه» یاد کرده و می‌گوید:

«در مصر و مکه حدیث گفت و خطیب آنجا شد. او عالمی پرهیزگار و فردی موثق بود (۳) ۳۵۰».

۲- محمد بن ابراهیم بن منذر

شیخ حرم، شریف ابوبکر نیشابوری، فقیه و مجتهد و حافظ درسال سیصدو نه و یا ده در مکه وفات یافت (۴) ۳۵۱.

۳- محمد بن ابراهیم بن یوسف نیشابوری

در مکه اقامت گزید و شیخ حرم شد و در سال ۳۴۸ هجری وفات یافت (۵) ۳۵۲.

۱- العقد الثمین، ج ۱، ص ۱۷۰؛ مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۳۵۹

۲- خدمات متقابل ایران و اسلام، ص ۳۹۷

۳- العقد الثمین، ج ۱، ص ۱۷۰؛ مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۳۵۹

۴- سیر اعلام البنلاء، ج ۱۴، ص ۴۹۰

۵- تذکرة الحفاظ، ج ۳، ص ۷۸۲

ص: ۲۹۰

۴- عبدالجبار اصفهانی

ابوموسی مدنی از او روایت کرده و درباره‌اش می گوید:

«سالها شیخ الحرم بوده، و در سال پانصد و بیست و یک، درمکه مکرمه وفات یافت (۱) ۳۵۳».

۵- سعید بن منصور

ذهبی می‌نویسد:

«سعید بن منصور؛ حافظ، امام، شیخ الحرم ابوعثمان خراسانی (۲) ۳۵۴».

۶- سعد بن علی بن محمد زنجانی

ابوسعد سمعانی می‌نویسد:

« (وی) مجاور مکه مکرمه گردید و شیخ الحرم شد. او صاحب کرامات و آیات بود و هرگاه وارد مسجدالحرام می‌شد، مردم طواف را رها کرده و دست او را بیش از حجر الاسود می‌بوسیدند! (۳) ۳۵۵».

قضاوت در حرمین شریفین

نام تعدادی از ایرانیان درکتب و تراجم مشاهیر مکه و مدینه به چشم می‌خورد که به عنوان قاضی حرمین و یا قاضی شهر مکه ذکر گردیده‌اند، که برخی از بروجرد و برخی دیگر از نیشابور و یا نهاوند می‌باشند.

۱- احمد بن محمد بن عبداللّه نیشابوری

وی قاضی حرمین و شیخ حنفی‌ها در زمان خودش به شمار می‌رفته و حدود دوازده سال قضاوت حرمین را عهده دار بوده است (۴) ۳۵۶.

۱- العقد الثمین، ج ۵، ص ۳۲۴

۲- سیر اعلام النبلاء، ج ۱۰، ص ۵۸۶

۳- تذکرةالحفاظ، ج ۳، ص ۱۱۷۴

۴- سیر اعلام النبلاء، ج ۱۶، ص ۲۵؛ العقد الثمین، ج ۳، ص ۱۴۵

ص: ۲۹۱

۲- طاهر بن محمد بن طاهر بروجردی

سبکی در طبقات خود می‌نویسد:

« (او) فقه را از شیخ ابواسحاق شیرازی گرفته ... سپس به مکه منتقل شد و در آنجا ساکن گردید و قضاوت آنجا را عهده دار شد (۱) ۳۵۷».

۳- عبدالملک بن ابومسلم بن ابونصر نهاوندی (قاضی مکه) (۲) ۳۵۸

حدیث و روایت در مکه مکرمه

همواره در حرمین شریفین محدث و راوی بی‌شماری بوده که تعداد قابل توجهی از آنان ایرانی بوده‌اند. درباره ایرانیان، تعابیر زیبایی شده است. مانند: مجتهد، حافظ، شیخ الحرم، بارع، صالح، قاضی، زاهد، ثقه، امام، محدث، خطیب و ...

چون تعداد این افراد بسیار است دراینجا تنها به ذکر نام و سال وفاتشان بسنده می‌کنیم:

۱. محمد بن احمد بن ابی بکر خراسانی (متوفای ۵۴۲ هجری) (۳) ۳۵۹.

۲. محمد بن ابراهیم بن منذر نیشابوری (متوفای ۳۰۹ یا ۳۱۰ هجری) (۴) ۳۶۰.

۳. محمد بن عبداللَّه بن محمد قاشانی (متوفای ۳۷۱ هجری) (۵) ۳۶۱.

۴. محمد بن احمد بن محمد قزوینی صوفی (متوفای ۸۱۱ هجری) (۶) ۳۶۲.

۵. محمد بن ابراهیم بن فخار اصبهانی (متوفای ۴۹۹ هجری) (۷) ۳۶۳.

۶. عبدالجبار اصبهانی (متوفای ۵۲۱ هجری) (۸) ۳۶۴.

۱- العقد الثمین، ج ۵، ص ۵۹

۲- العقد الثمین، ج ۵، ص ۵۱۶

۳- العقد الثمین، ج ۱، ص ۲۸۸

۴- سیر اعلام النبلاء، ج ۱۴، ص ۴۹۰

۵- العقد الثمین، ج ۱، ص ۲۹۷- ۲۹۸

۶- العقد الثمین، ج ۱، ص ۳۸۶

۷- العقد الثمین، ج ۱، ص ۴۰۵

۸- العقد الثمین، ج ۵، ص ۳۲۴

ص: ۲۹۲

۷. عبدالرحمن بن عبدالصمد نیشابوری (متوفای ۵۴۹ هجری) (۱) ۳۶۵.

۸. محمد بن مقاتل کسائی مروزی (متوفای ۲۶۶ هجری) (۲) ۳۶۶.

۹. سلمهٔ بن شبیب نیشابوری (متوفای ۲۴۶ هجری) (۳) ۳۶۷.

۱۰. سعد بن علی بن محمد زنجانی (متوفای ۴۷۱ هجری) (۴) ۳۶۸.

۱۱. سعید بن منصور بن شعبه خراسانی (متوفای ۲۲۷ هجری) (۵) ۳۶۹.

۱۲. شعیب بن حرب مدائنی خراسانی (متوفای ۱۹۷ هجری) (۶) ۳۷۰.

۱۳. اقبال بن عبداللَّه حبشی قزوینی (۷) ۳۷۱.

۱۴. خضر بن حسن بن محمود ثابتی اصفهانی (متوفای ۷۴۳ هجری) (۸) ۳۷۲.

۱۵. داود بن عجلان مکی خراسانی (۹) ۳۷۳.

۱۶. سعد بن عبداللَّه اسفراینی (متوفای ۷۸۶ هجری) (۱۰) ۳۷۴.

۱۷. محمد بن هبهٔ اللَّه ابونصر شیرازی (متوفای ۴۹۵ هجری) (۱۱) ۳۷۵.

۱۸. احمد بن اقبال قزوینی (۱۲) ۳۷۶.

۱۹. احمد بن حمدویه بن موسی نیشابوری (متوفای ۳۱۵ هجری) (۱۳) ۳۷۷.

۲۰. ابراهیم بن حسین شیرازی (۱۴) ۳۷۸.

۱- العقد الثمین، ج ۵، ص ۳۶۳

۲- العقد الثمین، ج ۲، ص ۳۶۳

۳- سیر اعلام النبلاء، ج ۱۲، ص ۲۵۶

۴- سیر اعلام النبلاء، ج ۱۸، ص ۳۸۵

۵- العقد الثمین، ج ۴، ص ۵۸۶؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۱۰، ص ۵۸۶

۶- تهذیب التهذیب، ج ۴، ص ۳۰۶

۷- العقد الثمین، ج ۳، ص ۳۲۵

۸- العقد الثمین، ج ۴، ص ۳۱۴

۹- تهذیب التهذیب، ج ۳، ص ۱۶۷

۱۰- العقد الثمین، ج ۴، ص ۵۳۱

۱۱- سیر اعلام النبلاء، ج ۱۹، ص ۱۹۶

۱۲- العقد الثمین، ج ۳، ص ۱۸

۱۳- العقد الثمین، ج ۳، ص ۳۶

۱۴- العقد الثمین، ج ۳، ص ۲۱۱

ص: ۲۹۳

۲۱. ابراهیم بن طهمان بن سعیدخراسانی (متوفای ۱۶۳ هجری) (۱) ۳۷۹.

۲۲. عبدالمجید بن عبدالعزیز مروزی (متوفای ۲۰۶ هجری) (۲) ۳۸۰.

۲۳. عبدالمحسن بن ابی العمید ابهری (متوفای ۶۲۴ هجری) (۳) ۳۸۱.

۲۴. عمر بن عبدالمجید میانشی (متوفای ۲۴۱ هجری) (۴) ۳۸۲.

۲۵. هدیه بن الوهاب مروزی (متوفای ۲۴۱ هجری) (۵) ۳۸۳.

۲۶. یوسف بن ماهک بن بهزاد فارسی (متوفای ۱۱۳ هجری) (۶) ۳۸۴.

۲۷. صالح بن محمد اصبهانی (متوفای ۷۵۷ هجری) (۷) ۳۸۵.

مقام «استادی قراءت» در مکه مکرمه

برخی از ایرانیـان مجـاور در مکه مکرمه افتخـار عنوان «مُقریء (۸) ۳۸۶» بودن را پیـدا کردنـد؛ به طوری که بـا عنوان «مقری اهل مکه» مشـهور و معروف بودند. بلکه دو تن از آنان، بالاترین سـمت را در مقام اسـتادی قراءت کسب کردند تا آنجا که از قراء سـبعه شده و شهرت جهانی یافتند.

آنان عبارتند از:

۱- ابن کثیر مکی

ابو معبـد عبـداللّٰه بن عمرو بن عبداللّٰه بن زاران فیروزان بن هرمز مکی داری ... ابومعبد عطار داری فارسـی الاصل. گویند وی از آن گروه ایرانیان بود که خسرو ایران آنان را برای

۱- سیر اعلام النبلاء، ج ۷، ص ۳۷۸؛ طبقات الحفاظ، ص ۹۶

۲- العقد الثمین، ج ۵، ص ۴۹۲

۳- سیر اعلام النبلاء، ج ۲۲، ص ۲۵۹

۴- العقد الثمین، ج ۶، ص ۳۳۴

۵- العقد الثمین، ج ۷، ص ۳۶۷

۶- سیر اعلام النبلاء، ج ۵، ص ۶۸

۷- العقد الثمین، ج ۵، ص ۲۹

۸- مقرء کسی است که از استاد خود قراءات مختلف را یاد گیرد و آن را در اختیار دیگران قرار دهد. نک: چهارده روایت در قرآن مجید، ص ۱۲

ص: ۲۹۴

فتح حبشه با کشتیهایی به یمن گسیل داشت ... ابوعمرو علاء گفته است که من قرآن را نزد ابن کثیر و مجاهد ختم کردم. ابن کثیر به زبان عربی بیش از مجاهد تسلط داشت و تا هنگام وفات، امام قاریان بود (۱) ۳۸۷.

۲- نافع

ابوعبداللَّه نافع بن ابی نعیم مدنی، مکنّی به «ابورُویم» می‌باشد. طبق روایت اصمعی و نیز حافظ ابی نعیم (در تاریخ اصفهان) و ابن ندیم، نافع اصفهانی الاصل بود و در مدینه می‌زیست و در همانجا به سال ۱۷۶ یا ۱۹۶ هجری قمری درگذشت.

ابن جزری می‌نویسد:

«نافع یکی از قراء سبعه و عالمی نام‌آور و ثقه و صالح و از اهالی اصفهان می‌باشد و قراءات را از جماعتی که به هفتاد نفر می‌رسد فرا گرفته است (۲) ۳۸۸».

۳- احمد بن اقبال قزوینی مکی

وی به همراه پدر سالها در مکه اقامت گزید و جمعی از فضلای وقت، مانند ابن عساکر و ابن خلیل و دلاصی را درک کرد. درباره او گفته‌اند که مانندش کم دیده شده که بر اقراء آن همه صبر و حوصله از خود نشان داده باشد (۳) ۳۸۹.

۴- احمد الشریف خراسانی

سخاوی پس از اعطای لقب «مقریء» به احمد شریف خراسانی می گوید:

«کان دیناً خیراً مقرئاً مقیماً برباط الشیرازی .... (۴) ۳۹۰».

۵- ابوعبداللَّه کازرینی

محمدبن حسین بن آذر بن بهرام فارسی ابوعبداللَّه کازرینی، مقریء اهل مکهٔ (۵) ۳۹۱.

۱- چهارده روایت در قراءت قرآن مجید، ص ۱۸

۲- چهارده روایت در قرآءات قرآن مجید، ص ۱۸.

۳- العقد الثمین، ج ۳، ص ۱۸

۴- التحفهٔ اللطیف، ج ۱، ص ۲۸۰

۵- العقد الثمین، ج ۲، ص ۶

ص: ۲۹۵

۶- احمد بن محمد بن عبداللّٰه فارسی، مقریء مکه (۱) ۳۹۲ ۷- صالح بن محمود اصبهانی

یکی از مقرئین به قراءات سبع و مدرسین در مسجد الحرام بوده است (۲) ۳۹۳.

۸- معروف بن مشکان

معروف به ابوالولید مکی، قاری اهل مکه ... صاحب مغنی در قراءات می‌نویسد:

« (نامبرده) مولای عامر بن نفیل کندی و از خطّه فارس است که کسری آنها را در کشتی فرستاد، تا حبشیان را از یمن طرد کنند (۳) ۳۹۴».

امامت در مسجد الحرام

پیش‌از این در مسجدالحرام امامهای متعددی وجود داشته است، بلکه باید گفت که هر مذهبی برای خود امامی راتب داشت (۴) ۳۹۵. و ما در اینجا- هر چند که جستجوی کامل نکرده‌ایم اما- نام سه نفر از ایرانیان را که سالها امامت مقام ابراهیم را عهده‌دار بودند می‌آوریم:

۱- زاهر بن رستم اصبهانی

تقی الدین مکی درباره‌اش می‌نویسد:

« (وی) اصفهانی الاصل بوده و در بغداد متولد گردیده است. سالهای زیادی امامت مقام ابراهیم را عهده‌دار بود تا اینکه از امامت عاجز شد و ملازم منزل خود گردید (۵) ۳۹۶».

۲- عبدالمحسن بن أبی العمید أبهری

وی به عنوان امام راتب در مقام ابراهیم بود، تا اینکه وفات یافت (۶) ۳۹۷.

۱- سیر اعلام النبلاء، ج ۱۲، ص ۵۰.

۲- العقد الثمین، ج ۵، ص ۲۹.

۳- العقد الثمین، ج ۷، ص ۲۴۲.

۴- جهت تحقیق بیشتر به کتاب تاریخ مکه، ج ۱، ص ۳۳۲ مراجعه کنید.

۵- العقد الثمین، ج ۴، ص ۴۲۶؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۲۲، ص ۱۷.

۶- سیر اعلام النبلاء، ج ۲۲، ص ۲۵۹

ص: ۲۹۶

۳- عبدالملک بن أبی مسلم نهاوندی

او نیز به عنوان امام مقام ابراهیم تعیین شده بود (۱) ۳۹۸.

تدریس در مکه و مسجد الحرام

از جمله مناصب و مشاغلی که ایرانیان مجاور در مکه مکرمه، بدان اشتغال داشته‌اند، تدریس در مدارس مکه بوده و بلکه برخی از آنان کار تدریس در مسجدالحرام را نیز بر عهده داشته‌اند. تقی الدین مکی به نام سه تن از آنان اشاره می‌کند:

۱- عبدالرحمن بن عبدالصمد نیشابوری

وی معروف به ابوالقاسم اکّاف، ازاهالی نیشابور بوده و فقه را از ابونصر بن ابی القاسم قشیری گرفته است ... و مختصر ابومحمد جوینی را در مکه تدریس می‌کرد. او درسال ۵۴۹ وفات یافت (۲) ۳۹۹.

۲- صالح بن محمود کرومی اصبهانی

او یکی از مقرئین به قراءات هفتگانه و مدرس در حرم شریف بوده ... که در سال ۷۵۷ در مکه وفات یافت و در قبرستان معلاۀ دفن گردید (۳) ۴۰۰.

اذان در مسجد الحرام

از آنجا که عده‌ای از ایرانیان علاقه خاصی به اذان گفتن در مسجد الحرام را داشته‌اند، برخی از آنان از طرف بزرگان حرم، به عنوان رئیس اذان گویان و برخی به عنوان مؤذن درمسجد الحرام تعیین گردیده‌اند. بعد از کمی دقت و مروری گذرا بر شرح حال این افراد، به نتیجه می‌رسیم که همه آنها از اهالی کازرون می‌باشند.

تقی الدین مکی به نام و شرح حال هر یک از آنان اشاره کرده و ما از باب اختصار

۱- العقد الثمین، ج ۵، ص ۵۱۶

۲- همان، ص ۳۶۳

۳- همان، ص ۲۹

ص: ۲۹۷

فقط به ذکر نامشان اکتفا می‌کنیم:

۱. عبداللَّه بن علی بن محمد بن عبدالسلام بن ابی المعال کازرونی (۱) ۴۰۱.

۲. عبداللَّه بن علی بن عبداللَّه کازرونی (۲) ۴۰۲.

۳. ذاکر بن عبدالمؤمن بن ابی المعال کازرونی (۳) ۴۰۳.

۴. احمد بن عبدالسلام کازرونی (۴) ۴۰۴.

۵. احمد بن علی بن محمد کازرونی (۵) ۴۰۵.

۶. محمد بن عبداللَّه بن علی کازرونی (۶) ۴۰۶.

۷. محمدبن عبدالسلام بن ابی المعالی کازرونی (۷) ۴۰۷.

۸. محمد بن علی بن عبداللَّه بن علی کازرونی (۸) ۴۰۸.

۹. عبدالسلام بن ابی المعالی کازرونی (۹) ۴۰۹.

۱۰. عبداللطیف بن محمد بن حسین کازرونی (۱۰) ۴۱۰.

۱۱. علی بن عبداللَّه بن علی بن محمد کازرونی (۱۱) ۴۱۱.

۱۲. عبدالمؤمن کازرونی (۱۲) ۴۱۲.

۱۳. علی بن محمد بن عبدالسلام کازرونی (۱۳) ۴۱۳.

۱۴. احمد بن عبداللَّه بن قاسم بن نافع بن ابی بزه، که به بشار بزی نامبردار و مکنی به

۱- العقد الثمین، ج ۵، ص ۲۱۳

۲- همان، ص ۲۱۲

۳- همان، ج ۴، ص ۳۶۲

۴- همان، ج ۳، ص ۸۱

۵- همان، ج ۳، ص ۱۰۸

۶- همان، ج ۲، ص ۶۹

۷- همان، ج ۲، ص ۱۲۱

۸- همان، ج ۲، ص ۱۵۶

۹- همان، ج ۵، ص ۴۳۱

۱۰- همان، ج ۵، ص ۴۸۸

۱۱- همان، ج ۶، ص ۱۸۳

۱۲- همان، ج ۱۲، ص ۲۰۳

۱۳- همان، ج ۶، ص ۲۳۳

ص: ۲۹۸

ابوالحسن بوده‌است. وی مؤذن مسجد الحرام بوده و اصلًا ایرانی و از مردم همدان می‌باشد (۱) ۴۱۴.

خدمت در حرمین شریفین

ایرانیان این افتخار را دارنـد که خدمات و کمکهای فراوانی را به خصوص به حرم امن الهی و مردم آن دیار انجام داده‌اند که برخی از آن خدمات در تاریخ ثبت شده است.

اکنون آن را در چند بخش می‌آرویم:

* خدمات اجتماعی

۱- تعمیر مسجد الحرام

ابراهیم بن محمـد بن علی فارسـی استرابادی از کسانی بود که در سال ۴۶۶ به مکه مشـرف شد و خدمات چشمگیری را در مکه، به خصوص در مسجد الحرام انجام داد.

بر اساس نقل صاحب مرآة الحرمین، وی موضعی از مسجدالحرام را که ویران شده بود، با صرف مبلغ سی هزار دینار تعمیر کرد (۲) ۴۱۵.

۲- تعمیر و بازسازی حجر اسماعیل

محمد بن علی اصبهانی وزیر؛ از جمله کسانی بود که حجر اسماعیل را بازسازی و تجدید ساختمان کرد (۳) ۴۱۶.

۳- تعویض ناودان کعبه

شیـخ ابوالقـاسم را مشـت فارسـی از اعیـان و بازرگـانـان ایرانی به شـمار می‌رفت. نـاودان کعبه پس از مرگش به هزینه وی از سـوی خادمش نصب گردید (۴) ۴۱۷.

۴- پوشاندن جامه کعبه

در سال ۴۶۶ هجری ابراهیم بن محمد بن علی فارسی استرابادی، وقتی به مکّه

۱- چهارده روایت در قرآن مجید، ص ۱۸

۲- مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۲۸۳؛ العقد الثمین، ج ۳، ص ۲۶۱

۳- العقد الثمین، ج ۲، ص ۲۱۲

۴- مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۳۷۵

ص: ۲۹۹

مشرف شد، دید که سالهاست خانه خدا پوشش و پرده ندارد. پس کعبه را به وسیله پارچه سفیدی که دست بافت هند بود، پوشانید (۱) ۴۱۸.

همچنین رامشت بن حسین فارسی که از اعیان و تجار ایرانی به شمار می‌آمد، در سال ۵۰۲ هجری قمری کعبه را پرده پوشانید و این هنگامی بود که جامه از سوی خلیفه، به خاطر جنگی که با پادشاه سلجوقی داشت، نرسیده بود. قیمت این جامه را هیجده هزار مثقال مصری نگاشته‌اند (۲) ۴۱۹.

۵- بازسازی مساجد مکه مکرمه

از جمله مساجدی که در مکه مکرمه به دست ایرانیان بازسازی شد، مسجد تنعیم، خَیف و مسجد جبل الرحمه است.

ابراهیم بن محمد بن علی فارسی استرابادی، مسجدی را که عایشه در تنعیم از آن‌جا احرام بست بازسازی و تجدید ساختمان کرد (۳) ۴۲۰.

۶- وقف خانه برای فقرای مجاور

وقف خانه و رباط در اطراف مسجدالحرام، برای فقرا و مستمندان مجاور خانه خدا، یکی دیگر از خدماتی است که عده‌ای از ایرانیان عهده‌دار آن بوده‌اند که برخی از آن خانه‌ها در قسمت صفا و برخی دیگر نزدیک باب الحزوره و یا در کوچه حجر بوده است.

یکی از این خانه‌ها را شاه شجاع بن محمد بن مظفر یزدی پادشاه فارس (۴) ۴۲۱ و دومین آن را رامشت بن حسین بن شیرویه معروف به «رباط رامشت (۵) ۴۲۲» و سومین خانه را ابراهیم ابن محمد اصفهانی (۶) ۴۲۳ وقف کردند.

۱- تاریخ مکه، ج ۱، ص ۲۲۰ نوشته سباعی.

۲- العقد الثمین، ج ۴، ص ۲۸۶، تاریخ مکه، ج ۱، ص ۲۱۹؛ مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۲۸۳

۳- العقد الثمین، ج ۳، ص ۲۶۱

۴- التحفة اللطیفه، ج ۲، ص ۲۱۰

۵- العقد الثمین، ج ۴، ص ۳۸۵؛ تاریخ مکه، ص ۲۲۱۹، نوشته سباعی.

۶- العقد الثمین، ج ۳، ص ۲۹۳

ص: ۳۰۰

۷- وقف املاک در عرفات

خدمت ارزنده دیگری که ایرانیان به میهمانان خدا و زائران بیت اللَّه الحرام کرده‌اند، وقف حدود پنجاه مورد ملک در عرفات است که توسط عبدالسلام بن ابی‌المعالی کازرونی انجام پذیرفت (۱) ۴۲۴.

۸- ایجاد استراحتگاه موقت در میان راه

عبدالعزیز بن علی بن عثمان بن محمد اصفهانی معروف به عجمی که یکی از تجار مکه مکرمه بوده، اموال و زمینهای زیادی در مکه و وادی «مر» و «هده» به دست آورد و در هده جایگاهی را برای استراحت موقت زائران که پیاده به طرف خانه خدا می‌رفتند ساخت و وقف نمود (۲) ۴۲۵.

۹- راه اندازی چشمه بازان

چشمه بازان به همت یکی از مشایخ عجم مجاور مکه مکرمه، به نام دانیال بن علی‌بن سلیمان بن محمود لرستانی کردی راه‌اندازی شد. وی تلاش زیادی برای ایجاد این چشمه کرد و سفرهایی بدین منظور به مصر و عراق نمود تا نظر صوبان نائب العراقین‌را برای شرکت در این کار جلب کند. سرانجام به کمک او چشمه را در سال ۷۲۶ هجری جاری ساخت (۳) ۴۲۶.

تقی الدین مکی راه اندازی چشمه بازان را به خلیفه بن محمود کیلانی نسبت داده است (۴) ۴۲۷.

۱۰- آبرسانی به صحرای عرفات

از کارهای عظیمی که محمد بن علی اصفهانی درمکه مکرمه انجام داد این بود که جهت رفاه حال زائران خانه خدا، آب را به عرفات رساند.

تقی الدین مکی در شرح حال محمد بن علی اصفهانی می‌نویسد:

۱- العقد الثمین، ج ۴، ص ۴۳۱

۲- العقد الثمین، ج ۵، ص ۴۵۴

۳- العقد الثمین، ج ۴، ص ۳۴۳

۴- العقد الثمین، ج ۴، ص ۳۲۰.

ص: ۳۰۱

«و اجری الماء الی عرفات ... و کان یعطی أهل مکّهٔ کلّ سنهٔ مالًا عظیماً لیجروا الماء الی عرفات (۱) ۴۲۸».

آب را به عرفات برد ... در حالی که اهل مکه همه سال مخارج زیادی را برای رساندن آب به عرفات متحمل می‌شدند».

* خدمات فرهنگی

ایرانیان علاوه بر خدمات علمی؛ از قبیل حدیث و روایت و تدریس در مسجدالحرام، خدمات فرهنگی دیگری نیز در حرمین شریفین ارائه کرده‌اند که به چند نمونه از آن اشاره می‌کنیم:

۱- تأدیب و تعلیم کودکان در مسجد الحرام

دو تن از ایرانیان که این خدمت را نسبت به کودکان مکه مکرمه انجام داده‌اند عبارتند از:

أ- محمد بن اسماعیل بن حسین شیرازی

وی مدتی عهده دار تعلیم و تأدیب کودکان در مسجد الحرام، زیر مناره باب العمره بوده است (۲) ۴۲۹.

ب- مؤمن بن محمد کازرونی مکی

او نیز تربیت کننده اطفال در حرم شریف بوده است (۳) ۴۳۰.

۲- وقف کتابهای نفیس و گرانبها

شاه شجاع بن محمد بن مظفر یزدی، سلطان خطه فارس ... در حرم مدنی آثاری از خود به یادگار گذاشت .. از جمله آنها، کتابخانه‌ای است که مشتمل بر بهترین کتابها و گرانبهاترین آنها می‌باشد .... (۴) ۴۳۱

۱- العقد الثمین، ج ۲، ص ۲۱۲

۲- العقد الثمین، ج ۱، ص ۴۱۳.

۳- العقد الثمین، ج ۷، ص ۳۱۴

۴- التحفهٔ اللطیفه، ج ۲، ص ۲۰۹

ص: ۳۰۲

۳- تألیف کتاب

از ایرانیان معروف و مشهور در مکه مکرمه، بودند افرادی که بیشترین وقت خود را صرف تألیف کتاب کرده و از این راه خدمتی به اسلام نمودند.

۱- شیخ مجد الدین فیروزآبادی

سباعی در تاریخ مکه می‌نویسد:

«و قد ألّف کتابه القاموس فی منزله بمکّهٔ بجواز الصفا (۱) ۴۳۲».

«وی کتاب قاموس خود را در منزلش در کنار صفا تألیف نمود».

۲- محمد امین استرآبادی

میرزا محمد امین استرآبادی که از علمای اخباری است، کتاب خود «الفوائد المدنیّه» را، هنگامی که مجاور قبر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بود، نوشت (۲) ۴۳۳.

* خدمات هنری

سباعی می‌نویسد:

«شیخ عیسی، که اصل او از شیراز است، معروف به زیبا خط می‌باشد و تمام آن خطوط و نقش و نگارهایی که در زمانش، در مسجد نوشته شده، همه‌اش را او نوشته است (۳) ۴۳۴».

* خدمات پزشکی

از میان ایرانیان مجاور مکّه مکرمه، نام دو تن در تاریخ ثبت گردیده است که خدمات شایسته‌ای را به مردم مکه از نظر طبابت و برطرف کردن نیازهای دارویی و

۱- تاریخ مکه، نوشته سباعی، ج ۱، ص ۳۲۷.

۲- اعیان الشیعه، ج ۴، ص ۱۴۷

۳- تاریخ مکه، نوشته سباعی، ج ۲، ص ۴۶۷

ص: ۳۰۳

معالجه دیگر بیماریهای مردم، از قبیل شکسته بندی و غیره انجام داده‌اند:

۱- محمد بن اسحاق شیرازی

معروف به غیاث الدین ابرقوهی، که تقی الدین مکی در شرح حال او می‌نویسد:

«و کان له معرفهٔ بالطّب و له فیه تألیف حسن و انتفع به الناس فی ذلک کثیراً بمکّهٔ و کان یحسن الیهم فیما یحتاجه من الأدویهٔ و غیر ذلک (۱) ۴۳۵

او (غیاث الدین ابرقوهی) دارای شناخت و معرفت در طب بود و در این زمینه کتابی تألیف نمود که مردم مکه از آن بهره‌های فراوان بردند. او کمک دارویی زیادی به مردم نمود».

۲- محمد بن عبداللَّه بن علی کازرونی

نامبرده عهده‌دار شغل شکسته بندی در مکه مکرمه بوده است (۲) ۴۳۶.

(۳) ۴۳۷

پی نوشت ها

۱ (۱) منهج الصادقین، ملافتح اللَّه کاشانی، ج ۱، ص ۳۶۶

۲ (۲) آل عمران: ۹۶ و ۹۷

۳ (۱) ابوالولید محمد بن عبداللَّه بن احمد بن محمد(دح ۲۵۰ ه. ق./ ۸۶۴ م) از زندگی وی چندان آگاهی دردست نیست و شهرتش به سبب گرد آوری کتاب اخبار مکه می‌باشد.

وی علاوه بر جدش، از کسانی چون علی بن هارون بن مسلم عجلی، مهدی بن ابی مهدی، محمد بن ابی عمر عَدَنی که از بزرگان موثق مکه بودند، حدیث شنید. برای آگاهی بیشتر مراجعه کنید به دائرهٔ المعارف بزرگ شیعه، ج ۸، ص ۳۷

۴ (۱) طور: ۴

۵ (۲) جامع احادیث الشیعه، کتاب حج، ج ۱۰، صص ۳ و ۴

۶ (۱) ابن رسته، الاعلاق النفیسه، ص ۲۴

۷ (۱) ازرقی، اخبار مکه، صص ۷- ۱۰

۸ (۲) منهج الصادقین، ملافتح اللَّه کاشانی، ج ۱، ص ۳۸۰؛« تفسیر مفاتیح الغیب»، فخر رازی، ج ۳، ص ۶

۹ (۳) ابن رسته، الاعلام النفیسه، ص ۲۴

۱۰ (۴) ازرقی، اخبار مکه، ص ۱۸

۱۱ (۵) ابن رسته، الاعلاق النفیسه، ص ۲۴

۱۲ (۱) نام کوهی است که بر فراز آن درخت زیتونی قرار دارد. این کوه در کنار پل خابور و نزدیک رأس العین‌است. این کوه یکی از جایگاه‌های مبارک بیت المقدس به شمار می‌آید. نک: یاقوت، معجم البلدان، ج ۶، ص ۶۸

۱۳ (۲) ازرقی، اخبار مکه، ص ۹

۱- العقدالثمین، ج ۱، ص ۴۰۹

۲- العقد الثمین، ج ۲، ص ۶۹

۳- دکتر محمد الدقن - هادی انصاری، کعبه و جامه آن از آغاز تاکنون، ۱جلد، نشر مشعر - تهران، چاپ: ۱، ۱۳۸۴.

ص: ۳۰۴

۱۴ (۳) ملافتح اللَّه کاشانی، منهج الصادقین، ج ۱، ص ۳۸۱ و نیز نک: فخر رازی، مفاتیح الغیب، ج ۷- ۸، بخش هفتم، ص ۱۵۴

۱۵ (۱) منطقه حِلّ شامل مناطقی است که خارج از دایره حرم قرار گرفته است.

۱۶ (۲) جامع احادیث الشیعه، کتاب حج، ج ۱۰، صص ۹ و ۱۰

۱۷ (۱) جامع احادیث الشیعه، کتاب حج، ج ۱۰، ص ۱۳

۱۸ (۲) ابن رسته، الاعلاق النفیسه، ص ۲۶

۱۹ (۱) امل اسین، مکه مکرمه، مدینه منوره، ص ۲۷

۲۰ (۱) ازرقی، اخبارمکه، ص ۲۸

۲۱ (۲) ازرقی، اخبار مکه، ص ۲۸

۲۲ (۳) تاریخ الخمیس فی احوال انفس نفیس، حسین بن محمدالحسن دیار بکری کردی، ج ۲، ص ۱۲۱

۲۳ (۱) برگرفته از کتاب خطی« عامود النسب» نوشته ثعالبی.

۲۴ (۲) برخی از صاحبنظران، کوه جودی را همان کوه آرارات دانسته‌اند که درشرق کشور ترکیه کنونی واقع‌است و قلّه آن از نقاط مرزی شمال غربی ایران در فاصله میان دو کشور ایران و ترکیه قابل رؤیت است.

۲۵ (۱) حسین باسلامه.

۲۶ (۱) نوشته حسین بن محمد حسین دیار بکری.

۲۷ (۱) زاد المسلم فیما اتفق علیه البخاری و المسلم، ج ۲، ص ۱۵۸.

۲۸ (۱) ازرقی، اخبار مکه، ص ۲۷، و نیز نک: تفسیر قرآن العظیم، حافظ عماد الدین ابوالفداء، قاهره ۱۳۷۳ ه. ق./ ۱۹۵۴ م، ج ۱، ص ۱۷۶

۲۹ (۲) بقره: ۱۲۹

۳۰ (۱) ابن رسته، الاعلاق النفیسه، ص ۲۸ و ۲۹ و نیز نک: تفسیر ابوالفتوح رازی، ج ۱، صص ۳۲۱ و ۳۲۲

۳۱ (۲) حج: ۲۷

ص: ۳۰۵

۳۲ (۱) ابن رسته، الاعلاق النفیسه، ص ۲۸ و نیز نک: ابن قتیبه دینوری، معارف لبنان، بیروت، احیاء التراث العربی، ص ۳۴۴

۳۳ (۲) ابن رسته، الاعلاق النفیسه، ص ۲۹؛ ازرقی، اخبارمکه، صص ۲۹ و ۳۱ و ۳۲ و نیز نک: ابوالفداء، تفسیر قرآن العظیم، ج ۱، صص ۱۷۸ و ۱۷۹

۳۴ (۳) ازرقی، اخبار مکه، ص ۴۵، ترجمه دکتر محمود دامغانی.

۳۵ (۱) ازرقی، اخبار مکه، ص ۴۵، ترجمه دکتر محمود دامغانی.

۳۶ (۲) یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۳، ص ۲۲۱

۳۷ (۳) ازرقی، اخبار مکه، ترجمه دکتر محمود دامغانی، ص ۴۶

۳۸ (۱) اخبار مکه، ازرقی، ص ۴۹

۳۹ (۲) ابوالولید ازرقی، اخبار مکه، ج ۱، ص ۵۰

۴۰ (۳) اخبار مکه، ازرقی، ج ۱، ص ۵۱

۴۱ (۱) ابراهیم رفعت پاشا، مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۲۷۶

۴۲ (۲) ابن رسته، الاعلاق النفیسه، ص ۲۹

۴۳ (۳) حج: ۲۶- ۲۸

۴۴ (۱) ابراهیم: ۳۷

۴۵ (۲) بقره: ۱۲۹

۴۶ (۳) محمد طاهر کردی، التاریخ القویم لمکهٔ و بیت اللّه الکریم، ج؟، ص؟

۴۷ (۱) ازرقی، اخبارمکه، ترجمه دکتر محمود دامغانی، ص ۵۳

۴۸ (۲) منطقه‌ای درناحیه ترکیه کنونی و آذربایجان به شمار می‌آید. نک: دائرهٔ المعارف اسلام.

۴۹ (۱) ازرقی، اخبار مکه، ترجمه دکتر محمود دامغانی، ج ۱، صص ۶۵- ۶۷

۵۰ (۱) ازرقی، اخبار مکه، ج ۱، ترجمه دکتر محمود دامغانی.

۵۱ (۲) نامبرده در سال ۱۲۹۱ ه. ق. متولد شد و در سال ۱۳۶۵ ه. ق. در مکه از دنیا رفت. او از تبار هندیان بود که سالها مجاورت مکه را برگزید. نامبرده تألیفات بسیاری، از آن جمله« افادهٔ الأنام بذکر اخبار البلد اللّه الحرام» در چهار جلد و نیز کتابی با عنوان« تُراجم العلماء من المکیین» و جز اینها، که از قرن دهم تا چهاردهم درمکه وفات کرده‌اند، را نوشته است.

ص: ۳۰۶

۵۲ (۱) ازرقی، اخبار مکه، ج اول، صص ۷۸ و ۷۹، ترجمه دکتر محمود دامغانی.

۵۳ (۲) محمد طاهر کردی مکی، تاریخ القویم لمکّهٔ و بیت اللَّه الکریم، ج ۳

۵۴ (۱) مسعودی، مروج الذهب، ج ۱، ص ۴۱۸

۵۵ (۱) مسعودی، مروج الذهب، ج ۱، ص ۴۱۸

۵۶ (۲) تاریخ القویم لمکهٔ و بیت اللَّه الکریم، ج ۳، ص ۶۹

۵۷ (۱) کاظم مدیر شانه چی، مسجد الحرام و کعبه، ص ۳۵۱

۵۸ (۲) نوشته حسین باسلامه.

۵۹ (۳) نوعی درخت نخل.

۶۰ (۴) محمد طاهر کردی مکی، التاریخ القویم لمکهٔ و بیت اللَّه الکریم، ج ۳، ص ۱۴۳

۶۱ (۱) جامع احادیث الشیعه، کتاب حج، ج ۱۰، باب چهارم در حدود مسجد و خانه کعبه.

۶۲ (۱) تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۳۷۳

۶۳ (۱) ازرقی، اخبار مکه، ج ۱، ص ۱۲۸، ترجمه دکتر محمود دامغانی.

۶۴ (۲) تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۳۷۴

۶۵ (۱) انساب الاشراف، ج ۴، صص ۱۶ و ۱۷

۶۶ (۲) انساب الاشراف، ج ۴، ص ۱۷

۶۷ (۱) ازرقی، اخبار مکه، ج ۱، ص ۱۶۱، ترجمه دکتر محمود دامغانی.

۶۸ (۲) محمد طاهر کردی، التاریخ القویم لمکّهٔ و بیت اللَّه الکریم، ج ۳

۶۹ (۱) نوعی ابریشم گران قیمت و ضخیم.

۷۰ (۱) قباطی بر گرفته از نام قبطیان، ساکنان مصر کهن بوده و این نوع بافته از دیرباز در این سرزمین شهرت فراوان داشته است. به نظر می‌رسد که در آن هنگام از بافته‌های مقاوم و ارزشمند به شمار می‌آمده است.

ص: ۳۰۷

۷۱ (۲) محمد طاهر کردی، التاریخ القویم لمکهٔ و بیت اللّه الکریم، ج ۳

۷۲ (۱) میرزا زین العابدین کاشانی از علمای قرن یازدهم هجری و از شاگردان ملا محمد امین استرآبادی‌بنیان گذار تفکر نوین اخباری و صاحب فوائد المدینه است. وی از عالمان مقیم مکه بوده و در همین شهر به دست سنیان متعصب به شهادت رسیده است. در آن هنگام به علت اختلاف شیعه و سنی درباره روز عرفه و عدم تبعیت شیعیان از سنیان، افراطیون سنی دست به شهادت زائران شیعی می‌زدند. میرزا زین العابدین نیز به تصریح عبدالحی رضوی، به همین دلیل به شهادت رسیده است.

(نک: حدیقهٔ الشیعه، عبدالحی رضوی، نسخه ۱۱۲۴، کتابخانه آیهٔ اللّه مرعشی نجفی، برگ ۴۹).

۷۳ (۲) الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۱، صص ۳۶۲ و ۳۶۳

۷۴ (۳) اعیان الشیعه، ج ۷، صص ۱۶۸ و ۱۶۹

۷۵ دکتر محمد الدقن - هادی انصاری، کعبه و جامه آن از آغاز تاکنون، ۱جلد، نشر مشعر - تهران، چاپ: ۱، ۱۳۸۴.

۷۶ (۱) المسلمون، شماره ۶۲۲، سال دوازدهم، مورخ ۲۴ شعبان ۱۴۱۷ هجری.

۷۷ (۱) خصف(حصیر) پوشش ضخیمی است که به وسیله برگ درختان نخل بافته می‌شد و مردمان حجاز از آن‌همواره در موارد مختلفی؛ مانند فرش کردن زمین خانه‌های خود یا مساجد بهره می‌جستند.

۷۸ (۲) نک: شفاء العزام بأخبار البلد الحرام»، دارالکتب العلمیه، بیروت، لبنان(بدون تاریخ) جلد اول ص ۱۱۹ و ۱۲۰؛ ابن ظهیره قرشی مخزومی،« جامع اللطیف فی‌فضل مکهٔ و اهلها و بناء البیت الشریف»، چاپ اول، چاپخانه عیسی البابی الحلبی، قاهره ۱۳۴۰ ه. در سال ۱۹۲۱ م. ص ۱۰۵

۷۹ (۱)« اسعد ابو کرب تبّعی» یکی از پادشاهان« یمن» است که نام سلسله پادشاهان آنان« تبابعه» و مرکزفرماندهی آنان در یمن بوده که به معنای داشتن پیروان فراوان است.

بنا به گفته روایات، اسعد با آگاهی از ظهور پیامبر اسلام، پیشتر به آن حضرت ایمان آورده بود. از این رو در برخی روایات آمده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است« لا تسبّوا تبّعاً فإنّه کان قد أسلم»؛« تبع را ناسزا نگویید زیرا او اسلام را پذیرفته بود.» گفته می‌شود تبع یکی از پنج پادشاهی است که تمامی جهان قدیم را از یمن تا حیره و از حیره تا سمرقند فتح کرده و تحت تسلّط خویش درآورد.(سفینهٔ البحار، ج ۱، ص ۳۰۲)« مترجم»

۸۰ (۲) نوشته محب‌الدین طبری، القری لقاصد ام‌القری چاپ اول، قاهره ۱۳۶۷ ه ۱۹۴۸ م، ص ۴۷۲؛ ازرقی، اخبار مکه و ماجاء فیها من الآثار چاپ سوم بیروت، لبنان ۱۳۸۹ ه ۱۹۶۹ م. ج ۱، ص ۲۴۹ و اوالعباس احمد بن علی القلقشندی، صبح الأعشی فی‌صناعهٔ الانشا، نوشته چاپ‌قاهره، سلسله‌تراثنا، ج ۴، ص ۲۷۷

۸۱ (۱) الخصف: بافته‌ای که از برگ درختان نخل به وجود آمده و همواره مردمان حجاز به عنوان زیرانداز در خانه‌های خود و مساجد به کار می‌بردند.(مترجم).

۸۲ (۲) در اصل نام مکانی است که پارچه‌ای به همین نام می‌بافد.

۸۳ (۳) سیره ابن هشام، با بازنگری و مقدمه طه عبدالروف سعد، دارالجیل، بیروت(بدون تاریخ) ج اول، ص ۲۰ و ۲۱.

۸۴ (۴)« الانطاع»، جمع نطع بوده که پوششی از چرم به شمار می‌آمده است.

۸۵ (۵)« عَصْب» به فتح عین و سکون صاد به بردهای یمانی گفته می‌شده است که قسمتی از رشته‌های آن‌رنگ‌آمیزی شده و سپس با تارهای بدون رنگ به هم بافته می‌شد که در پایان حالتی راه راه را به خود می‌گرفت.

ص: ۳۰۸

۸۶ (۶)« مسوح» جمع مسح است که پارچه‌ای ضخیم از پشم بوده است.

۸۷ (۷)« الحبرات» جمع حبره است که به پارچه‌های برد یمانی راه راه گفته می‌شده و مردمان یمن از آن برای خویش لباس تهیه می‌کرده‌اند.

۸۸ (۸) ازرقی، اخبار مکه، ج ۱ ص ۲۵۰؛ محب‌الدین طبری القری لقاصد ام‌القری ص ۴۸۲؛ قطب‌الدین حنفی، الاعلام بأعلام بیت‌الله الحرام چاپ مکتبه العلمیه در مکه مکرمه(بدون تاریخ) ص ۶۹ و ابن ظهیره الجامع اللطیف ص ۱۰۴ و ۱۰۵.

۸۹ (۱)« ظفار»، یکی از شهرهای قدیمی سرزمین یمن بوده که هم اکنون تپه‌های باقیمانده آن نیز وجود دارد. لازم به تذکر است که امروزه سرزمینی بدین نام در کنار آن قرار دارد.

۹۰ (۲)« قباذ»، یکی از پادشاهان ایرانی بوده که در زبان فارسی به« قباد» نام داشته اشت.

۹۱ (۳)« ابن اقلود» یکی از فرمانروایان شام و یا عراق بوده است.

۹۲ (۴)« اقلید» همان کلید است.

۹۳ (۵) ابیات چهارم، و پنجم و ششم را ازرقی در کتاب خود؛« اخبار مکه» جلد اول، صفحه ۲۵۰، و نیز ابن ظهیره در« جامع اللطیف»، ص ۱۰۴ و ۱۰۵ آورده است. اما ابیات دیگر را ابراهیم رفعت پاشا در کتاب« مرآة الحرمین، چاپ اول، دارالکتب مصری در قاهره به سال ۱۳۴۴ ه/ ۱۹۲۵ م. جلد اول، ص ۲۸۱ و نیز یوسف احمد در کتاب« المحمل والحج» که به وسیله چاپخانه حجازی در قاهره به سال ۱۳۵۶ ه/ ۱۹۳۷ م. جلد اول، ص ۲۳۲ و ۲۳۳ آورده‌اند.

۹۴ (۱) قباطی، پارچه‌های سپید و ظریفی بوده که به وسیله مصریان بافته می‌شده است.(مترجم)

۹۵ (۲) محمد لبیب البتنونی، الرحلة الحجازیه، چاپخانه جمالیه مصر، چاپ دوم به سال ۱۳۲۹ ه ص ۱۳۴ و ۱۳۵

۹۶ (۱) حبری، روپوش یا پارچه‌های سیاه رنگ را گویند. هم‌اکنون کشیشان مسیحیت از این نوع روپوش به‌عنوان عبا بر روی شانه‌های خویش می‌اندازند،(مترجم).

۹۷ (۲) عطرهای گیاهی خوشبوکننده مانند عود و عنبر را گویند.(مترجم)

۹۸ (۱) ازرقی، اخبار مکه، ج ۱، ص ۲۵۰ و ۲۵۱ و نیز نک: شفاء الفرام، ج ۱، ص ۱۲۰؛ ابن ظهیره جامع اللطیف، ص ۱۰۵؛ محب‌الدین طبری، القری لقاصد امّ‌القری، ص ۴۷۱ و ص ۴۷۳؛ قلقشندی، صبح الأعشی، ج ۴، ص ۲۷۹.

۹۹ (۲) حبری، روپوش یا پارچه‌های سیاه رنگ را گویند. هم اکنون کشیشان مسیحیت از این نوع روپوش به‌عنوان عبا بر روی شانه‌های خویش می‌اندازند،(مترجم)

۱۰۰ (۳) قطب الدین حنفی، الاعلام، ص ۶۹.

۱۰۱ (۱) فاسی، شفاء الغرام، ج ۱، ص ۱۲۱

محب‌الدین طبری، القری لقاصد ام‌القری، ص ۴۷۳

ابراهیم رفعت پاشا، مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۲۸۲

۱۰۲ (۲) دیباج، پارچه ابریشمی خالص را گویند،(مترجم)

۱۰۳ (۱) نک: ازرقی: اخبار مکه ج ۱ ص ۲۵۳

ابن ظهیره: جامع‌اللطیف، ص ۱۰۵

ص: ۳۰۹

۱۰۴ (۲) قباطی: به پارچه‌های سپید و ظریفی اطلاق می‌شده است که این پارچه‌ها بافته مصریان در آن دوران به شمار می‌آمده است.(مترجم)

۱۰۵ (۳) فاسی: شفاء الغرام ج ۱ در حاشیه صفحه ۱۲۰

۱۰۶ (۱) قباطی جمع قبطیه(به ضم قاف) پارچه‌های سپید و ظریفی بوده که به وسیله مردمان مصر بافته می‌شده است. این پارچه‌ها منسوب به قبطیان بوده است و ضم در اینجا، نسبت این پارچه به آنان بوده اما در مردم قبطی(به کسر قاف) می‌باشد شفاء الغرام، ج ۱، ص ۱۲۱.

۱۰۷ (۱) روایاتی که از اهل بیت علیهم السلام در این باره در دست است عکس آن است، در کتاب« قرب الاسناد» تألیف‌محدث ثقه بزرگوار عبداللّه بن جعفر حمیری که از دانشمندان بزرگ شیعه در دوره‌های پایانی سده سوم هجری و زنده در سال ۳۰۰ هجری بوده است به سند خود از امام جعفر صادق علیه السلام و آن حضرت از پدرش امام محمدباقر علیه السلام روایت کرده است که فرمود: علی علیه السلام پرده کعبه را همه ساله از عراق می‌فرستاد.(مترجم)

۱۰۸ (۲) ازرقی، اخبار مکه، ج ۱، صص ۲۵۲ و ۲۵۳

فاسی، شفاءالغرام، ج ۱ صص ۱۲۰ و ۱۲۱

قطب‌الدین حنفی، الأعلام، ص ۶۹

۱۰۹ (۳) حسین عبداللّه باسلامه، تاریخ الکعبۀالمعظمه، چاپ دوم، دار تهامه، جده ۱۴۰۲ ه/ ۱۹۸۲ م. ص ۲۵۰

۱۱۰ (۱) در متن روایت کلمه« أزار» آمده و به نظر می‌رسد جامه‌ای که در روز هشتم بر کعبه پوشانده می‌شد تنها به‌عنوان زیبایی بوده برنامه پوشش و جامه اصلی در روز عاشورا بوده است.« مترجم»

۱۱۱ (۱) نک: ازرقی، اخبار مکه، ج ۱، صص ۲۵۲ و ۲۵۳

محب‌الدین طبری، القری لقاصد ام‌القری، ص ۴۷۵

قطب‌الدین حنفی، الاعلام، ص ۶۹

ابن ظهیره، جامع اللطیف، ص ۱۰۵ و ۱۰۶

۱۱۲ (۲) ازرقی: اخبار مکه، ج ۱، ص ۲۵۴؛ فاسی: شفاءالغرام، ج ۱، ص ۱۲۰؛ ابن ظهیره: جامع اللطیف، ص ۱۰۹ و ۱۱۰

۱۱۳ (۱) ازرقی، اخبار مکه، ج ۱، ص ۲۵۵؛ محب الدین طبری، القری لقاصد امّ القری، ص ۴۷۴؛ قلقشندی: صبحی الأعشی، ج ۴، ص ۲۷۹

۱۱۴ (۲) حسین عبداللّه باسلامه، تاریخ الکعبۀ المعظمه، ص ۲۵۵

۱۱۵ (۳) طبری، ابو جعفر محمد بن جریر: تاریخ الرسل و الملوک، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، چاپ دوم‌دار المعارف، قاهره ۱۹۷۶ م. ج ۸، ص ۱۳۳

۱۱۶ (۴) حبشه،« مترجم».

ص: ۳۱۰

۱۱۷ (۵) قلقشندی، صبحی الاعشی، ج ۴، ص ۲۷۹؛ یوسف احمد، المحمل و الحج، ج ۱، ص ۲۳۷؛ محمد طاهرابن عبدالقادر الکردی، تاریخ القویم لمکهٔ وبیت‌اللّٰه الکریم، مکتبهٔ‌النهضهٔ الحدیث، در مکه مکرمه، ج ۴، ص ۱۹۳

۱۱۸ (۱) محمد فرزند منصور عباسی ملقّب به« مهدی» خلیفه سوم عباسی بود. نامبرده در سال ۱۲۷ و یا ۱۲۶ هجری متولد شد و در سال ۱۶۹ هجری در گذشت،« مترجم».

۱۱۹ (۱) پارچه‌ای از پشم و ابریشم،« مترجم».

۱۲۰ (۲) ازرقی، اخبار مکه، ج ۱، ص، ۲۶۲ و ۲۶۳؛ محب الدین طبری، القری لقاصد امّ القری، ص ۴۷۷؛ طبری، تاریخ الرسل و الملوک، ج ۸، ص ۱۳۳

۱۲۱ (۱)« بنام پروردگار و با عنایت و برکت از جانب او برای بنده‌اش المهدی محمد امیرالمؤمنین- که خداوند او را طول عمر دهد- به اسماعیل بن ابراهیم فرمان داده شد که جامه را به سبک جامه‌های تنیس به دست حکم بن عبیده در سال یکصد و شصت و دو آماده ساختند.»

۱۲۲ (۲)« بنام پروردگار و با عنایت او، نسبت به خلیفه الرشید، بنده خدا، هارون امیرالمؤمنین که خداوند او را مورد مرحمت خویش قرار دهد، به فضل بن ربیع فرمان داده شد که جامه را به سبک تونه- یکی از دهکده‌های تابع تنیس- در سال یکصد و نود ببافند.» مقریزی، الخطط، ج ۱، صص ۳۳۹ و ۴۲۲

۱۲۳ (۳)« به دستور سری بن حکم و عبدالعزیز بن وزیر جروی، و به فرمان فضل بن سهل ذوالریاستین، و طاهر بن حسین، در سال یکصد و نود و هفت بافته شد.» مقریزی، الخطط، ج ۱، ص ۳۳۸

۱۲۴ (۱)« بنام پروردگار بخشاینده مهربان و سلام و درود خداوند بر محمد و اهل بیت مطهر و برگزیده او، ابوالسرایا اصفر بن اصفر که دعوت کننده به آیین آل محمد است، فرمان داد این جامه از برای بیت اللّٰه الحرام بافته و آماده گردد.»

۱۲۵ (۲) ازرقی، اخبار مکه، ج ۱، ص ۲۶۳ و ۲۶۴؛ فاسی: شفاءالغرام، ج ۱ ص ۱۲۰؛ قلقشندی، صبحی الاعشی، ج ۴، ص ۲۸۰

۱۲۶ (۳) ازرقی، اخبار مکه، ج ۱، ص ۲۵۵؛ قلقشندی، صبحی الاعشی، ج ۴، ص ۲۸۰

۱۲۷ (۱) شاذَروان؛(به فتح ذال)، در مصباح المنیر آمده است: شاذروان بخشی از دیوار خانه کعبه است که در ساختمان اساسی برونیِ کعبه، از عرض رها گردیده. این بخش همانند پوشش و ازاره‌ای، بخش تحتانی کعبه را در برگرفته است.» بنابراین، شاذروان بخش شیب دار و مایلی است که به وسیله سنگ پایین کعبه را در سه طرف دربرگرفته است. اما در سوی چهارم کعبه، که در برابر حجراسماعیل است، پله صاف و مسطّحی جایگزین آن گردیده است و مردم در کنار دیوار کعبه، در حالی‌که شکم و سینه خود را به خانه چسبانیده و دستان خود را بر بالای سر، بر کعبه قرار می‌دهند به راز و نیاز و تضرّع و زاری مشغول می‌شوند. پله یاد شده در سر تا سر طول کعبه در این سمت بوده و ارتفاع آن از سطح زمین یازده سانتیمتر و عرضش چهل سانتیمتر می‌باشد.

۱۲۸ (۲) نک: ازرقی، اخبار مکه، ج ۱، ص ۲۵۷- ۲۵۵؛ محب الدین طبری، القری لقاصد امّ‌القری، ص ۴۷۵؛ قلقشندی، صبحی الاعشی، ج ۴، ص ۲۸۰ و ۲۸۱؛ قطب الدین حنفی، الأعلام، ص ۷۰؛ ابن ظهیره، جامع اللطیف، ص ۱۰۶

ص: ۳۱۱

۱۲۹ (۳) ازرقی، اخبار مکه، ج ۱، ص ۲۶۴

۱۳۰ (۱) فاسی، العقدالثمین فی‌تاریخ البلدالامین، تحقیق محمد حامدالفقی، چاپخانه السنهٔ‌المحمدیه، قاهره ۱۳۷۸ ه./ ۱۹۵۸ م. ج ۱، ص ۵۸

قلقشندی، صبح الاعشی، ج ۴، ص ۲۸۱

۱۳۱ (۲) مقریزی، الخطط، ج ۱، ص ۳۳۸

۱۳۲ (۳) ابوالمحاسن یوسف بن تغری بردی، النجوم الزاهره فی‌ملوک مصر والقاهره، چاپ وزارت فرهنگ و ارشاد(المؤسسهٔ المصریهٔ العامه للتألیف والترجمه والطباعهٔ والنشر) قاهره(بدون تاریخ)، ج ۴، ص ۲۱۷ و ۲۷۶

۱۳۳ (۱) مکانی است که آب بارانِ فرود آمده بر روی بام کعبه، از آن به پایین سرازیر می‌گردد. نخستین بار قریش‌به هنگام ساختمان خویش از کعبه در سی‌وپنجمین سال تولد پیامبر صلی الله علیه و آله آن را بر کعبه تعبیه نمودند. پیش از آن کعبه دارای سقف نبود. ناودان در سمت شمالی کعبه قرار داشته، به طوری که آب باران فرود آمده بر بام کعبه، به وسیله آن در حجر اسماعیل سرازیر می‌گردد.

۱۳۴ (۲) محمد طاهر کردی، تاریخ‌القویم، ج ۴، صص ۱۹۶ و ۱۹۷

۱۳۵ (۱) ابوالمحاسن، النجوم الزاهره، ج ۵، صص ۵۸ و ۷۲ فاسی، العقدالثمین، ج ۱، ص ۵۷ ابن ظهیره، الجامع اللطیف، ص ۱۰۶

۱۳۶ (۲) ابراهیم بن محمد بن علی فارسی استرآبادی از ایرانیانی است که در سال ۴۶۶ ه به مکه مشرف شد وی‌خدمات چشمگیری را در مکه به ویژه در مسجد الحرام انجام داد.« مترجم»

۱۳۷ (۱) فاسی، شفاءالغرام، ج ۱، ص ۱۲۲

۱۳۸ (۲) وزیر سلطان ملک‌شاه فرزند آلب ارسلان سلجوقی.

۱۳۹ (۳) ابوالمحاسن، النجوم الزاهره، ج ۵، ص ۹۵ و نیز نک: فاسی، شفاءالغرام، ج ۱، ص ۱۲۲

۱۴۰ (۴) فاسی، عقدالثمین، ج ۱، ص ۵۸

ابن ظهیره، جامع اللطیف، ص ۱۰۶ و ۱۰۷

۱۴۱ (۵) رطل مصری، معادل ۴۵۳ گرم بوده است،« مترجم».

۱۴۲ (۱) محمد طاهر کردی، التاریخ‌القویم، ج ۴، ص ۱۹۸

۱۴۳ (۲) به دنبال این سخن، بخش ویژه‌ای را در راستای نوشتار بر جامه کعبه و آذین آن اختصاص خواهیم داد.

۱۴۴ (۳) فاسی، عقدالثمین، ج ۱، ص ۵۸؛ قلقشندی، صبح‌الاعشی، ج ۴، صص ۲۸۱ و ۲۸۲، ابن ظهیره، جامع‌اللطیف، ص ۱۰۷

۱۴۵ (۱) فاسی، شفاءالغرام، ج ۱، ص ۱۲۲

ص: ۳۱۲

العقد الثمین، ج ۱، ص ۵۸

۱۴۶ (۲) فاسی، شفاءالغرام، ج ۱، ص ۱۲۳

۱۴۷ (۱) ابن الوردی(زین الدین عمر بن الوردی): تتمه المختصر فی أخبار البشر،(تاریخ ابن الوردی) تحقیق احمد رفعت بدراوی، دار المعرفه، بیروت، لبنان چاپ ۱۳۸۹ ه/ ۱۹۷۰ م.

ج ۲، ص ۳۱۴ و ص ۳۲۲

۱۴۸ (۲) ابن بطوطه در سال ۷۰۳ هجری در شهر طنجه از سرزمین مراکش تولد یافت و در سال ۷۲۵ هجری زادگاه خود را به قصد زیارت مکه ترک گفت. پس از ادای فریضه حج، به سفرش ادامه داد و به سرزمینها و بلاد یمن، عراق، ایران، آسیای صغیر و ماوراءالنهر رفت و سپس به هندوستان سفر کرد. نامبرده چندین سال در دهلی پایتخت آن کشور به کار قضا پرداخت و سرانجام پس از مسافرتی به کشور چین به وطن خود بازگشت و سفری به آفریقای مرکزی رفته و در بازگشت، خاطرات مسافرت خود را به« ابن جزی» که دبیر دربار سلطان« ابو عنان» پادشاه مراکش بود، املا کرد. ابن جزی کتاب« رحله» را از یاداشتهای ابن بطوطه فراهم آورد.

ابن بطوطه اواخر زندگی را در یکی از شهرهای مراکش به شغل قضا اشتغال داشت و در سال ۷۹۹ هجری درگذشت.

سفرنامه ابن بطوطه، جلد اول، ترجمه دکتر محمد علی موحد، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.

« مترجم»

۱۴۹ (۱) مائده\:i و جعل الله الکعبة البیت الحرام قیاما للناس و الشهر الحرام و الهدی و القلائد ذلک لتعلموا انّ اللَّه یعلم ما فی السموات وما فی الأرض وإن اللَّه بکلّ شیء علیم\E.

۱۵۰ (۱) نک: ابن بطوطه، تحفة النظار فی غرائب الأمصار و عجائب الأسفار، بولاق ۱۹۳۷ م. ج ۱، ص ۱۳۱.

یوسف احمد: المحمل و الحج، ج ۱، ص ۲۴۴

۱۵۱ (۲) در این زمان به آن« باسوس» می گویند.

۱۵۲ (۱) ابن ایاس(محمد بن احمد): بدائع الزهور فی وقائع الدهور، تحقیق محمد مصطفی، چاپ دوم، هیئة المصریة العامه للکتاب، قاهره، ۱۴۰۲ ه. ۱۹۸۲ م. بخش اول، ج ۱، ص ۵۰۵

فاسی: شفاء الغرام، ج ۱، ص ۱۲۳ و ۱۲۴

ابن ظهیره: جامع اللطیف، ص ۱۰۷ و ۱۰۸

۱۵۳ (۲) الاعلام، ص ۷۰

ص: ۳۱۳

۱۵۴ (۳) ابراهیم رفعت، مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۲۸۴

۱۵۵ (۴) نک: ابن ایاس: بدائع الزهور، ج ۵، ص ۱۱۵

۱۵۶ (۱) ابن ایاس، بدائع الزهور، ج ۱، ق ۱، صص ۵۳۸- ۵۳۷

۱۵۷ (۱) ابن ایاس، بدائع الزهور ج ۲، صص ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۹۶

ابن ظهیره، جامع اللطیف، ص ۱۰۶

۱۵۸ (۱) ابن ایاس، بدائع الزهور، ج ۳، صص ۸۸ و ۹۰ و ۹۱

۱۵۹ (۱) ابن جبیر، الرحله، از انتشارات دار و مکتبه الهلال، بیروت، ۱۹۸۱ م. ص ۵۴

۱۶۰ (۲) فاسی: العقد الثمین، ج ۱، ص ۵۹

زینی عبدالباسط بازرس و ناظر بر اوقاف جامه کعبه مشرفه در مصر بود، و سعی و کوشش فراوانی در این اوقاف نمود تا آنجا که مظهر خیرات و برکات بی شمار گردید. او به هنگام رفتن برای شرکت در موسم حج، به فقرا و نیازمندان از حاجیان توجه ویژه‌ای داشت و همواره در میان راه سایبان‌هایی را در توقفگاه‌های حاجیان به وجود می‌آورد تا اینکه آنان بتوانند لحظاتی دور از تابش و گرمای خورشید به استراحت بپردازند. همچنین گاه برخی از بیماران و ناتوانان از حاجیان را بر روی کجاوه‌هایی که برای آنان در نظر گرفته بود، سوار می‌کرد.

در میان راه به وسیله آب گوارا و نان و گرده از آنان پذیرایی می‌کرد و با قربانی کردن گوسفندان در راه میان مصر و مکه و در هنگام اقامت خود در هر منطقه و نیز در راه بازگشت، از حاجیان پذیرائی شایانی بعمل می‌آورد.

نامبرده راه‌های فراوانی را در این مسیر اصلاح نمود که همواره نام او زنده و پاینده خواهد بود.

نک: قطب الدین حنفی، الاعلام، ص ۹۸

۱) فاسی: العقد الثمین، ج ۱، ص ۵۹ ۱) فاسی: العقد الثمین، ج ۱، ص ۵۹ ۱) فاسی: العقد الثمین، ج ۱، ص ۵۹ ۱) فاسی: العقد الثمین، ج ۱، ص ۵۹

۱۶۱ (۱) ابن ایاس، بدائع الزهور ... ج ۲، صص ۲۴۴، ۲۴۵ و ۲۹۶

۱۶۲ (۲) قطب الدین حنفی، الاعلام، صص ۷۰ و ۱۰۲

۱۶۳ (۱) حسین عبدالله باسلامه، تاریخ الکعبة المعظمه، صص ۲۶۵ و ۲۶۶

۱۶۴ (۱) ازرقی: اخبار مکه ج ۱ حاشیه ص ۲۵۸

ص: ۳۱۴

۱۶۵ (۱) جامه یاد شده در رجب سال ۱۴۱۷ هجری، پس از ترمیم و تغییر کعبه از برون و درون بوسیله ملک فهد بن عبدالعزیز در درون کعبه آویخته شد. برای این جامه، بر خلاف جامه‌های پیشین که به رنگ سرخ بودند، رنگ سبز را اختیار کردند که از زیبایی ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. برای اطلاع بیشتر به فصلنامه« میقات حج» شماره ۱۸ ص ۱۸۶ تا ۱۹۹ درون کعبه در دو دیدار مراجعه نمایید.(مترجم)

۱۶۶ (۱) فاسی، شفاء الغرام، ج ۱، ص ۱۲۳ و ۱۲۴

۱۶۷ (۲) قطب الدین حنفی، الاعلام ...، ص ۱۰۲

۱۶۸ (۱) نظر افکنید به شهادت نامه‌های شرعی تسلیم جامه کعبه مشرفه در سالهای ۱۳۲۱، ۱۳۲۲ و ۱۳۸۰ هجری که در پایان این بخش به چاپ رسیده است.

۱۶۹ (۱) ظاهراً باید منظور نجف اشرف و حرم مطهر حضرت امیر علیه السلام باشد،« مترجم».

۱۷۰ (۲) قلقشندی، صبح الاعشی، ج ۴، ص ۲۸۸ و ۳۰۳

۱۷۱ (۳) ابن‌جبیر، الرحله، ص ۱۵۱

۱۷۲ (۱) نَدّ: چوب عود.« مترجم».

۱۷۳ (۲) غالیه: نوعی عطر خوشبو.

۱۷۴ (۳) قلقشندی، صبح‌الاعشی، ج ۴، ص ۳۰۴

۱۷۵ (۴) قلقشندی، صبح‌الاعشی، ج ۴، ص ۳۰۳ و ۳۰۴؛ ابن‌الوردی، تتمهٔ‌المختصر ...، ج ۲، ص ۳۱۴ و ۳۲۲

۱۷۶ (۵) فاسی، شفاءالغرام، ج ۱، ص ۱۲۳

۱۷۷ (۱) قطب‌الدین حنفی، الاعلام، ص ۷۰

۱۷۸ (۲) ابن ایاس: بدائع‌الزهور ...، ج ۵، ص ۲۰۵

۱۷۹ (۳) قطب‌الدین حنفی، الاعلام، ص ۷۰ و ۷۱

۱۸۰ (۱) مقام ابراهیم، همان سنگی است که ابراهیم خلیل علیه السلام به هنگام بنای کعبه بر آن ایستاد. این گفته از« ابن‌عباس» و نیز از« سعید بن جبیر» و جز اینها روایت شده. و نیز گفته‌اند که: حضرت خلیل علیه السلام به‌هنگام ندای حج برای مردم، بر بالای آن ایستاد.

در این‌جا رأی سومی نیز وجود دار که مضمون آن چنین است: حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام هنگامی که همسر فرزندش اسماعیل سر او را می‌شست، بر روی آن ایستاد. این در زمانی بود که حضرت ابراهیم برای دیدن فرزندش به این دیار آمد. سعید بن جبیر سخن آخر را استوار و محکم ندانسته است. در هرصورت می‌توان گفت که حضرت ابراهیم برای انجام کارهای یادشده بر آن ایستاده است.

خلفای عباسی به‌جهت تأثیرپذیری مقام نسبت به عوامل طبیعی و سستی سنگ و بیم از شکافته‌شدن آن، اهمیت ویژه‌ای بدان دادند و پیرامون مقام را به‌وسیله طوق‌هایی از طلا و نقره آذین کردند و آن را محکم و استوار ساختند.

هنگامی که خلیفه مهدی از خطراتی که متوجه مقام بود، آگاه شد، در سال ۱۶۱ هجری هزار دینار یا بیشتر را به مکه ارسال کرد که با آن مقام را از بالا تا پایین به‌صورتی پایدار و استوار درآوردند. متوکل علی‌اللّه، به‌هنگام حکومتش به‌وسیله طلا، پوشش دیگری را بر تزئین پیشین مهدی افزود. این آذین‌بندی به سال ۲۳۶ هجری واقع شد.

ص: ۳۱۵

در سال ۲۵۶ هجری پرده‌داران به علی بن حسن عباسی، عهده‌دار امور مکه، گزارش دادند که مقام از هم گسیخته است و بیم از تباهی آن دارندا. نامبرده‌گان از علی بن حسن عباسی درخواست کردند که مقام را ضمن استوار و ثابت کردن، آذین نماید و او دو طوق از طلا به مقدار ۹۹۲ مثقال و طوقی دیگر از نقره ساخت و سپس مقام را آورده، به‌وسیله جیوه سنگ مقام را درمیان طوق‌های یادشده آنچنان قرار دادند که غیرقابل گسستن بود. این کار به دست« بُشر» مولای خلیفه معتمد علی‌اللّه عباسی انجام پذیرفت. آنگاه سنگ مقام را با تزئین‌های صورت گرفته، به جایگاه اوّلی بازگرداندند و در آن ثابت و استوار کردند.(فاسی، شفاءالغرام، ج ۱، ص ۲۰۲ و ۲۰۳).

۱۸۱ (۱) محمد طاهر کردی، تاریخ‌القویم لمکّهٔ و بیت‌اللّه الکریم، ج ۴، ص ۴۴

۱۸۲ (۱) ابن‌جبیر، الرحله، ص ۵۵، ۵۶، ۹۷؛ فاسی، شفاءالغرام، ج ۱، ص ۲۰۴

۱۸۳ (۲) صبح‌الاعشی، ج ۴، ص ۲۸۳

۱۸۴ (۱) ابن ایاس، بدایع‌الزهور، ج ۵، ص ۲۰۵

۱۸۵ (۱) یوسف احمد، المحمل و الحج، ج ۱، ص ۲۴۹؛ حسین بن عبداللّه باسلامه، تاریخ‌الکعبهٔ المعظمهٔ، ص ۱۷۶ و ۱۷۷

۱۸۶ (۲) نک: دو شهادت‌نامه شرعی سال‌های ۱۳۲۱ و ۱۳۲۲ ه. ق.

۱۸۷ دکتر محمد الدقن - هادی انصاری، کعبه و جامه آن از آغاز تاکنون، ۱جلد، نشر مشعر - تهران، چاپ: ۱، ۱۳۸۴.

۱۸۸ (۱) ابراهیم رفعت، مرآهٔالحرمین، ج ۱، ص ۲۹۹ و ۳۰۰؛ حسین عبداللّه، باسلامه، تاریخ‌الکعبهٔ المعظمه‌ص ۳۷۹ و ۳۸۰

۱۸۹ (۲) نک: به شهادت‌نامه‌های شرعی تسلیم جامه کعبه معظمه در سال‌های ۱۳۲۱، ۱۳۲۲ و ۱۳۸۰ ه. ق.

۱۹۰ (۱) ابراهیم رفعت، مرآهٔالحرمین، ج ۱، ص ۳۰۰

۱۹۱ (۱) در متن کتاب، تیتر این بخش، به صورت جامات و طراز و برقع آمده است. نویسنده کتاب خود مقصود از طراز را کمربندِ جامه کعبه یاد کرده و برقع را به عنوان پرده در کعبه عنوان نموده است. امّا جامات را نقش و نگارهای ابریشمی با تارهای طلا و نقره یاد کرده که به شکل دایره بوده و در درون آنها نوشته‌هایی نقش بسته است.

هم اکنن این شکل نوشته‌ها را در زبان عربی« کردشیه» می‌نامند.

از این پس، در این کتاب به هنگام سخن از جامات و طراز همواره کلمه کردشیه و کمردبند را به کار می‌بریم.« مترجم»

۱۹۲ (۱) فاسی:، شفاء الغرام، ج ۱، صص ۱۲۲ و ۱۲۳

۱۹۳ (۲) قلقشندی، صبح الاعشی، ج ۴

۱۹۴ (۱) دیباج؛ نوعی پارچه ابریشمی است.

۱۹۵ (۲) فاسی، شفاء الغرام، ج ۱، ص ۱۲۲

۱۹۶ (۱) محمّد طاهر کردی، التاریخ القویم، لمکّهٔ وبیت اللّه الکریم، ج ۴، صص ۱۹۶ و ۱۹۷

۱۹۷ (۱) فاسی، شفاء الغرام، ...، ج ۱، ص ۱۲۲

۱۹۸ (۲) آل عمران: ۹۶

۱۹۹ (۳) ابن جبیر، الرحله، دار مکتبهٔ الهلال بیروت، لبنان، ۱۹۸۱، ص ۱۴۱

۲۰۰ (۱) آل عمران: ۹۶ و ۹۷

۲۰۱ (۲) بقره: ۱۲۷ و ۱۲۸

ص: ۳۱۶

۲۰۲ (۱) فاسی، شفاء الغرام ...، ج ۱، ص ۱۲۳

۲۰۳ (۲) ظاهر برقوق متوفای سال(۸۰ ه. ق.) بوده است.

۲۰۴ (۱) قلقشندی، صبح الاعشی، ج ۴، صص ۲۸۱ و ۲۸۲

۲۰۵ (۲) فاسی: شفاء الغرام، ج ۱، ص ۱۲۳

۲۰۶ (۳) قلقشندی، صبح الاعشی، ج ۴، ص ۲۸۲

۲۰۷ (۱) این چترها به شکل ویژه‌ای ساخته می‌شد و آنگاه به وسیله جواهرات گران سنگ و نفیس، که ارزش آنهاغیر قابل تعیین بود، تزیین می‌گردید و سپس به سمت پیش روی کعبه؛ یعنی بر قسمت فوقانی در کعبه قرار داده می‌شد و بدین صورت وضعیّت زیبا و دلنشی را در این مکان به وجود می‌آورد.

۲۰۸ (۲) فاسی، شفاء الغرام، ج ۱، ص ۱۱۶؛ نک: ابن ظهیره، جامع اللطیف، صص ۱۱۱ و ۱۱۲

۲۰۹ (۱) مقریزی، تقی الدین احمد بن علی، اتعاظ الحنفا بأخبار الأئمّة الفاطمیین الخلفا، تحقیق و تعلیق دکتر جمال الدین الشیال، دار الفکر العربی، القاهره، ۱۳۶۷ ه./ ۱۹۴۸ م. صص ۱۹۳ و ۱۹۴

۲۱۰ (۱) همان مصدر، صص ۱۹۳ و ۱۹۴

۲۱۱ (۱) فاسی، شفاء الغرام، ج ۱، ص ۱۲۴

۲۱۲ (۱) قلقشندی، صبح الاعشی، ج ۴، ص ۲۸۲

۲۱۳ (۲) حسین عبداللّه باسلامه، تاریخ الکعبة المعظمه، صص ۲۸۳ و ۲۸۴

۲۱۴ (۱) قلقشندی، صبح الاعشی، ج ۴، ص ۲۸۲

۲۱۵ (۲) ابن ایاس، بدائع الزهور، ج ۵، ص ۲۰۵

۲۱۶ (۳) ازرقی، اخبار مکّه، ج ۱، ص ۲۵۸

۲۱۷ (۱) طبق فرمانی که از سوی عبداللّه المهدی محمّد خلیفه مسلمانان به محمّد بن سلیمان داده شد، جامه‌ای به سبک« تنیس» به دست کارگزار خود خطاب بن مسلمه در سال یکصد و پنجاه و نُه برای کعبه ساخته شد.»

۲۱۸ (۱) به نام خدا و برکت از خدا برای بنده‌اش مهدی امیر المؤمنین که خداوند عمرش را دراز گرداند! فرمان داد به اسماعیل بن ابراهیم که جامه‌ای به سبک« تنیس» بافته شود که این جامه به سال یکصد و شصت و دو، به دست حکم بن عبید ساخته شد.

۲۱۹ (۲) تونه؛ دهکده‌ای بوده در اطراف تنیس در مصر که گاه جامه کعبه مشرّفه در آن ساخته می‌شد.

۲۲۰ (۱) قطب‌الدین حنفی، الاعلام، ص ۱۲۸

ص: ۳۱۷

۲۲۱ (۱) ابن ایاس که گفته است:« و کسوهٔ لضریح سیدنا ابراهیم الخلیل»، اشتباهی است از سوی وی؛ زیرا« جامه‌مقام ابراهیم خلیل» صحیح است. این مقام در برابر کعبه مشرفه و در جوار چاه زمزم می‌باشد که همواره با جامه‌ای زیبا پوشانیده می‌شده است، اما مرقد حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام در شهر الخلیل، در فلسطین است.

۲۲۲ (۲) ابن ایاس، بدائع‌الزهور ...، ج ۵، ص ۲۰۵

۲۲۳ (۱) نک: ابن ایاس، بدائع‌الزهور ...، ج ۵، صص ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۸ و ۲۱۹

۲۲۴ (۲) قطب‌الدین حنفی، الاعلام ...، صص ۷۰ و ۷۱

۲۲۵ (۱) شرح نامها و موقعیت دهکده‌های یاد شده و تقسیم‌بندی تبعیت آنها از استان‌های مختلف، به نقل از یوسف احمد، المحمل و الحج، ج ۱، ص ۲۵۸

۲۲۶ (۱) نک: وقف‌نامه جامه کعبه که از سوی سلطان سلیمان قانونی وقف گردیده است.

۲۲۷ (۱) ازرقی، اخبار مکه، ج ۱، ص ۲۵۸

۲۲۸ (۲) محمد طاهر کردی، تاریخ‌القویم، ج ۴، ص ۲۰۳

۲۲۹ (۱) الجبرتی، عجائب‌الآثار فی التراجم و الأخبار، تحقیق اساتید محترم حسن محمد جوهر، عمر الدسوقی، سید ابراهیم سالم، چاپ اول، لجنهٔ البیان العربی، قاهره، ۱۳۸۶ ه. ق./ ۱۹۹۶ م، ج ۵، صص ۲۷ و ۲۸

۲۳۰ (۱) از دیرباز، سنت بر این بود که دولت مصر، مبلغی را به‌عنوان حقوق سالیانه به اشراف و اعراب و اهالی‌مکه و مدینه می‌پرداخت. این مبلغ که همواره از سوی کمیته‌ای در وزارت مالیه مصر تعیین می‌گردید، هر سال کم و زیاد شده و طی شهادت‌نامه شرعی، در حضور امیرالحاج و وزیر مالی و گروهی از صرافان در اختیار شخصی به‌نام خزانه‌دار کاروان قرار داده می‌شد. حقوق یادشده در مکه و مدینه و گاه به بعضی از قبایل میان راه برای جلب محبت و دوستی آنان و مصون بودن از آزار و اذیت و دزدی آن قبایل، طبق دفتری که در اختیار داشت و نام و حقوق هر فرد در آن مشخص بود، پس از تأیید خزانه‌دار و امیرالحاج و منشی اوّل خزانه، به آنان پرداخت می‌گردید.« مترجم».

۲۳۱ (۲) جبرتی، عجائب‌الآثار و ...، ج ۵، صص ۴۹- ۳۴

۲۳۲ (۱) جبرتی، عجائب‌الآثار و ...، ج ۵، ص ۱۴۰

۲۳۳ (۱) نک: جبرتی، مصدر پیشین، ج ۵، صص ۲۰۴ و ۲۰۵

۲۳۴ (۱) جبرتی، ج ۵، ص ۱۴۰، ۳۰۲ و ۳۰۳

۲۳۵ (۱) جبرتی، مصدر سابق، ج ۵، ص ۳۱۳

۲۳۶ (۲) جبرتی، مصدر سابق، ج ۵، ص ۳۲۹

۲۳۷ (۳) جبرتی، عجائب‌الآثار فی التراجم و الاخبار، ج ۶، صص ۳۰۷، ۳۰۸ و ۳۶۳

۲۳۸ (۱) ازرقی، اخبار مکه، ج ۱، پاورقی، ص ۲۸۵

۲۳۹ (۱) به مدیر کارگاه جامه بافی، در آن هنگام ناظر جامه می‌گفته‌اند.« مترجم»

۲۴۰ (۱) جبرتی، عجائب الآثار ... ج ۶، صص ۲۳۱، ۲۵۸، ۲۵۹، ۳۰۷، ۳۰۸ و ۳۶۳

۲۴۱ (۲) همان، ج ۷، صص ۲۲۲ و ۲۲۵

۲۴۲ (۱) حسین عبداللّه باسلامه: تاریخ الکعبه المعظمه، ص ۲۸۸ و ۲۸۹

محمد طاهر الکردی: التاریخ القویم، ج ۴، ص ۲۰۶

ص: ۳۱۸

۲۴۳ (۱) یوسف احمد: المحمل و الحج، ج ۱، ص ۲۶۲

۲۴۴ (۱) حسین عبداللّه باسلامه، تاریخ الکعبهٔ المعظمه، صص ۲۸۹ و ۲۹۰

۲۴۵ (۲) حسین بن محمد نصیف: ماضی الحجاز و حاضره، چاپ اول جده ۱۳۴۹ ه. صص ۹۵ و ۹۶

۲۴۶ (۳) نویسنده کتاب در این جا به صورت مشروح مطلب را عنوان کرده و دو دولت را به محاکمه کشیده است که از مطرح کردن آنها در این بخش خودداری گردید،« مترجم».

۲۴۷ (۴) نوعی پارچه که در عراق تهیه می‌شده و ظاهراً از مقاومت ویژه‌ای نسبت به حرارت و سرما برخورداربوده است،« مترجم».

۲۴۸ (۵) حسین عبداللّه با سلامه، تاریخ الکعبه المعظمه، ص ۲۸۱

محمد طاهر الکردی، التاریخ القویم، ج ۴، ص ۲۰۷

۲۴۹ (۱) ارزقی، اخبار مکه، ج ۱، پاورقی ص ۲۵۹

یوسف احمد، المحمل و الحج، ج ۱، صص ۲۶۲ و ۲۶۳

۲۵۰ (۱) در دوران پادشاهی عبدالعزیز آل سعود، فرمانروای دولت عربستان سعودی به کعبه مشرفه اهدا گردید.

۲۵۱ (۱) به متون پیمان نامه‌های رسمی میان مصر و عربستان منتشر شده در نوشته یوسف احمد، المحمل و الحج، ج ۱، صص ۲۰- ۱۴ مراجعه شود.

۲۵۲ (۲) محمد محمد المدنی، رأی الدین فی حادث الکسوه، بحثی علمی، دینی و تاریخی به مناسبت رد ملک سعود نسبت به جامه اهدایی از سوی جمهوری عربی متحد(مصر) به کعبه در موسم سال ۱۳۸۱ ه./ ۱۹۲۶ م. طرح کرده است.

۲۵۳ (۱) دار الکسوهٔ الشریفه.

۲۵۴ (۲) مؤلف به دیدار این جامه در کارگاه خود در خرنفش، واقع در قاهره اقدام کرده است.

۲۵۵ (۳) هرگونه ممانعت از ورود به حرم به هنگام موسم را، شرعاً، مصدود می‌گویند.

که در این حال استطاعت حج از مستطیع سلب می‌گردد.(مترجم).

۲۵۶ (۴) محمد محمد المدنی، رأی الدین فی حادث الکسوهٔ، صص ۲۵، ۲۷ و ۲۸

۲۵۷ (۱) تمامی رتبه‌ها و درجه‌های یادشده پس از انقلاب ۲۳ ژوئیه سال ۱۹۵۲ م. برچیده شد.

۲۵۸ (۱) محمد طاهر کردی، تاریخ القدیم، ج ۴، ص ۲۳۶

۲۵۹ (۱) به بخش جامه در دوران عباسی مراجعه نمایید.

۲۶۰ (۲) مقریزی، الخطط، ج ۱، صص ۳۲۹ و ۳۳۱ و ۳۳۸. همچنین نک: علی پاشا مبارک؛ الخطط التوفیقیه، چاپ اوّل، بولاق ۱۳۰۴ ه. ج ۱، صص ۴۴ و ۴۶

۲۶۱ (۱) مقریزی، الخطط، ج ۱، صص ۳۳۷، ۳۳۸ و ۳۳۹ و نیز نک: علی پاشا مبارک الخطط التوفیقیه، ج ۱، صص ۴۹- ۴۴

۲۶۲ (۲) مقریزی: الخطط، ج ۱، صص ۳۳۹، ۴۲۲

۲۶۳ (۳) منظور بارگاه رأس الحسین در قاهره می‌باشد،« مترجم».

۲۶۴ (۴) صبح الأعشی، ج ۴، ص ۵۷

ص: ۳۱۹

۲۶۵ (۱) قصر ابلق، کاخ ساخته ناصر محمدبن قلاوون در سال ۷۱۳ ه. بوده است. وی این کاخ را به وسیله‌سنگ‌های سیاه و زرد بنا کرد که به همین مناسبت ابلق خوانده شد. این کاخ همانند قصر ابلق دمشق ساخته« ظاهر بیبرس» بنا گردید. نامبرده نخستین فردی است که ساختمان رنگین از دو نوع سنگ، سفید و زرد و یا سیاه و زرد را به مصر آوردند و سپس ناصر از او تقلید کرد. مقریزی در خطط خود در این باره چنین می‌گوید:« این قصر مشرف بر اصطبل بوده که به وسیله ملك ناصر محمدبن قلاوون در شعبان سال هفتصدو سیزده آغاز گردید و در سال هفتصدو چهارده به پایان رسید ... عادت این چنین بود که سلطان تمامی روزهای هفته، به استثنای دوشنبه و پنجشنبه را در این کاخ جلوس می‌کرد و به خدمت مشغول می‌گردید و دو روز یاد شده را در« دارالعدل» به سر می‌برد. سلطان از کاخ های جانبی بدین کاخ وارد می‌شد و گاه در صدر ایوان این کاخ که مسلط بر اصطبل بود جلوس می‌کرد و گاه خود بر زمین نشسته و امرا و فرمانروایان همگی در حال ایستاده در اطراف او فرمان‌ها را دریافت می‌داشتند. این کاخ درآمدهایی داشت که بیشتر آنها از میان رفته و هم‌اکنون تنها آثاری از این کاخ باقی مانده است ...» نك: مقریزی، الخطط، ج ۳، صص ۴۱ و ۴۲

۲۶۶ (۲) ابن ایاس، بدائع الزهور، ج ۵، صص ۲۱۲ و ۲۱۳

۲۶۷ (۱) جبرتی، عجائب الآثار، ج ۵، ص ۲۸

۲۶۸ (۱) جبرتی، عجائب الآثار، ج ۶، ص ۱۸۷؛ بیت الملاهمان دارالملای معروف است که این خانه به وسیله‌امیر« بیبرس حاجب» یکی از امیران ملك ناصر محمدبن قلاوون، بنا نهاده شد. امیر یاد شده در سال ۷۴۲ ه. وفات یافت. علی مبارك پاشا این خانه را این گونه توصیف می‌کند:« ... دارای ورودی وسیعی بوده که سقف آن بسیار بلند می‌باشد. این خانه همچنین دارای ورودی‌ها و اتاق‌های متعدد دیگری نیز می‌باشد ... هنگامیکه این خانه در وقف ملا در آمد به« دارالملا» معروف گردید و تاکنون نیز به همین اسم نامبردار است.»(الخطط التوفیقیه، ج ۲، صص ۲۱ و ۲۲)

۲۶۹ (۲) جبرتی، عجائب الآثار، ج ۷، صص ۲۸۹، ۴۱۳ و ۴۳۴

۲۷۰ (۱) جبرتی: عجائب الآثار ... ج ۷، ص ۴۳۴

۲۷۱ (۲) علی مبارك، الخطط التوفیقیه، ج ۳، ص ۲۷

۲۷۲ (۳) اداره جامه شریفه.

ص: ۳۲۰

۲۷۳ (۱) طبق اسناد و دفاتر« دار الکسوة الشریفه» در قاهره که در آن به طور خلاصه از چگونگی کار و پیشرفت هنری و عملی ساختن جامه کعبه از روزی که در آن آغاز به کار گردید، سخن رفته است. مؤلف، خود از این کارگاه واقع در خرنفش قاهره چندین بار دیدن کرده و بر دفاتر و اسناد موجود در آن اطلاع یافته همچنانکه از این اسناد و برگه‌ها، عکس‌هایی بعنوان سند تهیه کرده است و نیز مؤلف قطعه‌های جامه کعبه را که در سال ۱۳۸۱ ه. به مصر باز گردانیده شده، مشاهده کرده و از برخی قطعه‌های آنان عکس نیز گرفته است. نامبرده از بخش بافت جامه‌های زربفت و ابریشمی در آن به هنگام کار دیدن کرده و عکس‌های متعددی از چگونگی کار در این بخش و نیز از ساختمان آن گرفته است.

۲۷۴ (۱) برگرفته از اسناد و دفاتر« دار الکسوه الشریفه» در قاهره.

۲۷۵ (۱) اسناد و مدارک« دار الکسوه» در قاهره:

صورت تعهدنامه دوزنده جامه که شامل بریدن و دوختن و آسترکردن جامه کعبه در سال ۱۳۶۲ ه./ ۱۹۴۲ م. می‌شد؟؟؟؟

۲۷۶ (۱) نظر به اینکه اینجانب خصوصیت ویژه‌ای را در بندهای این قرارداد ملاحظه کردم، بنابراین از ترجمه آن خودداری نمودم،« مترجم».

۲۷۷ (۱) جنیه مصری معادل یک لیره استرلینگ انگلیسی در آن دوران به شمار می‌آمده است،« مترجم».

۲۷۸ (۱) ابراهیم رفعت پاشا، مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۲۹۷

۲۷۹ (۲) ابراهیم رفعت پاشا، مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۶

۲۸۰ (۳) ابراهیم رفعت پاشا، مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۲۹۷

۲۸۱ (۱) بتنونی، الرحلة الحجازیه، صص ۱۳۷ و ۱۳۸

۲۸۲ (۲) ابراهیم رفعت پاشا، مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۲۹۷

۲۸۳ (۱) شهادت نامه‌های شرعی تسلیم جامه کعبه در سال های ۱۳۲۱ و ۱۳۲۲ ه. ق.

۲۸۴ (۱) ذراع معادل ۵۷ سانتی‌متر می‌باشد.

۲۸۵ (۲) کردشیه؛ دایره‌ای شکل.

۲۸۶ (۱) بنابر شهادت‌نامه‌های شرعی تسلیم جامه در سال های ۱۳۲۱، ۱۳۲۲ ه. و نیز نک: ابراهیم رفعت پاشا: مرآة الحرمین، ج ۱، صص ۲۹۲ و ۲۹۳

۲۸۷ (۲) یوسف احمد: المحمل والحجّ، ج ۱، صص ۲۶۴ و ۲۶۵

ص: ۳۲۱

۲۸۸ دکتر محمد الدقن - هادی انصاری، کعبه و جامه آن از آغاز تاکنون، ۱جلد، نشر مشعر - تهران، چاپ: ۱، ۱۳۸۴.

۲۸۹ (۱) این کلمه در اصل ریشه ترکی داشته که در مصر دوران ممالیک به کار می‌رفته است،« مترجم».

۲۹۰ (۱) این نوشته‌ها به صورت کامل و واضح بر روی دو کمربند هفتم و هشتم که از سوی ابراهیم رفعت پاشا در کتاب خود مرآة الحرمین، ج ۱، شکل شماره ۱۱۰، ص ۲۸۴ آورده، کاملًا روشن و آشکار است.

۲۹۱ (۱) فرمان داد ساختن این جامه شریفه را برای کعبه بیت اللّٰه الحرام،(نام شخص) در سال ...

۲۹۲ (۱) اسناد و مدارک موجود در کارگاه جامه بافی کعبه مکرّمه در قاهره:

و نیز نک: یوسف احمد، المحمل والحجّ، ج ۱، صص ۲۶۵، ۲۶۶ و ۲۶۷

۲۹۳ (۲) ابراهیم رفعت، مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۲۹۳

۲۹۴ (۱) شهادت نامه‌های تسلیم جامه کعبه در سال های ۱۳۲۱، ۱۳۲۲ هجری. و نیز نک: ابراهیم رفعت پاشا، مرآة الحرمین، ج ۱، صص ۲۹۳ و ۲۹۴

۲۹۵ (۱) نوشته‌ها و آذین‌های یاد شده؛ به وسیله مؤلّف بر روی پرده درِ کعبه مظعّمه که در میان قطعه‌های جامه مصری موجود در کارگاه جامه‌بافی در خرنفش که هم اکنون وجود دارد، مشاهده گردید. این جامه همان جامه‌ای است که در سال ۱۳۸۱ ه. به مصر بازگردانیده شد.

۲۹۶ (۱) سُجُق، شبکه‌ای از بافته که پیرامون آن گلوله‌های نخی قرار داشت.

۲۹۷ (۲) شهادت‌نامه‌های شرعی تسلیم جامه کعبه در سالهای ۱۳۲۱ و ۱۳۲۲ ه. و نیز نک: ابراهیم رفعت، مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۲۹۵

۲۹۸ (۱) شهادت‌نامه‌های شرعی تسلیم جامه کعبه در سال های ۱۳۲۱ و ۱۳۲۲ ه. نک: ابراهیم رفعت، مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۲۹۵

۲۹۹ (۲) دو مصدر سابق.

ص: ۳۲۲

۳۰۰ (۳) ابراهیم رفعت پاشا، مرآة الحرمین، ج ۱ شکل شماره ۱۰۴ ص ۲۶۴

۳۰۱ (۴) شـهادت نامه‌هـای شـرعی، تسـلیم جامه کعبه در سالهای ۱۳۲۱ و ۱۳۲۲ ه و نیز نظر افکنیـد بـه ابراهیـم رفعت پاشـا، مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۲۹۶.

۳۰۲ (۱) شـهادت نامه‌های شرعی تسلیم جامه کعبه در سال های ۱۳۲۱ و ۱۳۲۲ هجری و نیز نـک: به ابراهیم رفعت، مرآة الحرمین، ج ۱ ص ۲۹۴

۳۰۳ (۱). این تناب‌ها پس از آنکه در قسمت فوقانی جامه کعبه دوخته می‌شد بر بام کعبه آویزان می‌گشت.

۳۰۴ (۲) جامه کعبه به‌وسیله این گونه طناب‌ها به حلقه‌های مسین استوار شده در پیرامون کعبه و شاذروان، متصل می‌گردید.

۳۰۵ (۱) ۳) شـهادت نامه‌های شرعی، تسلیم جامه کعبه در سال های ۱۳۲۱ و ۱۳۲۲ ه. و ۱۳۸۰ ه. و نیز نـک: به ابراهیم رفعت پاشا: مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۲۹۶ و بتنونی، الرحلة الحجازیه، صص ۱۳۶ و ۱۳۷

۳۰۶ (۱) بتنونی، الرحلة الحجازیه، ص ۱۴۰

۳۰۷ (۲) هر قنطار برابر ۴۴ /۹۳ کیلوگرم است،« مترجم».

۳۰۸ (۱) صاحب‌گربه‌ها.

۳۰۹ (۱) بتنونی، الرحلة الحجازیه، صص ۱۴۶- ۱۴۴

۳۱۰ (۱) بتنونی، الرحلة الحجازیه، صص ۱۴۳ و ۱۴۴

۳۱۱ (۱) مرآةالحرمین، ج ۱، صص ۱۱- ۹

۳۱۲ (۱) ابراهیم رفعت، مرآةالحرمین، ج ۱، صص ۱۱ و ۱۲

۳۱۳ (۲) اسناد و مدارك« دارالکسوة الشریفه» در قاهره، مراسم جشن خروج محمل و جامه.

۳۱۴ (۱) ابراهیم رفعت: مرآة الحرمین، ج ۱، صص ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۹، ۲۰ و ۲۴ و بتنونی، الرحلة الحجازیه، صص ۱۳۸ و ۱۳۹

۳۱۵ (۱) ابن‌جبیر، الرحله، صص ۱۴۰ و ۱۴۱

ص: ۳۲۳

۳۱۶ (۲) این جامه به وسیله شخص امیر یاد شده از مصر آورده شده بود که پیش از حرکت به منا از بیم سرقت آن‌را در درون کعبه قرار داده بود. پیش از این سنت این چنین بود که امیر الحاج مصری به همراه جامه به منا حرکت کرده و در روز نحر آن را به مکه آورده و بر کعبه مشرفه قرار می‌داد لیکن بر اثر حادثه‌ای که در یکی از سال‌ها در منا اتفاق افتاد، قطعه‌هایی از جامه در هنگام اقامت آنان در منا به سرقت رفت که در آن هنگام امیر اموال فراوانی را برای به دست آوردن مجدد آن صرف نمود. از این پس به امرای حج توصیه گردید که جامه را به هنگام رسیدن به مکه مکرمه و پیش از عزیمت به منا و عرفات در درون کعبه قرار دهند و سپس در روز نحر در هیئت کاروانی به سوی مکه سرازیر شده و آن را بر روی کعبه مکرمه قرار دهند.(نظر افکنید به شفاء الغرام ج ۱، ص ۱۲۵).

۳۱۷ (۳) فاسی: شفاء الغرام، ج ۱، ص ۱۲۵

۳۱۸ (۱) حسین عبداللّه باسلامه، تاریخ الکعبة المعظمه، صص ۲۹۵- ۲۹۲ و توسعة الحرمین الشریفین- از نشریات وزارت اعلام وابسته به دولت عربستان سعودی(بدون تاریخ) ص ۱۲۴

۳۱۹ (۱) نک: تاریخ الکعبة المعظمه، صص ۲۹۵ و ۳۰۰

۳۲۰ (۲) مؤلف در چهارشنبه، سوم رجب سال ۱۴۰۴ ه. ق./ ۴ آوریل ۱۹۸۴ م. به دیدار این کارگاه رفته و مراحل گوناگون جامه بافی و بخش‌های مختلف آن را از نزدیک مشاهده کرده است. نامبرده این بخش را با توجه به مشاهدات خویش از نزدیک نسبت به جامه کنونی کعبه به قلم آورده است.

۳۲۱ (۱) جامه یاد شده در شعبان سال ۱۴۱۷ هجری پس از عملیات ساختمانی و نوسازی درون کعبه و بیرون آن، که شامل تغییر سنگ‌فرش‌های کف درون کعبه و دیوارهای آن و نوسازی پله‌های درون کعبه و برداشتن سقف دوم در درون کعبه و نیز تغییر سنگ‌های شاذروان در پیرامون کعبه و جز اینها بود، در درون کعبه آویخته شد.

لازم به یادآوری است که همواره جامه درونی کعبه از زیر سقف دوم درون کعبه تا ابتدای سنگ‌های مرمر معرق اطراف کعبه که در ارتفاع تقریبی یکصد و هشتاد سانتیمتری از کف درون کعبه قرار داشت، آویزان می‌شد، لیکن پس از تغییرات یاد شده در سال ۱۴۱۷ ه. و برداشته شدن سقف درونی کعبه و قرار دادن سنگ مرمر خاکستری راه راه بر دیوارهای درونی آن، جامه یاد شده از زیر سقف اصلی کعبه تا ۱۳ ارتفاع کعبه از درون در بالا آویخته شد.

برای اطلاع بیشتر از تغییرات یاد شده می‌توانید به مقاله« درون کعبه در دو دیدار» درج شده در مجله وزین« میقات حج» شماره ۱۸ سال ۱۳۷۶ مراجعه نمایید.« مترجم»

۳۲۲ (۱) ازرقی، اخبار مکه، ج ۱، ص ۲۵۱

۳۲۳ (۱) شیبه فرزند عثمان‌بن ابی طلحه واز خاندان عبدالدار بوده که در آن هنگام پرده‌دار کعبه به شمار می‌آمده‌است- مترجم.

۳۲۴ (۱) نک: ازرقی، اخبار مکه، ج ۱، صص ۲۶ و ۲۶۱؛ قطب‌الدین حنفی، الاعلام صص ۷۱ و ۷۲؛ محب‌الدین طبری، القری لقاصد امّ القری، صص ۴۷۶ و ۴۷۷

۳۲۵ (۲) نک: ازرقی، اخبار مکه، ج ۱، صص ۲۶۲- ۲۶۴؛ محبّ الدین‌طبری، القری لقاصد امّ القری، ص ۴۷۷

۳۲۶ (۱) قطب‌الدین حنفی، الأعلام، صص ۵۹- ۶۳

ص: ۳۲۴

۳۲۷ (۲) محمد طاهر کردی، التاریخ القویم، ج ۴، ص ۲۶۲

۳۲۸ (۱) فاسی شفاءالغرام، ج ۱، صص ۱۴۶، ۱۵۴ و ۱۵۷

۳۲۹ (۲) ابن جبیر، الرحله، صص ۱۰۳، ۱۰۴ و فاسی، شفاءالغرام، ج ۱، ص ۱۲۸

۳۳۰ دکتر محمد الدقن – هادی انصاری، کعبه و جامه آن از آغاز تاکنون، ۱جلد، نشر مشعر – تهران، چاپ: ۱، ۱۳۸۴.

۳۳۱ (۱) حسین عبداللّه باسلامه، تاریخ الکعبه المعظمه، صص ۲۶۵ و ۲۶۷

۳۳۲ (۱) ازرقی، اخبار مکه، ج ۱، صص ۲۵۴ و ۲۵۷؛ فاسی، شفاء الغرام، ج ۱ ص ۱۲۶؛ عقدالثمین، ج ۱، ص ۶۰؛ محب‌الدین‌طبری، القری لقاصد امّ القری، ص ۴۷۶؛ قطب‌الدین‌حنفی، الاعلام صص ۷۱- ۷۲

۳۳۳ (۲) فاسی، شفاء الغرام، ج ۱، ص ۱۲۶؛ ابن ظهیر، جامع‌اللطیف، ص ۱۰۴

۳۳۴ (۳) ازرقی، اخبار مکه، ج ۱، ص ۲۵۵

۳۳۵ (۱) ازرقی، ج ۱، ص ۲۶۳؛ محب الدین طبری، القرای لقاصد امّ القری، ص ۴۷۷؛ ابن ظهیره، جامع اللطیف، ص ۱۱۰

۳۳۶ (۱) محمد طاهر کردی، تاریخ القویم، ج ۴، صص ۲۳۲، ۲۳۳ و ۲۷۲، ۲۷۳

۳۳۷ (۱) صبح الاعشی، ج ۴، صص ۲۷۶، ۲۸۳

۳۳۸ (۲) یوسف احمد، المحمل والحج، ج ۱، ص ۲۴۴

۳۳۹ (۳) نامبرده درسال ۷۹۸ ه. به امارت مکّه رسید و تا سال ۸۰۹ ه. آن را دردست داشت.

۳۴۰ (۴) فاسی، شفاء الغرام ... ج ۱، ص ۱۲۶

۳۴۱ (۵) جامع الطیف، ص ۱۰۸

۳۴۲ (۱) یوسف احمد، المحمل والحج، ج ۱، ص ۳۸۵

۳۴۳ (۱) حسین عبداللّه باسلامه، تاریخ الکعبهٔ المعظمه، صص ۳۷۶ و ۳۷۷

۳۴۴ (۲) محمد طاهر الکردی، تاریخ القویم، ج ۴، ص ۲۲۸

۳۴۵ (۱) مرآهٔ الحرمین، ج ۱، ص ۳۵۸

۳۴۶ (۲) شفاء الغرام، ج ۲، ص ۱۸۴؛ الکامل فی التاریخ، ج ۵، ص ۴۱۳

۳۴۷ (۳) شفاء الغرام، ج ۲، ص ۱۷۷؛ العقد الثمین، ج ۴، ص ۴۵۴

۳۴۸ (۱) العقد الثمین، ج ۱، ص ۱۷۰؛ مرآهٔ الحرمین، ج ۱، ص ۳۵۹

۳۴۹ (۲) خدمات متقابل ایران و اسلام، ص ۳۹۷

۳۵۰ (۳) العقد الثمین، ج ۱، ص ۱۷۰؛ مرآهٔ الحرمین، ج ۱، ص ۳۵۹

۳۵۱ (۴) سیر اعلام البنلاء، ج ۱۴، ص ۴۹۰

ص: ۳۲۵

۳۵۲ (۵) تذکرة الحفاظ، ج ۳، ص ۷۸۲

۳۵۳ (۱) العقد الثمین، ج ۵، ص ۳۲۴

۳۵۴ (۲) سیر اعلام النبلاء، ج ۱۰، ص ۵۸۶

۳۵۵ (۳) تذکرةالحفاظ، ج ۳، ص ۱۱۷۴

۳۵۶ (۴) سیر اعلام النبلاء، ج ۱۶، ص ۲۵؛ العقد الثمین، ج ۳، ص ۱۴۵

۳۵۷ (۱) العقد الثمین، ج ۵، ص ۵۹

۳۵۸ (۲) العقد الثمین، ج ۵، ص ۵۱۶

۳۵۹ (۳) العقد الثمین، ج ۱، ص ۲۸۸

۳۶۰ (۴) سیر اعلام النبلاء، ج ۱۴، ص ۴۹۰

۳۶۱ (۵) العقد الثمین، ج ۱، ص ۲۹۷- ۲۹۸

۳۶۲ (۶) العقد الثمین، ج ۱، ص ۳۸۶

۳۶۳ (۷) العقد الثمین، ج ۱، ص ۴۰۵

۳۶۴ (۸) العقد الثمین، ج ۵، ص ۳۲۴

۳۶۵ (۱) العقد الثمین، ج ۵، ص ۳۶۳

۳۶۶ (۲) العقد الثمین، ج ۲، ص ۳۶۳

۳۶۷ (۳) سیر اعلام النبلاء، ج ۱۲، ص ۲۵۶

۳۶۸ (۴) سیر اعلام النبلاء، ج ۱۸، ص ۳۸۵

۳۶۹ (۵) العقد الثمین، ج ۴، ص ۵۸۶؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۱۰، ص ۵۸۶

۳۷۰ (۶) تهذیب التهذیب، ج ۴، ص ۳۰۶

۳۷۱ (۷) العقد الثمین، ج ۳، ص ۳۲۵

۳۷۲ (۸) العقد الثمین، ج ۴، ص ۳۱۴

۳۷۳ (۹) تهذیب التهذیب، ج ۳، ص ۱۶۷

۳۷۴ (۱۰) العقد الثمین، ج ۴، ص ۵۳۱

۳۷۵ (۱۱) سیر اعلام النبلاء، ج ۱۹، ص ۱۹۶

۳۷۶ (۱۲) العقد الثمین، ج ۳، ص ۱۸

۳۷۷ (۱۳) العقد الثمین، ج ۳، ص ۳۶

۳۷۸ (۱۴) العقد الثمین، ج ۳، ص ۲۱۱

۳۷۹ (۱) سیر اعلام النبلاء، ج ۷، ص ۳۷۸؛ طبقات الحفاظ، ص ۹۶

۳۸۰ (۲) العقد الثمین، ج ۵، ص ۴۹۲

۳۸۱ (۳) سیر اعلام النبلاء، ج ۲۲، ص ۲۵۹

۳۸۲ (۴) العقد الثمین، ج ۶، ص ۳۳۴

۳۸۳ (۵) العقد الثمین، ج ۷، ص ۳۶۷

۳۸۴ (۶) سیر اعلام النبلاء، ج ۵، ص ۶۸

۳۸۵ (۷) العقد الثمین، ج ۵، ص ۲۹

ص: ۳۲۶

۳۸۶ (۸) مقرء کسی است که از استاد خود قراءات مختلف را یاد گیرد و آن را در اختیار دیگران قرار دهد. نک: چهارده روایت در قرآن مجید، ص ۱۲

۳۸۷ (۱) چهارده روایت در قراءت قرآن مجید، ص ۱۸

۳۸۸ (۲) چهارده روایت در قرآءات قرآن مجید، ص ۱۸.

۳۸۹ (۳) العقد الثمین، ج ۳، ص ۱۸

۳۹۰ (۴) التحفة اللطیف، ج ۱، ص ۲۸۰

۳۹۱ (۵) العقد الثمین، ج ۲، ص ۶

۳۹۲ (۱) سیر اعلام النبلاء، ج ۱۲، ص ۵۰.

۳۹۳ (۲) العقد الثمین، ج ۵، ص ۲۹.

۳۹۴ (۳) العقد الثمین، ج ۷، ص ۲۴۲.

۳۹۵ (۴) جهت تحقیق بیشتر به کتاب تاریخ مکه، ج ۱، ص ۳۳۲ مراجعه کنید.

۳۹۶ (۵) العقد الثمین، ج ۴، ص ۴۲۶؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۲۲، ص ۱۷.

۳۹۷ (۶) سیر اعلام النبلاء، ج ۲۲، ص ۲۵۹

۳۹۸ (۱) العقد الثمین، ج ۵، ص ۵۱۶

۳۹۹ (۲) همان، ص ۳۶۳

۴۰۰ (۳) همان، ص ۲۹

۴۰۱ (۱) العقد الثمین، ج ۵، ص ۲۱۳

۴۰۲ (۲) همان، ص ۲۱۲

۴۰۳ (۳) همان، ج ۴، ص ۳۶۲

۴۰۴ (۴) همان، ج ۳، ص ۸۱

۴۰۵ (۵) همان، ج ۳، ص ۱۰۸

۴۰۶ (۶) همان، ج ۲، ص ۶۹

۴۰۷ (۷) همان، ج ۲، ص ۱۲۱

۴۰۸ (۸) همان، ج ۲، ص ۱۵۶

۴۰۹ (۹) همان، ج ۵، ص ۴۳۱

۴۱۰ (۱۰) همان، ج ۵، ص ۴۸۸

۴۱۱ (۱۱) همان، ج ۶، ص ۱۸۳

۴۱۲ (۱۲) همان، ج ۱۲، ص ۲۰۳

۴۱۳ (۱۳) همان، ج ۶، ص ۲۳۳

۴۱۴ (۱) چهارده روایت در قرآن مجید، ص ۱۸

ص: ۳۲۷

۴۱۵ (۲) مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۲۸۳؛ العقد الثمین، ج ۳، ص ۲۶۱

۴۱۶ (۳) العقد الثمین، ج ۲، ص ۲۱۲

۴۱۷ (۴) مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۳۷۵

۴۱۸ (۱) تاریخ مکه، ج ۱، ص ۲۲۰ نوشته سباعی.

۴۱۹ (۲) العقد الثمین، ج ۴، ص ۲۸۶، تاریخ مکه، ج ۱، ص ۲۱۹؛ مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۲۸۳

۴۲۰ (۳) العقد الثمین، ج ۳، ص ۲۶۱

۴۲۱ (۴) التحفة اللطیفه، ج ۲، ص ۲۱۰

۴۲۲ (۵) العقد الثمین، ج ۴، ص ۳۸۵؛ تاریخ مکه، ص ۲۲۱۹، نوشته سباعی.

۴۲۳ (۶) العقد الثمین، ج ۳، ص ۲۹۳

۴۲۴ (۱) العقد الثمین، ج ۴، ص ۴۳۱

۴۲۵ (۲) العقد الثمین، ج ۵، ص ۴۵۴

۴۲۶ (۳) العقد الثمین، ج ۴، ص ۳۴۳

۴۲۷ (۴) العقد الثمین، ج ۴، ص ۳۲۰.

۴۲۸ (۱) العقد الثمین، ج ۲، ص ۲۱۲

۴۲۹ (۲) العقد الثمین، ج ۱، ص ۴۱۳.

۴۳۰ (۳) العقد الثمین، ج ۷، ص ۳۱۴

۴۳۱ (۴) التحفة اللطیفه، ج ۲، ص ۲۰۹

۴۳۲ (۱) تاریخ مکه، نوشته سباعی، ج ۱، ص ۳۲۷.

۴۳۳ (۲) اعیان الشیعه، ج ۴، ص ۱۴۷

۴۳۴ (۳) تاریخ مکه، نوشته سباعی، ج ۲، ص ۴۶۷

۴۳۵ (۱) العقدالثمین، ج ۱، ص ۴۰۹

۴۳۶ (۲) العقد الثمین، ج ۲، ص ۶۹

۴۳۷ دکتر محمد الدقن - هادی انصاری، کعبه و جامه آن از آغاز تاکنون، ۱جلد، نشر مشعر - تهران، چاپ: ۱، ۱۳۸۴.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.
از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)
ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۶۲۱-۰۶۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰IR۹۰ ۵۳-۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹